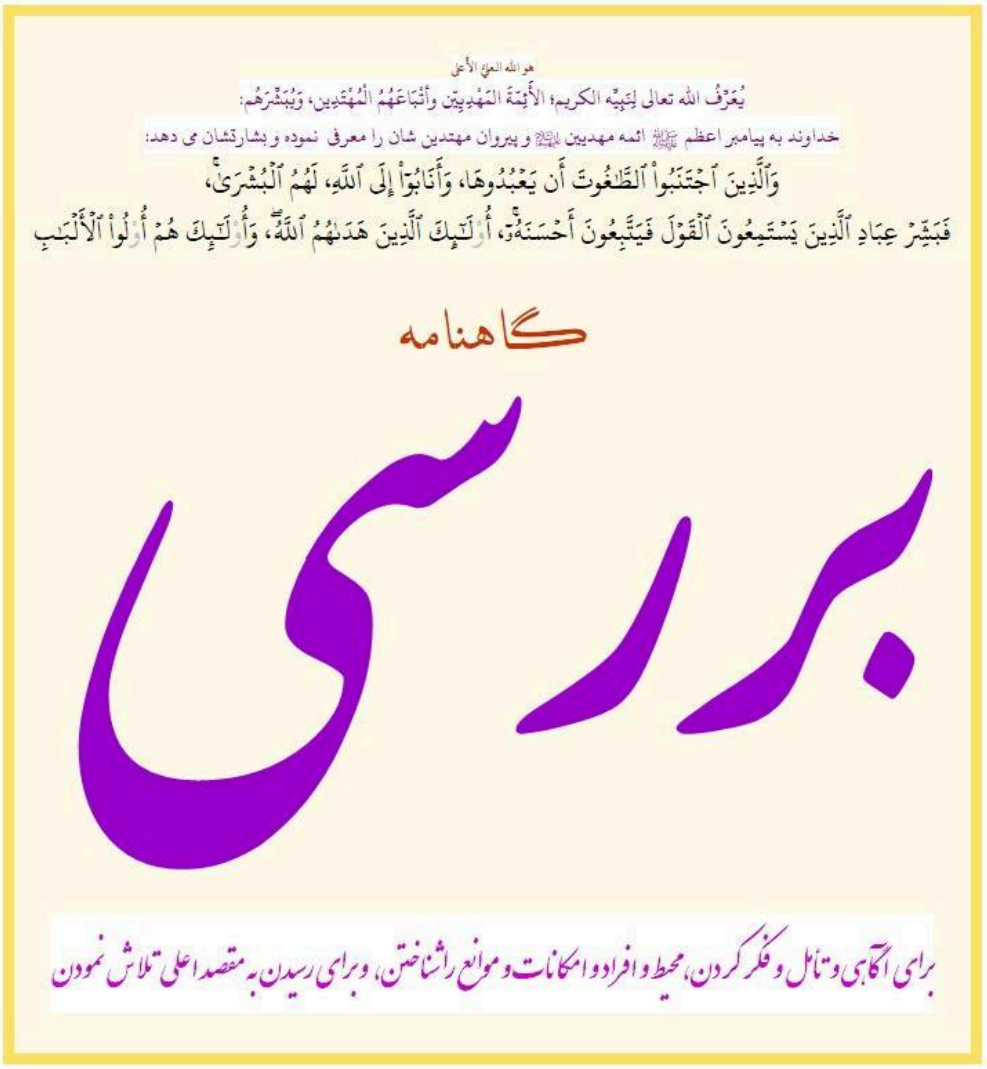


آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هـجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهي و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و باکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و امریکا) بدست می آمد و بطور شفاهي در جلسات همراهان تبادل مي کردید،
بعد از بیروزي انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوري اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمي افزون بر رسانه های عمومي هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد،
سبس با آمدن اینترنت و وسعت کستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخي از اهل مطالعه تبادل مطالعاتي انجام مي شد،
تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین
همچنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آگاهي از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است،
و عدم محاصره خبري و تسلط جو رسانه ای توسط جریاني خاص؛ و اطلاع هرجه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبي یا حکومتي مي باشد.
همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخي گزارشها خصوصا از منابع غیر خودي و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافي بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.
فرستادن گزارشي علامت تأیید کلیات جه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست،
و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد،
فرصتي هم برای تصحیح یا بازنویسي متن آنها یا تعلیقه نویسي بر همه گزارشها و همه فقرات آن نیست،
ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آگاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انکیزه کافي جهت تلاش برامقصد اعلی است،
اکر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیکر ارسال نکنیم
و مطالب آنرا برای دیکری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعیها أذن واعیة).

کسانی که این گزارشها را بررسي مي کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهي:
1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و بیروی و التزام به آن کنند.
2- توجه عمیق و با تمام وجود به درکاه و مسیر الهي بنمایند.
3- در بررسیها هرجه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در جهارجوب تعالیم مکتب وحي است بیروي کنند.

اکر مناسب دیدند مطلبي را در اختیار کسي بکذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده،
و مطلب را بدون انتساب به کسي یا شخصي یا مرکزی یا عنواني در اختیارش بکذارند؛

فلذا از بازارسال مستقیم ایمیلها خودداری کنند و حفاظت لازم را رعایت نمایند.

21 شوال 1438



روحانی: سازنده موشک‌های پرتاب شده دولت و وزارت دفاع است/ از عده ای قلیل که به ناحق تریبون های بزرگ در اختیار دارند، نمی ترسیم

تمام سلاحی که عراق برای مبارزه با داعش نیاز داشت و پول آن را چه کسی در شرایط تحریم تامین کرد؟

حسن روحانی روز سه شنبه در این جشنواره اولین برنامه دولت در حوزه سلامت را پیشگیری از بیماری دانست و اظهار داشت: علیرغم کاهش شدید درآمدهای نفتی، اجرای طرح تحول سلامت از اولین و مهمترین برنامه های دولت یازدهم بود.

به گزارش عصرایران به نقل از سایت ریاست جمهوری، حسن روحانی رئیس جمهوری در مراسم که به منظور تشریح و تجلیل از تلاشهای خادمان اجرای طرح تحول نظام سلامت برگزار شد، گفت:

- در آغاز دولت یازدهم با وجود سختی ها و مشکلاتی که وضعیت پیچیده اقتصادی کشور پیش روی ما قرار داده بود و رکود تورمی، تحریم و وضع نامناسب محیط زیست آنها را تشدید کرده بود، اما توانستیم در 6 ماهه دوم سال 92 تقریبا برای رفع عمده مسائل مهم و اساسی کشور تصمیم گیری های لازم را انجام دهیم.

- اولین قدمی که در مسیر حل مشکلات کشور لازم بود، حل و فصل مساله تحریم بود.

- ممکن است برخی ها در مقام شعار حرفهایی بزنند، ولی عاملی که حتی برای تامین تجهیزات پزشکی، داروها و مواد اولیه داروسازی کشور را با مشکل مواجه کرده بود، فشار تحریم خارجی بر کشور بود که بی رحمانه بر ملت ایران وضع شده بود.

- فشار تحریم برخلاف آنچه دنیای غرب ادعا می کرد فشار بر دولت ایران نبود، بلکه بر مردم و زندگی مردم بود. وقتی نفت تحریم می شود و درآمد کشور کاهش می یابد، یعنی بر همه خدمات دولت تاثیر می گذارد. درآمد دولت از محل فروش نفت و تحصیل مالیات است؛ وقتی درآمد نفت نباشد و رشد اقتصادی دچار اختلال شود، گرفتن مالیات هم مشکل خواهد بود.

- اولین تصمیم دولت یازدهم در رفع تنگناهای اقتصادی ، شکستن تحریمهای بی رحمانه بود.

خیلی حرفها در این مسیر مطرح شد، اما من از همان ابتدا اطمینان داشتم که می توانیم در این مسیر موفق شویم. ملت ایران با قدرت، وحدت و پشتیبانی از دیپلماتها، نشان داد که در برابر نقشه قدرتهای بزرگ جهانی پیروز است . البته به طور طبیعی هر وقت بخواهیم در امر مهمی پیروز شویم، نیاز به حضور و موافقت مردم و هدایت و حمایت رهبری و فداکاری کارگزاران دولت داریم.

- اگر قرار بود وزیر امور خارجه در برابر فحاشی و شعارها، از میدان خارج شود، برجام تحقق نمی یافت.

- بعضی ها در رسانه هایشان و در مناسبتهای عمومی مثل راهپیمایی 22 بهمن به وزیر امور خارجه توهین کردند، اما یک کارگزار نباید با فحاشی، تخریب و شعارهای عده ای از میدان خارج شود.

- فحش دادن ها و اهانت کردن های یک عده محدود و معدود ، بخاطر تلاش و کوشش مثمر ثمر و تاثیرگذار برای کشور است.

- نباید در برابر عده قلیلی که متاسفانه به ناحق بلندگوهای بزرگ در اختیار دارند، بترسیم.

- وقتی می گوییم کمک به ملت عراق، برخی فکر می کنند، فقط کسانی که با جانشان فداکاری می کنند، کمک کرده اند. البته باید قدردان این فداکاری ها باشیم، اما توجه داشته باشید که حقوق و سلاح همین افراد را چه کسی تامین می کند؟

تمام سلاحی که عراق برای مبارزه با داعش نیاز داشت و پول آن را چه کسی در شرایط تحریم تامین کرد؟

در مورد سوریه نیز همین طور. موشکی از خاک کشور شلیک شده و مرکز تروریستها را هدف قرار داده است، این درست است. آنهایی که این موشک را پرتاپ کردند، تلاش و فداکاری نمودند اما چه کسی این موشک را طراحی و ساخته است؟

سازنده موشک دولت است، وزارت دفاع این موشک را ساخته، پولش را چه کسی تأمین کرده، بخش اقتصادی کشور آن را تأمین می کند، همه اینها باید مورد توجه باشد.

- اگر دولت یازدهم برای دریاچه ارومیه قدمی بر نمی داشت، دریاچه ارومیه از بیش از یکسال پیش به طور کامل خشک شده بود. اگر روند دولت قبل ادامه می یافت و در این دولت 2 هزار میلیارد تومانی که تاکنون هزینه شده است، هزینه نمی شد و دولت یازدهم مثل دولت دهم به این مساله بی تفاوت بود، امروز دریاچه ارومیه بیش از یکسال بود که کاملا خشک شده بود.

ر- اگر دریاچه ارومیه خشک می شد، فقط ارومیه یا فقط آذربایجان شرقی و غربی یا زنجان نبود که آسیب می دید، بلکه با هر باد و طوفانی در آن منطقه طوفان نمک به راه می افتاد و تمام محصولات کشاورزی آن منطقه را از بین می برد. زندگی 14 میلیون نفر از مردم به طور مستقیم تحت تاثیر قرار می گرفت و شاهد مهاجرت گسترده مردم بودیم.

- دولت در کنار توجه ویژه به احیای دریاچه ارومیه، نسبت به رفع مشکلات سایر تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور از جمله دریاچه هامون و هورالعظیم نیز توجه داشته و رفع مشکلات این تالاب‌ها را با جدیت دنبال می‌کند، اما در عین حال از آنجایی که مشکل دریاچه ارومیه

در حال تبدیل شدن به یک فاجعه ملی بود، نسبت به احیاء این دریاچه لازم بود که توجه ویژه‌ای صورت بگیرد.

- یکی از تصمیمات مهم دولت در زمستان سال 92، طرح تحول سلامت بود که از اوایل سال 93 عملیات اجرایی آن آغاز گردید. این طرح در شرایط تحریم و سختی شروع شد، به گونه‌ای که در سال 93 به یکباره با کاهش بی‌سابقه قیمت نفت مواجه شدیم وهنوز هم این مشکل ادامه دارد و نفت 120 دلاری به حدود یک سوم کاهش یافت و کشورهای نفت خیز مانند عربستان هم دچار مشکل شدند.

- دولت در عین حال و با وجود تمامی این مشکلات و بدون استفاده از صندوق توسعه ملی، توانست امور کشور از جمله اجرای طرح تحول سلامت را دنبال کند، دولت یازدهم با وجود کاهش قیمت نفت حدود 40 میلیارد دلار به صندوق توسعه ملی نیز واریز کرد که این موضوع را می‌توان از عجایب تاریخی کشور دانست چرا که این صندوق ایجاد شده که در روزهای سختی بتوان از منابع آن استفاده کرد، اما دولت در چنین روزهایی هم ناچار شد به آن صندوق پول واریز کند و این پول بیش از پولی بود که دولت‌های قبلی به این صندوق واریز کرده بودند. ضمن اینکه دولت در کنار این اقدام توانست تورم را مهار کند و به رشد اقتصادی نیز دست یابد به گونه‌ای که رشد اقتصادی سال 95 رشد فوق‌العاده‌ای بود که بر اساس گزارش مرکز آمار 8.3 و مطابق آمار بانک ملی 12.5 درصد بوده است.

- بخش مهمی از بودجه جاری کشور به رفاه مردم، پرداخت حقوق و بازنشستگی و کمک به اقشار محروم جامعه هزینه می‌شود و بخش آموزش، بهداشت و دفاع از بخش‌های پرهزینه دولت به حساب می‌آید.

- وزیر بهداشت جزو پرکارترین وزرای دولت یازدهم و جزو پرسفرترین وزرا به مناطق مختلف محروم کشور به منظور پیگیری طرح‌ها و رفع مشکلات آنها محسوب می‌شود و اساساً می‌توان گفت که سفر و حضور مسئولین بر سر پروژه‌های مختلف در مناطق مختلف کشور در تسهیل روند اجرای امور بسیار تأثیرگذار است.

- زمانی که وزیر بهداشت رقم 21 هزار تخت بیمارستانی را مطرح کردند، بعضی ها در امکان پذیر بودن آن تشکیک کرده و افزایش چنین رقمی را در یک دوره 4 ساله باور نداشتند، اما به فضل الهی این امکان انجام شده و به گفته وزیر بهداشت تا روزهای آخر دولت یازدهم این رقم به 25 هزار تخت نیز خواهد رسید.

- به نظرم باید یک کار فرهنگی هم برای این دوستان انجام شود که نشاط چیز بدی نیست و باید کاری کنیم تا مردم با نشاط و فعال بوده و به آینده خود و کشور امیدوار باشند.

- ظاهراً بعضی‌ها جزو وظایف خود می‌دانند که در روزنامه، رسانه و سایت‌های خود بذر یأس بپاشند در صورتی که چرا نباید در کنار هم برای ساختن کشور، متحد و منسجم تلاش کنیم و چرا نباید مردم نشاط داشته باشند و از لبخند مردم خوشحال نشویم. همیشه احتمال بروز مشکلات در آینده وجود دارد، اما ما باید به آینده امیدوار باشیم و نباید مردم را مأیوس کنیم.

- شرایط امروز از دیروز بسیار بهتر است و گوش مردم بدهکار حرف‌های غیردقیق نیست. بی‌تردید شرایط ایران امروز از دیروز بهتر است و فردا از امروز نیز بهتر خواهد بود.

- طرح تحول سلامت زنده است و راه خود را ادامه می‌دهد و دولت دوازدهم با کمک مردم این راه را ادامه خواهد داد.

منبع: ایسنا

بعد از هلاك ملاعمر انكليسي (طالبان)

هلاك خليفه ابوبكر امريكائي

سند مرگ ابوبکر بغدادی در موصل پیدا شد

نیروهای عراقی در شهر موصل به سند مهمی از تروریست‌های داعش دست یافتند که برای حفظ وحدت این گروه صادر شده بود.



به گزارش «شیعه نیوز»، منابع اطلاعاتی اعلام کردند که نیروهای امنیتی عراق به سند مهمی از گروه تروریستی داعش دست یافته اند.

شبکه خبری «روسیا الیوم» به نقل از این منابع گزارش داد که این سند در موصل کشف شده و بر اساس آن اعلام خبر مرگ «ابوبکر البغدادی » سرکرده اصلی داعش منع شده است.

نیروهای امنیتی عراق اعلام کردند که در این سند تأکید شده است که «دولت اسلامی» باقی است هر چند که بغدادی کشته شده باشد.

در سند مذکور این آیه از قرآن کریم ذکر شده است: "وَمَا مُحَمَّدٌ إِلا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ".

در این سند از عناصر داعش خواسته است که صبر و پایمردی داشته باشند و فرمانبردار رهبرانشان باشند تا زمانی که مصائب داعش به پایان رسد.

عدم اعلام خبر مرگ سرکرده داعش بدین سبب است که در میان عناصر داعش هرج و مرج ایجاد نشود و این سند نیز میان سرکرده‌های داعش دست به دست شده است.

رسانه‌ها اخیرا اعلام کردند که البغدادی در جریان حمله روسیه در ماه مه گذشته در رقه سوریه کشته شده است.

داعش در بیانیه‌ای با اعلام این خبر گفته است که به زودی نام جانشین وی را اعلام می‌کند.

داعش همچنین در این بیانیه کوتاه از اعضای این گروه خواسته در پایگاه‌های خود بمانند و به مقاومت ادامه دهند.

این خبر ابتدا از سوی یکی از مسئولان استان نینوای عراق اعلام شده است. این مسئول که نامش فاش نشده گفته است که داعش از طریق رسانه‌های ارتباطی خود بیانیه رسمی مرگ البغدادی را برای فرماندهان این گروه در تلعفر فرستاده و از آنها خواسته بعد از شکست در موصل به مقاومت ادامه دهند.

گرچه برخی منابع خبری به ویژه رسانه‌های عراقی این خبر را پوشش داده‌اند اما این مطلب در پایگاه‌های ویژه افراطگرایان بر روی اینترنت که رسانه رسمی آنها محسوب می‌شود، تایید یا تکذیب نشده است.

منبع: فارس

چگونه یک زن به صفوف اول نمازجمعه تهران راه پیدا کرد؟

آیت الله موحدی کرمانی:
ماشين خصوصي داخلش خصوصي نيست
والله در برزخ اگر به شما گفتند با عدم مراعات حجاب به استقلال کشور آسیب زدید، نمی توانید جواب دهید

به گزارش نامه نیوز، جمهوری اسلامی نوشت:حضور یک زن در صفوف اول نماز جمعه دیروز تهران موجب تعجب نمازگزاران شد.

وی با فریادهای مکرر خطاب به امام جمعه در شروع خطبه‌ها مطالبی می‌گفت که اگرچه معلوم نبود چه می‌خواهد ولی پرسش مردم این بود که با توجه به تهدیدهای اخیر گروههای تروریستی این زن چگونه توانسته بود به قسمت آقایان آنهم روبروی جایگاه راه یابد و میان آنها بنشیند؟
همچنین شعارهای انحرافی همان جماعت قلیل همیشگی با اعتراض مردم روبرو شد.
.

اگر من روسری خود را بردارم چه خواهد شد؟

به گزارش کانال موسسه امام موسی صدر به مناسبت بیست و یکم تیرماه، روز «حجاب و عفاف»، گزیده ای از مصاحبه حنان معلوف، روزنامه نگار زن روزنامۀ النهار با امام موسی صدر در منزل ایشان را منتشر کرد. «حنان»، بانوی مسیحی است که برای مصاحبه با امام موسی صدر روسری بر سر گذاشته و در [...]

به گزارش امید۹۶،کانال موسسه امام موسی صدر به مناسبت بیست و یکم تیرماه، روز «حجاب و عفاف»، گزیده ای از مصاحبه حنان معلوف، روزنامه نگار زن روزنامۀ النهار با امام موسی صدر در منزل ایشان را منتشر کرد.

حنان»، بانوی مسیحی است که برای مصاحبه با امام موسی صدر» روسری بر سر گذاشته و در آغاز مصاحبه، این موضوع را مطرح می کند. این مصاحبه در ۲۷ آوریل ۱۹۶۹گرفته شده که متن کامل آن در کتاب «نای و نی» با عنوان «دیدار با امام موسی صدر» منتشر شده است.

آیا من که این روسری را به سر کرده‌ام، منافقم؟

خیر، شما منافق نیستید. این پوشش شما تنها لباسی خاص و رسمی است که برای دیدار با مردی روحانی از آن استفاده می‌کنید. شما یکی از مناسک دینی خود را رعایت کرده‌اید و همین مراعات شما، بر احساس انسان متدین و، درنتیجه، بر اندیشه او که نتیجه موقعیت‌های معین است، بسیار تأثیر می‌گذارد.فقط زن مسلمان نیست که در برابر عالمان دین حجاب را رعایت می‌کند، بلکه همه کسانی که به کلیسای پطرس قدیس در رم می‌روند نیز حجاب را رعایت می‌کنند. علاوه بر این، ما می‌دانیم که اسلام به زن مسلمان توصیه می‌کند که در دیدار با

مردان، وزین و باوقار ظاهر شود. در کتب فقهی حدود این مسأله هم بیان شده است.

حال اگر من روسری خود را بردارم، چه خواهد شد؟

من آنچه را به مصلحت تحقّق اهداف دینی است در نظر می‌گیرم و دیدار شما را ارزیابی می‌کنم. بنابراین، اگر در مصاحبه با شما و این فعالیت خبرنگاریتان فایده‌هایی به نظر آید که بر مصالح دیگر برتری داشته باشد، بدون هیچ شرطی و بدون اکراه شما را می‌پذیرم، وگرنه از مصاحبه با شما امتناع می‌ورزم و پوزش می‌خواهم. شما مرا قانع کردید. من الان روسری را برنمی‌دارم.

و در پایان امام موسی صدر خطاب به زن روزنامه نگار مسیحی می‌گوید:

خوشبختانه شما انسان متعهدی هستید و آنچه می‌خواستید به‌دست آوردید. به‌علاوه، من عقیده ندارم که حجاب زن را از هرگونه فعالیت در جامعه باز می‌دارد. شکل لباس زنان در این زمانه جنبه زنانگی زن را بیش از دیگر لیاقت‌ها و استعدادها و امکانات او آشکار می‌کند، به حدی که زنانگی وی از بسیاری امتیازات دیگر محرومش می‌کند

حکایت حوزیان



تبلیغ به روش امام موسی صدر

روزی به امام موسی صدر گفته شد: «در جنوب لبنان گفته همه شیعه و مسلمان‌اند و به مسجد می‌روند و نماز می‌خوانند. چرا مسلمانان به شغل‌های حرام مشغول‌اند؟»

امام موسی صدر پاسخ قابل‌تأملی داد: «باید آرام‌آرام پیش رفت ما تا الآن گفته روی این‌ها کار کرده‌ایم توانسته‌ایم به ایشان بفهمانیم گفته مبارزه هم جزء اسلام است، در مقابل دشمن ایستادن هم جزء اسلام است. تنها ادعای خالی برای مسلمانی و شیعه بودن کافی نیست. عمل هم می‌خواهد. فعلاً آن‌ها را تا این جا رسانده‌ایم. حالا زود است گفته به ایشان بگوییم زنت باید حجاب داشته باشد و... پیغمبر اکرم ﷺ پس از ده سال از رسالتش به اصحابش دستور مهاجرت دادند و فرمودند: قولوا لا اله الا الله تفلحوا...»

۹ شهریور ۱۳۵۷- ناپدید شدن امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان

برداشتی از قصه‌ها

.



پاسخ امام موسی صدر به خبرنگاری که گفت: آیا حجاب را شما آخوندها اختراع کردید؟

شخصی تعریف می کرد با امام موسی صدر به مجلسی (ظاهرا در کلیسا یا مدرسه طلاب مسیحی) رفتیم. قرار بود ایشان سخنرانی کند. مسئول مجلس کشیشی بود و به من گفت مراقب باشید ، فلان خانم خبرنگار که مهارت و تبحر خاصی در ضایع کردن افراد دارد، در جلسه حاضر است. نگذارید سوال و جواب بشود.

با این حال در آخر جلسه امام موسی صدر فرمودند هرکسی سوالی دارد بپرسد. این خانم بلند شد. پرسید: حجاب را شما آخوندهای مسلمان اختراع کردید یا در دینتان هست؟

امام موسی صدر به بالای سرش اشاره کرد. همه نگاه کردند.



ایشان به تابلوی حضرت مریم مقدس اشاره کرده بود.
سپس فرمود: مادر مقدس، حجاب دارد. حجاب دستور الهی است.
نه مخصوص دین اسلام است نه ما روحانیون آنرا دل به خواهی وارد دین کرده ایم.
سپس چند جمله ای در مورد حجاب صحبت کردند.
پس دیدیم اتهامات افراد معاند اسلام، نه تنها به اسلام وارد نیست، بلکه به خودشان بر می گردد که چرا به حکم دین خودشان عمل نمی کنند و شاید حتی این احکام را حذف و دستکاری کرده اند.
.

ماجرای دیدار نخستین سفیر زن ایرانی با امام موسی صدر

دولتشاهی در توصیف فعالیت خود این‌گونه می‌گوید: «آن وقت که در جمعیت راه نو ما فعالیت می‌کردیم برای حقوق زن، همهٔ جوانب کار را نگاه می‌کردیم. از جمله می‌خواستیم واقعاً دسترسی پیدا کنیم که با روحانیون تماس داشته باشیم و به آن‌ها بگوییم که ما مخالف دین نیستیم... چون واقعاً این جور منعکس می‌شد. می‌گفتند این جمعیت‌های زنان می‌خواهند بی‌بندوباری به بار بیاورند. چنانچه حتی شنیده بودیم پایین شهر خانمی است که راجع به اسلام درس می‌دهد و زنان دورش جمع می‌شوند و به جمعیت ما بد گفته. ما چند نفر بلند شدیم آن خانم را هم دیدیم که برایش بگوییم که جمعیت ما چه کار می‌کند و کارهایش از چه نوع است. یکی هم اینکه خوب در ردهٔ بالاتر به این‌ها بفهمانیم که ما چیزهایی منطقی می‌خواهیم که قابل تطبیق با مذهب باشد...

این روزها اولین سفیرِ زنِ جمهوری اسلامی منصوب شد و تابوی ۳۷ ساله شکسته شد. مرضیه افخم که پله‌های ترقی را در وزارت امورخارجه قدم به قدم طی کرده است، بعد از فعالیت ۳۳ ساله در دستگاه دیپلماسی در بخش‌های مختلف، اولین سفیرِ زنِ جمهوری اسلامی در مالزی شد. افخم پیش از این در دوره‌ای حساس، بیش از دو سال اولین سخنگویِ زنِ تاریخ وزارت امورخارجه هم بود.

حضور زنان ایرانی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی گذشته‌ای خواندنی دارد که ما در اینجا تنها به بخش کوچکی از آن خواهیم پرداخت: زندگی و فعالیت‌های مهرانگیز دولتشاهی، اولین و تنها سفیرِ زن در دورهٔ پهلوی.

مهرانگیز دولتشاهی یکی از معدود زنانی است که در دورهٔ پهلوی دوم به دور از جنجال به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی پرداخت. او دارای مدرک دکتری از کشور آلمان بود. وی روزنامه‌نگاری را در روزنامهٔ «دموکرات ایران»، رسانهٔ حزب قوام السلطنه در کنار حسین مکی، حمید رهنما، عبدالرحمن فرامرزی، حسین پیرنیا و حسن ارسنجانی تجربه کرد. حزب دمکرات ایران داراي یک مرامنامهٔ ده ماده‌اي بود. این حزب نخستین حزبي بود که پس از حزب توده به طور رسمي شاخهٔ زنان تشکیل داد و زنان را به کوشش و فعالیت سیاسي فرا خواند. مهرانگیز دولتشاهی از اعضای اصلی این شاخه بود.

دولتشاهی در دههٔ ۳۰ شمسی «جمعیت راه نو» را با سوگیری فعالیت‌های خیریه تأسیس کرد و به‌تدریج در نه شهرستان شعبات آن را افتتاح کرد. این جمعیت تشکلی مستقل بود که در سال ۱۳۴۵ با سازمان زنان، شاخهٔ زنان حزب دموکرات، ادغام شد.

وی همچنین بین سال‌های ۱۳۴۲تا ۱۳۵۴ در دوره‌های ۲۱ و۲۲ و ۲۳ مجلس شورای ملی نمایندهٔ مردم کرمانشاه بود. مهرانگیز دولتشاهی با اینکه جزو کادر رسمی وزارت خارجه نبود، در سال ۱۳۵۴ به عنوان اولین سفیرِ زنِ تاریخ ایران به دانمارک اعزام شد و این سمت تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ادامه داشت.

یکی از چالش‌برانگیزترین فعالیت‌های دولتشاهی، راه‌اندازی جمعیت راه نو بود. او با راه‌اندازی این جمعیت دست به یک کنش اجتماعی زد که در آن سال‌ها چندان متداول نبود. راه و مشی او یک کنش اجتماعی ـ مدنی بود بی‌آنکه از دولت کمکی بخواهد. اگرچه تعامل او با زنان اجتماع، خود سازوکاری را فراهم می‌کرد که دولت به کمک او آید، این تعامل حتی به لایه‌های دیگر اجتماع سوق یافت. روحانیون بخش دیگری از جامعهٔ آن زمان بودند که در تعامل با این جمعیت قرار گرفتند. این جمعیت هدف خود را ارتقای سطح فرهنگی زنان و وارد کردن آنان به پست‌های مدیریت و سمت‌های سیاسی اعلام می‌کرد. همچنین فعالیت‌هایی در جهت اصلاح

قوانین مدنی و حقوقی به نفع زنان داشت. و طرح جدیدی به مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۳ برای برابری حقوق مدنی با مردان ارائه داد. دولتشاهی از دفتر فرح دیبا تا حوزه‌های علمیه و دفتر آیت‌الله العظمی بروجردی و دیدار با سید موسی صدر در پی جلب حمایت از فعالیت‌های خود بود.

وی در توصیف فعالیت خود این‌گونه می‌گوید: «آن وقت که در جمعیت راه نو ما فعالیت می‌کردیم برای حقوق زن، همهٔ جوانب کار را نگاه می‌کردیم. از جمله می‌خواستیم واقعاً دسترسی پیدا کنیم که با روحانیون تماس داشته باشیم و به آن‌ها بگوییم که ما مخالف دین نیستیم، چون واقعاً این جور منعکس می‌شد. می‌گفتند این جمعیت‌های زنان می‌خواهند بی‌بندوباری به بار بیاورند. چنانچه حتی شنیده بودیم پایین شهر خانمی است که راجع به اسلام درس می‌دهد و زنان دورش جمع می‌شوند و به جمعیت ما بد گفته. ما چند نفر بلند شدیم آن خانم را هم دیدیم که برایش بگوییم که جمعیت ما چه کار می‌کند و کارهایش از چه نوع است. یکی هم اینکه خوب در ردهٔ بالاتر به این‌ها بفهمانیم که ما چیزهایی منطقی می‌خواهیم که قابل تطبیق با مذهب باشد... یکی از مدیرکل‌های وزارت آموزش و پرورش بود، آقای جزایری به نظرم، نمی‌دانم در چه فرصتی بود که ما با او صحبت کردیم. گفتیم که ما دلمان می‌خواهد که با روحانیون تماسی داشته باشیم. گفت: من ترتیبی می‌دهم که شما با کسانی ملاقات کنید به‌خصوص نماینده‌ای از قم بیاید. ترتیب این کار داده شد و جمعیت راه نو هم آن موقع جلساتش در منزل من بود. اصلاً همیشه این طور بود.

قرار گذاشتیم که بیاییم منتها نرفتیم توی اتاق جمعیت، آمدیم به اتاق پذیرایی من. یکیش یک آقایی بود اگر اشتباه نکنم اسمش غفاری بود. او معلم قرآن شرعیات مدارس بود. او در واقع کارمند خود وزارت آموزش بود. منتها خوب با قم هم ارتباط داشت. یکیش آقای موسی صدر بود. آن موقع هم خوب نسبتاً جوان بود. به نسبت اینکه جوان بود، من دیدم چقدر اطلاعات عمومی دارد وقتی که صحبت می‌شود. آخر آن‌ها غالباً فقط یک اطلاعات منحصری دارند، ولی این واقعاً اطلاعات عمومی داشت. گمان می‌کنم زیاد می‌دانست. جلسهٔ خیلی جالبی داشتیم. چند نفر از خانم‌های جمعیت بودند و ما راجع به مسائل مختلف با این آقا صحبت کردیم و گفتند که این آقا نمایندهٔ ثقةالاسلام است که آمده. آن موقع بله، ثقةالاسلامی یکی از کسانی بود که تقریباً معاون آیت‌الله بروجردی بود و ایشان آن موقع زنده بودند. خیلی صحبت و بحث کردیم. یکی از چیزهایی که همین آقا گفت ما گفتیم که ما با خیلی از بی‌بندوباری‌ها موافق نیستیم، حتی با آن جور چیزها که به ضرر زن تمام می‌شود مخالفیم. فرض کن آن چیزهایی که خیلی‌ها خیال می‌کنند شب زنده‌داری و نمی‌دانم آن جور مجالس و خیلی بی‌بندوباری‌ها به نظر ما این‌ها به ضرر زن است. ببینید این چقدر آدم منطقی‌ای بود که گفت: خوب این هم رآکسیون آن محدودیت‌های قدیم است. آن وقت مثال زد، گفت: "این چراغ را اگر بگیرید از این ور بکشید، وقتی ولش بکنید تا آن طرف می‌رود"، گفت: "این نتیجهٔ محدودیت‌های قدیم است که به زن‌ها دادند که وقتی که حالا آزادی پیدا کرده‌اند یک عده‌ای هم پیدا می‌شوند که زیاده‌روی می‌کنند."

به هر حال، خیلی با همدیگر به توافق رسیدیم و قرار شد که برود قم و منعکس کند که خواسته‌های ما چیست و ما خودمان هم با خیلی از بی‌رویه‌گی‌ها مبارزه می‌کنیم، با مطبوعاتی که این‌قدر زن را کوچک می‌کنند و با اعلام‌های زشت و زننده در واقع به زن‌ها توهین می‌کنند، ما مخالف هستیم و از جمله وعده‌هایی که آقای موسی صدر به ما داد و تا مدتی هم ادامه پیدا کرد، فرستادن مجلهٔ «مکتب اسلام» بود چون مجله را خودش اداره می‌کرد. من هم تک و توکی این مجله را دیده بودم. بعد مرتب برای ما می‌فرستاد. تا یک مدتی این مجله می‌آمد و بعد دیدم نیامد. من هم دیگر چیزی راجع به آقای صدر نشنیدم تا اینکه بعد از سال‌ها شنیدم که سر از لبنان در آورد.»*

آنچه دولتشاهی از دیدار با امام موسی صدر نقل می‌کند، مربوط به سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۳۸

است؛ یعنی زمانی که سید موسی صدر حداکثر ۲۹ سال سن داشته و تقریباً یک سال قبل از هجرت وی به لبنان است. انتخاب سید موسی صدر از طرف آیت‌الله بروجردی برای این دیدار درخور تامل است. ایشان کسی را انتخاب می‌کند که علاوه بر تحصیل در حوزه، جزو اولین دانش‌آموختگانِ روحانیِ دانشگاه تهران است. کسی که با جامعه، ارتباط منطقی دارد و جزو مجتهدین حوزه علمیه قم و نجف محسوب می‌شود و البته موضع‌گیری و اظهارنظرش در این دیدار می‌تواند به روند فعالیت‌های زنان در جامعه جهت بدهد و آنان را از آسیب‌های دوگانهٔ تندروی متحجرین از یک‌سو و بی‌بندوباری افراطیون از دیگرسو مصون نگه دارد. نفسِ حضور سید موسی صدر در این جلسه و نوع برخورد معتدل و تحلیل پیش‌روانه‌اش از جایگاه زنان، دولتشاهی را ذوق‌زده می‌کند. همچنین تعامل بعد از آن جلسه هم دارای اهمیت ویژه است. ارسال مجلهٔ «مکتب اسلام» که اولین نشریهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم بوده است برای زنان پیش‌روِ عصر پهلوی و همراهی با خواسته‌های منطقی آنان، باعث ارتباط دوسویهٔ زنان و روحانیت شد.

ماجرای این ملاقات که در تاریخ به ثبت رسیده است، به‌خوبی نشان می‌دهد که سید موسی صدر از همان اوان جوانی و پیش از آنکه به لبنان برود، نگاهی روشن و متفاوت به مسائل زنان و مشارکت آناندر اجتماع داشته است. امام موسی صدر این نگاه به زن را در لبنان به شکل کامل‌تری بروز می‌دهد و این بار خود، زنان را به حضور در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی فرا می‌خواند و آنان را به احقاق حق انسانی خود تشویق می‌کند.

---

* به نقل از کتاب *خاطرات مهرانگیز دولتشاهی* از مجموعه طرح تاریخ شفاهی ایران مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد.

نگرش امام موسی صدر درباره زنان و نقش آنها در جامعه

در گفت وگوی شفقنا با رئیس موسسه شهید لبنان: زن از نگاه امام صدر نقش سازندگی دارد

۱۳۹۵-۰۶-۱۳ | ساعت ۰۹:۱۷



شفقنا(پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه)- امام موسی صدر همواره تاکید می کردند که زنان در جوامع کهن بشری مورد ستم واقع شده اند و عرب پیش از اسلام برای آنها احترامی قائل نمی شدند. در صدر اسلام مرد و زن به حقیقت واحدی تبدیل شدند که از نظر انسانی هیچ تفاوتی بین آنها وجود نداشت.

خانم «فاطمه قبلان» رئیس موسسه شهید لبنان در جنبش امل در گفت وگوی اختصاصی با شفقنا با بیان این مطلب اظهار کرد: دعوت به آزادی زنان از سوی امام صدر با بازخورد گسترده ای روبرو شد زیرا وی جامعه مردانه را خطاب قرار نداد بلکه انسان و جامعه با تمامی اقشار مختلف آن را خطاب قرار داد لذا زنان در بطن جنبش وی قرار داشتند و درواقع محرک اصلی طرح اصلاحی وی را تشکیل می دادند.

وی افزود: زنان در بطن مسیری قرار داشتند که امام صدر آغاز کرده بود و محرک اصلی اصلاحاتی را که در پیش گرفته بود، تشکیل می دادند. امام می گفت: ما به زنانی نیاز داریم که عزم راسخ و فرهنگی مقتدر داشته باشند و این مستلزم آموزش و تربیت کامل است.

امام موسی صدر نقش زنان را با الهام از مبانی مذهبی ابراز کرد

رئیس موسسه شهید لبنان در جنبش امل در ادامه با اشاره به اینکه امام موسی صدر تمرکز خود را بر نقش زنان د ر جامعه متمرکز کرده بود زیرا آنها نیمی از جامعه و اساس نهضت وی را تشکیل می دادند، تصریح کرد: براساس تفسیر دین، زنان با مردان برابرند و هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. آنها موجود واحدی هستند که برای بقای جامعه و تشکیل آن با یکدیگر همکاری می کنند.

وی در ادامه با بیان اینکه امام صدر نقش زنان را با الهام ازمبانی مذهبی، قرآنی، اخلاقی و به دور از هرگونه تمایز و تبعیض برجسته کرد، در ادامه گفت: اعتقادم بر این نیست که تمدن مدرن آزادی صحیح زنان را تامین کرده باشد؛ در حالی که از آزادی زنان سخن به میان می آورد، در عین حال عملا آنها را با وسیله های مختلفی نظیر رسانه ها، تجارت، لباس و جشن ها و کنسرت ها، محدود کرده است.

وی تاکید کرد: نگاه امام صدر نگاهی بود که باعث تعالی زنان می شد زیرا وی زنان را برای نهضت و قیام جامعه با ارزش و لازم می دانست لذا تمرکز خود را بر آنها قرار داد.
خانم قبلان خود را به عنوان زنی وابسته به مکتب امام صدر برشمرد و بیان کرد: از این مکتب چیزهای زیادی نظیر خلوص نیت برای وطن، بشریت و دفاع ازآن با تمامی وسایل موجود یادگرفتم. آیا دفاع از ارزش های ملی تنها وظیفه مردان است؟ آیا آبادانی نسل مقاوم و نسلی که به وطن و تاریخ خود ایمان داشته باشد، مسئولیتی مختص به مردان است؟
قبلان در همین زمینه تصریح کرد: زنان می توانند در این زمینه نقش پیشرو ایفا کنند بدون اینکه از نقش خود در خانواده روی گردان شوند.

زنان شایستگی خود را در موقعیت ها به اثبات رسانده اند

رئیس موسسه شهید لبنان در ادامه این گفتگو با اشاره به اینکه زنان شایستگی خود در جایگاهی که به آن رسیده اند، اثبات کرده اند، گفت: بدون شک زنان به دستاوردهای زیادی دست یافته و در زمینه اثبات وجودی خود و نقش خود به پیشرفت هایی دست یافته اند. در موسسه شهید لبنان به وضوح این تاثیرگذاری زنان و حضور آنها را لمس کردم. زنانی که در ترسیم سیاست های ملی و اجتماعی جایگاه و نقش موثری را ایفا کرده اند.
وی خاطرنشان کرد: زنان شایستگی خود را در موقعیت هایی که به آن دست یافته اند، ثابت کرده اند. آنها هرگز وارد دایره فساد نشده اند که ادارات عمومی و مختلف ما دامنگیر آن است. من در برخورد با این قشر مطلوب و تاثیرگذار به شدت احساس راحتی و آرامش می کنم. آنها بیش از دیگران به دغدغه های مردم اهمیت می دهند و دلسوز آنها هستند.
تجربه من در موسسه شهید لبنان چنین تصویر مترقی از زنان را نشان داده است و این به معنای رکود وایستادن از مبارزه برای دستیابی به نقش واقعی و مورد استحقاق زنان نیست.
این مقام لبنانی درباره تغییر و تحولاتی که در تمامی زمینه ها از جمله امور مربوط به زنان شاهد آن هستیم، گفت: بدون شک اگر امام موسی صدر حضور داشت، نقش بزرگی در پیروزی زنان برای دستیابی به موقعیت طبیعی خود در چارچوب آبادانی جامعه و سازندگی کشور ایفا می کردند؛ وی کسی است که برای ابراز ابعاد واقعی و تاثیر گذار زنان تلاش کرد و با کسانی که تنها جنبه زنانگی آنها را مد نظر قرار می دادند و همچون کالایی با آنها برخورد می کردند، مخالفت کرد و همواره می گفت: تمدن جدید چنین بر زنان تحمیل کرد که فقط زن باشند به این معنا که تنها جنبه زنانگی آنها را مد نظر قرار داد و تمامی واقعیت های مربوط به زنان را انکار کرد. ابراز جاذبه ها و گیرایی های زنان به طغیان جنبه زنانگی آنها بر هستی زنان و تبدیل آن تنها به یک تابلوی هنری منجر می شود.

امام موسی صدر در افکار و قضایای عصر خود پیش قدم است

خانم فاطمه قبلان حامل پیامی به زنان از طریق شفقنا نیز هست و زنان را دعوت می کند تا حافظ جوهر وجودی خود باشند و رسالتشان در دنیا این باشد که ظاهر خود را به صورتی مترقی ارائه کنند که با شرع خدا و نگرش الهی منافات نداشته باشد چرا که زنان دارای ارزش و جایگاه والایی هستند و نباید نقش تبلیغی همانند کالا به خود بگیرد و وظیفه بازاریاب به خود بگیرند.
وی در همین زمینه یادآورشد: زن منبع آفرینش و نوآوری و احساسات و عواطف است. کسی که دارای چنین مزایایی بوده و بهشت زیر پایش باشد، باید عنصری مثبت، مطمئن و لازم برای جامعه باشد.
رئیس موسه شهید لبنان در جنبش امل در پایان گفت وگوی خود با شفقنا با اشاره به اینکه امام صدر درباره عظمت زنان می گوید که بقای خانواده به واسطه بقای کودک نیست بلکه وجود دختر برای بقای خانواده کافی است و دلیل آن هم شخص پیامبر اکرم(ص)هستند که یک دختر بیشتر نداشتند و آن هم حضرت فاطمه(س) است، گفت: امام در افکار و قضایای عصر خود پیشرو بود و شعله او همچون چراغی برای نسل های آتی است که هرگز خاموش نخواهد شد...
درست است که وی حضور جسمی ندارند اما همچنان با علوم و روح صادقانه در بین دوست داران خود حاضر است.

دو مصاحبه معاون وزیرخارجه روسیه را با دقت بخوانید، برای اهل تامل و علاقمند به اموزش دیپلماسي بين الملل نكات مفيدي دارد

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه در گفت‌وگوی اختصاصی با «اعتماد»:

به امریکا در مورد بازی با برجام هشدار دادیم/بازی کثیف امریکا با برنامه موشکی ایران مردود است

کد 139780 | خبر | سیاسی | دیپلماسی | 1396/04/21



مسیر پیش روی برجام بدون دست‌انداز نیست/ رابطه ایران و روسیه در حوزه سیاسی و اقتصادی به قله جدیدی رسیده است/ به دفعات و در سطوح مختلف به امریکا گفتیم برجام جایگزین ندارد/ در قوی‌ترین حالت ممکن به امریکا در مورد برجام هشدار دادیم/ به امریکا در مورد بازی کردن با برجام هشدار دادیم/ دیدار پوتین- ترامپ یکی از حساس‌ترین و پرسوژه ترین دیدارها بود/ پوتین با ترامپ در مورد برجام حرف نزد/ دفاع پررنگ پوتین از نقش منطقه‌ای ایران در دیدار با ترامپ/ هیچگاه در امور داخلی امریکا دخالت نکردیم/بازی کثیف امریکا با برنامه موشکی ایران مردود است/ اجازه رواج رویکردهای سطحی در مسائل جدی بین‌المللی را نمی‌دهیم/ تحریف متن **2231** توسط آمریکا مضحک است/ ترامپ سخنان پوتین در مورد نقش منطقه ای ایران را زیر سوال برد/ آمریکا به ابهام آفرینی در مورد تعهد به برجام پایان دهد

اعتمادآنلاین-سارا معصومی: یک رابطه پر اما و اگر که همواره در مسیری رو به صعود بوده اما در مقاطعی هم این سیر صعودی گرفتار سکون یا توقف‌های مقطعی شده است. تهران و مسکو هر روز درحوزه‌های جدیدی از رابطه، توسعه و ثبات را تجربه می‌کنند. همکاری‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و نظامی نگاه‌ها را به سمت رابطه تهران و مسکو جلب کرده است. در این میان فاصله رفت و آمدهای دیپلماتیک میان تهران و مسکو هم کاهش یافته است و به طور متوسط می‌توان گفت که بعضا در طول یک ماه حداقل یک یا چند مقام روسی و ایرانی با هم دیدارهای مستقیمی را کلید می‌زنند. در تازه‌ترین دور این رایزنی‌ها، سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه برای سفری یک روزه به تهران آمد. گفته شده است که چند و چون اجرای برجام در سایه بدعهدی‌های امریکا و البته تهدیدهای لفظی توافق توسط مقام‌های متفاوت این کشور در راس رایزنی‌ها قرار داشته است. در حاشیه دیدارهای معاون وزیر امور خارجه روسیه با مقام‌های ایرانی، گفت‌وگوی تفصیلی با وی داشتیم که بخشی از آن به شرح زیر است:

محورهای دیدار روز سه‌شنبه شما با مقام‌های ایرانی چه مسائلی را شامل می‌شد؟ آیا در این دور تنها مذاکراتی با آقای سیدعباس عراقچی، معاون حقوقی و امور بین‌الملل وزارت امورخارجه داشتید؟

من گفت‌وگوها و رایزنی‌های خود با آقایان (سیدعباس) عراقچی و (مجید) تخت‌روانچی، معاونان وزرای امور خارجه ایران را به پایان بردم. بیشترین تمرکز ما بر توافق هسته‌ای، اجرای برجام و آینده این توافق بود. همان‌طور که می‌بینیم مسیر پیش رو بدون دست‌انداز نیست و به نوعی می‌توان گفت که مزاحمت‌هایی در مسیر هم پیش‌بینی می‌شود و ما هم در این سفر در مورد مواردی از این دست که باید به آن توجه کنیم با هم رایزنی کردیم. علاوه بر این ما رایزنی‌هایی هم در مورد کارهای مشترک میان ایران و روسیه در سازمان ملل و در حوزه مسائل امنیتی داشتیم. البته ما در مورد مسائل دوجانبه بحثی نداشتیم چرا که من در سیستم دیپلماسی وزارت خارجه مسوولیت روابط دوجانبه را برعهده ندارم اما مسائل این حوزه را هم دنبال می‌کنم و بسیار خوشحال هستم که روابط بدون فراز و نشیب در حال پیشروی است و به گونه‌ای هم می‌توان گفت که روابط دو جانبه هم در حوزه اقتصادی و هم سیاسی به قله جدیدی رسیده است. اما اصلی‌ترین سوژه بحث‌ها و رایزنی‌های ما به توافق هسته‌ای و برنامه جامع اقدام مشترک مربوط بود.

آیا روسیه در شش ماه گذشته از حضور ترامپ در قدرت بر دولت وی برای پایبندماندن به برجام فشاری وارد کرده یا پیام مستقیمی در این باره به واشنگتن داده است؟ به عنوان مثال ما از خانم فدریکا موگرینی به کرات جملات بسیار مثبتی در مورد تضمین اجرای برجام می‌شنویم که به نوعی پیام واضح به دولت جدید امریکا است.

می‌توانید مطمئن باشید که ما تا همین حالا به دفعات و در سطوح مختلف ازجمله در سطوح بسیار عالی سیاسی این پیام را به مقام‌های امریکایی داده‌ایم. ما گفته‌ایم که هیچ جایگزینی برای برجام وجود ندارد. گفته‌ایم که این تنها راهکار بلندمدت و با ثبات برای مشکلاتی است که پیرامون برنامه هسته‌ای ایران برای دوره‌ای وجود داشته است و به صراحت بگویم که این مشکلات فضا را مسموم کرده و در آن فضا رسیدن به بسیاری از مسائل و اهداف هم با چالش‌هایی روبه‌رو شده بود. اکنون، برنامه جامع اقدام مشترک وجود دارد و این برنامه تفاوت‌هایی در فضا ایجاد کرده است که یکی از آنها کاستن از برخی فشارها، برداشته شدن برخی از تحریم‌ها و البته نه همه آنها است که این هم یکی از مشکلات است. ما شاهد تلاش‌های مداوم از سوی برخی چهره‌ها و لابی‌ها در امریکا برای زیرسوال بردن برجام یا آسیب زدن به آن هستیم. ما به امریکا در خصوص این

اقدامات در قوی‌ترین و شدیدترین حالات ممکن هشدار داده‌ایم. ما فکر می‌کنیم که هرگونه کنار زدن برجام یا تلاش برای اعمال تغییرات یا اصلاحات در آن می‌تواند به ضرر منافع امریکا هم باشد. من هیچ چگونگی و چرایی برای تعدیل یا اصلاح برجام نمی‌بینم. موضع ما در این خصوص بسیار محکم و قوی و غیرقابل تغییر است. همه ما به امریکا در خصوص این رویکرد سطحی‌نگر (سبکسرانه) نسبت به مسائل مهم بین‌المللی هشدار داده‌ایم. با مسائل مهم و جدی در سطح بین‌المللی باید جدی برخورد کرد. هیچ جایگاهی برای اینکه تلاش کنید صورت مساله را خدشه‌دار کنید و بعد نتیجه بگیرید که کل مساله اشتباه یا غلط بوده است وجود ندارد. همه‌چیز به تحقیق و بررسی عمیق نیاز دارد و ما براساس تحقیق و بررسی‌های عمیق، به این نتیجه رسیده‌ایم که هیچ جایگزینی برای برجام وجود ندارد. به امریکا در مورد بازی کردن با این توافق هشدار می‌دهیم.

در پاسخ به این هشدارها و رایزنی‌های مستقیم در سطوح عالی که می‌فرمایید آیا سیگنال مثبتی دریافت کرده‌اید که امریکا به اجرای برجام ادامه خواهد داد؟

آنچه ما می‌دانیم این است که دولت امریکا در میانه پروسه بررسی سیاست‌هایش در قبال ایران از جمله بررسی داخلی برجام به اضافه دیگر ابعاد سیاست خارجی و دیپلماسی‌شان در قبال تهران است. نمی‌دانیم که این پروسه بررسی چه زمانی به پایان خواهد رسید. ابتدا فکر می‌کردیم که باید در اواسط تابستان به پایان برسد که این بازه زمانی از چند روز پیش آغاز شده است. اما نه در چندروز گذشته نتیجه این بازبینی اعلام شد و نه قرار است در چند روز آینده این اتفاق رخ بدهد. لذا من فکر می‌کنم که تا پیش از پایان تابستان آنها نتیجه این بازبینی را اعلام کنند. شاید هم در پایان تابستان نیز اعلام نشود و اعلام نتیجه به بعدتر موکول شود اما این تداوم حس ابهام و نامشخص بودن وضعیت امریکا در قبال برجام به هیچ‌وجه کمک‌کننده نیست. ما فکر می‌کنیم بسیار بهتر خواهد بود اگر امریکا تصمیم به حفظ برجام بگیرد و این تصمیم خود را هم هرچه زودتر اعلام کند. البته که ما یک بار دیگر در مورد سناریوی بسیار مخرب بررسی مجدد وضعیت توافق هسته‌ای با ایران به امریکا هشدار می‌دهیم. ما از مدت زمان فعلی که امریکا برای بازبینی سیاست‌های خود در قبال ایران تعیین کرده برای مشخص کردن تمام نظرها و مواضع خودمان در قبال ایران با توسل به سطوح دیپلماتیک عالی و سطوح پایین‌تر مانند

سطوح کارشناسی استفاده می‌کنیم. هفته آینده نیز نشست دیگری از کمیسیون مشترک برجام در وین براساس برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته برگزار خواهد شد. ما از آن فرصت و سکو یک بار دیگر برای رساندن پیام خود به امریکایی‌ها استفاده خواهیم کرد. در نشست کمیسیون طرف امریکایی نیز وجود دارد و در حاشیه نشست اصلی نیز، دیدارهای دوجانبه با طرف امریکایی صورت خواهد گرفت که در تمام آنها موضع خود را اعلام خواهیم کرد.

آیا در دیدار میان ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه و دونالد ترامپ رییس‌جمهور امریکا در مورد نقش منطقه‌ای ایران یا توافق هسته‌ای صحبتی شد؟

(شما در جمع خبرنگاران در مورد اینکه در جریان جزییات این دیدار نیستید صحبت کردید اما در داخل ایران در مورد جزییات نخستین دیدار میان روسای جمهور ایران و امریکا سوالات بسیاری وجود دارد**)**

اجازه بدهید ابتدا این را بگویم که این دیدار یکی از حساس‌ترین و پرسوژه‌ترین دیدارها بود. من در این نشست حضور نداشتم و تنها مقام‌های حاضر در این نشست از هر دو سو **(**جز روسای جمهور**)** سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه و رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه ایالات متحده بودند. اما نشست فوق بسیار مهم و حساس بود که چندساعت هم طول کشید. بحث‌ها در این نشست پیرامون سه سرشاخه اصلی بود. یکی از آنها رابطه دوجانبه میان ایالات متحده و روسیه بود که در شرایط بسیار بدی قرار دارد. دولت باراک اوباما، رییس‌جمهور پیشین ایالات متحده عمدا شرایطی را ایجاد کرد که دولت بعدی با توجه به آن شرایط به سختی بتواند در مسیر درست با روسیه قرار بگیرد. علاوه بر این شاهد گمانه‌زنی‌ها و بیان داستان‌های بسیار زشت در رسانه‌های امریکا علیه سفیر روسیه و کشور روسیه هستیم که ما را به دخالت در امور داخلی امریکا متهم می‌کنند. مساله‌ای که هیچگاه اتفاق نیفتاده است. من روی این مساله تاکید دارم و هرچندبار هم که بخواهید این مساله را تکرار می‌کنم که روسیه هیچگاه در امور داخلی امریکا دخالت نکرده است. این مساله و این ادعاها در دیدار میان روسای جمهور در هامبورگ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. از سوی دیگر دو طرف توافق کردند که بیشتر در مورد مساله امنیت اطلاعات و همچنین امنیت سایبری با هم گفت‌وگو و رایزنی کنند.

همچنین مقرر شد که دو کشور در مورد احتمال توسعه یک چارچوب برای همکاری‌های روسی – امریکایی در فضای سیاسی بیشتر با هم رایزنی کنند. چارچوب همکاری که در آن احترام مشترک و تعهد مشترک به عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر می‌تواند به عنوان مبنایی برای تنظیم سند در نظر گرفته شود. مساله دوم مورد بحث در دیدار روسای جمهور روسیه و امریکا، سوریه و مباحث پیرامون این پرونده بود. تا این لحظه، پروسه سیاسی و همچنین تعیین مناطق کاهش تنش و اعلام یکی از این مناطق در عمل و در تطبیق با توافق صورت گرفته در جلسه روسای جمهور انجام شده است. همچنین مساله ایران به عنوان یک نیروی منطقه‌ای مثبت، یک بازیگر مهم که تلاش می‌کند بر ثبات و عقلانیت در این منطقه به منظور کمک به مردم سوریه بیفزاید نیز در این نشست مطرح شد و رییس‌جمهور پوتین نیز بر این نکته تاکید پررنگ داشتند. البته رد نمی‌کنم که رییس‌جمهور ترامپ این اظهارات رییس‌جمهور پوتین در مورد نقش ایران را به نرمی مورد شک و شبهه قرار دادند. اما این دقیقا همان چیزی است که انتظار آن را داشتیم و فکر می‌کنم در همین یک مورد بوده است که ایران به این شکل خاص توسط رییس‌جمهور در این نشست مطرح شده است. مساله سوم هم اوکراین است. در این پرونده ما با شرایط سختی روبه‌رو هستیم که رییس‌جمهور اوکراین پروشنکو، از توافق موسوم به مینسک – که ما فکر می‌کنیم تنها مبنای واقعی و ضروری برای رسیدن به یک راهکار در دسترس است– فاصله گرفته است. بنابراین رییس‌جمهور پوتین منطق و رویکرد ما در این پرونده را توضیح دادند و مشخص کردند که از نظر روسیه چگونه مسائل قابل پیشروی به جلو هستند. رییس‌جمهور ترامپ نیز در این دیدار اعلام کردند که امریکا سفیر خود در اوکراین را مشخص کرده است و سفیر کرت ولکر **(Kurt Volker)**، نماینده سابق امریکا در ناتو این مسوولیت را برعهده گرفته است. وی جانشین ویکتوریا نولاند، معاون سابق وزیر امور خارجه در امور اوراسیا و اروپا می‌شود. وی در گفت‌وگوها با روسیه و اوکراین به عنوان فرد منصوب از جانب امریکا حضور داشت. ما به دنبال ادامه گفت‌وگوها با امریکا هستیم. بنابراین آنچه در بالا گفتم کم و بیش خلاصه اتفاق‌هایی بود که در نشست **(**روسای جمهور روسیه و امریکا**)** رخ داد و به توافق‌هایی در مورد کار با یکدیگر و تعیین مناطق کاهش تنش **(**در جنوب و جنوب غربی سوریه**)** منتهی شد. البته بخش‌هایی هم وجود داشت که دو طرف در آن به توافق

نرسیدند که می‌تواند سوژه گفت‌وگوهای بیشتر باشد. اما مساله برجام در این دیدار مورد اشاره قرار نگرفت.

مساله موشکی ایران در حالی که نه به برجام گره خورده است و نه نقض قطعنامه 2231 است، به بهانه جدید امریکا در شورای امنیت برای تشدیدفشارها بر ایران تبدیل شده است. ما شاهد مخالفت صریح مسکو با این تلاش‌های امریکا در شورای امنیت بوده‌ایم. موضع رسمی و ثابت مسکو در این خصوص چیست؟

ما در این بحث شاهد یک سوءبرداشت (سوءتعبیر) بسیار واضح سیاسی از جانب امریکا از توافق به دست آمده (با ایران) هستیم. هیچ چیز در 2231 به امریکا اجازه نمی‌دهد که این بازی کثیف را با برنامه آزمایش موشکی ایران و در کلیت با برنامه موشکی ایران انجام دهد. در قطعنامه 2231 از ایران دعوت می‌شود یا خواسته می‌شود که از آزمایش کردن موشک‌هایی که برای حمل کلاهک هسته‌ای به شکل مشخص طراحی شده‌اند، خودداری کند. دعوت کردن یا درخواست کردن با ممنوع کردن یکی نیست. این مساله یک امر بدیهی برای هر انسان منطقی است. مساله دوم این است که ایران هیچ کاری برای توسعه تسلیحات و تجهیزات هسته‌ای انجام نمی‌دهد. ما در این خصوص بسیار مطمئن هستیم و فکر می‌کنم که برجام یک موفقیت بزرگ در تامین اعتماد کامل به ماهیت صلح آمیز برنامه هسته‌ای ایران است و این مساله یکی از پایه‌های برجام است. این بسیار مضحک است که امریکا عمدا متن 2231 را به نفع خود تحریف کند. ما هرگونه تلاش برای تحریم‌های بیشتر ایران با استفاده از این بهانه را رد می‌کنیم و هیچ‌گونه جایی برای اعمال تحریم‌های سازمان ملل بر ایران در این خصوص وجود ندارد. در مورد تحریم‌های یکجانبه امریکا علیه ایران به این بهانه نیز من فکر می‌کنم که این مساله در تضاد با روح و جسم برجام خواهد بود و ما خواهان تعهد و پایبندی امریکا به برجام هستیم و این رفتار امریکا هم نه تنها دلیل بلکه یکی از دلایل ما برای اشاره به این موضوع است که امریکا باید به تعهدات خود در برجام عمل کند. نحوه پرداختن به مسائل موشکی ایران و بحث‌ها در این خصوص در تضاد با اصل اجرای همراه با حسن‌نیت برجام و عمل کردن صحیح امریکا به توافق هسته‌ای است.

*اعتماد

معاون وزیر خارجه روسیه:

آمریکا با «بررسی سیاست ایران» دنیا را به گروگان گرفته/ بررسی اخراج دیپلماتهای آمریکایی از روسیه/واکنش به حمله موشکی سپاه به دیرالزور

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

معاون وزیر خارجه روسیه با بیان اینکه اقدامات آمریکا با روح و متن برجام ناسازگار است، می‌گوید که واشنگتن با طولانی کردن موضوع «بررسی سیاست‌ها در قبال ایران»، دنیا را به گروگان گرفته است.

به گزارش تسنیم، «سرگئی ریابکوف»، معاون وزیر خارجه روسیه در آستانه سالگرد برجام به تهران سفر کرد تا با مقامات ایرانی دیدار و گفتگو کند. آقای ریابکوف در طول این سفر در تهران به گفتگو با خبرنگاران سیاست خارجی خبرگزاری تسنیم پرداخت. وی در این گفتگو علاوه بر برجام به موضوعاتی در خصوص سوریه، تنش با آمریکا، حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دیرالزور سوریه، تنش قطر با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پرداخت. مشروح این مصاحبه به شرح زیر است.

آمریکا به الزامات برجام پایبند نیست

تسنیم: وزیر امور خارجه ایران اخیرا نامه‌ای را به مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نوشت و در آن به موضوع نقض برجام توسط آمریکا پرداخت. نظرتان درباره مفاد نامه چیست؟

ریابکوف: این مسئله پنهان نیست که سرویس خارجی اتحادیه اروپا، در واقع، نامه‌ای را که شما (ظریف) به آن‌ها ارجاع داده بودید را (بین گروه 1+5) توزیع کرده است. این یک اقدام معمول و مرسوم است، و من بر باورم این موضوع خودش مدنظر آقای ظریف در تصمیم‌اش برای ارسال این نامه به خانم موگرینی بود، اینکه این نامه بین دیگر اعضای گروه (1+5) توزیع شود. و با دقت و همفکری زیادی این نامه و کلمات و احساساتی که در نامه جناب آقای ظریف، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران بیان شده است را بررسی کردیم. از آنجا که ما اساساً با این نکته ایران موافقیم که آمریکا در تمام طول دوره اجرای برجام نه‌تنها پایبنتر از سطح انتظار عمل کرده، بلکه معتقدیم و نشانه‌هایی را می‌بینیم که آمریکا مغایر و به‌خلاف الزامات برجام عمل می‌کند و این اقدام یا عدم اقدامی است که من آن را عدم پایبندی به الزامات برجام توصیف می‌کنم.

اولا، ما شاهد یک سیاست مداوم بازدارندگی توسط آمریکا در خصوص فعالان اقتصادی و مالی در دنیا هستیم، به این مفهوم که این فعالان اقتصادی یا از همکاری عادی و مثبت با طرف‌های ایرانی منع می‌شوند یا اینکه آنها به‌واسطه تبعات منفی احتمالی چنین تجارتی با طرف‌های ایرانی ترسانده می‌شوند و این فقط به‌خاطر این است که آمریکا سیستم بین‌المللی مالی و بانکی را کنترل می‌کند و قادر خواهد بود در شرایطی خاص این فعالان را تنبیه کند و این به‌خاطر آن است که ما و طرف ایرانی آن را رابطه همکاری متقابل کاملا مشروع و منطقی می‌دانیم.

تحریم‌ها، تلاش آمریکا برای اعمال سیاستهای هژمونیک علیه ملتهای مستقل است

موضوع دوم، طرف آمریکایی در سه مقطع لیست تحریم‌های خود را علیه افراد و مهمتر از آن نهادهایی از ایران و کشورهای ثالث به‌دلیل آنچه همکاری با طرف ایرانی در خصوص برنامه موشکی ایران می‌نامد افزایش داده است. این هم یک نشانه دیگر از این است که ایالات متحده نمی‌تواند جایگزینی بیابد برای سیاست کاملا نادرست، ناکام و غیرمنطقی خود در تحریم یکجانبه دیگران، از جمله، روسیه، ایران، به خاطر اینکه چیزهایی که آن کشورها به عنوان حق مسلم خود انجام می‌دهند، به خاطر چیزهایی که صرفا ایالات متحده نمی‌پسندد، و این یک نوع

یکجانبه‌گرایی محض و تلاشی برای اعمال سیاست‌های هژمونیک در قبال ملت‌های مستقل است.

به آمریکا درباره زیرسئوال بردن برجام و تحمیل اراده سیاسی خود به ایران و دیگران هشدار دادیم

این دو مسئله، از دید من، به صورت ابتدایی و اساسی راهبر (اقدامات) این کشور نسبت به برجام است، موضوعی که کاملا مختل‌کننده است. و این موضوع را برای طرف آمریکایی در تمامی سطوح تفهیم کردیم و ما به ایالات متحده درخصوص تلاش‌های بیشتر برای اعمال اراده سیاسی خود علیه ایران و دیگران که باعث زیر سئوال رفتن کلیت ساختار برجام می‌شود، هشدار دادیم.

آمریکا با طولانی کردن «بررسی سیاست‌های ایران» دنیا را به گروگان گرفته است

همانطور که پیشتر بیان شده است، من می‌گویم که صرفنظر از این اقدامات کاملا نگران‌کننده ایالات متحده یا عدم تمایل واشنگتن برای تغییر و بهبود محیط اقتصادی برای فعالان اقتصادی کشورهای ثالث که در ایران و یا با ایران مشغول فعالیت هستند، صرف‌نظر از این مسئله، ما شاهد یک وضعیتی هستیم که ایالات متحده در حال انجام چیزی موسوم به "بررسی سیاست‌ها در قبال ایران" است، جایی که برجام در یک زمینه گسترده‌تری موسوم به وضعیت منطقه‌ای قرار گرفته است، و ما می‌دانیم به زبان آمریکایی‌ها چه معنایی دارد. این یک تلاش دیگر برای بازتوازن وضعیت شکننده در اطراف خلیج فارس و همچنین کشاندن این مسئله به زمینه اتهامات مطرح علیه برخی جنبه‌های خاص سیاست‌های داخلی یا خارجی ایران است. این یک دوره بسیار مشکل‌زا و اخلال‌گر است، از آنجا که نمی‌دانیم چه زمانی این "بررسی سیاست‌ها در قبال ایران" در ایالات متحده به پایان می‌رسد، ممکن این مسئله در پایان سال (جاری میلادی) میسر شود، ممکن است که تا پاییز ادامه یابد و این به معنای این است که بقیه ما، و سایر جهان به وسیله بازبینی سیاست آمریکا به گروگان گرفته شده‌اند. این یک وضعیت پایدار نیست.

در پشت درهای بسته هم، موضع پایدار روسیه درباره ایران را به آمریکایی‌ها گوشزد می‌کنیم

ما خواهان این هستیم که ایالات متحده این تلاش را به گونه‌ای تکمیل کند که برجام را تقویت کند و موجب اطمینان خاطر بیشتری در کل وضعیت شود و پیش از هر چیزی و مهمتر از هر چیزی به معنای شناسایی تام و تمام حق حاکمیت مشروع ایران باشد. ما همانطور که این موضوع را به صورت مستقیم (صریح)در مقابل شما بیان می‌کنم، در پشت درهای بسته هم در تمامی سطوح چنین کاری می‌کنیم و من مطمئن هستم زمانی که کمیسیون مشترک، همانطور که شما اشاره کردید، هفته دیگر بار دیگر تشکیل شود، و نماینده ایالات متحده در آن حاضر شود، چنین عمل کنیم، (و) از این فرصت و امکان بار دیگر استفاده کنیم تا به آن‌ها موضع کاملا استوار و پایدار طرف روس را در این مسئله به آن‌ها یادآوری کنیم.

اقدامات آمریکا با متن و روح برجام ناسازگار است

تسینم: شما به عدم پایبندی آمریکا و اینکه این کشور برخلاف برجام عمل می‌کند اشاره کردید، منظورتان از عدم پایبندی و اقدام برخلاف برجام، همان "نقض" برجام است؟

ریابکوف: این را هم می‌توانید به این شیوه بگویید، من از زبانی استفاده می‌کنم که برای ذهن کسانی که برجام را مورد مذاکره قرار می‌دادند شناخته شده و آشنا است. هرکسی که آن را بشنود متوجه می‌شود که منظور من چیست. این وضعیتی است که اقدامات یا عدم اقدامات آمریکا، دقیقا با جوهره سند متناقض بوده و با متن و روح برجام ناسازگار است.

تسنیم: در نشست آتی کمیسیون مشترک برجام آیا انتظار می‌رود که اقدامی عملی در مقابل اقدامات آمریکا برخلاف برجام، اتخاذ شود؟ به نظرتان روسیه و اتحادیه اروپا، در آینده و بلند مدت می‌توانند در برابر رویکردهای اینچنینی آمریکا بایستند و آن‌ها را متوقف کنند؟

ریابکوف: پیش از و بیش از هرچیزی، من فکر می‌کنم این مسئله مهم است که ما با دوستان ایرانی خود نظر مشترکی داریم. و مباحثات صبح سه‌شنبه من با همتایانم در وزارت خارجه ایران، با آقایان عراقچی و تخت‌روانچی درباره آن موضوعات گفتگوهایی مثبت و عمیق داشتم. ما تنها به مقایسه نکات و یادداشت‌ها نپرداختیم، ما تلاش کردیم از بین آب‌های خروشان کنونی، راهی به جلو بیابیم، به شیوه‌ای که به ما اجازه دهد تا به صورت موازی (همراه)، فکر و بررسی کنیم و امیدوارم به صورت موازی (همراه) عمل کنیم. فکر می‌کنم که این یک اقدام و رویه به‌خوبی توسعه‌یافته در یک نگاه مثبت‌اندیشانه به جهان است، اینکه چگونه با یکدیگر با همتایان ایرانی خود کار می‌کنیم، ما در طی تمامی مذاکرات چنین کردیم و هم‌اکنون در خصوص اجرای برجام نیز ادامه یافته است.

امیدواریم سیاستهای اروپایی‌ها بیشتر دربرگیرنده منطق و منافع مشترک باشد

در خصوص اقدامات عملی، من فکر می‌کنم که کمی هنوز زود است که در این باره سخن بگوییم، باید ببینیم دیگران چگونه واکنش نشان می‌دهند، اگر که واکنشی نشان دهند، و در نشست آتی کمیسیون مشترک چه مسائلی را مطرح خواهند کرد، ما به آنچه که آمریکا خواهد گفت گوش فرا خواهیم داد، همچنین به آنچه که اروپایی می‌گویند نیز گوش فرا خواهیم داد. ما امیدواریم که سیاست‌های اروپایی بیشتر در بر گیرنده استدلال، منطق و منافع مشترک باشد تا اینکه شامل ایدئولوژی و سیاست‌های ناکام گذشته باشد. ما با طرف ایرانی همچون دیگر طرف‌های گروه (1+5) مانند چین و دیگران در ارتباط و تماس نزدیک هستیم. این یک کار و فرآیند معمول و مرسوم دیپلماتیک است که همانطور که توضیح دادم ما مایل به ادامه آن هستیم.

انحصار دلار آمریکا در نظام مالی دنیا را باید از بین ببریم

تسنیم: همان‌طور که اشاره کردید بررسی‌هایی در ایالات متحده وجود دارد در خصوص توافق هسته‌ای و سیاست‌های این کشور در قبال ایران؛ برخی می‌گویند که دولت آمریکا در قبال ایران و برجام دچار بلاتکلیفی است، اما از طرف دیگر بحث دیگری هم هست مبنی بر اینکه دولت ترامپ قصد دارد با طولانی کردن فرایند این بررسی، باعث ایجاد سردرگمی در میان شرکت‌های خارجی در خصوص انجام مبادلات با ایران شود. فکر می‌کنید که کدام یک از این دو تحلیل درست است؟

ریابکوف: همان‌طور که می‌دانید، آمریکا در طول سال‌های گذشته جعبه ابزاری بسیار پیشرفته از تحریم‌ها و سایر تدابیر قهری توسعه داد که در دستگاه ذهنی آنها نسبت به استفاده از زور – به عنوان مثال- مقرون به صرفه‌تر است. استفاده تمام‌عیار و نادر از زور خطراتی دارد، چرا که دیگران هم ممکن است به صورت تلافی‌جویانه مقابله به مثل کنند و همواره این خطر وجود دارد که تنش‌های نظامی غیرقابل کنترل ایجاد شوند. در حالی که آنها اینطور فکر می‌کنند که با

استفاده از تحریم‌ها، می‌توانند به همین هدف‌ها با هزینه‌هایی به مراتب کمتر از جانب خودشان دست پیدا کنند، با توجه به اهمیت – اگر نگوئیم سلطه‌ای- که آمریکا در نظام‌های مالی (جهان) و نظام کلی اطلاعات مالی و کنترل بر مبادلات مالی و همه‌چیز دارد؛ و به نوعی آنها درست می‌گویند، چون در نبود گزینه‌های جایگزین، آنها می‌توانند از این سلطه‌شان سوءاستفاده کنند و این موضوع را به سود خودشان تمام کنند. من فکر می‌کنم که تنها پاسخ طولانی مدت به این چالش، ایجاد چند قطبی‌های راستین در تمامی جنبه‌های دنیا است، از جمله در نظام مالی ما لازم است که انحصار دلار آمریکا را از بین ببریم. ما در روسیه به تدابیر بیهوده و دلخواهانه برخی بانک‌های آمریکایی مبتلا شده‌ایم که به دلایل نامعلوم تصمیم گرفته‌اند که نباید اجازه داده شود تراکنش‌های بانکی یا سایر تراکنش‌های طرف‌های روسی از حساب‌های یا ترازهای مالی آنها عبور کند، تنها به این دلیل که آنها مجوزهایی با ماهیت‌های بسیار مبهم از طرف نهادهایشان مانند خزانه‌داری (آمریکا) یا OFAC (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی خزانه‌داری آمریکا) یا هر نهاد دیگری در آنجا دارند. شما این موضوع را در زمان تحریم‌ها که این تدابیر در بالاترین میزان علیه ایران بودند، به صورت بلاواسطه تجربه کردید، در حالی که الان تبعات یا نتایج اندکی از آن موضوع را شاهد هستید.

آمریکا قوانین بین‌المللی و قوانین داخلی خود را هم زیر پا می‌گذارد

اما وقتی می‌گویم که مبتلا شده‌ایم به این معنی نیست که چیزی درباره آن یاد نمی‌گیریم. ما درباره آن درس می‌گیریم و به طرز روزافزونی علیه آن ایمن می‌شویم و بیش از پیش، مصمم شده‌ایم که سپری در برابر این اقدامات سوءاستفاده‌گرانه طرف آمریکایی ایجاد کنیم و فکر می‌کنم که طرف‌های دیگر هم بایستی در آینده به همین نحو فکر کنند. چون آمریکایی‌ها، با توجه به بی‌توجهی‌ها به برخی اصول، در نهایت به ضرر منافع آنها عمل می‌کنند؛ همانند آن کاری که آنها در پایان سال گذشته برای مصادره اموال دیپلمات روسیه، با بی‌توجهی کامل به کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک و مصونیت دیپلماتیک این اموال انجام دادند. این خود گامی دیگر در جهت این جریان‌های مشکل‌ساز بود. کشوری که ادعا می‌کند بر اساس قانون بنا نهاده شده، اولین کشوری است که هنجارهای قوانین بین‌المللی و همچنین قوانین خودش را هم زیر پا می‌گذارد، چرا که مصادره‌ناپذیری املاک خصوصی در آمریکا، الفبای جامعه هستند. فقط دارم این را به عنوان مثالی عرض می‌کنم درباره اینکه این تفکر بسیار غلط و خطرناک تا کجا در دستگاه ذهنی برخی از سیاستگذاران در واشنگتن، پیش رفته و گسترش پیدا کرده است.

تسنیم: شما به موضوع تحریم‌ها اشاره کردید. تحریم‌های جدیدی در کنگره آمریکا در دست بررسی هستند به نام اس.722 که درباره ایران هستند و برخی از بخش‌های آن هم به روسیه مربوط می‌شود. اول، ارزیابی شما درباره تحریم‌ها با توجه به توافق هسته‌ای ایران چیست، و دوم، ارزیابی شما و نگرانی‌هایتان درباره این تحریم‌ها با توجه به روسیه چیست؟

ریابکوف: فکر می‌کنم که کنگره آمریکا در حال حاضر منشأ خسارت‌بارترین و مخرب‌ترین اقداماتی است که آمریکا انجام می‌دهد. این بسیار تأسف‌بار است، زیرا آنطور که ما می‌دانیم کنگره آمریکا همیشه نماد مسئولیت‌پذیری، اندیشه ورزی و توانایی بررسی امور از دیدگاه‌ها و زوایای مختلف بوده است. اما در هر زمانی، منافع ملی آمریکا و منافع حوزه‌های انتخاباتی که به نمایندگان و سناتورها رأی دادند را نادیده می‌گیرند. این افراد می‌توانستند مسیری بسیار مسئولانه را انتخاب کنند. اما اکنون دیگر چنین نیست. حالا ما در آنجا مجموعه‌ای از سیاستمداران را داریم که به نحوی بسیار یک‌دست، برخی دیدگاه‌ها و مفروضه‌های بسیار نادرست را تکیه‌گاه خود برای تصمیم‌گیری درباره کشورهایی قرار داده‌اند که به هر دلیلی آن را دوست ندارند- از جمله روسیه، ایران و برخی کشورهای دیگر.

آمریکا درباره اقدامات متقابل روسیه در قبال تحریم‌ها شک نکند

طرح قانونی 722 که شما به آن اشاره کردید، مشکلات بیشتری در مسیر عادی‌سازی روابط ما با آمریکا ایجاد خواهد کرد. در صورتی که از طریق این قانون تدابیر تنبیهی علیه روسیه به کار گرفته شوند، نباید درباره اینکه روسیه توانایی یا اراده مقابله به مثل دارد، شکی وجود داشته باشد و من اینکه چه اقدامات متقابلی اتخاذ خواهند شد را فاش نخواهم کرد، اما تدابیر ما الزاماً اقداماتی هم‌ارز (متقارن) نخواهد بود. ما راه‌هایی پیدا خواهیم کرد که به این افراد بفهمانیم که کار غلط انجام داده‌اند. این یک موضوع. اما درباره ایران چه می‌توانم بگویم؟ فقط می‌توانم ابراز تأسف کنم که این افراد، بدون در نظر گرفتن اتفاقات مربوط به برجام و با بی‌توجهی کامل به پایبندی کامل و بی‌نقض ایران به الزامات توافق هسته‌ای، در تلاش هستند بهانه‌ای برای اضافه کردن تحولات منفی به برجام که همین حالا هم در حال گذر از برهه‌ای دشوار است، اضافه کنند. این انتخاب آنها است.

مسئولیت خسارت نهایی به برجام به عهده کسانی است که امور را پیچیده می‌کنند

من مطمئنم که خردمندی مردم و مسئولان ایران به این کشور اجازه ایستادگی در برابر این فشار بیشتر و پیدا کردن راهی برای واکنش به این اقدامات آنها با شرافتمندی و مسئولیت‌پذیری کامل را خواهد داد. اما مسئولیت تمام تبعات خسارت نهایی به برجام، کاملاً به عهده کسانی خواهد بود که همواره این بهانه‌های جدید را برای پیچیده‌ترین امور ابداع کرده و ابزارهای جدیدی برای تغییر دادن مسیر دولت قبلی آمریکا در خصوص این موضوعات خاص پیدا می‌کنند. این موضوع برای آمریکا عمیقاً مایه تأسف است.

بررسی موضوع مصادره اموال و اخراج دیپلمات‌های آمریکا از روسیه

تسنیم: درباره اقدامات تنبیهی، یک رسانه روسی امروز گزارش داد که روسیه احتمال دارد 30 دیپلمات آمریکایی را اخراج کرده و برخی اموال متعلق به آمریکا در روسیه را مصادره کند. آیا چنین اقدامی در دست بررسی است؟

ریابکوف: ما همواره این موضوع را به صورت خصوصی به آمریکا گفته‌ایم – البته تا حالا چندین بار هم علنا گفته‌ایم – که این دو اقدام در دست بررسی هستند. ما نمی‌توانیم برای مدت نامحدود صبر کنیم تا طرف آمریکایی راهی برای برون‌رفت از این وضع دشوار که دولت قبلی ایجاد کرد، پیشنهاد کند. تا این لحظه شاهد ارائه هیچ ایده معناداری از طرف (دولت فعلی) آمریکا برای حل و وفصل وضع دشواری که دولت قبل آنها را در آن قرار داد نبوده‌ایم. ما پیشنهاداتی به آمریکایی‌ها برای انجام اقدامات لازم داده‌ایم، من وارد جزئیات درباره نحوه پیشرفت تعاملات ما با طرف آمریکایی نمی شوم، اما واقعیت این است که تا حالا یعنی از دسامبر سال 2009 تا 11 جولای هیچ نتیجه‌ای چنانکه لازم است را شاهد نبوده‌ایم. یکبار دیگر می‌گویم که صبر ما نامحدود نیست و این دو اقدام، به طور جدی در دست بررسی است.

تغییر در روابط روسیه و آمریکا یک شبه اتفاق نمی‌افتد

تسنیم: درباره دیدار اخیر بین آقای پوتین و آقای ترامپ، آیا شما شاهد هیچ نشانه مثبتی مبنی بر تغییرات احتمالی در موضع طرف آمریکایی در آینده بودید؟ آیا می‌توانیم بگوییم که شاهد تغییری در رویکرد طرف آمریکایی بوده‌ایم؟

ریابکوف: فکر می‌کنم تغییر در روابط ما با آمریکا به سمت بهتر شدن، فرایندی است که نمی‌تواند یک شبه اتفاق بیفتد. با همه اهمیتی که ما- و همینطور ما روس‌ها - برای دیدار میان روسای جمهور، پوتین و ترامپ قائل هستیم فکر می‌کنیم قبل از اینکه بتوانیم به این جمع‌بندی برسیم که کاملاً در مسیری متفاوت قرار گرفتیم به انجام اقدامات بیشتری نیاز است. حالا که این را گفتم، باید تأکید کنم که خود این دیدار تا آنجا که من می‌دانم – من در جلسه حضور نداشتم ولی طبق روایت‌هایی که شنیده‌ام- در فضایی مثبت و مبتنی بر تعامل و به صورت فشرده انجام شد. آنها درباره مسائل دوجانبه، سوریه و اوکراین گفت‌وگو کردند. اما، درباره توافق هسته‌ای در آنجا بحث نشد. درباره نتایج خاص این دیدار، من به سه مورد اشاره می‌کنم که برای آینده نویدبخش هستند اما هنوز هم لازم است که نحوه اجرایی شدن آنها توسط طرف آمریکایی در عمل به محک آزمون گذارده شود، چون ما در طرف روسیه، دستورالعمل‌های مستقیمی از طرف رئیس‌جمهور دریافت کرده‌اند که کاملاً به موارد حاصل‌شده پایبند بمانیم و سهم خودمان از این فرایند را انجام بدهیم. آن سه حوزه عبارتند از اعلام منطقه کاهش تنش جدید در سوریه؛ دوم، توافق برای آموزش کارشناسان دو طرف از ساختارهای دولتی جهت کار بر روی موضوعات امنیتی فناوری اطلاعات و امنیت سایبری، چون همان‌طور که می‌دانید اینها عرصه‌هایی هستند که در زمان‌های اخیر غیرقابل درک‌ترین اتهاماتدر آمریکا درباره آنها علیه روسیه مطرح شده‌اند. مورد سوم، اینکه ما به سمت یک چارچوب تفاهم احتمالی درباره نحوه گسترش روابط ناپایدارمان از روابط اندک فعلی، حرکت کنیم. و این مورد، طبق درک ما، تعهد عدم دخالت در مسائل داخلی یکدیگر را شامل می‌شود. روی‌هم‌رفته شرایط بسیار حساس و ظریف هستند؛ بر همین اساس است که می‌توان فهمید که دیدار بین دو رئیس‌جمهور در هامبورگ برای چه تا این حد طولانی شد. یکبار دیگر باید بگویم، لحظه‌ای مثبت و رویدادی مهم بود- اتفاقی که بر بخش زیادی از آنچه در هامبورگ به وقوع پیوست سایه افکند و این اولین دیدار شخصی بین دو رئیس‌جمهور بود، اما اینکه بعداً چه اتفاقی می‌افتد را باید منتظر ماند و دید. ما در طرف روسیه، کاملاً متعهد به پیشبرد امور با آمریکا به نحو مثبت و پشت سر گذاشتن مشکلات متعدد برهه‌های زمانی گذشته هستیم.

توافق آمریکا و روسیه برای ایجاد نهادی در زمینه امنیت سایبری

تسنیم: بر سر ایجاد واحدهای امنیت سایبری توافق شد؟

ریابکوف: بله. ما الان قصد داریم نهادی را راه‌اندازی کنیم. این نهاد قرار است تکرار کارگروهی باشد که با آن آشنایی داریم و به شکل یک کمیسیون ریاست‌جمهوری در رابطه بین روسیه و آمریکا فعالیت می‌کرد، بلکه در شکل جدید، نشست‌ها، میزگردها و جلسات مشورتی متشکل از چندین سازمان برگزار خواهد شد. در این جلسات، افراد متحصص حضور پیدا می‌کنند و به مقایسه اشتراک اطلاعات می‌پردازند و بررسی می‌کنند که چه اقداماتی می‌توان انجام داد تا از مواقعیت‌هایی که در آنها فردی به اقدامات خلاف، جرائم کیفری متهم می‌شود، جلوگیری شود. به هر حال، ما کمتر از آمریکا به غلبه بر مشکل جرائم سایبری در تمامی اشکال آن اعم از سرقت اموال به صورت سایبری، انتشار سایبری اطلاعات کیفری و غیره – یا تحریک به تروریسم- علاقه‌مند نیست. فهرست طویلی وجود دارد.

این موضوع جداگانه‌ای است اما ما حالا توافقی برای بنا نهادن ساختاری داریم که می‌تواند نگرانی‌ها درباره استفاده از اینترنت برای مقاصد سیاسی یا برای دخالت در فرایندهای سیاسی را رفع کند.

تسنیم: آقای ترامپ ظاهراً از یکی از توئیت‌هایش درباره تشکیل واحدهای امنیت سایبری عقب‌نشیتی کرد.

ریابکوف: اطلاعی از عقب‌نشینی ایشان ندارم. من از هیچ موضع خاصی که این دولت آمریکا قبل از دیدار هامبورگ در این مسئله خاص گرفته باشد اطلاع ندارم. در واقع، ما قبل از این نشست، تماس‌های مقدماتی و آغازین درباره این موضوع خاص داشتیم و اوضاع به نحو مناسبی پیش رفت. من به دیگران اجازه می‌دهم... من خودم آنجا نبودم و وظیفه من هم نیست این موضوعات را بررسی کنم. دیگران به شما خواهند گفت که قبل از برگزاری دیدار میان روسای جمهوری، برخی بررسی‌های میدانی صورت گرفتند.

تسنیم: نتیجه فرایند ارتباط بین آمریکا و روسیه هنوز محقق نشده است. شما هنوز شاهد تغییر از طرف آمریکا نبوده‌اید. درست است؟

ریابکوف: خب، هنوز برای گفتن اینکه چیزی تغییر کرده اندکی زود است. منظورم این است که دو سال و شاید بیشتر طول کشید که دولت آمریکا و سیاستمداران این کشور وضعیت فعلی روابط با روسیه را به وضع اسف‌بار فعلی برسانند. بنابراین، چرا ما انتظار داریم که بهبود در روابط ظرف چند روز اتفاق بیفتد؟ دیدار میان روسای جمهور، همین جمعه اتفاق افتاد و امروز تازه سه‌شنبه (در زمان مصاحبه) است. ما باید فشرده کار کنیم تا در جریان امور باقی بمانیم و سررشته امور را از دست ندهیم. این احساسی است که من دارم، یا نحوه مطرح کردن مسئله برای خودم است، زیرا که من رسماً در وزارت خارجه روسیه مسئول روابط با آمریکا هستم.

تسنیم: آیا تا زمان دیدار دو رئیس جمهوری، هیچ تغییری در سیاست‌های آمریکا در قبال روسیه رخ نداده است؟

ریابکوف: خیر، خیر، این حقیقت دارد، این موضوع حقیقت دارد. من منظور شما را متوجه نشدم.

به مواضع طرف اسرائیلی درباره سوریه توجه نمی‌کنم/ با ایران مشورت می‌کنیم

تسنیم: درباره توافق روسیه و آمریکا در خصوص جنوب غربی سوریه، می‌توانید کمی از جزئیات آن را بیان کنید؟ اینکه کدام مناطق شامل آن می‌شود و کدام نیروهای و کشورها در آن مناطق خواهند بود؟ با توجه به اینکه برخی گزارش‌ها حاکی از این است که اسرائیلی‌ها با حضور نیروهای روسی در این منطقه مخالفت کرده‌اند.

ریابکوف: سه نکته در این باره وجود دارد. من در اینجا خطوط و نقشه‌ها را آشکار نخواهم کرد، زیرا چیزهایی وجود دارد که به صورت فوری به ملعبه دستان کسانی تبدیل می‌شود که مخالف نیروهای دولتی و دقیقا مخالف مفهوم تفاهم روسیه و آمریکا در این مسئله هستند. اما من می‌توانم به شما اطمینان بدهم که تمامی این‌ها به شیوه‌ای اتفاق می‌افتند که دقیقا به دمشق و تهران منتقل (و منعکس) می‌شوند، جایی که بر سر بنیان برای تعامل مرتبط درباره آنچه در حال رخ دادن است اشتراک نظر داریم، و مشورت می‌کنیم که در غیر این صورت غیرممکن و ناقض عهد برای شرکای ما می‌بود. من نمی‌گویم که طرف آمریکایی خواهان این توافق نبود، من فکر می‌کنم که ایالات متحده بر این باور است برخی تجارب در سوریه می‌توانند در جاهای دیگر اعمال شده و به کار گرفته شوند. امیدوارم که چنین باشد، و نه به هزینه یکپارچگی سرزمینی، حق حاکمیت و اتحاد سوریه؛ این خط قرمز ما است و ما به ایالات متحده

این را گفته‌ایم. خواهیم دید که رفتار آن‌ها در میدان عمل چگونه متناسب با این مسئله خواهد بود.

مفهوم مناطق کاهش تنش، امکان کاهش تلفات را فراهم می‌کند و امیدواریم فضای سیاسی بهتری را فراهم کند. ما به دنبال تعمیق (و تقویت) فرآیند آستانه هستیم و به هیچ وجهی تلاش‌های دی‌میستورا و فرآیند ژنو را در کلیت آن زیر سئوال نمی‌بریم.

و نکته سوم، من فکر می‌کنم تمامی این فرآیندها به صورت متقابل همدیگر را تقویت می‌کنند و با یکدیگر سازگاری دارند.

در این چارچوب، من در کل، توجهی به مواضعی که طرف اسرائیلی اتخاذ می‌کند نخواهم داشت. فکر می‌کنم که مناطق کاهش تنش در سوریه، بیشتر به خاطر منافع طرف روسی و طرف آمریکا به مفهوم واقعی کلمه ایجاد شده تا به خاطر درون‌دادهای رسیده از نیروها و بازیگران در منطقه. این نکته را هم یادآوری کنم که مفهوم اصلی مناطق کاهش تنش، چندی پیش توسط رئیس‌جمهور پوتین، در سطح بالا و بر اساس تماس‌های وی با همتایان ایرانی، سوری و ترکیه‌ایش مطرح شد. بنابراین، ما در راستای این اصول فعالیت می‌کنیم و این کار را به صورت مبهم انجام نمی‌دهیم، بلکه بر اساس رایزنی‌ها با ایران به عنوان برجسته‌ترین شریکمان در این تلاش انجام می‌دهیم.

تسنیم: اخیراً روسیه گفته که اعتماد بالایی وجود دارد که البغدادی، سرکرده داعش کشته شده است. جدیدا هم برخی رسانه‌های عربی در منطقه گزارش دادند که رهبر داعش کشته شده است. آیا اطلاعات تازه‌ای درباره این موضوع دارید؟

ریابکوف: بعد از برخی گزارش‌های اولیه توسط منابع غیرمجاز در روسیه درباره مرگ البغدادی، ما بیش از یک بار این موضوع را اعلام کردیم که نمی‌توانیم قاطعانه این را تأیید کنیم. حتی وزیر (خارجه روسیه) لاوروف چند هفته قبل گفت که مسکو هیچ اطلاعات نهایی درباره آنچه اتفاق افتاده ندارد. من امروز (سه‌شنبه) برخی گزارش‌ها از منابع عربی در این مورد دیدم. باز هم همانند مورد خودمان می‌گویم قبل از اینکه بتوانیم چیزی را با اطمینان بگوییم به تأیید قاطعانه‌تر و نهایی نیاز داریم.

تسنیم: روسیه تا کنون به صورت مستقیم در موضوع قطر و کشورهای حاشیه خلیج فارس دخالت نکرده است. این روال تا کی ادامه پیدا خواهد کرد و نظر شما درباره این مسئله چیست؟

ریابکوف: می‌دانید که سیاست روسیه در موضوع خاورمیانه به صورت گسترده و سوریه، دخالت نیست.

مجالی برای میانجیگری روسیه در موضوع قطر وجود ندارد/ برانگیختن عده‌ای برای مقابله با دیگری، اقدامی خطاست

تسنیم: منظور من نوعی میانجی‌گری هست.

ریابکوف: بله. ما کمک‌های خود را به قطری‌ها، برای سعودی‌ها و برای اماراتی‌ها و برای هرکسی از جمله مصری‌ها، و هرکسی که درگیر (این ماجرا) شده است، عرضه کرده‌ایم. من

فکر می‌کنم در فقدان علاقه به صراحت بیان شده از سوی کشورهایی که بیشتر از همه درگیر شده‌اند، مجالی برای میانجی‌گری ما وجود ندارد. پیشنهاد ما وجود دارد، ما می‌توانیم به شکل امکان‌پذیری یک (چارچوب) تبادل اطلاعات را توسعه دهیم، پیام‌هایی را ارسال کنیم، برخی راه‌حل‌ها را تسهیل کنیم، شبیه به آنچه که ما در ماجرای برجام انجام دادیم و این پیشنهاد وجود دارد. اشتیاق و علاقه آشکار ما در این موضوع برای این است که اطمینان دهیم اولا هیچ نتیجه‌ای از خشونت به دست نمی‌آید، این خطر هرچند نسبت به قبل دورتر شده است، اما ممکن است زمانی رخ دهد، ما باید با تمامی ابزارها از این خطر اجتناب کنیم. و دوما باید مطمئن شویم که این وضعیت از سوی هیچ بازیگری برای تغییر توازن منطقه‌ای مورد استفاده قرار نگیرد. اگر شخصی تعدادی را به مقابله با دیگران برانگیزد، و تلاش کند بر این مبنا از نظر ژئوپولتیکی، منطقه‌ای یا تنها سیاسی پیروز شود، بسیار خطا است و به همه درباره این رویکرد هشدار می‌دهیم. من امیدوارم که هرکسی نه سخن روسیه را بشنوند بلکه به آن گوش فرا دهد.

واکنش به حمله موشکی سپاه به دیرالزور

تسنیم: درباره حمله (موشکی) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه داعش در دیرالزور، چه ارزیابی از آن دارید؟

ریابکوف: باید یادآوری کرد که همه باید متحد شوند، هر ملت و هر دولت مسئولیت‌پذیری باید علیه پدیده شوم متحد شوند. زیرا این پدیده می‌تواند هرجایی را هدف قرار دهد. تلاش برای تقسیم کردن تروریسم به "تروریسم خوب و نه چندان خوب" و اینکه بعضی‌ها در یک طرف زمین بازی کنند و عده‌ای هم در طرف دیگر زمین، اقدامی اشتباه و محکوم است. اما کسانی که آنها را به رسمیت می‌شناسند، مرتکب اشتباه می‌شوند و تراژدی‌های بسیار بیشتری می‌توانند اتفاق بیفتند. ما در خصوص این، هشدار می‌دهیم و با واکنش تلاش می‌کنیم تا نشان دهیم که در جبهه مبارزه با تروریسم و داعش باید متحد و مستحکم باشیم.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با قرارداد توتال موافق بوده و معظم له روی توتال تاکید دارند. این امر توسط فردی از مشاورین دفتر معظم له در سیر بررسی قراردادهای جدید نفتی و هنگام عقد قرارداد ذکر شده است.

در حاشیه امضای قرارداد توسعه بخش فراساحل فاز ۱۱ پارس جنوبی؛

زنگنه: بدون حمایت رهبر معظم انقلاب قرارداد توتال به نتیجه نمی رسید/ بابک زنجانی پدیده استثنایی در تاریخ کلاهبرداری است

کد 139497 | خبر | سیاسی | سیاست داخلی | 1396/04/13



امضای این قرارداد را به مردم ایران، رهبر معظم انقلاب اسلامی که بدون حمایت ایشان این قراردادها به نتیجه نمی‌رسید و رئیس‌جمهور تبریک می‌گویم و از حمایت‌های دولت و مجلس تشکر می‌کنم.

اعتمادآنلاین- وزیر نفت در حاشیه امضای قرارداد توسعه بخش فراساحل فاز ۱۱ پارس جنوبی گفت: قانون حاکم بر قرارداد قوانین حاکمیتی نظام جمهوری اسلامی است و طبق مصوبه هیات دولت باید هیات هفت نفره‌ای عدم مغایرت مفاد قرارداد با مصوبات هیات دولت را تایید می‌کرد که شامل چهار نفر وزیر سابق و سه مقام ارشد دیگر است که مفاد این قرارداد را مورد تایید قرار دادند.

بیژن زنگنه با بیان اینکه امروز روز بسیار خوبی برای صنعت نفت ایران است، ابراز امیدواری کرد که با امضای این قرارداد مرحله جدیدی در صنعت نفت ایران رقم بخورد و افزود:: ۱۰ روز قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری از من در مورد امضای این قراردادها سوال شد و من پاسخ دادم مردم در ۲۹ اردیبهشت تصمیم می‌گیرند که این قراردادها ادامه پیدا کند یا خیر و مردم به ادامه این مسیر رای دادند. من امضای این قرارداد را به مردم ایران، رهبر معظم انقلاب اسلامی که بدون حمایت ایشان این

قراردادها به نتیجه نمی‌رسید و رئیس‌جمهور تبریک می‌گویم و از حمایت‌های دولت و مجلس تشکر می‌کنم.

وی افزود: ما راهی طولانی و فرساینده را طی کردیم و باید این مسیر را ادامه دهیم.

وزیر نفت با بیان اینکه با امضای قرارداد برای توسعه فاز ۱۱ و توتال نزدیک به ۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در کشور صورت می‌گیرد. ما هیچ گاه پیشتاز بودن توتال را در صنعت نفت ایران فراموش نمی‌کنیم. همچنین از CNPCI به عنوان شریک توتال تشکر می‌کنیم. ما دوستان خود را در روزهای سخت فراموش نخواهیم کرد و از این شریکان راهبردی همچنان استفاده می‌کنیم.

زنگنه ادامه داد: با صبوری در سه سال و نیم گذشته یک ساختار و الگوی جدید قراردادی که قابلیت پذیرش برای شرکت‌های بین‌المللی داشت، به تصویب رساندیم و در مورد آن به اجماع ملی رسیدیم.

وی با تاکید بر اینکه امروز در مورد قراردادهای جدید نفتی اجماع ملی وجود دارد، اظهار کرد: ممکن است برخی با این قراردادها مخالف باشند که این موضوع طبیعی است و برای دولت افتخار است که این حق را برای مخالفانش قائل شده که بتوانند انتقاد کنند.

وزیر نفت با تاکید بر اینکه برای امضای قرارداد با توتال مجوزهای لازم توسط شرکت ملی نفت و وزارت نفت اخذ شده است، افزود: در برنامه پنج ساله باید ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه برای بخش بالادستی و پایین دستی نفت درج شود که بیش از ۷۰ درصد آن باید از منابع خارجی تامین شود. بنابراین ما به سرمایه‌گذاری خارجی نیاز داریم. هدف ایران تولید شش میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی در پایان برنامه ششم توسعه است.

زنگنه با بیان اینکه اولویت ایران توسعه میدان‌های مشترک است، افزود: مناقصه آزادگان در جریان است و پیش می‌رود. امیدوارم همکاران اروپایی و آسیایی حضورشان را جدیتر کنند. ما همکاری با توتال را به صورت استراتژیک در برنامه داریم.

وی در مورد حضور شرکت‌های آمریکایی در صنعت نفت ایران توضیح داد: ما مانعی برای حضور شرکت‌های آمریکایی نداریم و این مانع را کشور خودشان ایجاد کرده‌اند. ایران همواره تعهد خود را برای عرضه انرژی در سطح جهان ایفا کرده است.

زنگنه در ادامه با اشاره به امضای قرارداد با توتال اظهار کرد: مهم‌ترین بخش این قرارداد انتقال فناوری در همه سطوح است. از پتروپارس و سایر شرکت‌های ایرانی نیز انتظار داریم از حضور توتال در ایران حداکثر استفاده را کنند. همچنین زمینه جذب سرمایه‌گذار خارجی برای پتروشیمی و پالایش نیز وجود دارد.

وزیر نفت با تاکید بر این که بخش اعظم این قرارداد توسط جوانان زیر ۳۰ سال صورت گرفت، افزود: این قرارداد در شرایطی امضا شد که بسیاری از افراد در خارج از مرزها نمی‌خواستند این اتفاق رخ دهد و عزت ایران و اینکه روابط ایران و جهان احیا شده است را ببینند.

زنگنه با بیان اینکه قرارداد مذکور با دو شرکت معتبر جهانی امضا شده است، افزود: این قرارداد با هدف انتقال فناوری به شرکت پتروپارس در دیگر شرکت‌های E&P امضا شده است و امیدوارم این قرارداد حجم عظیمی از اشتغال را به کشور ارجاع دهد.

وزیر نفت با اشاره به سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلار در قرارداد مذکور گفت: شرکت‌های ایرانی بدون هیچ محدودیتی می‌توانند در قراردادهای بعدی مشارکت کنند. چنانچه عملکرد شرکت های ایرانی رضایت بخش باشد، تا ۷۰ درصد قراردادهای بعدی می‌تواند شرکت‌های ایرانی صورت بگیرد که این موضوع بستگی به همت این شرکت ها دارد اما وزارت نفت از این شرکت‌ها حمایت می‌کند.

زنگنه با تاکید بر اینکه در امضای قرارداد با توتال شرایط بانکی دیده شده است، تصریح کرد: فکر می‌کنم با امضای این قرارداد شک و تردیدهای شرکت‌های خارجی برای حضور در ایران برطرف می‌شود و این شرکت ها بازگشتی دوباره برای سرمایه‌گذاری در ایران نه تنها در بخش نفت بلکه در همه بخش‌ها خواهد داشت. امضای این قرارداد علامت بزرگی برای جامعه اقتصادی اروپا و آسیا برای بازگشت ایران محسوب می‌شود.

وی در مورد وقوع احتمالی تحریم‌ها توضیح داد: بحث تحریم، بحث دیگری است و ربطی به دو طرف قرارداد ندارد اما برای شرایط تحریم و شرایط غیرعادی هم پیش‌بینی‌هایی شده است.

زنگنه با اشاره به مشارکت شرکت ایرانی پتروپارس در توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی گفت: پتروپارس منابع مالی مورد نیاز را باید از منابع خودش تامین کند و نمی‌تواند از

صندوق توسعه ملی استفاده کند. از نظر ما شرکت پتروپارس فرقی با توتال و CNPCI ندارد.

وی با تاکید بر اینکه متن قرارداد با توتال مغایرتی با مصوبات دولت ندارد، افزود: برای این منظور هیات هفت نفره‌ای تشکیل شد و این هیات متن قرارداد را مورد بررسی قرار داد. به طور کلی مشخص شد این متن قرارداد و ۱۴ پیوست آن مغایرتی با مصوبات دولت ندارد.

برگزاری مناقصه میدان نفتی آزادگان در حال اجرای است

وی در ادامه در مورد برگزاری مناقصه میدان نفتی آزادگان اظهار کرد: نمی‌توان گفت در این مناقصه کدام شرکت شانس بیشتری از سایر شرکت‌ها دارد. ما از شرکت های مختلف برای حضور در مناقصه دعوت کردیم و برخی از آنها اعلام آمادگی کردند. رد و بدل اطلاعات صورت گرفته و شرکت‌ها باید پیشنهاد فنی خود را ارائه کنند تا پس از آن قرارداد مالی مورد بررسی قرار بگیرد.

وزیر نفت ادامه داد: برای حضور در مناقصه میدان نفتی آزادگان شرکت‌های زیادی ابراز علاقه کرده‌اند. البته ما از شرکت‌ها در دو سطح همکار و لیدر دعوت کردیم که این شرکت‌ها باید پیشنهاد خود را ارائه کنند. مسیری که طی کردیم و قراردادی که با توتال نهایی شد، راه را برای امضای قرارداد با سایر شرکت‌ها صادر می‌کند. زیرا متن قرارداد یک بار نوشته شده و با همکاری یک شرکت بین‌المللی چکش کاری شده است. البته متن‌ها مشابه یکدیگر نیست.

ایران برای مذاکره با شرکت‌های روسی توجهی به تحریم‌های آمریکا ندارد

وی در ادامه با اشاره به مذاکره با شرکت‌های روسی اظهار کرد: مذاکره با شرکت‌های روسی ریسکی برای ما ندارد. اگر قرار باشد به تحریم‌های صدای آمریکا احترام بگذاریم، به ضرر خودمان است. قوانین آنها را غیرقانونی و فرامرزی می‌دانیم. آمریکا نمی‌تواند تعیین کند کدام کشور با کدام کشور تعامل داشته یا نداشته باشد.

اوپک در انتظار تاثیر کاهش تولید

وی با اشاره به کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی اظهار کرد: تولید نفت آمریکا بیش از پیش‌بینی افزایش یافت. اجماع کلی در اوپک وجود دارد این است که صبر کنیم تا

تاثیر کاهش تولید را به بازار مشاهده کنیم. اعضای اوپک ۱۰۰ درصد یا حتی بیش از ۱۰۰ درصد به تعهد خود پایبند بودند.
زنگنه با اشاره به افت فشار در فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی اظهار کرد: فشارافزایی که قرار است در تولید فاز ۱۱ پارس جنوبی مورد استفاده قرار بگیرد، جدید بوده و قبلا نه در ایران و نه در قطر استفاده نشده است. البته باید نتایج استفاده از آن را در فاز ۱۱ مشاهده کنیم. فعلا برای جلوگیری از افت فشار در فازهای دو و سه چاه‌ها تامین می‌شوند یا چاه‌های جدید احداث خواهند شد.
ادامه مذاکره با نرسک برای توسعه لایه نفتی پارس جنوبی
وی در ادامه با اشاره به ادامه مذاکره با شرکت نرسک برای توسعه لایه نفتی پارس جنوبی اظهار کرد: این شرکت با توجه به اینکه ده‌ها سال در طرف قطری کار کرده قابلیت بیشتری دارد. البته ما سعی می‌کنیم خودمان را به یک شرکت محدود نکنیم.
بابک زنجانی پدیده استثنایی در تاریخ کلاهبرداری است
وزیر نفت در ادامه با اشاره به وضعیت بابک زنجانی اظهار کرد: بابک زنجانی یک پدیده استثنایی در تاریخ کلاهبرداری بین‌المللی است و نفر دوم خیلی با زنجانی فاصله دارد. این داستان‌هایی که شرکای بابک زنجانی به ایران آمدند و سایر داستان‌ها را خودش درست می‌کند.
وی در ادامه با اشاره به برخی صحبت‌ها مبنی بر اینکه گفته می‌شود امروز با توجه به امضای قرارداد با توتال، روز آتش به اختیار بودن است، گفت: ملت ایران تصمیم گرفت که این قراردادها امضا شود. عده‌ای به برکت آزادی در ایران این حرف‌ها را می‌زنند اما از این طرف هم کسی استقبال نکرده است.
قانون حاکم بر قرارداد قوانین حاکمیتی نظام جمهوری اسلامی است و طبق مصوبه هیات دولت باید هیات هفت نفره‌ای عدم مغایرت مفاد قرارداد با مصوبات هیات دولت را تایید می‌کرد که شامل چهار نفر وزیر سابق و سه مقام ارشد دیگر است که مفاد این قرارداد را مورد تایید قرار دادند.

*جماران

زنگنه در تشریح جزئیات قرارداد با توتال در صحن مجلس:

بدون حکم قضایی نمی‌توانم قرارداد امضا نکنم/ دو شرکت خوشنام را به بنده معرفی کنید/ "ولیکن‌ها" مرا کشته

وزیر نفت، گفت: برخی نمایندگان گفتند شرکت‌های خوشنام دیگری وجود دارد، چرا با آنها قرارداد نبستید؟ بنده از این نمایندگان می‌پرسم لطف کنند دو شرکت خوشنام را به بنده اعلام کنند. از طرفی عده‌ای می‌گویند ما با سرمایه‌گذاری خارجی موافقیم، ولیکن یکسری صحبت‌ها داریم؛ این ولیکن‌ها مرا کشته است، آنقدر ولیکن می‌گویند که یعنی هیچ کاری انجام نشود.

به گزارش «نسیم آنلاین»، فارس نوشت: بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت در جلسه علنی امروز مجلس (21 تیر ماه 96) در تشریح جزئیات قرارداد نفتی ایران با شرکت توتال فرانسه گفت: دولت در آبان ماه سال 94، ساختار قراردادهای نفتی را به تصویب رسانده و بعد از این مصوبه جلسات زیادی با منتقدان برگزار شد که آخرین جلسات نیز در محضر رئیس مجلس بود.
وی افزود: درنهایت مصوبه دولت برمبنای تصمیماتی که اتخاذ شده بود اصلاح شد و در 21 شهریور ماه 95 نیز رئیس مجلس عدم مغایرت این مصوبه با قوانین را اعلام کرد.
وزیر نفت اظهار داشت: ما تنها به این نوع قراردادها محدود نیستیم و از نوع سابق قراردادهای بیع متقابل قراردادهای خرید خدمت، قراردادهای EPCF نیز می‌توانیم استفاده کنیم و یکی از مواردی که مدنظر ما بود تا پیرامون آن قراردادی را امضا کنیم فاز یازده پارس جنوبی بود.
زنگنه خاطرنشان کرد: در بهمن ماه 1394 یادداشت تفاهمی بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت توتال فرانسه برای مطالعه و پیشنهاد و ارائه طرح توسعه فاز یازده پارس جنوبی امضا شد و در همان روز نیز یعنی هشتم بهمن ماه 94 ما قرارداد رازداری و محرمانگی را با شرک توتال امضا کردیم و در پی آن نیز اطلاعات میدان را در اختیار این شرکت قرار دادیم چرا که هر کس که بخواهد پیشنهادی برای توسعه میدان ارائه کند باید اطلاعات میدان را در اختیار داشته باشد.
وی افزود: پس از تصویب الگوی قراردادها ما یک قرارداد چارچوبی با توتال امضا کردیم و شرکت ملی نفت چین و شرکت پتروپارس ایران با سهام 50.1 درصد توتال، 30 درصد شرکت ملی نفت چین و 19.9 درصد شرکت پتروپارس قراردادی به دنبال آن تنظیم شد و پس از مذاکرات چندین ماهه یک قرارداد و 14 پیوست در روز دوشنبه 12 تیر ماه 96 به امضا رسید.
وزیر نفت اظهار داشت: کارشناسان اقتصادی این نوع عملیات را نوعی سرمایه‌گذاری خارجی تلقی می‌کنند و نه یک قرارداد عادی پیمانکاری.
زنگنه خاطرنشان کرد: هدف اجرای این قرارداد این است که 2 میلیارد فوت مکعب برابر با حدود 56 میلیون متر مکعب گاز طبیعی در روز از بخش فاز 11 تولید شود که این جزو مرزی‌ترین فازهای ما است که کار آن به تاخیر افتاده بوده و با اجرای این طرح برآورد می‌شود در طول 20 سال 335 میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی ترش 290 میلیون بشکه میعانات گازی، 14میلیون تن گاز مایع، 12 میلیون تن اتان، 2 میلیون تن گوگرد و 315 میلیارد متر مکعب گاز سبک شیرین تولید شود.
وی افزود: ارزش این تولیدات در دوره 20 ساله قرارداد با قیمت نفت 50 دلار و قیمت گاز 20 سنت که قیمت فعلی صادراتی ما است در طول 20 سال 85 میلیارد دلار است و در دوره عمری که ما در نظر گرفتیم بیش از 130 میلیارد دلار ارزش تولیدات فاز یازده خواهد بود.
وزیر نفت اظهار داشت: طبق این قرارداد قرار است که 30 حلقه چاه حفر شود، 2 سکو و تاسیسات آن احداث شود،2 رشته خط لوله 32 اینچ به طول مجموعا 254 کیلومتر انجام شود، هزینه‌های خدمات مهندسی و راه‌اندازی انجام شود که این مربوط به بخش اول قرارداد است که 2 میلیارد و 479 میلیون دلار هزینه دارد.
زنگنه خاطرنشان کرد: در فاز دوم ما به فشارافزایی در سر سکوها می‌پردازیم که باعث می‌شود تولید ما تداوم پیدا کند که حدود 2.4 میلیارد دلار هزینه دارد.
زنگنه خاطرنشان کرد: هزینه حفاری هر چاه در فاز 12 پارس جنوبی 41.6 میلیون دلار بود در فازهای 15 و 16 هزینه حفاری هر چاه 41.4 میلیون دلار بوده و در فازهای 17 و 18، 41.1 میلیون دلار بوده است و ما در برآوردی

که برای حفاری هر چاه در فاز یازده داریم 31 میلیون دلار است که پیرامون آن با کنسرسیوم طرف قرارداد توافق کرده‌ایم.
وی افزود: هزینه سکوهای ما در فاز 12 هر سکو برای یک میلیارد فوت مکعب 266 میلیون دلار بوده در فازهای 15 و 16، 260 میلیون دلار بوده در فازهای 17 و 18، 199 میلیون دلار بوده که این فاز، فاز 500 میلیون مترمکعبی بوده یعنی ظرفیت سکو نصف بوده. در فاز 12 برآورد ما برای هر سکوی یک میلیارد فوت مکعبی 176 میلیون دلار است.
وزیر نفت اظهار داشت: هزینه خط لوله 32 اینچ در هر کیلومتر با مشخصات پایین‌تر که X52 بوده در فاز 12، 1.67 بوده در فازهای 15 و 16، 1.59 بوده و در فازهای 17 و 18، 1.88 بوده است و در فاز 11 با وجود اینکه از لوله بهتر X65 استفاده شده 2.18 میلیون دلار است.
زنگنه خاطرنشان کرد: استفاده از سکوی فشار افزایی باعث می‌شود که تولید ما دو برابر شود چرا که تولید ما بدون سکوی فشار افزایی از سال‌های 2022 و 2023 که در حداکثر خود قرار دارد بعد از این مقدار افت می‌کند و با وجود سکوی فشارافزایی تولید ما تا سال 2033 به میزان 2 میلیارد فوت مکعب می‌ماند و بعد شروع به افت می‌کند.
وی افزود: تناژ سکوهای ما در پارس جنوبی زیر 3 هزار تن است و ما برای اولین بار باید سکویی را استفاده کنیم 20 هزار تن وزن دارد که هیچیک از کشورهای منطقه و از جمله قطر این سکو را نساختند.
وزیر نفت اظهار داشت: در بررسی‌هایی که داشتیم برآورد منطقی این سکوی 20 هزار تنی تا 2 میلیارد و 976 میلیون دلار است که در برآورد ما با کنسرسیوم 2 میلیارد و 400 میلیون دلار است و در این جا باید بگویم که تمام این قیمت‌ها با مناقصه تعیین می‌شود.
زنگنه خاطرنشان کرد: دوره قرارداد 20 ساله است و درمورد بازپرداخت سرمایه‌گذاری ما در دوره سرمایه‌گذاری یک سنت پرداخت نمی‌کنیم وقتی سرمایه‌گذاری به نتیجه رسید بخش اول که همان 2.5 میلیارد دلار اول حذف در یک دوره‌ای 10 ساله بازپرداختش انجام می‌شود.
وی افزود: در فاز دوم نیز بعد از اینکه سکوی فشارافزایی به بهره برداری رسید از زمان شروع بهره‌برداری بازپرداخت به مدت 10 سال انجام می‌شود و این بازپرداخت فقط از محل بخشی از محصول میدان انجام می‌شود و نه هیچ محل دیگری.
وزیر نفت اظهار داشت: درمورد عوارض و مالیات نیز حدود یک ملیارد و 20 میلیون دلار برای آن برآورد شده که پیمانکار در اجرای قرارداد به دستگاه‌های دولت ما پرداخت کند و پیمانکار در این مدت باید 6 میلیون دلار پول برای ساختن تاسیسات و پرداخت‌هایی که برای دولت است هزینه کند.
زنگنه خاطرنشان کرد: قرارداد از روز امضا از نظر زمانبندی و تعهداتی که دولت در این قرارداد با مصوبه شورای اقتصاد و با زمانبندی‌های مشخص دارد 12 میلیارد و 9 میلیون دلار است و همچنین برآورد پرداخت‌های پیمانکار 5 هزار و 899، بهره‌ها 442 و برآورد دستمزد 5 هزار و 668 در طول دوره 20 ساله است.
وی افزود: برخی از منتقدان می‌گویند که دولت قراردادی را امضا کرده که در طول 20 سال 50 درصد تولید میدان را به شرکت خارجی واگذار کرده که این حرف، حرف نادرستی است و به این خاطر است که این افراد اطلاع از وضعیت قرارداد ندارند.
وزیر نفت اظهار داشت: ارزش تولید میدان یازدهم پارس جنوبی در طول سال بیش از 5 میلیارد دلار است که در بالاترین حد پرداخت ما که نزدیک به یک میلیارد است تنها 20 درصد و یا کمتر از درآمد حاصل از این میدان پرداخت می‌شود.
زنگنه خاطرنشان کرد: بالاترین رقمی که ما در قرارداد پرداخت می‌کنیم 989 میلیون دلار مربوط به سال هشتم قرارداد است، در سال نهم 983، در سال دهم 980 و همینطور کمتر می‌شود.
وی افزود: این قرارداد از نظر زیست‌محیطی نیز آثار مهمی دارد که سالانه باعث می‌شود فقط 21 میلیون تن دی‌اکسید کربن کاهش پیدا کند.
وزیر نفت اظهار داشت: در این قرارداد برعکس قراردادهای فاینانس هیچ محدودیتی برای استفاده از ظرفیت‌های داخلی وجود ندارد و هیچ محدودیتی برای اجرای کار به داخل کشورمان وجود ندارد و اگر شرکت‌های داخلی در مناقصه برنده شوند می‌توان تا صد درصد کار را به داخل کشور آورد.
زنگنه خاطرنشان کرد: تمام بخش‌های اصلی کار باید با حضور شرکت نفت پیمانکار در مناقصه شرکت کند، در حفاری، در بخش مربوط به سکوهای دریایی، در بخش پایه‌های سکوها و همچنین خود سکوها، خرید لوله، لوله‌گذاری و حفاری و ... همگی مواردی است که پیمانکار باید در مناقصه شرکت کند. البته ما باید تلاش مستمری در این زمینه داشته باشیم که شرکت‌های ایرانی در این مناقصه‌ها برنده شوند.

زنگنه در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: ما انتقال تکنولوژی را در 4 سطح در این قرارداد برای اولین بار لحاظ کردیم،اینها را سامان داده و سند برای آنها درست کردیم که این سند قابل دیدن و ارجاع است.
وی افزود: در قراردادهای مصوب دولت این است که در هر قرارداد یک شریک ایرانی حتماً باشد. الزاماً شریک شرکت اکتشافات و تولید که این یکی از شروط مصوب ماست.
وزیر نفت ادامه داد: برخی دوستان در آن زمان به‌شدت با این موضوع مخالفت کردند و گفتند شرکت‌های خارجی گرگ هستند و می‌خواهید یک سری گرگ‌زاده را تربیت کنید که آنها هم گرگ شوند و کشور را پاره کنند اما ما عنوان کردیم که اگر قرار است تکنولوژی در کشور رشد کند، اولین گام آن این است که با شرکت نفتی در داخل داشته باشیم که در این راستا ما 14 شرکت ایرانی را تأیید صلاحیت کردیم و در این مناقصه شریک شدند.
وی ادامه داد: معتبرترین شرکت ایران در زمینه کارهای قرارداد نفتی، شرکت پتروپارس است، البته سهم 19.9 درصدی این شرکت یعنی 1.2 میلیارد باید پول بیاورد. یعنی به‌گونه‌ای نیست که ما بگوییم اگر شرکت سهمش بالا برود پول هم نمی‌خواهد. ما اگر قرار باشد 80 میلیارد دلار قرارداد ببندیم، 20 درصد از صندوق توسعه باید بگیریم، مگر صندوق توسعه چقدر پول دارد که فقط برای سهم شرکت‌های آورده ایرانی صرف کند؟
وزیر نفت همچنین یادآور شد: در این مرحله یک موافقت‌نامه مشارکت بین پتروپارس و شرکت چینی و فرانسوی امضا شده که به‌موجب آن موظفند توانمندی‌های مربوط به مدیریت پروژه‌های گازی، مهندسی مخزن، مدیریت پروژه‌های بزرگ گازی، مدیریت دارایی‌ها و تأمین مالی را به این شرکت ایرانی منتقل کنند و این شرکت در تمام مراحل عملیاتی قرارداد حضور فعال دارد و نرم‌افزارهای لازم به آن منتقل می‌شود تا توانا شود که خود، چنین کارهای بزرگی را در زمان‌بندی تعیین‌شده با قیمت توافقی انجام دهد.
وی ادامه داد: یک سال تأخیر در اجرای یک طرح پارس جنوبی 5 میلیارد دلار هزینه دارد، طرح‌هایی که ما امضا کردیم به هر دلیلی هر کدام از آنها 5 سال تأخیر دارند؛ یعنی این کشور 22 میلیارد دلار ضرر دیده است که این از جیب مردم رفته است و این یعنی بیکاری، فقر و مشکلات دیگر.
زنگنه بابیان اینکه ما در 10 سال گذشته بالای 100 میلیارد دلار سوخت مایع فقط در نیروگاه‌ها و صنایع متصل آن مصرف کردیم، گفت: اگر پارس جنوبی به‌موقع می‌آمد، این 100 میلیارد دلار لازم نبود سوزانده شود.
وی همچنین تصریح کرد: بند بعدی انتقال تکنولوژی بر رشد ظرفیت‌های تحقیقاتی و دانشگاهی کشور تأکید می‌کند که از جمله آن مرکز تحقیقاتی به نام پژوهشکده ازدیاد برداشت وابسته به وزارت نفت است که مسئول پارس جنوبی بوده و اکنون قرار شده توتال این را تعطیل کند و قراردادهای تحقیقاتی مشترک بین این و مرکز تحقیقاتی معتبری که توتال با آن کار می‌کند، انجام دهد و این کار بسیار مهمی است.
وزیر نفت ادامه داد: ما برای اولین‌بار در تاریخ قراردادهای ایران عنوان کردیم که اگر آن شرکتی در مناقصه سهم ایرانی بیشتری دارد، سازوکاری نوشتیم که تا 10 درصد می‌تواند قیمت آن بالاتر باشد. یعنی ما امتیازی برای این گروه لحاظ کردیم و این کار بسیار مهمی بوده که آموزش لازم هم به این شرکت‌های ایرانی خواهیم داد تا بتوانند در این قراردادها برنده شوند.
«کف تعهدات طرف قرارداد قانون حداکثر ساخت است، ولی ما مطمئنیم می‌تواند بالاتر از آن عمل کند و اگر شرکت‌های ایرانی را بتوانیم فعال کنیم بالای 70 درصد ارزش این قرارداد که نزدیک 3.5 میلیارد دلار قابل انتقال به شرکت‌های داخلی و قابل اجرا در داخل است. همچنین انتقال تکنولوژی و یا افزایش توان تکنولوژی و مدیریتی خود شرکت است که به‌عنوان کارفرما ضمیمه‌ای در قرارداد تعبیه کردیم.»
زنگنه با بیان اینکه انتقاداتی اخیرا در این زمینه به گوش می‌رسد، گفت: این انتقادات مربوط به این قراردادها نیست بلکه به مصوبه دولت در مورد ساختار الگوی قراردادها بر می‌گردد یعنی این افراد این مصوبه را قبول ندارند؛ البته در مورد این مصوبه اظهارنظری اتفاق بیفتد مانعی ندارد اما این موضوع امری تمام شده است چرا که تمامی مراحل آن طی شده و طبق قانون در حال اجرا است.
وی همچنین با اشاره به اینکه برخی معتقدند 50 سال تولید میدان را به طرف خارجی داده است در حالیکه چنین چیزی اصلا صحت ندارد و مورد قبول نیست، گفت: برخی هم می‌گویند جریمه در قرارداد لحاظ نشده در حالی که درون ساختار این قرارداد جریمه وجود دارد به گونه‌ای که اگر یک سال در کار پیمانکار تاخیر بیفتد بازگشت سرمایه پایین آمده و حتی اگر هزینه ها زیاد شود باز هم سرمایه کاهش می یابد.
« عده‌ای می‌گویند بندی در مصوبه دولت که براساس آن سند رازداری باید به تصویب شورای امنیت ملی برسد که این سند نرسیده و وزارت نفت اقدام خلاقی انجام داده است در حالی که مصوبه دولت در این مورد در 10 شهریورماه 95 به تصویب رسید. همچنین در ماده بند 8 این مصوبه آمده است که متن سند رازداری و محرمانگی به موضوع به

موضوع ماده 13 مصوبه دولت به تصویب شورای عالی امنیت می‌رسد که بر اساس آن در 8 بهمن ماه 94 سند رازداری با توتال امضا شد و اطلاعات میدان در اختیار آن قرار گرفت که این موضوع هم قانونی است.
وزیر نفت با بیان اینکه برخی مدعی هستند توتال در طرف قطر سهم دارد و مشکل پیش می آید، گفت: بنابر آمار رسمی تولید قطر از کل تولید گنبد شمالی که قسمت جنوبی پارس جنوبی در قطر است، 4 درصد بوده یعنی 16 میلیون مترمکعب سهم توتال است که در هیچ میدانی به این صورت نیست.
زنگنه همچنین یادآور شد: قطر مبارز فی‌سبیل‌الله نیست بلکه کاسب است. البته توتال نیز ادعا می‌کند در قطر، قطری هستیم و در ایران ایرانی.که در این میان عده‌ای می‌ویند وقتی در آمد و سود توتال در قطر بیشتر است چرا به ایران آمده است؟ که باید گفت در امور اقتصادی باید ملاحظات امنیتی در نظر گرفته شود اما روحیه امنیتی نباید در فضای اقتصادی حاکم باشد. تمامی سازوکارها را در این زمینه پیش‌بینی کردیم که مشکلی به وجود نیاید و همچنین شرکت توتال نیز مشکلی به وجود نمی آورد چرا که در دنیا اعتبار دارد.

زنگنه پس از سخنان نمایندگان مجلس:
بدون دستور یا حکم قضایی نمی‌توانم قرارداد امضا نکنم/ حضور شرکت‌های خارجی در ایران از اعمال تحریم‌ها جلوگیری می‌کند

بیژن زنگنه وزیر نفت در نشست علنی صبح امروز (چهارشنبه) مجلس شورای اسلامی و پس از پایان صحبت‌های نمایندگان مجلس در سخنان کوتاهی اظهار داشت: برخی از نمایندگان مجلس گفتند IPC خلاف قانون است، با اینکه طبق قانون تصویب شده و رسمیت یافته است. بنده می‌گویم که به قانون و مقرراتی که در دستم است عمل می‌کنم و این قوانین به بنده اجازه می‌دهد قرارداد امضا کنم و پیش روم.
وی افزود: برخی نمایندگان گفتند شرکت‌های خوشنام دیگری وجود دارد، چرا با آنها قرارداد نبستید؟ بنده از این نمایندگان می‌پرسم لطف کنند دو شرکت خوشنام را به بنده اعلام کنند. از طرفی عده‌ای می‌گویند ما با سرمایه‌گذاری خارجی موافقیم، ولیکن یکسری صحبت‌ها داریم؛ این ولیکن‌ها مرا کشته است، آنقدر ولیکن می‌گویند که یعنی هیچ کاری انجام نشود.
زنگنه اضافه کرد: بنده نمی‌توانم بدون اینکه دستوری یا حکم قضایی به من بدهند، قرارداد امضا نکنم، از طرفی باید بدانید شرکت توتال خودش به طور مستقیم کاری انجام نمی‌دهد و این پیمانکار است که کارها را انجام خواهد داد، اما هیچ اقدامی بدون اجازه ما انجام نخواهد شد. همچنین تمام اموال و اقدامات در راستای قرارداد ایران با توتال، از روز اول به نام ما و متعلق به ماست.
وزیر نفت تأکید کرد: حضور شرکت‌های خارجی در ایران و تعهدات آنان به ایران باعث می شود تحریم‌ها اتفاق نیفتد که آنان مجبور شوند از ایران بروند، چرا که در این شرایط، خود آنان هم ضرر می‌کنند. ما باید کاری انجام دهیم که آنان هم آسیب ببینند، نه اینکه فقط ما متضرر شویم.
وزیر نفت با بیان اینکه اتکای ما به نیروهای داخلی خودمان است، گفت: راه انتخاب شده برای توسعه کشور روشن است و این راه ادامه می‌یابد و اینگونه مباحث داخلی نباید موجب نگرانی مردم شود، چرا که ما در حال رشد در این مسیر هستیم و ارکان کشور نیز دارای اقتدار هستند و به یکدیگر پیوسته‌اند، امیدوارم با مساعدت نمایندگان مجلس شورای اسلامی بتوانیم کارها را پیش ببریم.

جهانگیری: متحیرم که چرا عده‌ای به دلیل بسته شدن قرارداد توتال بهم می‌ریزند/ دل دلسوزان را نسوزانیم / هر کس به ایران علاقمند باشد باید از این قرارداد خوشحال شود

معاون اول رئیس جمهور در دفاع از قرارداد توتال گفت: انسان متحیر می‌ماند که یک عده بهم می ریزند که چرا قرارداد توتال بسته شده. واقعا چرا باید اینگونه باشد؟

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

معاون اول رئیس جمهور در دفاع از قرارداد توتال گفت: انسان متحیر می‌ماند که یک عده بهم می ریزند که چرا قرارداد توتال بسته شده. واقعا چرا باید اینگونه باشد؟

به گزارش انتخاب به نقل از خبرگزاری ها، اسحاق جهانگیری در مراسم افتتاح موزه بانک ملی ایران با اشاره به قرارداد توتال اظهار کرد: شما با یک دولت یا یک فرد مخالف هستید اما با ملت ایران مخالفتی ندارید و باید بدانید این کارها در جهت زندگی ملت و توسعه ایران است. مقام معظم رهبری فرموده‌اند که در زمینه نفتی باید 200 میلیارد دلار سرمایه گذاری شود و این تنها پنج میلیارد از آن است آن هم با وجود اینکه آمریکا تهدید کرده که کسی حق ندارد بیش از مبلغ خاصی در ایران سرمایه گذاری کند و چنین قراردادی یعنی آمریکایی ها و شکست تحریم هایی که می خواهند پول به سمت ایران نیاید.

او ادامه داد: این روزها که این قرارداد توتال امضا شد من فکر کردم هر کس به ایران علاقمند باشد باید از آن خوشحال شود. اما انسان متحیر می ماند که یک عده بهم می ریزند که چرا این قرارداد بسته شده. واقعا چرا باید اینگونه باشد؟

جهانگیری در ادامه بیان کرد: نباید حرف هایی مطرح کنیم و دل متدینین و دلسوزان را بسوزانیم. یک زمان کتابی می خواندم که معاون نخست وزیر در یکی از کشورها گفته بود که سی آی ای ما را جذب کرد تا هر مدیریتی در کشور کار بزرگی انجام داد به او چیزی نسبت دهیم تا در کشور کار بزرگ و مدیر بزرگ شکل نگیرد.

وی با تاکید بر اینکه راه توسعه کشور اتحاد و همدلی است یادآور شد: ما باداشتن رهبر معظم انقلاب و با اجماع، وحدت، همدلی و صمیمیت می توانیم کشور را از مشکلات موجود عبور دهیم. ما زخیره اول نفت و گاز دنیا و موقعیت استراتژیکی داریم که با وجود اینها می‌توانیم از مشکلات عبور کنیم به شرط اینکه توسعه و پیشرفت ایران برای‌مان اصل باشد.

معاون اول رئیس‌جمهور در ادامه خاطر نشان کرد: من مطالعه ای داشتم که چه شد کشورهای آسیای شرقی و آمریکای لاتین که هم زمان با ما راه توسعه را پیش گرفتند توانستند در کار خود موفق شوند. مهمترین نتیجه ای که گرفتم این بود که آن‌ها سیاست های کلی را که گذاشته بودند تغییر ندادند. یعنی دولت ها حتی با کودتا تغییر می کردند ولی سیاست های توسعه کشور تغییر نمی کرد. اما در این جا ما تا ذره ای در دولت اختلاف نظر پیدا می‌کنیم فکر می‌کنیم وقت انتقام گرفتن از یکدیگر است و باید مشکل ایجاد کنیم در حالی که نمی دانیم این مشکلاتی که ایجاد می‌کنیم برای مردم ایجاد می‌شود.

وی با اشاره به نقش محوری بانک ها در توسعه تاکید کرد: بانک ها در توسعه ایران اولین نقش را دارند. البته نه اینکه من مشکلات موجود در بانک ها را ندانم ولی گاهی جفا است که قدر زحمات این مجموعه به این بزرگی را ندانیم و تنها ده اشکال و نقطه منفی اش را بزرگ کنیم. ما نیاز به جذب ده ها میلیارد دلار سرمایه داریم که این از طریق بانک ها امکان پذیر است و نیاز به

حمایت و تامین مالی از سوی بانک ها داریم و از طرفی برای افزایش انگیزه سرمایه گذاری نرخ سود بانکی باید کاهش پیدا کند.
جهانگیری با بیان اینکه لازم بود برای افتتاح موزه بانک ملی و این کار فرهنگی صورت گرفته چند نفر از دولت حاضر باشند خاطر نشان کرد: ما کشور بزرگ، متمدن و صاحب تاریخ بزرگی هستیم که آثار زیادی در کشورمان وجود دارد و هر کدام مایه افتخار هر ایرانی است. میلیون ها اثر هم وجود دارد که باید در جایی به نمایش گذاشته شود.

معاون اول رئیس‌جمهور افزود: الان موزه ها به مراکز علمی، فرهنگی و تحقیقاتی تبدیل شده اند و تنها برای دیدن نیستند. در شورای عالی میراث فرهنگی با تصمیمات گرفته شده بخش خصوصی و دولتی وارد کار موزه شده اند و ما هر چه بتوانیم در این زمینه حمایت می‌کنیم. باید فرصت ایجاد کنیم تا آثار موجود در کشور در معرض دید مردم قرار گیرد و این کارها برای روشن گری لازم است چراکه وقتی ملت نقش خود را در تمدن پیدا می‌کند به آن افتخار خواهد کرد.

جهانگیری همچنین عنوان کرد: از سیاست های اصلی ما برای اشتغال و دیپلماسی فرهنگی توسعه گردشگری است. در روزهای اخیر در یونسکو، یزد به عنوان اثری جهانی به ثبت رسید که برای ایران این اولین بار بود که یک شهر زنده به عنوان اثر جهانی ثبت شد. از دلایل آن می‌توان به وجود بادگیرها، قنات‌ها و معماری خشتی و حضور همزمان سه دین اسلام، زرتشت و یهودیت در این شهر اشاره کرد. باید از سازمان میراث فرهنگی و وزارت امور خارجه به خاطر این کار تشکر کنیم و به مردم ایران و به خصوص یزد تبریک بگوییم. این شهر می‌تواند مرکز و مقصد میلیون‌ها گردشگر باشد که البته باید زیربناهای مختلف را برای آن ایجاد کنیم.
جهانگیری همچنین اظهار کرد: اولویت اول کشور ما امروز بدون تردید مسئله اقتصاد است. ما با چالش‌های متعددی اعم از بیکاری، معیشت مردم و قدرت اقتصادی کشور روبرو هستیم که قدرت اقتصادی کشور باید توسعه پیدا کند و اقتصادمان آنقدر باید بزرگ شود که به راحتی سالانه قادر به ایجاد یک میلیون شغل باشیم و نیاز داریم رشد اقتصادی بالا به طور مستمر وجود داشته باشد.
وی اضافه کرد: من امروز خبری درباره صادرات ویتنام شنیده‌ام و با خود گفتم این کشور چه داستان‌هایی برایش گفته می‌شد و بعد از جنگ چقدر ویران شده اما امروز توانسته بیش از 150 میلیارد دلار صادرات داشته باشد اما ایران که از دهه 40 وارد صنعت اقتصاد صنعتی شد باز هم می بینیم که بخش عمده صادراتش کالاهای نفتی است.
معاون اول رئیس‌جمهور در پایان گفت: همه این اتفاقات در شرایطی است که ایران می‌تواند کشور بزرگی باشد و ما باید خود را مورد سوال قرار دهیم که چرا نمی شود. همه ما باید از اینکه مردم در زندگی اقتصادی رنج می‌کشند رنج ببریم و از اینکه خانواده‌ای با مشکل بیکاری فرزندانش روبرو است رنج بکشیم. این افتخار نیست که با یک ماده قانونی برای کسی که می‌تواند شغلی ایجاد کند مشکل ایجاد کنیم.

نمونه أي از مغالطه هاي عوامفريبانه

مقایسه توتال و قراردادهای قجری از سوی قاضی‌پور/فلاحت‌پیشه: با تاریخ سیاه کشور به توتال حمله نکنید

کد 139788 | خبر | اقتصادی | امور زیربنایی | 1396/04/21



فلاحت‌پیشه درقامت مدافع قرارداد توتال، در پاسخ به صحبت‌های قاضی‌پور که به مقایسه این قرارداد با قرادادهای نفتی دوره قاجار پرداخته‌بود، گفت: نباید به نام تاریخ سیاه کشور به قراردادی که در عرصه حاکمیت ملی بسته شده، حمله کنید.

اعتمادآنلاین- پس از گزارش بیژن زنگنه وزیر نفت در مورد قرارداد توتال، نمایندگان موافق و مخالف برای بیان نظرتشان پشت تریبون رفتند.

نادر قاضی‌پور چهره ای بود که در قامت نماینده مخالف این قرارداد، گفت: مردم ایران هیچ وقت نسبت به قراردادهای نفتی خوش بین نبوده‌اند، علت آن هم عملکرد کسانی بود که به نمایندگی از کشورهای استعمارگر به قصد حیله و فریب به کشور ما می آمدند.
اولین قرارداد مربوط است به دوره ناصرالدین شاه قاجار که همه معادن ایران را شامل شده بود و آنها می‌خواستند تحت عنوان کشف معادن، نفت ایران را به دست بیاورد، البته سرانجام شاه به خاطر فشار علما ناچار به لغو این قرارداد شد.

او در مرور تاریخی خود، ادامه داد: در دوره سلطنت مظفرالدین شاه قبل از مشروطه قراردادی برای استخراج نفت امضا شد، در سال **1901** میلادی اولین چاه نفت در مسجد سلیمان به بهره برداری رسید اما سهم ناچیزی به ایران رسید، اما بعد از سلطنت رضاخان تا زمان ملی شدن صنعت نفت مناقشات در این رابطه ادامه یافت، تا جایی که علمای بزرگی همچون آیت الله کاشانی و مرحوم مصدق چاره را در کوتاه کردن دست خارجی‌ها و در اختیار گرفتن نفت به دست ایرانی ها دانستند.

این صحبت‌های قاضی‌پور و قیاس اتفاقات دوران شاهان قاجار با اقدام مسئولانی نفتی جمهوری اسلامی، نکته ای بود که موجب شد، پس از پایان یافتن صحبت های او، حشمت الله فلاحت پیشه در دفاع از قرارداد توتال، اینگونه پاسخ او را بدهد: آقای قاضی پور! نباید به نام تاریخ سیاه کشور به قراردادی که در عرصه حاکمیت ملی بسته شده، حمله کنید.

او افزود: حداکثر میزان فروش نفت در دوران قاجار ۸ تا ۱۶ درصد، در دوران رضاخان ۳۳ درصد و بعد از ملی شدن نفت ۵۵ درصد شد، ولی ما اکنون به دنبال جذب سرمایه گذاری خارجی هستیم نه خام فروشی نفت.

خلاصه:

بستن اين قرارداد برخي شركتها و نهادها را بخاطر وجود رقابت كيفيت و مدت و تخصص و هزينه نكران كرده است، كه مي تواند زمينه را براى بي نظيهايشان در اينده و منع رفتار كذشته در شرايط تتحريم كه با تاخيرها و افزودن و زياده خواهي ووو به شركت نفت ايران فشار اورده و شركت نفت متحمل ان خسارات عملا مي شد، انجام قرار داد سبب تحقق مصداق كار فني در مدت مقرر و هزينه معين و مثالي براى مقايسه كيفيت مي شود، ضمن اينكه طلسم واهمه شركتهاي خارجي براى سرماهيه كذاري در ايران و استمار غير رسمي تحريم شكسته مي شود، حجم اين قرارداد نج مليارد دلار است كه با سرمايه كذاري خارجي انجام مي شود، و 195 مليارد دلار ديكر بايد سرمايه كذاري در نفت و كاز بشود و انها كه مدعي تمكن و تخصصص ووو هستند اين 195 مليارد را تايمن كنند نه مدعي ان بنج مليارد باشند

مریم میرزاخانی، ریاضیدان برجسته ایرانی درگذشت



مریم میرزاخانی (نفر سوم از راست) در کنار غلامعلی حداد عادل، اکبر هاشمی رفسنجانی و محمدعلی نجفی



مریم میرزاخانی، ریاضیدان برجسته ایرانی- آمریکایی و استاد دانشگاه استنفورد، در بیمارستانی در آمریکا درگذشت.

نزدیکان خانم میرزاخانی در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی گفتند خانم میرزاخانی در بیمارستانی در کالیفرنیا درگذشته است.

مریم میرزاخانی اولین زنی بود که برنده مدال فیلدز، معتبرترین جایزه حوزه ریاضی و معروف به نوبل ریاضیات شد.

مارک تسیه لوین، رئیس دانشگاه استنفورد، گفته است هرچند که "مریم خیلی زود رفت، اما بر هزاران زنی که با الهام از او جذب ریاضی و علوم شدند، تاثیری ماندگار گذاشت."

▪

آقای تسیه لوین خانم میرزاخانی را نظریه‌پرداز درخشان و متواضعی توصیف کرده که "افتخارات و عناوین را تنها به این امید می‌پذیرفت که دیگران به ادامه راه او تشویق شوند."

خانم میرزاخانی به تازگی به عضویت فرهنگستان هنر و علوم آمریکا در آمده بود.او یک سال پیش هم عضو فرهنگستان ملی علوم آمریکا شده بود.

مریم میرزاخانی از چند سال پیش به سرطان مبتلا شده بود.

او با یان ووندارک، ریاضیدان و استادیار دانشگاه استنفورد ازدواج کرده بود و دختر آنها، آناهیتا، شش ساله است.

'بلندپروازی جسورانه'

خانم میرزاخانی در دانشگاه صنعتی شریف تهران، و سپس دانشگاه هاروارد، در آمریکا تحصیل کرده بود و در ۳۱ سالگی به استادی و بالاترین درجه دانشگاهی رسید.

گفتگو با هژیر رحمانداد دوست مریم میرزاخانی

مطالعات او در زمینه نظریه توابع ستایش‌های بسیاری از ریاضیدانان را برانگیخته بود.تاکنون در مقالات و متون علمی مختلف نزدیک به هزار بار به مطالعات مریم میرزاخانی ارجاع داده شده است.

کمیته مدال فیلدز هنگام انتخاب مریم میرزاخانی او را برای " توانایی تکنیکی، بلندپروازی جسورانه، بینش وسیع و کنجکاوی ژرف" ستوده بود.

مریم میرزاخانی پیش از دوره مطالعات دانشگاهی توانایی بالای خود در ریاضی را نشان داده بود. او اولین دختری بود که در المپیاد ریاضی ایران مدال طلا گرفت و اولین فردی هم بود که در آزمون المپیاد ریاضی نمره کامل گرفت.

چهره‌های بسیاری از درگذشت خانم میرزاخانی ابراز تاسف کرده‌اند.

حسن روحانی، رئیس جمهور ایران، گفته است موفقیت علمی خانم میرزاخانی "نقطه عطفی در معرفی همت والای زنان و جوانان ایرانی در مسیر کسب قله های افتخار و عرصه های گوناگون بین المللی" بود.

فیروز نادری، دانشمند ایرانی-آمریکایی که سابقه مدیریت در ناسا را دارد، گفته است: "امروز چراغی خاموش شد. قلبم شکست... خیلی زود رفت."

Skip Twitter post by @Firouz_Naderi

مشاهده عکس در توییتر

دنبال کردن

Firouz M. Naderi @Firouz_Naderi

.A light was turned off today .... far too soon. Breaks my heart

12:10 ب.ظ - 15 Jul 2017

اطلاعات و حریم شخصی آگهی‌های توییتر

End of Twitter post by @Firouz_Naderi

غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم خانم میرزاخانی را "الگویی درخشان" برای جوانان و مخصوصا دختران ایرانی دانسته است.

Skip Twitter post by @HaddadAdel_ir

مشاهده عکس در توییتر

دنبال کردن

غلامعلی حدادعادل

✔@HaddadAdel_ir

خبر درگذشت خانم میرزاخانی، ریاضیدان برجسته ایرانی تکان‌دهنده و تأسف‌آور بود.امیدوارم دختران جوان یاد او را همچون الگویی‌درخشان گرامی بدارند.

2:55 ب.ظ - 15 Jul 2017

اطلاعات و حریم شخصی آگهی‌های توییتر

End of Twitter post by @HaddadAdel_ir

ادوارد فرنکل، ریاضیدان مشهور و نویسنده کتاب "عشق و ریاضی"، مریم میرزاخانی را "ریاضیدانی بزرگ و انسانی فوق‌العاده" خوانده و با اشاره به پیشتازی او به عنوان یک ریاضیدان زن، گفته است که کارهای خانم میرزاخانی الهامبخش زنان و مردان بسیاری است.

Skip Twitter post by @edfrenkel

دنبال کردن

Edward Frenkel @edfrenkel

RIP #MaryamMirzakhani -- a great mathematician and wonderful human being who broke a glass ceiling and inspired .many, men and women alike

3:26 ب.ظ - 15 Jul 2017

اطلاعات و حریم شخصی آگهی‌های توییتر

End of Twitter post by @edfrenkel

رسانه‌های عمده جهان خبر درگذشت مریم میرزاخانی را با عناوینی چون "مرگ نابغه ریاضی" پوشش داده‌اند.

گستره واکنش‌ها به درگذشت مریم میرزاخانی به قدری بوده که نام او (به انگلیسی) به یکی از ده موضوع مهم توییتر در سراسر جهان بدل شد.

انتشار تصویرسازی‌هایی از مریم میرزاخانی در رسانه‌های داخل ایران، که در آنها روسری یا مقنعه به تصویر او اضافه شده انتقادهایی را به دنبال داشته است.

"قرار نیست زندگی آسان باشد"

دانشگاه استنفورد در بیانیه‌اش به مناسبت درگذشت مریم میرزاخانی به کارهای اخیر او اشاره کرده است، از جمله مقاله‌ای ۲۰۰ صفحه‌ای که به عنوان "آغاز دوره‌ای جدید" توصیف شده بود.

استنفورد می‌گوید مریم میرزاخانی در کار بر روی این مقاله به جواب‌های ساده قانع نبود، بلکه بالاترین هدف را دنبال می‌کرد.

مریم میرزاخانی درباره سختگیری‌اش در کار گفته بود: "در طول مسیر خودت را

شکنجه می‌کنی، اما قرار هم نیست که زندگی آسان باشد."

اگر کاربر شبکه‌های اجتماعی باشید حتما دیده‌اید که همین چند روز پیش خبر بیماری مریم میرزاخانی برنده جایزه فیلدز، ریاضی‌دان و استاد دانشگاه استنفورد شبکه‌های اجتماعی را تکان داد.

خبر آمد خبری در راه است



کاربران هنوز از ابتلای خانم میرزاخانی به سرطان غصه می‌خوردند که امروز صبح از خواب بیدار شدند و دیدند که پست اینستاگرامی و توییتری فیروز نادری، از مدیران سابق ناسا، از "خاموشی یک چراغ" خبر می‌دهد که "قلبش را شکسته". همه در گیر و دار تایید ارتباط این پست با مریم میرزاخانی و بررسی صحت خبر درگذشت او بودند که خبر آمد مریم میرزاخانی درگذشته است.

غم و غصه فضای شبکه‌های اجتماعی را فرا گرفت. عکس‌های مختلف مریم از زمان کودکی تا زمان دریافت جایزه فیلدز و بعد از آن دست به دست می‌شد. در همین پست‌ها بود که خیلی‌ها برای اولین بار فرزند مریم را در آغوش او دیدند. عکس مریم میرزاخانی در کنار هاشمی و حداد عادل هم کم دست به دست نشد.

برخی هم مانند خبر آنلاین این وسط دست به ابتکاراتی زدند و درعکس‌های بی‌حجابش برای او حجاب درست کردند.

در شبکه های اجتماعی، مقامات، نام‌های آشنا و فعالان عرصه‌های مختلف هم به درگذشت مریم میرزاخانی واکنش نشان دادند.

حسن روحانی و محمدجواد ظریف و غلامعلی حداد عادل و خیلی ها دیگر هم صدای همدردی و تسلیتشان را در همین شبکه‌های اجتماعی به گوش بقیه رساندند. عارف و افراد دیگر هم در صفحاتشان به این موضوع پرداختند.

اما کم کم ماجرا ابعاد دیگری هم پیدا کرد و نام مریم میرزاخانی به زبان انگلیسی وارد فهرست ترندهای جهانی شد.
در این میان لازم است یادی هم بکنیم از پست سه سال پیش حسن روحانی که در آن، به خاطر دریافت مهم‌ترین جایزه ریاضی جهان یعنی فیلدز به مریم میرزاخانی تبریک گفته بود. آقای روحانی در این پست دو عکس با حجاب و بی حجاب مریم را منتشر کرد.
این در حالی است که روزنامه شرق، خبر سه سال پیش را با یک طرح از چهره مریم میرزاخانی پوشش داده بود، طرحی که موهای او را پنهان می‌کرد. روزنامه ایران هم با استفاده از فوتو شاپ عکسی با حجاب از او منتشر کرده بود.
به محض انتشار خبر درگذشت مریم میرزاخانی بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی یاد این اتفاقات افتادند. بردیا نوشت اگه تصویری از #مریم_میرزاخانی در روزنامه‌تون نگذارید بهتره تا اینکه به اجبار روسری براش بگذارید.
تمرکز بر زندگی مریم میرزاخانی و دستاوردهایش موجب شد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی بار دیگر به موضوع فرار مغزها جلب شود، به ویژه وقتی آقای حداد عادل درباره خان میرزاخانی توییت کرد.
واکنش‌ها وقتی به اوج خود رسید که کابران یادآوری کردند که مریم میرزاخانی یکی از بازماندگان سقوط مینی‌بوس حامل نخبگان دانشگاه شریف به دره در اسفند ۱۳۷۶ بوده است.
تصادف مینی‌بوس و اتوبوس نخبگان و دانش آموزان و دانشجویان، حکایتی است مکرر که هربار رسانه‌ای می‌شود بازار انتقاد و اعتراض به وضعیت نخبگان و کمبود امکانات و عدم توجه کافی به این افراد را داغ می‌کند.
نکته دیگری که امروز شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار دادند، ماجرای عدم تابعیت ایرانی فرزند خانم میرزاخانی به دلیل ازدواجش با یک مرد غیر ایرانی بود و اینکه زنی که با تلاش‌هایش برای ایران افتخار آفریده بر اساس قوانین ایران قادر نیست برای فرزندش تابعیت ایرانی بگیرد.
در ایران، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی نمی‌توانند تابعیت ایران را دریافت کنند.

فوت نابغه ایرانی ریاضی جهان به علت سرطان

به گزارش گیل خبر، به نقل از علمنا، مریم میرزاخانی ریاضی‌دان ایرانی و استاد دانشگاه استنفورد و برنده مدال فیلدز (بالاترین جایزه ریاضیات) در سال ۲۰۱۴ است. وی دوره کارشناسی ریاضی را در دانشگاه صنعتی شریف آغاز کرد و با دریافت بورسیه از طرف دانشگاه هاروارد، دورهٔ دکتری خود را در این دانشگاه پشت سرگذاشت.
این روزها اخباری مبنی‌بر ابتلای وی به بیماری سرطان منتشر شد که با پیگیری‌های علمنا متاسفانه صحت این خبر تایید شد. طبق گفته یکی از اعضای خانواده او، مریم میرزاخانی نابغه ریاضی کشورمان در حال حاضر در آمریکا تحت درمان قرار دارد.
گفتنی است میرزاخانی به‌عنوان یکی از ده ذهنِ جوان برگزیدهٔ سال ۲۰۰۵ از سوی نشریه پاپیولار ساینس در آمریکا و ذهن برتر در رشتهٔ ریاضیات مورد تجلیل قرار گرفت. وی برنده جوایزی چون جایزه ستر از انجمن ریاضی آمریکا در سال ۲۰۱۳، جایزه کلی و مدال فیلدز در سال ۲۰۱۴ است. از سایر سوابق درخشان او می‌توان به تدریس در دانشگاه استنفورد و پرینستون اشاره کرد.

انتشار خبر ابتلای مریم میرزا خانی ریاضی دان نابغه ایرانی به بیماری سرطان موجب تأسف کسانی شده که او را می شناسند یا نمی شناختند و با این خبر شناختند.
به گزارش عصرایران، خبر را اول بار «مهر» روی خروجی خود قرار داد و رسانه های دیگر بازنشر کردند و برخی روزنامه های امروز صبح – پنج شنبه 22 تیر ماه 96- هم به آن آب و تاب دادند.
خبرگزاری مهر نوشته که پیگیری های خبرنگارش حاکی از آن است که مریم میرزاخانی، ریاضیدان نابغه ایرانی هم اکنون به دلیل بیماری سرطان در بیمارستان به سر می برد.

یکی از نزدیکان وی از وخیم بودن بیماری این دانشمند ایرانی خبر داد و گفت: هم اکنون مریم میرزاخانی به دلیل بیماری سرطان در یکی از بیمارستان های امریکا بستری شده است.

مریم میرزاخانی متولد۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۶، تهران، ریاضی‌دان ایرانی و استاد دانشگاه استنفورد است. وی در سال ۲۰۱۴ به خاطر کار بر «دینامیک و هندسه سطوح ریمانی و فضاهای پیمانه‌ای آنها» برنده مدال فیلدز شد که بالاترین جایزه در ریاضیات است. وی نخستین زن و نخستین ایرانی برنده مدال فیلدز است.
زمینهٔ تحقیقاتی او مشتمل بر نظریه تایشمولر، هندسه هذلولی، نظریه ارگودیک و هندسه همتافته است.
مریم میرزاخانی در دوران تحصیل در دبیرستان فرزانگان تهران، برنده مدال طلای المپیاد جهانی

ریاضی در سال‌های ۱۹۹۴ (هنگ‌کنگ) و ۱۹۹۵ (کانادا) شد و در این سال به عنوان نخستین دانش‌آموز ایرانی جایزه نمرهٔ کامل شد. وی نخستین دختری بود که به تیم المپیاد ریاضی ایران راه یافت؛ نخستین دختری بود که در المپیاد ریاضی ایران طلا گرفت؛ نخستین کسی بود که دو سال مدال طلا گرفت و نخستین فردی بود که در آزمون المپیاد ریاضی جهانی نمرهٔ کامل گرفت.
سپس در سال ۱۹۹۹ کارشناسی خود را در رشته ریاضی از دانشگاه شریف و دکترای خود را در سال ۲۰۰۴ از دانشگاه هاروارد به سرپرستی کورتیس مک‌مولن از برندگان مدال فیلدز گرفت.
از مریم میرزاخانی به عنوان یکی از ده ذهنِ جوان برگزیدهٔ سال ۲۰۰۵ از سوی نشریه پاپیولار ساینس در آمریکا و ذهن برتر در رشتهٔ ریاضیات تجلیل شد.
میرزاخانی برنده جوایزی چون جایزه ستر از انجمن ریاضی آمریکا در سال ۲۰۱۳، جایزه کلی و مدال فیلدز در سال ۲۰۱۴ است.
وی از یازدهم شهریور ماه ۱۳۸۷ (اول سپتامبر ۲۰۰۸) در دانشگاه استنفورد استاد دانشگاه و پژوهشگر رشتهٔ ریاضیات است.
پیش از این، او استاد دانشگاه پرینستون بود.

مریم میرزاخانی درگذشت. او دوره کارشناسی ریاضی را در دانشگاه صنعتی شریف آغاز کرد. و با دریافت بورسیه از طرف دانشگاه هاروارد به آنجا رفت و دورهٔ دکتری خود را در دانشگاه هاروارد پشت سرگذاشت.

سرویس اجتماعی فردا: مریم میرزاخانی درگذشت. او دوره کارشناسی ریاضی را در دانشگاه صنعتی شریف آغاز کرد. و با دریافت بورسیه از طرف دانشگاه هاروارد به آنجا رفت و دورهٔ دکتری خود را در دانشگاه هاروارد پشت سرگذاشت.
مریم میرزاخانی متولد ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۶ در تهران ، استاد دانشگاه استنفورد، در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ (سال سوم و چهارم دبیرستان) از دبیرستان فرزانگان تهران موفق به کسب مدال طلای المپیاد ریاضی کشوری شد و بعد از آن در سال ۱۹۹۴ در المپیاد جهانی ریاضی هنگ کنگ با ۴۱ امتیاز از ۴۲ امتیاز مدال طلای جهانی گرفت. سال بعد یعنی ۱۹۹۵ در المپیاد جهانی ریاضی کانادا با ۴۲ امتیاز از ۴۲، رتبهٔ اول طلای جهانی را به دست آورد.
میرزاخانی دوره کارشناسی ریاضی در دانشگاه صنعتی شریف آغاز کرد. او با دریافت بورسیه از طرف دانشگاه هاروارد به آنجا رفت و دورهٔ دکتری خود را در دانشگاه هاروارد پشت سرگذاشت.

همسر وی جان وندراک، از پژوهشگران آی‌بی‌ام است و از او دارای یک فرزند به نام آناهیتا می‌باشد.

در اسفندماه ۱۳۷۶ اتوبوس حامل دانشجویان ریاضی شرکت‌کننده در بیست و دومین دوره مسابقات ریاضی دانشجویی که از اهواز راهی تهران بود (مسابقات ریاضی دانشجویی) به دره سقوط کرد و طی آن شش تن از دانشجوی نخبه ریاضی دانشگاه صنعتی شریف که اغلب از برگزیدگان المپیادهای ملی و بین‌المللی ریاضی بودند جان باختند و مریم میرزاخانی از جمله دانش‌آموزان بازماندگان این سانحه بود.

او به همراه ۹ محقق برجسته دیگر در چهارمین نشست۱۰ استعداد درخشان نشریه پاپیولار ساینس در آمریکا مورد تقدیر قرار گرفت. به نوشتهٔ یواس‌ای تودی این فهرست ۱۰ نفره شامل محققان و نخبگان جوانی است که در حوزه‌های ابتکاری مشغول به فعالیت هستند و با این حال معمولاً از چشم عموم پنهان مانده‌اند.

میرزاخانی در سال ۱۹۹۹ میلادی موفق شد راه‌حلی برای یک مشکل ریاضی پیدا کند. ریاضیدانان مدت‌های طولانی است که به دنبال یافتن راه عملی برای محاسبه حجم رمزهای جایگزین فرم‌های هندسی هذلولی بوده‌اند و در این میان مریم میرزاخانی جوان در دانشگاه پرینستون نشان داد که با استفاده از ریاضیات شاید بتوان بهترین راه را به سوی دست یافتن به راه‌حلی روشن در اختیار داشت. میرزاخانی در تلاش است تا معمای ابعاد گوناگون فرم‌های غیر طبیعی هندسی را حل کند. در صورتی که جهان از قاعده هندسه هذلولی تبعیت کند، ابتکار وی به تعریف شکل و حجم دقیق جهان کمک خواهد کرد.

دکتر مریم میرزاخانی ، استاد ریاضیات دانشگاه استنفورد نخستین بانوی ریاضی‌دان تاریخ لقب گرفت که توانسته مدال فیلدز، معتبرترین جایزه دنیای ریاضیات را از آن خود کند.

مدال فیلدز، بالاترین نشان علمی رشته ریاضیات است که به دانشمندان برگزیده زیر ۴۰ سال اهدا می‌شود و از آن به نوبل ریاضیات نیز تعبیر می‌شود.

مریم میرزاخانی، جایزه خود را در مراسم افتتاحیه کنفرانس جهانی ریاضیات از دستان خانم پارک گئون های، رییس‌جمهور کره جنوبی دریافت کرد. دکتر میرزاخانی، نخستین بانوی تاریخ ریاضیات و نخستین ریاضی‌دان ایرانی است که این جایزه ۷۶ ساله را برنده می‌شود.

همچنین این جایزه بالاترین نشان علمی است که توسط یک دانشمند ایرانی‌الاصل کسب شده است.

کاربردهای عملی اندکی برای پژوهش او وجود دارد ولی اگر مشخص شود که جهان توسط هندسه هذلولوی اداره می‌شود، کار او می‌تواند به تعریف دقیق شکل و حجم آن کمک کند.

مریم میرزاخانی: زیبایی ریاضیات را به صبر درمی‌یابید

چیره‌دست در گستره قابل توجهی از تکنیک‌ها و حوزه‌های متفاوت ریاضی، او تجسم ترکیبی کمیاب است از توانایی تکنیکی، بلندپروازی جسورانه، بینش وسیع و کنجکاوی ژرف." *

این توصیف رسمی کمیته 'مدال فیلدز' از مریم میرزاخانی بود؛ ریاضیدان ایرانی و استاد دانشگاه استنفورد که این جایزه مهم، مشهور به 'نوبل ریاضیات' را به دست آورد.

مریم میرزاخانی، نابغه چهل ساله، سه سال بعد از دریافت آن جایزه چشم از جهان فروبست. او که یک دختر کوچک داشت، چند سال با سرطان مبارزه می‌کرد.

خانم میرزاخانی در دانشگاه صنعتی شریف تهران، و سپس دانشگاه هاروارد، در آمریکا تحصیل کرده بود و در ۳۱ سالگی به استادی و بالاترین درجه دانشگاهی رسید.

مدال فیلدز بالاترین جایزه‌ای است که یک ریاضیدان می‌تواند دریافت کند. او نخستین زنی است که از آغاز اهدای مدال فیلدز و تاریخ ۷۸ ساله آن، به این مدال دست یافت.

پروفسور فرانسس کروان، استاد دانشگاه آکسفورد و از اعضای کمیته انتخاب مدال فیلدز، در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی ابراز امیدواری کرده بود که مدال میرزاخانی الهامبخش دیگران شود و دختران و زنان بیشتری با باور به توانایی‌های خودشان به ریاضی، که گاه 'حوزه‌ای مردانه' قلمداد شده است، جذب شوند.

'از اول مشخص بود'

بهرنگ نوحی، استاد ریاضی دانشگاه کویین مری لندن، وقتی مریم میرزاخانی دوم دبیرستان بود در یک دوره حل مساله المپیاد به او و چند نفر دیگر درس می‌داد.

آقای نوحی به بی‌بی‌سی فارسی گفت: "از همان زمان مشخص بود که مریم میرزاخانی و دوستش رویا بهشتی جزو بهترین‌ها هستند."

او می‌گوید: "به محض اینکه در هاروارد شروع کرد مشخص بود که کارش خوب است. مشخص بود که تز دکترایش یک تز انقلابی است."

به گفته بهرنگ نوحی، مریم میرزاخانی اولین دختری بود که به تیم المپیاد ریاضی ایران راه یافت.

مریم میرزاخانی همچنین اولین دختری بود که در المپیاد ریاضی ایران طلا گرفت. اولین کسی که دو سال مدال طلا گرفت و اولین فردی بود که در آزمون المپیاد ریاضی نمره کامل گرفت.

'می‌خواستم نویسنده شوم'

خانم میرزاخانی چند سال پیش و در مصاحبه با وبسایت انستیتوی ریاضی کلی، گفته بود که در کودکی آرزو داشت نویسنده شود.

او گفت: "وقتی که بچه بودم رویایم این بود که نویسنده شوم. هیجان‌انگیزترین لحظاتم را به خواندن رمان می‌گذراندم، در واقع هر چیزی را به دستم می‌رسید می‌خواندم."

او در آن مصاحبه خود را 'خوش‌شانس' توصیف کرد: وقتی دوره ابتدایی را تمام می‌کرد جنگ ایران و عراق به پایان رسید، به مدرسه فرزانگان (زیر نظر سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان) رفت و خانواده‌اش از او حمایت می‌کرد.

علاقه اولیه او به علوم از طریق برادر بزرگترش ایجاد شد و بعدتر در دبیرستان این علاقه بر ریاضیات متمرکز شد. مریم میرزاخانی در دوره المپیاد به حل مسائلی دشوارتر پرداخت اما به گفته خودش مهمتر از آن، ورودش به دانشگاه شریف و آشنایی با استادان و دانشجویان دیگر بود.

مریم میرزاخانی می‌گوید: "هرچه بیشتر وقت روی ریاضی می‌گذاشتم، بیشتر به ذوق می‌آمدم."

او پس از پایان تحصیلاتش در دانشگاه صنعتی شریف تهران به آمریکا رفت و دکترای خود را در دانشگاه هاروارد گرفت.
مریم میرزاخانی در ۳۱ سالگی و در دانشگاه استنفورد به عالیترین جایگاه دانشگاهی و مقام استادی رسید.
او پیش از تدریس در دانشگاه استنفورد، مدتی نیز در دانشگاه پرینستون درس می‌داد.
پیش از اینکه مدال فیلدز به مریم میرزاخانی تعلق بگیرد، او به چند جایزه و افتخار دیگر در حوزه ریاضی رسیده بود.
رامین تکلو، استاد ریاضی دانشگاه ایلینوی شیکاگو، به بی‌بی‌سی فارسی گفت: "مریم میرزاخانی حتی بدون گرفتن فیلدز هم در میان معروفترین ریاضیدانان جهان بوده است."

لحظه آها!

در بیانیه مطبوعاتی مدال فیلدز آمده بود: "اغلب به نظر می‌رسد که به خاطر پیچیدگی‌ها و ناهمگنی‌های فضاهای مدولی، این غیرممکن است که بشود مستقیم روی آنها کار کرد. اما نه برای میرزاخانی. او شهود هندسی قوی‌ای دارد که به کمک آن می‌تواند مستقیما با هندسه فضاهای مدولی دست و پنجه نرم کند."

Image caption سطوح ریمانی از مطالعات مریم میرزاخانی است

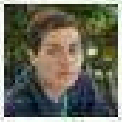
ارتباط دادن چند حوزه مختلف ریاضی به یکدیگر به عنوان یکی از دستاوردهای علمی مریم میرزاخانی ذکر شده است.
بهرنگ نوحی، استاد دانشگاه کویین مری، درباره اهمیت کار علمی مریم میرزاخانی می‌گوید: "نه فقط مسائلی که حل کرده مسائل مهمی هستند، بلکه روش‌هایی که برای حل آنها ابداع کرده به دیگر ریاضیدان‌ها ابزار و دیدگاه‌های خوبی برای حل مسائل دیگر می‌دهد."
مریم میرزاخانی در مصاحبه خود با کلی گفته بود: "بدون علاقه داشتن به ریاضی ممکن است آن را سرد و بیهوده بیابید. اما زیبایی ریاضیات خود را تنها به شاگردان صبور نشان می‌دهد."
"پرارزش‌ترین بخش [مطالعه ریاضی] لحظه‌ای است که می‌گویی 'آها!'. ذوق کشف و لذت فهمیدن چیزی جدید. احساس ایستادن بالای یک بلندی و رسیدن به دیدی شفاف و واضح."

* این مطلب درباره مریم میرزاخانی در تاریخ **۲۳ مردادماه ۱۳۹۳** بعد از دریافت مدال فیلدز نوشته شده و امروز بعد از انتشار خبر درگذشت او، بازنویسی شده است.

آخرین پست مریم میرزاخانی در فیسبوک را می توانید در این خبر مشاهده کنید.

آخرین پست مریم میرزاخانی در فیسبوک:

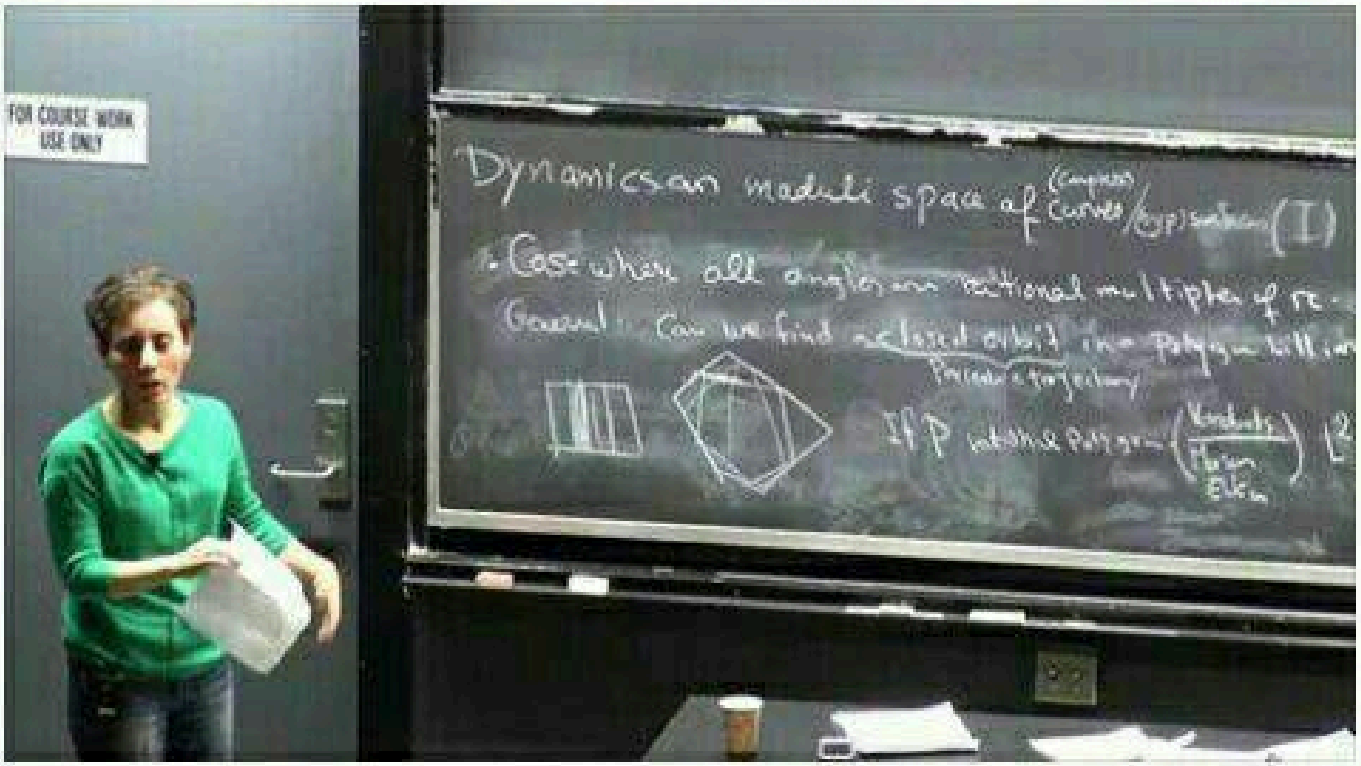
هر چقدر بیشتر برای ریاضیات زمان گذاشتم، بیشتر هیجان زده شدم



Maryam Mirzakhani Mathematician

July 13 at 9:24am ·

Maryam Mirzakhani: 'The more I spent time on #maths, the more excited I got'



Like Comment Share

84 Chronological

وزیر ارتباطات ایران: نظر معاون دادستان به بستن همه چیز است

عبدالصمد خرم‌آبادی، معاون دادستان ایران و از مقام‌های ارشد فیلترینگ، از وزارت ارتباطات انتقاد کرده و گفته است که این وزارتخانه "برای بیگانگان در فضای مجازی اتوبان‌کشی" می‌کند. وزیر ارتباطات گفته آقای خرم‌آبادی "نظر شخصی" خودش را بیان کرده است.



آقای واعظی گفته نظر آقای خرم‌آبادی به بستن همه چیز است.

آقای خرم‌آبادی گفته است که تاکنون دستور قضایی فیلتر هشت هزار کانال تلگرامی به وزارت ارتباطات داده شده، اما این کانال‌ها فیلتر نشده‌اند.

معاون دادستان ایران می‌گوید: "دستور انسداد برخی از این کانال‌ها بیش از ۴۰ مرتبه برای وزارت ارتباطات ارسال شده است."

عبدالصمد خرم آبادی دبیر کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه است که تصمیم‌گیری درباره سانسور اینترنت در ایران را به عهده دارد.

'بسته شدن همه چیز' محمود واعظی، وزیر ارتباطات ایران، صحبت‌های آقای خرم‌آبادی را رد کرده و گفته است هشت هزار کانال تلگرامی مجرمانه وجود ندارد و مجرمانه بودن این کانال‌ها "نظر شخصی" آقای خرم‌آبادی است.

به گزارش ایرنا آقای واعظی گفته است: "ایشان تخصص این مسایل را ندارند اما همواره مصاحبه کرده و اعلام نظر می‌کنند و نظرشان بسته شدن همه چیز است."

به گزارش ایسنا محمدجواد آذری جهرمی، معاون وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت زیرساخت هم در پاسخ به اتهام آقای خرم‌آبادی گفته است که "اتوبان و شاهراه ارتباطات کشور برای نفوذ کشیده نشده، برای رفاه زندگی مردم و توسعه شبکه ملی اطلاعات کشور کشیده شده" است.

آقای خرم‌آبادی وزارت ارتباطات را به "تسلیم" در برابر شرکت تلگرام متهم کرده و گفته است وزارت ارتباطات فهرست کانال‌های "مجرمانه" را به شرکت تلگرام می‌دهد، اما این شرکت مطابق معیارهای خود درباره کانال‌ها تصمیم می‌گیرد.
معاون دادستان ایران گفته است: "بنابراین همکاری تلگرام با وزارت ارتباطات در مورد انسداد محتوای مجرمانه تقریبا مساوی است با هیچ."
او گفته دو سوم ترافیک اینترنت مربوط به شبکه‌های اجتماعی خارجی است، اما وزارت ارتباطات تلاشی نمی‌کند که مردم به جای آنها از شبکه‌های اجتماعی "ملی و محلی" استفاده کنند.
عبدالصمد خرم‌آبادی گفته است: "اگر شبکه اطلاعات و فضای مجازی کشور ملی است چرا دستورهای قضایی در دوسوم این فضا اجرا نمی‌شود؟ چرا وزارت ارتباطات با عدم اجرای دستورهای قضایی به مجرمین اجازه می‌دهند در فضای مجازی کشور به عربده کشی و اهانت به ارزش‌ها بپردازند؟"

این مقام قضایی گفته همان طور که به شرکت ترکسل اجازه فعالیت به عنوان اپراتور تلفن همراه داده نشد، "نباید اجازه داد که شبکه‌های اجتماعی خارجی بستر تبادل اطلاعات مردم کشورمان باشند."
بسیاری از شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران فیلتر شده‌اند و همه ساله هزاران وبسایت به مجموعه وبسایت‌های فیلترشده در ایران افزوده می‌شوند.
دولت حسن روحانی در مواردی با مقام‌های قضایی درباره محدودیت اینترنت اختلاف نظر داشته است.
از جمله دستگیری گردانندگان چند کانال تلگرامی سیاسی انتقاد دولت را به دنبال داشت.

اين روزها جوسازي رسانه أي براى خرابي حنجره رئيس جمهور مي شود = معلوم نيست فضا سازي براي بيوتروريسم يا تهاجمي انجام شده مي باشد؟ {آن بودرهای سرطانزا که قبلا اعلام شد اطلاعات کشف کرده که خبر معدوم شدنش اعلام نشد،،،} يا صرفا جوسازي است يا نكراني بر ای سلامت او، يا اينكه يك توصيه طبي براى كاهش فشار كاري ايام انتخابات؟ ، هرجه باشد خداوند اورا محفوظ بدارد، حنجره او در دوران انقلاب نقش مهمي ايفا كرد بطوريكه به حنجره طلايي معروف شد، او بود كه امام خميني را امام خميني ناميد و به اين عنوان مشهور كرد، هرجند قبل از او اين اصطلاح را بكار برده بودند اما متداول شدن اين تعبير در ايران از سخنراني او و تاثير آن بود، امروزه هم سخنرانيهاي متين او تاثيركذار و خنثی کننده توطئه دشمن است، آيا دشمن به فكر ترور طبي حنجره او افتاده است؟ تا اين موهبت الهي و تاثيركذار اجتماعي اورا از وی سلب كند؟

حنجره دکتر روحانی به دلیل فشار کاری دچار مشکل شده است؟

به گزارش اختصاصی خبرنگارامید۹۶، حنجره دکتر روحانی به دلیل فشار کاری دچار مشکل شده است وپزشکان سخنرانی در مجامع بزرگ و سمینارها را طی روزهای اخیر برای ایشان ممنوع کرده‌اند.

به گزارش اختصاصی خبرنگارامید۹۶، حنجره دکتر روحانی به دلیل فشار کاری دچار مشکل شده است وپزشکان سخنرانی در مجامع بزرگ و سمینارها را طی روزهای اخیر برای ایشان ممنوع کرده‌اند.

ادامه جنجال‌ها در خصوص ناراحتی حنجره روحانی ؛ چرا سخنرانی های روحانی لغو می شود؟

در تازه ترین خبرسازی جریان مخالف، رسانه‌های این طیف مدعی شده اند که حسن روحانی مشکل حنجره پیدا کرده است.

روزنامه آفتاب یزد نوشته است : درحالیکه انتظار می‌رفت پس از انتخابات ریاست جمهوری، خبرسازی‌های رسانه‌ای علیه رئیس جمهور کاهش پیدا کند، اما مخالفان روحانی نه تنها عقب ننشتند، بلکه روز به روز بر شدت حملات خود افزوده و از چارچوب‌های اخلاقی عبور کردند.

در تازه ترین خبرسازی جریان مخالف، رسانه‌های این طیف مدعی شده اند که حسن روحانی مشکل حنجره پیدا کرده است. این رسانه‌ها استدلال کرده اند که عدم حضور رئیس جمهور در نشست اخیر وزارت صنعت که بنابر اعلام منابع خبری به دلیل کسالت او بود، پس از توصیه پزشک متخصص به رئیس جمهور در مورد ناراحتی حنجره‌اش اتفاق افتاده است.

به نظر می‌رسد خلاقیت این طیف از زمان لغو سخنرانی رئیس جمهور در بجنورد در دوران انتخابات کلید خورده است، هنگامی‌که روحانی به دلیل سخنرانی‌های پی در پی و آتشین، دچار کسالتی اندک شده بود و پس از همایش انتخاباتی مشهد، مجبور به لغو همایش بعدی خود در خراسان شمالی شد.

با این حال، یک منبع آگاه نزدیک به رئیس جمهور در گفتگو با سایت اصولگرای «انتخاب» این خبر را از اساس تکذیب کرد و گفت «اخبار مربوط به ابتلای دکتر روحانی به ناراحتی حنجره واقعیت ندارد.»

وی افزود: «این اخبار با واقعیت سازگار نیست و رئیس جمهور در صحت و سلامت کامل به سر می‌برد.»

روزنامه آفتاب یزد 1396/04/22

صدای تو همیشه خوب است

حنجره ای که با نام امام خمینی(ره) به دنیا معرفی شود، هیچگاه خراب نمی شود و از کار نمی افتد. روحانی جزء اولین نفراتی بود که در روزهای سخت دوران انقلاب اولین بار بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی را با عنوان امام خمینی ملقب نمود. آن هنگام که رحلت غریبانه حاج آقا مصطفی خمینی در سال 1356 سراسر ایران را در ماتم و اندوه فرو برد، مریدان و علاقمندان امام در سراسر ایران با برپایی مراسم گرامی‌داشت، یاد حاج آقا مصطفی را گرامی داشتند و به تجلیل از مبارزات حضرت امام پرداختند.

در یکی از آن مراسم های معنوی حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی روی منبر می‌رود و به سخنرانی می پردازد. وی در فرازی ماندگار از صحبت هایش خطاب به امام امت چنین می گوید؛ «ای ابراهیم عزیز! همه امتحانات سخت و بزرگ برای تو پیش آمد. امّا آخرین امتحان را هم باید بگذرانی که: «اِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِینُ» آن زمان آزمایش بزرگ و آشکار مربوط به اسماعیل عزیزت می‌باشد. آنگاه که همه‌ی امتحانات و آزمایشات را با موفقیت پشت سر گذاشتی، «وَاِذِ ابْتَلَی اِبْرَاهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِمَاتٍ فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّی جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ اِمَامًا» آنگاه تو به مقام والای امامت می‌رسی. امامت مقامی است که آخرین امتحان آن، امتحان فرزند است. ابراهیم! اکنون که این امتحان را هم با موفقیت گذراندی پس «اِنِّی جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ اِمَامًا». و لذا من یک لقب برای مرجع بزرگ و رهبر عظیم‌الشان، آن ابراهیم زمان، می‌پسندم و آن لقب امام خمینی است(صلوات حضار) ...» و اینچنین بود این طلبه جوان در آن روزهای سخت با حنجره طلایی خود کلامی روحانی بر زبان جاری می سازد و خود روحانی می شود. این روزها خبری مبنی بر اینکه آن حنجره دچار مشکل شده است در فضای مجازی دست به دست می گردد. و این هم شاید بازی جدید برخی رسانه‌های منتقد باشد که بخواهند برای روحانی حاشیه ای جدید بسازند! آنها که بارها با کلام رسای روحانی کیش و مات شده اند سکوت چند روزه روحانی را برنتابیدند و شایعه خراب شدن حنجره وی را پیش کشیدند. یحتمل فردا هم بر این طبل ناموزون خواهند کوبید حال که روحانی در جواب انتقادات آنان پاسخی ندارد این بهانه را پیش کشیده‌اند که حنجره وی دچار مشکل شده است! پروژه ای که خود درست کرده اند، بر آن دامن زده اند، حال در نظر دارند که در دل آن سناریوی خودساخته، فیلم دیگری در ادامه سریال های بی مستندشان بسازند و نقش هایی که آرزوی نمایش آن را دارند، بازسازی نمایند! ولی آنها زیاد هم خوشحال نباشند چراکه حنجره رئیس‌جمهور روحانی سالم است. البته برای شخصی چون روحانی که بیش از حد نرمال از حنجره خود کار می کشد شاید این موضوع طبیعی باشد که گاهی اوقات هم صدایشان گرفته شود. اما بهره برداری از این موضوع، آن هم توسط کسانی که امروز بلندگوهای زیادی در اختیار دارند شاید نشانه آن باشد که صدایشان مخاطب چندانی ندارد که امروز اینچنین تحمل تک صدای روحانی را ندارند. واقعیت آن است که روحانی در غیاب یک تیم رسانه‌ای قوی بیشتر از حالت طبیعی از حنجره خود کار می کشد و شاید او به نوعی دارد جور سکوت تیم رسانه ای خود را می کشد و از طرفی تاوان اعتماد به کسانی را می پردازد که برای حضور آنها در بدنه دولت گلگی‌های فراوانی از طرف هواداران خود به جان خریده است. تیم رسانه ای که در طول چهار سال دولت تدبیر و امید و در حین رقابت های انتخاباتی دور دوازدهم و امروز بعد از انتخابات نتوانسته است به درستی رسالت خود را در دفاع از دولت روحانی به اجرا درآورد. سکوت رسانه‌ای دولت تا جایی سنگینی می کند که حتی گاهی اوقات صدای روحانی را بلندتر از همیشه می کند تا مادامی که این موضوع به بهانه‌ای در دست منتقدان برای تخریب روحانی مبدل گشته است.

از این رو منتقدان در حالیکه تحمل پاسخگویی رئیس‌جمهور در دفاع از دولت خویش در مقابل انواع هجمه ها و تخریب‌ها ندارند، وی را به عدم تحمل نقدپذیری متهم می‌کنند! با این حال کلام روحانی در پاسخ به منتقدان تا بدانجا رسا و کارساز بوده است که تمام فرافکنی‌های آنان را خنثی نموده است تا مادامی که علیرغم انواع

سیاه نمایی‌ها مردم دوباره به برنامه‌های روحانی اعتماد کردند و بار دیگر وی را انتخاب نمودند. اکنون در آستانه چینش کابینه، منتقدان بار دیگر هجمه‌های خود را علیه روحانی شدت بخشیده‌اند بلکه بتوانند کابینه دوازدهم را تحت الشعاع فضاسازی خود قرار دهند و نگذارند روحانی نیروهای متعهد و مورد وثوق خود را انتخاب نماید. در این روزها روحانی و یکی دو نفر از ژنرال های وفادارش مورد هدف منتقدان قرار گرفته اند و باز دوباره این روحانی است که یک تنه بار پاسخگویی به منتقدان را بر دوش کشیده است! گویی امروز واژه‌های اعتدالی و لبخند های ممتد روحانی در سکوت معنادارش بر سر منتقدان عصبانی، آبی سرد بر آتش خشم آنان ریخته است که امروز ناچار شده اند با ایجاد جنگ روانی به این شایعه دامن بزنند که حنجره روحانی توان پاسخگویی در برابر آنان را ندارد!
جان کلام آنکه حنجره ای که ندای اعتدال از آن برخیزد هیچگاه از کار نمی افتد چون تارهای صوتی آن از جنس حقیقت بافته شده است.

حجت الاسلام آقای روحانی پس از ورود به مسجد، روی منبر قرار گرفت و سخنرانی تاریخی خویش را آغاز کرد:
«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ» دشمن، غافل از یاری و تأیید حق است. اگر آتشی در اینجا در زندان و حصر، اگر آتشی در بورسای ترکیه و اگر آتشی در عراق برافروختند، ما ابراهیم زمان را حفاظت می‌کنیم. «وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ» ابراهیم عزیز! هر توطئه و کیدی که برای تو طراحی کردند، ما تو را کمک کردیم و آنها را شکست خورده و خسران‌زده ساختیم. «وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ» ابراهیم! تو را در کنار رسول و پیامبری دیگر به سرزمین مبارک رساندیم. ای خمینی عزیز (صلوات حضار) تو و فرزند فرزانه و مصطفای عزیزت را به سرزمین مبارک، « إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ»، کنار حرم مولایت امیرالمؤمنین رساندیم. بگذار موجی در حوزه‌ی کهنسال نجف، ایجاد شود. بگذار دشمنان بزرگ این حوزه، با عظمت علمی تو آشنا شوند. دشمن خواست تا تو در دریای نجف غرق شوی. نمی‌دانست تو کشتی نجات‌بخش و سفینهٔ النجاة خواهی شد. بگذار جهانیان بیشتر و بهتر ترا بشناسند، ای ابراهیم زمان!
ای ابراهیم عزیز! همه امتحانات سخت و بزرگ برای تو پیش آمد. امّا آخرین امتحان را هم باید بگذرانی که: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ» آن زمان آزمایش بزرگ و آشکار مربوط به اسماعیل عزیزت می‌باشد. آنگاه که همه‌ی امتحانات و آزمایشات را با موفقیت پشت سر گذاشتی، «وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» آنگاه تو به مقام والای امامت می‌رسی. امامت مقامی است که آخرین امتحان آن، امتحان فرزند است. ابراهیم! اکنون که این امتحان را هم با موفقیت گذراندی پس « إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا». و لذا من یک لقب برای مرجع بزرگ و رهبر عظیم‌الشأن، آن ابراهیم زمان، می‌پسندم و آن لقب امام است. بنابراین «امام خمینی». (صلوات حضار).
و روحانی با قدرت سخنرانی خود را اینگونه ادامه می دهد:
«می‌دانید در شهادت و مرگ این عزیز چه موجی در داخل و خارج کشور ایجاد شد؟! در طول هفته‌ی گذشته از آمریکا، اروپا و آسیا صدها تلگرام تسلیت مخابره شد، امّا از ایران فقط سه تلگرام به محضرشان رسید! (گریه شدید حضار).
چرا؟ ایرانی که مردم آن همه عقیده و ارادت به امامت، به علی بن موسی الرضا ثامن الحجج علیه‌السلام دارند و امام هشتم فخر و افتخار همه ایرانی‌ها است، جشن میلاد و چراغانی آن حضرت را برهم زدند و پرچم سیاه برافراشتند. (گریه شدید حضار). سراسر کشور را ماتم و عزا فراگرفته است. چرا از ایران فقط سه تلگرام مخابره شده است؟ ای مرجع عزیز و بزرگ! اگر از ایران تلگرامی به دست تو نرسیده، این همه گریه و فریاد و ناله مردم را بشنو و ببین. (گریه شدید حضار). مردم به تو و راه تو و نهضت تو عشق می‌ورزند.
اینکه از ایران فقط سه تلگرام به ایشان رسیده حکایت از یکی از این چند امر دارد: یا آنقدر اختناق است که کسی جرأت نمی‌کند به مرجع بزرگش تلگرام تسلیتی مخابره کند، یا شرکت مخابرات برخلاف همه‌ی قوانین و مقررات تلگرام مردم را نمی‌پذیرد، یا تلگرام‌ها را می‌گیرند ولی مخابره نمی‌کنند. هر خبر بی‌اهمیتی باید در سطح مملکت پخش شود امّا خبر شهادت و رحلت عزیز ما (گریه شدید حضار) فقط یکبار در روزنامه، آن هم به عنوان اعلان مجلس ختم درج می‌شود. حتی اعلان ختم را پس از یک نوبت دیگر چاپ نکردند! چرا؟ چرا این همه اختناق و سانسور و چرا این همه خفقان؟
دلیل این سانسور و اختناق ترس هیئت حاکمه از قدرت روحانیت، از قدرت مرجعیت و بالاخره ترس از هیجان و غلیان احساسات مردم است.»10
اما گزارش ساواک از این مراسم و نوع سخنرانی روحانی و واکنش های روزانه مقامات هم در نوع خود جالب و خواندنی است:
«موضوع: برگزاری مجلس ختم مصطفی خمینی در مسجد ارک
از ساعت 15:00 الی 17:00 روز یکشنبه مورخه 8/8/56 از طرف بازرگانان، بازاریان، اساتید دانشگاه مجلس ختم

یاد شده بالا در مسجد ارک برگزار گردید که در حدود 8 هزار نفر از طبقات مختلف مردم از جمله، جامعه روحانیت تهران، اساتید دانشگاه، دانشجویان، جامعه مهندسین، رهبران سابق جبهه به اصطلاح ملی و رهبران نهضت به اصطلاح آزادی، بازاریان و افراد عادی در آن شرکت داشتند و افراد سرشناس زیر بین جمعیت شناخته گردیدند.
مهندس بازرگان، دکتر عباس شیبانی، داریوش فروهر، خسرو سیف، رادنیا، مانیان، حاجی شانه‌چی، حاج علی بابائی، مرتضی افشاری، محسن فیروز آبادی، فتح‌الملوکی، محمد رازی، عبدالله سلطانی، محمد خلیل‌نیا، مصطفی صادقی، حاج محمود لباف، حسین مجاهد، توسلی متصدی مسجد ارک، شیخ زادگان، مطهری واعظ، فلسفی واعظ، شیخ شجونی، حاج احمد صادق، تا ساعت 15:30 تلاوت قرآن مجید ادامه داشت و سپس آقای روحانی واعظ سخنرانی مجلس را به عهده گرفت و قبل از ورود به منبر در جلو در ورودی مسجد مطالبی را مطهری، دکتر مفتح و بازرگان در گوشی به او گفتند و سپس چند شعار علیه دولت داده شد که بلافاصله آقای توسلی متصدی مسجد ارک برای خاموش کردن شعار و هیاهو پشت میکروفن قرار گرفت و گفت صلوات بلندی برای حضرت قائم که کوبنده کاخ ستمگران و ظالمان است. بعد از صلوات، آقای روحانی سخنرانی خود را با تلاوتی چند از قرآن مجید شروع نمود. سپس جامعه روحانیت را به دو گروه تقسیم نمود. دسته اول علما و روحانیونی هستند که خدا در قرآن از آنان یاد کرده. این عده هیچگاه از ارشاد مردم و هدایت آنان به سوی خداپرستی و انصاف غافل نبوده و تسلیم حکام جابر و ستمگر نمی‌شوند و دسته دوم علما و روحانیونی هستند که ما آنان را روحانی‌نما یاد می‌کنیم. این گروه دزد لباس روحانیت هستند و چهره آنان برای بیشتر مردم شناخته شده بوده و به اعمال و رفتارشان واقف هستند چون علمای شیعه واقعی هیچگاه عکس حکام جابر را بالای سر خود نمی‌زنند. این افراد رذل و ضاله تملق و چاپلوسی را به آن حد رسانیده‌اند که حتی آیات قرآن را به نفع طبقه حاکم تفسیر و تعبیر کرده‌اند. این مزدوران خودفروش برای نابودی اسلام بپا خواسته‌اند در صورتی که اسلام و فروغ جامعه پاک روحانیت با اعمال این فرومایگان ناپاک و خاموش نخواهد شد. سپس به واقعه فوت سید مصطفی خمینی اشاره کرد و ضمن تشریح ماجرا گفت آیت‌الله خمینی با شنیدن مرگ فرزندش شجاعانه ایستادگی کرد و در برابر آقای خوئی و علمای دیگر گفتند من مصطفی را امید آینده خود می‌دانستم و پس از دلداری حاضرین جنازه به کربلا برده شد و پس از طواف به نجف بازگرداندند. آنگاه واقعه مرگ مصطفی را با مصائبی که به حضرت ابراهیم وارد آمد تشبیه کرد و گفت ای آیت‌الله بزرگ و مرجع شیعه جهانی، ای ابراهیم زمان، ای امام خمینی تو را در آتش فرعون ایران انداختند خدانگهداری نمود سپس تو را در آتش ترکیه انداختند نجات یافتی و آنگاه تو را در آتش بغداد انداختند و در آنجا هم خداوند بزرگ ترا نگه داشت.
درود بی‌پایان به تو و فرزندت باد این مظهر آزادگی و انسانیت. سپس به شرح حال زندگی سید مصطفی خمینی که صاحب تألیفات عدیده است پرداخت. در خاتمه از همبستگی ملت ایران و شرکت‌کنندگان در مجلس ختم تجلیل نمود و گفت ای آیت‌الله خمینی بدان و آگاه باش اگر پنج هزار تلگرام تسلیت از ممالک اروپایی و آمریکایی و سایر کشورهای اسلامی برایت ارسال شد و از کشور شیعه خودت فقط سه فقره تلگراف برایت مخابره شد علت آن را خودت بهتر می‌دانی چون رعب و هراس و وحشت از ظالمان نمی‌گذارد ملت ایران برایت تسلیت مخابره کند برای اعلام مجلس ختم فرزندت فقط یکبار اجازه داده شده که در روزنامه به آگاهی عموم رسانده شود به هر حال این همه گریه و زجه و ناله و فریاد بهترین تلگرام‌هایی است که ما در اینجا نثارت می‌کنیم. در این موقع مردم به شدت گریه کردند و برای بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران دعا نمودند.
نظریه شنبه: نظری ندارد.
نظریه یکشنبه: ضمن تأیید مفاد گزارش خبر جریان برگزاری مجلس مذکور قبلاً به استحضار رسیده است.
نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است. رهبر
نظریه چهارشنبه: نظریه سه‌شنبه تأیید می‌گردد. آرزو
دایره بررسی- آقای جهانبخش
- بهره‌برداری شود
- روحانی شناسایی و مشخصات وی تهیه پرونده تشکیل گردد
- به اداره پنجم اعلام شود که چنانچه تقاضای گذرنامه نمود قبلاً نظر این اداره کل استعلام گردد.
11«16/8
خواندن ادامه داستان آن روز و فرار واعظ از مهلکه ساواک از زبان حسن روحانی هم جالب است: «دوستان بعد از منبر، من را مورد تشویق قرار دادند. برخی نیز مثل آیت‌الله موسوی اردبیلی به من گفتند که سخنان شما خیلی تند بود. خودم هم تصورم این بود که دستگیر خواهم شد. به خصوص اینکه وقتی روی منبر بودم، افسری که به نظر می‌رسید رئیس کلانتری محل بود، از فضای سرپوشیده‌ای که رو به روی شبستان مسجد قرار داشت، مرتب اشاره می‌کرد که از منبر پایین بیا. من هم اعتنایی نمی‌کردم و به سخنرانی خودم ادامه می‌دادم، گویی اصلاً متوجه اشارات او نیستم. در همین

فکرها بودم که آقای ناطق نوری رسید و دست من را گرفت و گفت چرا ایستادهای؟ الان دستگیرت مکنند. سریع با من بیا. آقای ناطق ورزشکار و قوی بود و لذا با قدرت، جمعیت را مشکافت و تقریباً من را همراه خود مکشید. نزدیک درب مسجد، عمامه من را برداشت و سپس من را از میان انبوه جمعیت و از مقابل مأموران به سرعت عبور داد و به خیابان پشت مسجد برد که اتومبیل پیکان خودش را در آنجا پارک کرده بود و فوری با ماشین او از صحنه دور شدیم. بعد از من پرسید: کجا برویم؟ به غیر از منزل خودت و منزل ما، جای ثالثی را انتخاب کن. من به دلیل آنکه در فرار از قم به منزل آقای رستگاری رفته بودم و بهویژه ماجرای خواب خانم آقای رستگاری - که قبلاً توضیح دادم - به ذهنم آمد که به منزل ایشان برویم. با هم مشورت کردیم، آقای ناطق هم منزل آقای رستگاری را مناسب دانست و لذا به آنجا رفتیم. آقای ناطق بعد از آنکه من را به منزل آقای رستگاری رساند، با من خداحافظی کرد و گفت آخر شب برمگردم. بعداً دوستان تعریف کردند که دقایقی پس از خروج ما از مسجد، مأمورانی وارد حیاط و شبستان مسجد شدند و در پی من بودند.

روحانی ادامه داده است: «آقای ناطق حدود ساعت 11 شب به منزل آقای رستگاری آمد و گفت آقای مطهری خیلی نگران شما بود و من به او گفتم جای او امن است. ضمناً گفت آقای مطهری خیلی از منبر تعریف کرده و گفته است که حتی آقای مهندس بازرگان و دوستان ایشان هم از سخنرانی خیلی راضی بودند. آقای ناطق توصیه کرد که یکی دو روز در همان جا بمانم و گفت آقای فروهر نظرش این است که شما در تهران نمانید و بهتر است یکی دو هفته به مشهد بروید. به رغم این توصیه، در تهران ماندم و پس از دو روز اقامت در خانه آقای رستگاری آخر شب به منزل خودم رفتم و به همسرم گفتم هر کس تلفن زد و من را خواست بگو در منزل نیست و خودم به اتاق طبقه دوم منزل رفتم و قرار شد چند روزی آنجا بمانم، به گونهای که حتی فرزندان کوچکم و همسایگان متوجه حضور من نشوند. این طرح درست بود، چون یکی دو روز بعد مأمورین به منزل ما مراجعه کرده بودند و همسرم به آنها گفته بود که من مسافرت هستم. یک بار یک ناشناس جلوی درب منزل از فرزند کوچکم پرسیده بود بابا کجاست و او هم گفته بود مسافرت است، که احتمالاً از مأمورین ساواک بوده است. همین فرد از همسایهها هم سراغ من را گرفته بود که آنها نیز گفته بودند چون چند روز است او را ندیدهایم، ظاهراً در مسافرت است.»

وی در بخش دیگری از خاطرات خود پیرامون حوادث پس از سخنرانی در مسجد ارک تهران گفته است: «بعد از سخنرانی مسجد ارک و در روزهایی که مخفی بودم، نمیدانم به چه علت در بعضی از شهرهای ایران از جمله سمنان و نیشابور شایع شده بود که من را گرفتهاند و بعد هم زیر شکنجه شهید شدهام. نمیدانم ریشه این شایعه خود ساواک برای ارعاب مردم بود و یا آنکه منشأ دیگری داشت. جالب آنکه یکی از علمای نیشابور، یعنی جناب آقای موسوی (امام جماعت مسجد جامع نیشابور) که قبلاً مطالبی درباره وی بیان کردم، چند ماه بعد که من را دید، گفت: پس از شنیدن خبر شهادت شما، آنچنان بغض کرده بودم که دیدم یک جای خلوتی مخواهم که بلندبلند گریه کنم. به همین دلیل رفتم داخل حمام منزل و شروع کردم بلند بلند گریه کردن تا کمی آرامش پیدا کنم. ماجرای دیگر، تکثیر نوار این سخنرانی و پخش آن در سطح بسیار وسیعی بود. حتی بعداً که من به اروپا رفتم، این نوار را در انجمن اسلامی آنجا دیدم. دوستانی که از آمریکا آمده بودند، گفتند این نوار در همه انجمنهای اسلامی در سراسر آمریکا بود و دست به دست مگشت. پس از انقلاب، یکی از مبارزان عراقی به نام آقای سیدتقی مدرسی به من گفت که نوار سخنرانی شما را به تعداد چند هزار نسخه تکثیر و در کویت و دیگر کشورهای خلیجفارس پخش کردیم. نزدیک همین مسجد ارک، شخصی بود به نام آقای توسلی که مغازه نوارفروشی داشت، خودش به من گفت حدود بیست هزار از این نوار را تکثیر کرده و فروخته است»

وی می افزاید: «چند هفته بعد در جلسه روحانیت مبارز، شهید بهشتی همین مسئله را مطرح کرد و به من گفت سخنرانی شما بسیار خوب و جالب بود، مخصوصاً کلمه "امام". بعد فرمود خیلی خوش ذوقی کردید که این عنوان را به کار بردید، زیرا بهترین لقب برای ایشان همین کلمه "امام" است و سایر عناوین، جایگاه و شأن رهبری ایشان را به خوبی تبیین نمکند. البته شهید بهشتی در جلسه آن روز مسجد ارک نبود، ولی بعداً نوار سخنرانی را گوش کرده بود. مرحوم آقای مطهری نیز که بعداً به من تلفن کرد، از منبر خیلی راضی بود و گفت همه دوستان راضی بودند و خیلی مطالب خوب و بجایی مطرح کردید و خیلی تشویقم کرد. بهخصوص از اینکه من دستگیر نشده بودم، خیلی خوشحال بود. به ایشان گفتم: در این زمینه آقای ناطق نقش اصلی را داشت و اگر ایشان به موقع دست به کار نمشد، احتمالاً دستگیر شده بودم. ضمناً آقای مطهری گفتند که آقای بازرگان به من تلفن کرد و از سخنرانی شما خیلی تعریف کرد. در مقابل این تأیید و تشویقها، بعضی از دوستان نیز به من انتقاد مکردند و مگفتند شما در سخنرانی خود بیش از اندازه از نقش روحانیت شیعه تجلیل کردید. بعضی از مقدسین خشک و علمای مقدسنما هم ایراد مگرفتند و به من مگفتند شما چگونه جواب خدا را مدهی که آمدی برای ما امام سیزدهم درست کردی! من البته پاسخ مستدلی داشتم و مگفتم به کار بردن کلمه امام برای غیرمعصومین علاوه بر اینکه در آیات و روایات به کار رفته، کاربرد آن در کشورهای اسلامی هم معمول است. در ایران غیر معمول است، ولی در عراق و دیگر کشورها آن را در مورد علمای بزرگ و مراجع به کار مبرند، مثلاً به

مرحوم آقای حکیم هم "امام حکیم" میگفتند. به یاد دارم چند ماه پس از سخنرانی به مشهد رفتم و در جلسهای که روحانیون در منزل یکی از علما جمع شده بودند و من هم حضور داشتم، یکی از علما به من گفت: چرا عنوان "امام" را برای آقای خمینی به کار بردید؟ الآن کمکم مردم میگویند "امامخمینی". کار بدی شد! و مسئولش تو هستی. به سخنانش پاسخ دادم، ولی متأسفانه تبدیل شد به نوعی جدال و علىالظاهر قانع نشد. متأسفانه در آن جمع کسی از من حمایت نکرد»
وی در بخش دیگری از خاطرات خود گفته است: «در ماجرای مسجد ارک، آنچه بیش از هر چیز دیگر من را خوشحال کرد، گوش دادن امام به نوار آن سخنرانی و ابراز رضایت ایشان بود. شاید پس از حدود دو هفته از تاریخ تشکیل مجلس مسجد ارک، آقای امام جمارانی را دیدم، ایشان به من گفت احمد آقا از نجف تلفنی با من صحبت کردند و گفتند به آقای روحانی سلام برسان و بگو امام از سخنرانی شما خیلی راضی هستند و ایشان که کمتر نوار سخنرانی کسی را گوش میکنند، سخنرانی شما را دو بار گوش کردهاند. من از شنیدن این خبر، خیلی خوشحال شدم و احساس کردم مطالبی را که در سخنرانی مطرح کردهام، به نوعی مورد تأیید ایشان است...»
آیت الله سید مهدی امام جمارانی در گفتگو با پایگاه خبری و اطلاع رسانی جماران ضمن تشریح ماجرای سخنرانی آقای روحانی و حادثه ای که بر امام خمینی در مرگ فرزندشان گذشت و تطبیق آن با ابراهیم خلیل، در مورد واکنش امام خمینی(س) نسبت به سخنرانی روحانی می گوید: «زمانی که این نوار به امام رسیده بود، ایشان پس از گوش کردن به آن، از مجموع اتفاقاتی که در مسجد ارک افتاده بود و همچنین سخنرانی آقای روحانی به عنوان عملی در مقابل حکومت شاه ابراز رضایت کردند.»

قبلا درباب حنجره و روحاني موضوعي به اسم تقديم حنجره شجريان مطرح و تكذيب شد هرجند مطلب مرتبط با دو كلمه "حنجره" و "روحاني" را جهت اطلاع در اينجا مي آوريم دانستنش بدنيست

عليرغم شايعه سازي تقديم حنجره در نامه منتشره حرفي از آن نيست!!!

شجریان حنجره ی خود را به روحانی تقدیم کرد/ متن نامه ی محمد رضا شجریان به روحانی

به گزارش تیم سیاسی نت شهر، حسن روحانی در مناظره ی دوم از محمد رضا شجریان حمایت نمود.
در پی حمایت حسن روحانی از شجریان در مناظره ی دوم، محمد رضا شجریان نامه ای به وی نوشت و حنجره ی خودرا به وی تقدیم نمود.
متن کامل نامه ی محمد رضا شجریان به روحانی بدین شرح است:
حسن آقای روحانی
این حقیقت دارد که تو هیچ وقت از آن دست سیاستمدارهایی نبودی که من دوستشان دارم. نه شبیه مصدق اسطورهوار بودی، نه مانند بازرگان صاحب اصول ؛ نه شبیه خاتمی روشنفکر و نه مانند میرحسین مقاوم. چهار سال پیش فرض کردم که تو خیر الموجودینی، تنها انتخاب ممکن تا بشود به منهدم نشدن این کشور امیدوار ماند. یادم هست که نومید رای دادم و یادم هست که هیچوقت حاضر نشدم رییسجمهور صدایت کنم، رییسجمهورِ من یکی تمام این سالها در بنبست اختر محصور بود.
حالا اما بعد از گذشت این سالیان میخواهم بگویم کاری که تو به اتفاق جواد ظریف و بیژنزنگنه در چهار سال گذشته انجام دادید، چیزی شبیه معجزه بود. شما یک ماشین در حال سقوط به دره تحویل گرفتید و نه فقط توانستید جلوی فاجعهٔ سقوط و فروپاشی را بگیرید که

قادر شدید ماشین را به سمت بالا بکشانید. شما توانستید تورم پنجاه درصدی را به نه درصد تقلیل دهید، رشد اقتصادی منفی را به رشد مثبت تبدیل کنید، اجماع جهانی علیه ایران را بشکنید، شر تحریم‌های گزنده را از سر این کشور کم کنید، سهم نفتی ما در اوپک را احیا سازید، از سنگینی جو امنیتی بکاهید و... اینها همه در حالی رخ داد که قیمت نفت نسبت به دوران معجزهٔ هزارهٔ سوم به کمتر از یک سوم کاهش یافته بود، دل‌واپسان یک‌روز می‌خواستند وزیر مملکت را زیر بتن دفن کنند و روز دیگر از دیوار سفارت عربستان بالا می‌رفتند، ترامپ بر سر کار آمد و بر طبل تشنج کوبید و...
این روزها دوباره ایام انتخابات است. رقبا از آسمان طبق طبق وعده نازل می‌کنند. دروغ است که چون رگبار بر ما می‌بارد: یارانه سه برابر و کارانه پرداخت و زباله برق‌ساز و شغل مهیا... تو اما دروغ نمی‌گویی، می‌دانی این میهن، رمق این قبیل تاخت‌وتازها را ندارد.
می‌دانی جز بهبود بخشیدن آهسته اما مستمر شرایط کسب‌وکار، هیچ راه نجات دیگری نداریم و همین دانستن انگار که خلع‌سلاحت کرده، خسته‌ای گویا، حیران به دهان آنان نگاه می‌کنی که وعده از پی وعده می‌دهند، بی پشتوانه؛ دروغ از پی دروغ می‌گویند بی شرمساری.
این همه نوشتم که بگویم به اندازهٔ یک رای از آن هجده میلیون رای، مایلم از تو بخواهم آن روزها را به یاد بیاوری که حقوق‌دان بودی و برابر سرهنگ‌ها سینه‌سپر کردی تا ما را از شر گازانبر در امان نگه داری. می‌خواهم که آن روزها را به یاد بیاوری و دوباره همان بشوی که به کلید تدبیر و امید مجهز بود و بانی امیدواری برای ملتی شد. ما به همان حسن‌روحانی محتاجیم تا دوباره بتوانیم با افتخار پشت‌سرش جمع شده و یک‌پارچه گردیم تا این ملک را از طوفان‌های در پیش رو عبور دهیم. لطفا باز همان باش که در تاریک‌ترین لحظات چهل سال گذشتهٔ این کشور شجاعانه از نور گفت و امیدوار ماند. از یاد مبری کاش که در این وانفسا، تو دقیقا همان سیاست‌مداری هستی که ایران ما به آن احتیاج دارد: واقع‌بین، باهوش، توسعه‌گرا و منعطف. لطفا ناامیدمان نکن آقای رییس‌جمهور. محمد رضا شجریان

واکنش خانواده شجریان به یک شایعه

سه شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ ساعت ۰۸:۲۸

خانواده محمدرضا شجريان با انتشار اطلاعيه‌اي شايعه به وجود آمده درباره تقديم حنجره محمدرضا شجريان به حسن روحاني را تكذيب كردند.

گروه سياسي جهان نيوز: هادي عسگري در روزنامه جوان نوشت:روز گذشته نامه‌اي منسوب به محمدرضا شجريان در فضاي مجازي منتشر شد اين نامه با فاصله اندكي از سوي خانواده شجريان تكذيب شد.

در بيانيه خانواده اين استاد آواز آمده است: انتشار مطلبي با عنوان «تقديم حنجره محمدرضا شجريان به حسن روحاني» در فضاي مجازي توسط خانواده محمدرضا شجريان تكذيب مي‌شود. خانواده محمدرضا شجريان ضمن آرزوي سربلندي براي كشور عزيزمان ايران اعلام مي‌كند كه محمدرضا شجريان اين روزها در خانه مشغول مداوا هستند و خبرهاي سياسي و مناظره‌هاي تلويزيوني را دنبال نمي‌كنند.

بعد از آن نيز همايون شجريان عكس‌هاي تازه‌اي از پدرش منتشر كرد كه در آن محمدرضا شجريان در باغي در منطقه هشتگرد ديده مي‌شود.

پيوند خوردن نام محمدرضا شجريان با سياست از سال 88 آغاز شد كه وي آشكارا بعد از جريان انتخابات مواضع تندي را اتخاذ كرد. بعد اظ آن ناكهان به سرطان مبتلا شد شجريان بعد از آن و با مشخص شدن بيماري‌اش از فضاي رسانه‌اي فاصله گرفت و سال‌ها از پرداختن به مسائل سياسي خودداري كرد.

اين استاد آواز كه براي درمان بيماري‌اش در اجراي برنامه‌هاي هنري هم دور شده گاه به خاطر پيگيري رسانه‌ها درباره سرنوشت فعاليت‌هاي هنري‌اش در معرض نقد و نظر رسانه‌ها قرار مي‌گيرد. سال گذشته درخواست رسانه‌ها براي اعلام آزاد بودن فعاليت شجريان با پاسخ صريحي از سوي وزير ارشاد همراه نشد و به‌رغم اصرار خبرنگاران سيدرضا صالحي‌اميري حاضر نشد موضع آشكاري نسبت به وضعيت محمدرضا شجريان اتخاذ كند.
پيش از آن نيز سخنگوي وزارت ارشاد شرط فعاليت مجدد شجريان را عذرخواهي وي از مردم ايران عنوان كرده بود. با وجود اينكه وزارت ارشاد اقدامي براي فعاليت دوباره شجريان در ايران انجام نداده، حجت‌الاسلام روحاني در مناظره رياست جمهوري از پخش نشدن «ربنا»ي شجريان از تلويزيون انتقاد كرد.

این تحلیل نکات مفیدي در این موضوع و تغییرات بین المللي دارد

کیش و مات های سیاسی- اقتصادی در جی 20

روسیه امروز - ترجمه رضا نافعی

اکثر شرکت کنندگان در کنفرانس جی 20 از نتایج آن راضی بودند. از منظر اکثر رسانه های آلمانی واشنگتن خود را در این همایش منزوی کرد. ولی امریکا چندان هم تنها نماند. بلکه برعکس، آنچه در این همایش آشکار شد افتراق غرب در مورد مسائل کلیدی بود. ادعا می شود که گویا در کنفرانس مذکور 19 کشور در یک سو قرار داشتند و یک کشور در سوی دیگر، که تازه رفتار تحریک آمیزی هم داشت.

نظر تقریبا تمام رسانه های آلمان این بود که امریکا در کنفرانس سران خودش را تنها کرد. بیاد می آورید که مشابه این نظر را کی و کجا شنیدیم؟ دوسال پیش در فوروم بریزبن در استرالیا نیز رسانه ها می خواستند یک نفر دیگر را در انزوا ببینند – روسیه را- . ولی یکبار دیگر می بینیم که این فرمول غلط است.

آنها که روسیه و رئیس جمهور آن را تا همین چندی پیش به گوشه انزوا میراندند رسانه های جهانی ساز بودند، مانند نیویورک تایمز امریکائی و دی ولت آلمانی و حالا هم باز همین رسانه بجای آن که حرف تازه ای بزنند همان حرف ها را در مورد ترامپ تکرار می کنند. ولی چنین نبود که ترامپ در هامبورگ حتی بطور تقریبی خود را تا این اندازه در انزوا ببیند.

همایش بر او چگونه گذشت؟ او در آنجا نه تنها با پوتین بلکه با رؤسای دیگر کشورها و دول نیز دیدار کرد. کشورهائی که 80 درصد تولید ناخالص جهان، 75 درصد از بازرگانی جهان را در اختیار دارند و 66،7 از جمعیت جهان ساکن آن کشورها هستند. این ها سرآمدان جهان هستند که خیلی بیشتر از فقط امریکا هستند، اما همین سرآمدان جهان بر سر بسیاری از مسائل با یکدیگر هم نظر نیستند.

آنچه که باصطلاح » افکار عمومی جهان» خوانده می شود، امریکا را بکرات سرزنش کرده است. در گذشته این کار را پوشیده تر و با لحنی محترمانه تر انجام می داد.

اما امروز امریکا، در مورد مسائل باصطلاح کلیدی، مانند آزادی بازرگانی و مسائل اقلیمی با انتقاد صریح روبروست، حتی به نسبت 19 بر یک 1. اما این روند با ترامپ آغاز نشده.

بقیه جهان، در طی سالهای اخیر، چشم پوشی از امریکا را بیشتر و بیشتر آموخت. موثر ترین نتایج برای استقرار صلح در سوریه در کنفرانس آستانه بدست آمد که امریکا در آن حضور نداشت. منزوی شدن امریکا ، دست کم در چنین مواردی از کشفیات رسانه های مروج جهانی سازی نیست.

در مورد بازرگانی ترامپ تهدید می کند که دست به حمایت از تولیدات داخلی خواهد زد، یعنی برای برخی از اقلام واردات عوارض گمرکی گزاف دریافت خواهد شد و به این معتقد نیست که مناسبات بازرگانی همه جانبه نعمت است. دلیل آن نیز پایان دادن به توافقنامه تجارت آزاد در بازرگانی میان قاره ای است. سرانجام 19 کشور قطعنامه ای به تصویب رساندند با این بند که وضع عوارض گمرکی برای کالاهای وارداتی تحت شرائطی ویژه ممکن است. اما از این بابت کاملا عصبانی بودند. در مورد مباحثات اقلیمی وضع از این هم بدتر بود: وقتی که برجستگان جهان برای بررسی مسائل اقلیمی تشکیل جلسه داده بودند، ترامپ مشغول بود- او با پوتین گفتگو می کرد! نتیجه آن که دیگر کشورها تصمیم به حفظ قرار داد پاریس گرفتند، البته فقط خودشان ، بدون امریکا.

در هامبورگ چه رخ داد؟ امریکا جهان را از منظر برجستگان اروپا و چند کشور دیگرِ متعلق به باصطلاح غرب نمی بیند. آنچه آشکار شد انشقاقِ غرب است نه انزوا از جهان. اگر هیلاری کلینتون همنشین اروپائی ها شده بود، یک توافق گسترده وجود داشت و مشغول » منزوی ساختن» کس دیگری بودند. که البته همه می دانیم آن یک نفر که بود.

که با که و برای چه؟ حالا جزئیاتی به میان می آیند که تصویر را هیجان انگیز می سازند: مهره های درشت جی 20 فقط امریکا و اتحادیه اروپا نیستند. اگر به تحلیل های داخل چین و هند نظر افکنیم می بینیم که آنجا در باره جی 20 چندان بحث و گفتگوئی صورت نگرفته است. برای این غول ها همایش جی 20 واقعه مهمی نیست. می دانیم که : اگر اتفاق بدی نیفتد – از چه باید خبر داد؟ بنا بر این سیر امور برای آنها بد نبوده است.

معمولا تجارت آزاد برای کسانی خوب است که از رقابت نمی ترسند. دهلی نو و چین موافق آزادی بازرگانی هستند. آنها قبلا با روسیه و دیگر کشورهای بریکس قراردادی منعقد کرده بودند مبنی بر این که تحریم هائی که با انگیزه سیاسی صورت می گیرند به آزادی بازرگانی نیز لطمه می زنند. .

آیا آنها امریکا را مثلا منزوی کردند؟ فقط باید نگاهی به دیدار شی جینگ پی و ترامپ در حاشیه کنفرانس افکند. آنجا حسابی جشن ماه عسل برپا بود، برغم آن که این دوکشور در مورد کره شمالی با هم اتفاق نظر ندارند. دیدار پوتین و ترامپ نیز همه چیز ممکن را ثابت می کند جز انزوای امریکا را.

اهمیت این مسئله اقلیمی در چه و درکجاست؟ بحث در باره اقلیم و گرمای زمین نیز بنا به تحلیل دیمیتری کاسیرو ، تحلیلگر ریا نووستی، در واقع چیزی نیست جز دعوا میان دو لابی- لابی نفت- گاز- ذغال سنگ از یک سو و لابی

هوادار انرژی های نو، از سوی دیگر. قرارداد اقلیمی در درجه اول بسود کشورهائی است که نفت و گازتولید نمی کنند، مانند چین و هند . برخلاف آنها روسیه، امریکا و عربستان سعودی از آن سود نمی برند.
امریکائی ها چه کردند؟ آنها موفق شدند یک نکته را در قطعنامه نهائی کنفرانس بیافزایند، به این صورت که تضمین دادند انرژی «پاک» در اختیار جهان بگذارند، که از نفت، ذغال سنگ و گاز بدست خواهند آورد. بنا بر این در اینجا به یک مصالحه رسیده اند.
مسائل دیگری هم در کنفرانس سران مطرح بودند که کسی نمی توانست با طرح آنها مخالفت کند، حتی روسیه: مثلا اقتصاد دیجیتال، مبارزه با پول شوئی و تامین هزینه های تروریسم. همه اتفاق نظر داشتند که در این موارد باید با یکدیگر همکار کنند.
تمدن مقوله ای نیست که ویژه لیبرال ها باشد خط جدائی دیگری نیز هست که جهان غرب را پیوسته با وضوح بیشتری به دو بخش تقسیم می کند. این خط در نطقی که ترامپ قبل از حضور در کنفرانس جی 20 در ورشو کرد بوضوح عیان شد. ترامپ در ورشو نه تنها سیستم های موشکی مانند » پاتریوت» و گاز صخره ای به لهستان فروخت بلکه سخنانی رزمجویانه و اساسی در باره دیدگاه غرب نیز بیان کرد.
بنظر ترامپ غرب در درجه اول تمدنی است با 2500 سال سابقه، که بویژه متضمن فرهنگ، مذهب و ارزش ها سنتی است. رسانه های هوادار کلینتون در امریکا این سخنان را بعنوان» راست افراطی» و حتی » نژادپرستانه» بشدت مورد انتقاد قرار دادند.
ترامپ در آن سخنرانی، بعنوان مثال ازنفوذ اسلامگرایان افراطی در ارزش های برخاسته از تمدن سخن گفت. ولی یک گلوبالیست راست کیش اعتقادی به ملیت ها، مذاهب، و ارزش هائی ندارد که جهانی نباشند.
بعنوان مثال آیا این نظرات روسیه و ترامپ را متحد نمی سازند؟ روسیه نیز خود در گذشته یک پروژه جهانی به جهان عرضه کرد- یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را.
استالین رهبر شوروی با طرح نظر انقلاب در یک کشور نظریه انقلاب مستمر را بکنار نهاد. اما تروتسکی سخت ترین رقیب او ، در این مورد، در پی تحقق انقلاب مستمر بود. بسیاری از پیروان پیشین تروتسکی امروز در صف روس هراسان نئوکان جای دارند.
خوب یا بد، امروز دیگر روسیه دعوی جهانی سازی(گلوبالیسم) ندارد. امروز مبداء حرکت روسیه این است که فرهنگ ها و تمدن ها متفاوتند ، همبود نیستند و جهان ترکیبی است از این اجزاء متنوع . بنا بر این صرفا ازمنظر تئوری میان دکترین ترامپ و روسیه تضادی وجود ندارد..
گلوبالیست ها هم به همین دلیل مخالف این همایش بودند؟.
گلوبالیست ها هم به همین دلیل مخالف این همایش بودند؟ مخالفان گلوبالیسم که به همایش هامبورگ معترض بودند، با دنباله روی از برخی نیروهای افراطی اعتراضات را به آشوب کشاندند. ولی آیا این ها در واقع با ترامپ همپیمان نبودند ، چون ترامپ هم مخالف گلوبالیستهاست. ولی این اعتراضات یک جنبه داخلی هم داشت، بخصوص محاسبه آنگلا مرگل درست از آب در نیامد. این نظر نیویورک تایمز است.
مخالفان جهانی سازی در کدم سو قرار دارند؟ مرکل خیلی بیشتر ترجیح می داد که مهماندار هیلاری کلینتون باشد. ولی او می خواست، حالا که ترامپ و چند دیکتاتور دیگر مانند پوتین و اردوغان هم آنجا هستند، کاملا لیبرال با تظاهرکنندگان برخورد کند و 70 هزار تظاهر کننده را به شهر راه دهد و به دیکتاتور ها نشان بدهد که چگونه باید با مخالفان رفتار کرد. ولی اوضاع از کنترل خارج شد و خود او زیر فشار قرار گرفت.
ولی رابطه سه جانبه ماکرون- ترامپ- مرکل هم کمی از مسیر خارج شد. بنظر می رسید که ماکرون می خواهد بجای آن که با تردید به ترامپ بنگرد نزدیک او باشد، در حالی که او شریک نزدیک مرکل است. پس انزوا ی ترامپ چه می شود؟..
همه چیز شتابان در تغییر است، اتحاد ها و اتحادیه ها روزبروز سست تر می شوند، همه چیز دنیا بهم پیوسته است. جی 20 هم گروهی نیست که یک نفر با چماق تادیب آن بالا بایستد و جهت حرکت را به همه نشان بدهد ، این همایش بیشتر برای میزان کردن ساعت هاست. با اطمینان می توان گفت که واژه » انزوا» ابزاری نیست که به کار توصیف رویداد های این جهان آید. حال اگربرای سرآمدان جهان غرب حتی ترامپ هم دیگر بحد کافی سر موضع نیست و می خواهند باز هم چنان در صحنه حاضر شوند که گوئی کانون جهان هستند، در نهایت خود را منزوی خواهند ساخت.

https://deutsch.rt.com/international/53889-g20-bilanz-gipfeltreffen-verdeutlich-spaltun/g-des-westens

روزنامه آفتاب یزد
1396/04/22



919 تحریم لغو شده با برجام بی اثر!

علیرغم آنکه همچنان برخی با توافق هسته‌ای مخالفت می کنند
دیروز یکی از نمایندگان اصولگرا در صحن مجلس
میزان تحریم‌های لغو شده پس از برجام را افشا کرد

919 تحریم لغو شده با برجام بی اثر!

آفتاب یزد- محمد مهدی حسین‌نیا: بیش از یک هفته جنجال آفرینی دلواپسان در خصوص قرارداد نفتی، سرانجام آن چه نه بر مبنای ادعای آن ها، بلکه بر اساس حقیقت موجود منفعت ملی را تامین می کرد، درخانه ملت اتفاق افتاد. طرح سه فوریتی برای توقف توتال متوقف شد و نمایندگان از اظهارات بیژن نامدار زنگنه مطمئن تر از قبل شدند که توتال منافاتی با منافع کشور ندارد. فارغ از حاشیه های پیش آمده در خصوص نامه دلواپسان بهارستان و آن چه میان کواکبیان و ذوالنور رخ داد، نکته جالب دیگری در سخنان یک نماینده اصولگرا نمود پیدا کرد که از قضا، آن هم با رفتار، گفتار و طرز فکر منتقدان دستاوردهای بین المللی دولت در تضاد بود.
حشمت الله فلاحت پیشه از لغو نزدیک به هزار تحریم در دوران پسابرجام خبر داد.
خبر ساده بود و کوتاه؛ در هیاهوی موافقان اکثریت و مخالفان در اقلیت که البته از آن ها جز این هم انتظار
نمی رفت، نماینده اصولگرای مردم اسلام آباد جمله ای تاریخی گفت که خوب است مخالفان هنوز سفت و سخت برجام آن را از زبان یکی از نزدیکان خود، دوباره وچندباره مرور کنند. حشمت الله فلاحت پیشه که غالبا بر سبیل اعتدال و انصاف قدم بر می دارد در ضمن دفاع از قرارداد توتال که خود دستاورد امضای برجام و لغو تحریم هاست، خبر داد: «919 نوع تحریم در دوران پسا برجام برداشته شده که ۲۴۵ تحریم باقی مانده است. ماحصل تلاش ها آن است که آمریکا را در کنج قرار داده و با سایر کشورهای دنیا کار می کنیم.»
**ادعای بی برهان و پر تکرار

می گفتند برجام هیچ تاثیری ندارد. گفتند اصلاح طلبان و حامیان دولت در عمل انجام شده قرار گرفته اند و مجبورند از برجام حمایت کنند. نمایندگان جمهوری اسلامی در مقابله با دشمنان را خائن خطاب کردند و کار را به جایی رساندند که رهبری معظم سخنرانی کنند و از تیم مذاکره کننده هسته ای
با تعابیری مانند «امین، غیور، شجاع و متدین» نام ببرند و با تاکید بر آگاهی خود از روند مذاکرات، از هیئت دیپلماسی دولت حمایت کنند.
با این حال دلواپسان اگر در طول مذاکرات نیمی‌از توان خود را برای توقف برجام پیش گرفتند، بعد از دستیابی به توافق تا همین امروز تمام توان خود را برای تخریب این ثمره بزرگ تاکتیک «نرمش قهرمانانه» به کار گرفتند. زمانی که باراک اوباما در حال تحویل دولت آمریکا به دونالد ترامپ بود و رئیس جمهور جدید مستقر در کاخ سفید وعده پاره کردن برجام می‌داد، عده ای از همین افراد که رسانه‌هایی با پول بیت المال در اختیار دارند می‌گفتند تنها نکته مثبت ترامپ همین است و اظهار امیدواری کردند که واشنگتن در راستای منافع آن‌ها عمل کند. برجامی‌که روز گذشته فدریکو موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مقابل اظهارات اخیر مقامات آمریکایی در خصوص مخالفت با برجام تذکری جدی داد و اظهار داشت: «واشنگتن باید بداند که برجام متعلق به جامعه بین‌المللی و مورد تایید سازمان ملل و اتحادیه اروپاست. ما مسئولیت داریم که مطمئن شویم که اجرای برجام ادامه خواهد یافت.»
دستاورد دولت و ملت را دستاویز تخریب کردند
در مناظرات و فعالیت‌های تبلیغاتی انتخابات اخیر ریاست جمهوری، رقبای حسن روحانی تلاش کردند برجام را بی ثمر و بی حاصل تلقی کنند. اگرچه نتیجه انتخابات نشان داد که مردم ثمره برجام را به خوبی لمس کرده اند، با این حال برخی ادعاها در آن بازه زمانی نکات و حواشی خاص خود را داشت و از قضا «در تاریخ ماندگار شد». ابراهیم رئیسی که جملات قصار خاصی در آن ایام از خود ثبت کرد در یکی از مناظرات در خصوص برجام اظهار داشت: « برجام به صورت چکی است که باید نقد شود . با ضعف‌هایی که دولت به طرف مقابل نشان داده به هیچ عنوان توانایی نقد کردن چک برجام را ندارند.» محمدباقر قالیباف نیز در ضمن بی اثر خواندن برجام عنوان کرد:« امروز در اجرای برجام چه کردید؟ آثارش برای مردم چه بوده است؟» البته مصطفی میرسلیم نیز از قافله عقب نماند و گفت: « به نظر شما چگونه می‌توان حقوق ملت شریف را در چارچوب برجام گرفت؟» وی همچنین ورود کشور به پروسه برجام را چهار سال اتلاف وقت دانست. البته سخنان علیه برجام در آن دوره زمانی بسیار بیشتر از این موارد بود. افزایش آشکار فروش نفت، ورود تجهیزات برای افتتاح فازهای جدید و بهره برداری بیشتر از پارس جنوبی و همچنین آغاز نوسازی ناوگان هوایی کشور با قراردادهای ایرباس و بوئینگ که تنها سه مورد از موارد بی شمار احقاق حقوق ملت و نظام بود،هرگز به چشم کسانی که خود را به خواب زده بودند نیامد و نیامده است.
البته مناظره سوم ریاست جمهوری دو نقل‌قول بسیار جالب داشت که مرور آن خالی از لطف نیست. مصطفی میرسلیم در این مناظره عنوان کرد:« آیا از برجامی‌که شما این قدر سنگ آن را به سینه می‌زدید درست استفاده کردید تا بتوانیم بر روی بازرگانی خارجی کار کنیم؟» و ابراهیم رئیسی در جمله ای واضح تر از عدم جذب سرمایه خارجی انتقاد کرد: «شما یکی از گلابی‌هایی که باید از برجام می‌چیدید سرمایه خارجی بود،عدد سرمایه خارجی را خودتان بگویید که اکنون چقدر است؟ » سرمایه خارجی جدای از مثال‌های گوناگونی که تا آن زمان محقق شده بود، حالا از طریق شرکت توتال و با در نظر گرفته شدن منافع جمهوری اسلامی‌ایران به کشور سرریز شد اما، عده ای گفتند چرا سرمایه خارجی جذب می‌کنید!
**«چشمان باز بسته»
این رویکرد البته همچنان از سوی دلواپسان به قوت خود باقی است. ابراهیم رئیسی در یکی از تازه ترین اظهارات خود که با عنوان ناگفته‌های انتخابات در رسانه‌ها منعکس کرده، بار دیگر عنوان کرد که تحریم‌ها برداشته نشده و عملا برجام را بی اثر دانست. وی اظهار کرد: «گفتند اگر اینها رای بیاورند، جنگ و ناامنی می‌شود، یا دوباره تحریم می‌شود. خب، اخیراً مردم خبرها را می‌بینند، در آمریکا یکی از بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها علیه ما در حال تصویب است. .. این

واقعیت را که برداشتن تحریم‌ها تنها از مسیر شکل‌گیری یک دولت مقتدر و نه با ترس و مجامله محقق می‌شود برخی پوشاندند و الان هم پاسخگو نیستند.» جدای از آن که تحریم مورد اشاره ابراهیم رئیسی شاید همان تحریمی‌باشد که با نفوذ و یارگیری ایران در جوامع بین المللی، به شکست ایالات متحده و دفاع اتحادیه اروپا از عدم صدور تحریم تازه علیه ایران منجر شد، می‌توان این طور گفت که شاید هنوز برخی متوجه نشده اند، در مورد تحریم‌ها اصالت با لغو تحریم‌ها بود که در تاکتیک نرمش قهرمانانه مورد سفارش رهبری به وقوع پیوست و اتفاقا منجر به مانور عزتمندانه و مقتدرانه جمهوری اسلامی‌در جوامع بین المللی شد. دولتی مقتدر، اهل تعامل، انقلابی به معنای حقیقی آن که در پی احقاق حقوق ملت و کشور است و دولتی که نشان داده چطور باید در هر حوزه تخصصی و به نفع ملت کار کرد قدم در راه لغو تحریم‌هایی گذاشت که دولت مورد حمایت دلواپسان با شعار انقلابی گری آن را پدید آورد. تحریم‌های بی اثر و قطعنامه‌های کاغذپاره، حالا با مرتفع شدن بیش از گذشته نشان می‌دهد که چرا رئیس جمهوری عده ای را کاسب تحریم خوانده بود. اتفاقی که شاید قرارداد توتال بیش از بحث‌های مرتبط گذشته آن را تفسیر کند.

**«سلام بر اصولگرایی معتدل»

حالا، حشمت الله فلاحت پیشه، یک بار دیگر در مجلس نشان داد که وقتی حسن روحانی از اصولگرایی معتدل و منصف سخن می‌گفت چه منظوری داشت. فلاحت پیشه درخصوص قرارداد توتال در مجلس شورای اسلامی‌اظهار داشت: «در شرایطی که کشورها به دنبال بازگشت تحریم هستند قراردادی با تضمین‌های حاکمیت ملی بسته شده است. ما باید ۲۰۰ میلیارد دلار در میادین نفتی سرمایه گذاری کنیم که چنین پولی را نداریم.» نماینده مردم اسلام آباد تاکید کرد: «زمان مذاکرات هسته ای نیز طرح بی اعتمادی، توان چانه زنی مسئولان را تضعیف کرد اکنون نیز این بی اعتمادی توان چانه زنی را کم می‌کند. به جای بی اعتمادی اگر فکر می‌کنید تخطی شده آن را مطرح کنید.» جمله پایانی فلاحت پیشه اما با آن که پیش‌تر نقل شد، شاید تکرارش لازم باشد:« 919 نوع تحریم در دوران پسا برجام برداشته شده که ۲۴۵ تحریم باقی مانده است. ماحصل تلاش‌ها آن است که آمریکا را در کنج قرار داده و با سایر کشورهای دنیا کار می‌کنیم.» 919 تحریم بی‌اثر که لغو آن برای برخی هنوز ناخوشایند است. فلاحت پیشه اصولگرا که منفت ملی را برخلاف خیلی‌ها قربانی رویکرد حزبی نمی‌کند. عبدالله رمضان زاده در حساب کاربری توئیتر خود جمله دردناک و در عین حال جالبی نوشت که شاید حرف دل زنگنه، روحانی و مردم نیز باشد: «اگر ۷۳۰میلیارد دلار را در آن هشت سال هدر نداده بودند نیازی به دست درازکردن نزد توتال برای پنج میلیارد دلار نبود؛ ببینید چه بلایی سر کشور آوردند.» مردم دیده اند؛ کاش باقی هم مردم باشند و ببینند.

لینک منبع خبر69بازدید:

سایر اخبار

صوت/ عصبانیت یک فعال سیاسی اصولگرا از شکست در انتخابات / رحیم پور ازغدی: وظیفه من در ۴سال آینده،ایستادن جلوی روحانی است!

محمد هاشمی

اصولگرایان از شکست در انتخابات عصبانی‌اند/سکوت بهترین واکنش به تندروها است

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در خصوص بهترین واکنش نسبت به رفتارها این روزهای تندروها در قبال منتخب اکثریت مردم ایران، بیان کرد: تجربه‌ای که در دوران مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی داشتیم، سکوت بود. مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همیشه در معرض توهین‌های زیادی از تریبون و افراد خاص قرار داشتند، اما ایشان سکوت را برمی‌گزیدند و بعضاً که درصدد جواب برمی‌آمدیم از این کار ما را نهی می‌کردند.



یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در خصوص بهترین واکنش نسبت به رفتارها این روزهای تندروها در قبال منتخب اکثریت مردم ایران، بیان کرد: تجربه‌ای که در دوران مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی داشتیم، سکوت بود. مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همیشه در معرض توهین‌های زیادی از تریبون و افراد خاص قرار داشتند، اما ایشان سکوت را برمی‌گزیدند و بعضاً که درصدد جواب برمی‌آمدیم از این کار ما را نهی می‌کردند.

دولت دوم حسن روحانی هنوز شکل نگرفته، اما به‌طور تقریبی هرروز شاهد یک حرکت از سوی جریان تندرو علیه او و دولتش هستیم، افراد منتسب به این جریان از مداح اهل‌بیت گرفته تا کسانی که در راهپیمایی روز قدس به رئیس‌جمهور حمله‌ور شدند را شامل می‌شود و بدون هیچ پروایی به نام نقد، به منخب اکثریت مردم ایران توهین می‌کنند.
گروه موردنظر یک روز برجام، روز دیگر سند 2030 و درزمانی هم تحریم‌های مجلس سنا آمریکا علیه کشورمان را به بهانه‌ای می‌سازند تا به دولت بتازند و نظر مردم را نسبت به دومین دولت روحانی که با 24 میلیون رأی موفق شد مجدد به پاستور راه پیدا کند، تغییر دهند، بنابراین تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا او را ناتوان جلوه دهند.
اما با توجه به اینکه در شرایط سخت اقتصادی و بین المللی قرار داریم، مهم‌ترین احتیاج این روزها وحدت و همگرایی است. این خود از نگاهی کسانی که کمترین اطلاعات سیاسی داشته باشد، دورنمی‌ماند؛ بنابراین مشخص است حاشیه‌سازی که مهم‌ترین انگیزه تندروها از آن برای دور کردن دولت از مسیر خود به‌حساب می‌آید، انقلاب را از اهداف اصلی خود دور می‌سازد و این ضرری است که تنها شامل رأی‌دهندگان به روحانی نمی‌شود بلکه سراسر ایران از هر طیف و نگاه سیاسی را دربرمی گیرد.
محمد هاشمی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با رویداد۲۴ درباره اینکه تندروها به دنبال چه هستند گفت: تندروها از شکستی که در جریان انتخابات متحمل شدند، عصبانی هستند و به‌گونه‌ای درصدد جبران آن برآمده‌اند در غیر این صورت هیچ دلیل منطقی دیگری برای این کارها وجود ندارد.
وی در ادامه اضافه کرد: در حالی گروه‌هایی از تریبون‌های رسمی سوءاستفاده می‌کنند و حرکات زشت و تند خود را تحت عناوین مختلف به نمایش می‌گذارند که انتخابات به پایان رسیده و مردم هم فرد موردنظر خود را برگزیده‌اند و همه باید به منتخب مردم احترام بگذارند.
این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در این خصوص که در دولت خاتمی هم شاهد رفتارهایی ازاین‌دست بودیم، یادآور شد: رفتارهای ناپسند در آن زمان هم بعد از شکست اصولگرایان روی داد. این گروه در سال 76 از دولت اول آقای

خاتمی شکست سختی خوردند از دولت دوم او هم بااینکه 9 یا-10 نفر برای انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا بودند و خاتمی در برابر آنان تنها بود با یک پیروزی چشمگیری موفق به اخذ آرایی بیشتر از دور اول شد، بنابراین به‌شدت عصبانی بودند و بر رفتار خودکنترل نداشتند.
هاشمی تصریح کرد: این گروه نشان داده هر زمان‌که شکست می‌خورد تا مدتی ناراحت و عصبی است و نمی‌داند چه‌کاری باید انجام دهد. کارهایی از آنان سر می‌زند که متأسفانه بیشتر مورد غضب و نفرت مردم قرار می‌گیرند ضمن آنکه دشمن هم از این حرکات سوءاستفاده می‌کند.
وی در این رابطه که چنین رفتارهایی درنهایت به چه نتیجه‌ای خواهد انجامید، اظهار داشت: نتیجه عملی برای آن‌ها به دنبال ندارد، جز محبوبیت و مظلومیت طرفی که مورد توهین تندروها قرار می‌گیرند.
این فعال سیاسی درباره اینکه آیا چنین رفتارهایی و تداوم بداخلاقی‌ها نسبت به دولت باعث بالا رفتن هزینه بر مردم و کشور نخواهد شد، افزود: شرایط به‌گونه‌ای است که نیاز به وحدت و انسجام تمام نیروها احساس می‌شود.
به‌خصوص شرایط داخلی و حوزه اقتصاد، اشتغال و مسائلی مرتبط به آن‌که به همکاری و مشارکت در این موارد به‌شدت حس می‌شود. با این رفتارها نمی‌توان به اهداف انقلاب و برنامه ششم دست‌یافت، به‌عبارتی‌دیگر این گروه جامعه را از اهداف دور می‌کند.
هاشمی در خصوص بهترین واکنش نسبت به رفتارها این روزهای تندروها در قبال منتخب اکثریت مردم ایران، بیان کرد: تجربه‌ای که در دوران مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی داشتیم، سکوت بود. مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همیشه در معرض توهین‌های زیادی از تریبون و افراد خاص قرار داشتند، اما ایشان سکوت را برمی‌گزیدند و بعضاً که درصدد جواب برمی‌آمدیم از این کار ما را نهی می‌کردند.
وی در ادامه افزود: آیت‌الله هاشمی سکوت می‌کردند که همین کار هم بیشتر آن‌ها را می‌سوزاند. سکوت شیوه ائمه و حضرت علی (ع) در این‌گونه موارد بوده است و به مجادله برنمی خواستند، زیرا طرفین مساوی نیستند یک‌طرف مبتنی بر ارزش‌ها و اخلاق عمل می‌کند طرف دیگر بر بدی و بی‌اخلاقی می‌تازد.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب دراین‌باره گفت: تعبیر سکوت هم در قرآن آمده که اگر با افراد جاهل مواجه شدید به آن‌ها سلام کنید.

فضاسازي خودشان بر ای حذف؟

رحیم پور! شهادتت مبارک

نویسنده: سید مهدی سیدی

دوشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۶ ساعت ۱۲:۵۵

امروز جریان رسانه ای خاص، به دنبال تحریف و سیاه نمایی برخی آدم های مؤثر انقلاب اسلامی است که رحیم پور یکی از مهم ترین مهره های این لیست است. گرچه پیشتر از این نیز رحیم پور 53 ساله در لیست ترور بوده تا جایی که یک مورد از آن در سال 91 رسانه ای شده است. خودش می گوید: آنها در کردستان عراق اتاق فرمان تشکیل داده‌اند و در یکسال و نیم اخیر، این بار سوم است که خبر ترورم را به من داده‌اند.

به گزارش جهان نیوز،**سید مهدی سیدی:** حسن رحیم پور ازغدی درباره پدرش، حیدر رحیم پور می گوید: «هرگز لذت طلبي و سودگرايي شخصي را در شخصيت ايشان، غالب نديده ام. وظيفه‌گرايي، وجه اصلي در شاكله روحي ايشان بوده و هست. روحيه ساختارشكن دارند و من خاطرات شيريني از اين بعد از شخصيت ايشان سراغ دارم».

حیدر رحیم پور، هنوز در عالم معرفت و اعتراض، فعال و جوان است و از مباحثات جدی دهه پنجاهش با شریعتی و مطهری، یادگاری های خوبی در سینه دارد. حالا پسر، خود میدان دار جریان فریاد و ایستادگی است. یک جستجوی ساده در گوگل (870 هزار رکورد) گواه خوبی بر گستردگی حضور اوست. او به شدت پرکار است. آنچنانکه بیش از «هزار» سخنرانی و کنفرانس در فاصله سال های 71 تا 95، از رحیم پور قابل دسترسی است.

اهل تأثیر و مبارزه
تقریبا کسی از او سخنرانی بی خاصیت یا کم مایه سراغ ندارد. با وجود کثرت انتشار رسانه ای سخنرانی هایش، هنوز برای مخاطب، دم دستی و عادی نشده است. (شبکه 1 - شنبه ها؛ شبکه چهار - پنج شنبه ها؛ شبکه افق - جمعه ها) تا جاییکه جلسات بسیاری در صف دعوت از او در نوبت نشسته اند. او که از سال 81 به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی درآمده، نقریبا هیچ سمت دانه درشت دولتی یا حکومتی نداشته و وقت خود را بر مطالعه، تفکر، نوشتن و گفتن متمرکز کرده است؛ این رویه در طول چهار دهه عمر جمهوری اسلامی، در میان صحابی انقلاب، کم نظیر است.
رحیم پور مؤثر حرف می زند. رودر بایستی ندارد. به مسائل روز می پردازد. مثل

برخی روشنفکران دانشگاهی، پشت کتابخانه های موریانه خورده، قایم نمی شود. اهل تشخیص و درگیر شدن است. به خاطر اصولش، مخاطب در تقابل با او، امکان بی طرف ماندن پیدا نمی کند. پس به ناچار به موافق و مخالف تبدیل می شود. آنچنان که شبکه های بسیاری که نوعا خط نفوذ در لایه های پنهان شان، قابل ردگیری است به او فحاشی می کنند، پرونده سازی کرده و یا سخنانش را جعل و تقطیع می کنند.

در معرض ترور

همین روزها یک فایل صوتی از او منتشر شده که به نحو کاملا حرفه ای دچار تقطیع و تحریف شده تا جایی که گروهی از تشکل های دانشجویی در نامه ای به دادستان تهران، درخواست برخورد با سبب سازان این شیطنت را داشته اند.

جریان بیگانه در هیاهوی انتشار این فایل صوتی اینگونه تیتر زده است: «عصبانیت تئوریسین اصولگرا از شکست در انتخابات» و این یعنی آنکه جریان نفوذ، رحیم پور را هم تئوریسین و هم صاحب اصول می داند. اما می کوشد حرف های جدی او را، به حساب یک شکاف سیاسی کودکانه حواله دهد، تا کمتر شنیده و یا جدی انگاشته شود. و این از تکنیک های ماهرانه رسانه مدرن است. حال آنکه رحیم پور بر پیکره هر سه دولت اعتدال، مهرورزی و اصلاحات، نقدهای جدی داشته و طبق شنیده ها، در جلسات شورای عالی در برابر هر سه رئیس جمهور جبهه گیری های اندیشمندانه بسیاری داشته است.

امروز جریان رسانه ای خاص، به دنبال تحریف و سیاه نمایی برخی آدم های مؤثر انقلاب اسلامی است که رحیم پور یکی از مهم ترین مهره های این لیست است. گرچه پیشتر از این نیز رحیم پور 53 ساله در لیست ترور بوده تا جایی که یک مورد از آن در سال 91 رسانه ای شده است. خودش می گوید: آنها در کردستان عراق اتاق فرمان تشکیل داده‌اند و در یکسال و نیم اخیر، این بار سوم است که خبر ترورم را به من داده‌اند.

شلیک به سمت اندیشه

جنگ نرم در حال شکست خوردن است. برای همین است که دوباره سوگیری ترورها به سمت و سوی اندیشمندان، تغییر جهت داده است. رحیم پور، امروز نشان دار شده و اسلحه ها به سمت او نشانه رفته است. فقط کافی است تیتر روزنامه ها و سایت های خاص را مرور کنید.

عنوان سخنرانی های او طرحی برای فرداست. رحیم پور برای فردای ایران طراحی می کند، پس سزای او همین است که اسلحه ها را به سمتش نشانه بروند.

پیشتر از آنکه به سوگ او بنشینیم و شهادتش را تبریک بگوییم، به کمکش بشتابیم و فضای حضور او و امثال او را فراهم کنیم.

نگرانی دولت ایران از افزایش شدید مصرف برق

سیاوش نوروزیروزنامه‌نگار

با افزایش گرما در ایران، مصرف برق در هفته گذشته بیشتر از ۱۰ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته و وزارت نیرو برای کنترل مصرف، برق برخی مناطق از جمله شهر تهران را برای مدتی قطع کرده است.

شرکت توزیع برق تهران افزایش مصرف برق را عامل خاموشی و قطع برق اعلام کرده و گفته دلیل خاموشی‌ها کمبود برق نیست بلکه وقتی بار خطوط برق از یک میزان بیشتر شود، سیستم‌های حفاظتی محدودیت‌هایی را اعمال می‌کنند.

این یعنی خطوط انتقال برق، ظرفیت‌های مشخصی دارند و وقتی میزان برق مصرفی از ظرفیت آنها بیشتر شود، بخش‌های حفاظتی برای حفظ خطوط انتقال، به ناچار برق بخش‌هایی را قطع می‌کنند.

وزارت نیرو و شرکت توانیر که مسئول تامین و توزیع برق در ایران است، بارها از مردم خواسته‌اند در مصرف برق صرفه جویی کنند و گرنه با ادامه رشد مصرف، احتمال بروز خاموشی جدی است.

اوج مصرف برق در ایران بین ساعات ۱۲ ظهر تا چهار بعد از ظهر و ۹ تا ۱۱ شب است و دولت از مردم خواسته تا با کاهش مصرف، مانع از خاموشی‌های احتمالی شوند.

بنابر برآورد وزارت نیرو، ۲۶ درصد از مصرف برق مربوط به وسایل سرمایشی است و مشترکان خانگی بیشتر از ۴۰ درصد از مجموع برق سالانه خود را در ماه‌های خرداد تا شهریور مصرف می‌کنند.

نگرانی از خاموشی‌های گسترده

حق نشر عکسISNA

دولت که احتمال رشد مصرف برق را پیش‌بینی کرده بود، بخش‌های دولتی را ملزم کرده است حداقل ۱۰ درصد از مصرف برق خود کم کنند. علاوه بر این تصمیم گرفته شده است با تغییر ساعات اداری در برخی مناطق کشور به پیش از ساعت دو بعد از ظهر، مصرف برق مدیریت شود.

با وجود این، گزارش‌ها نشان می‌دهد که در هفته‌های گذشته رشد مصرف به دلیل گرمای شدید، نسبت به سال گذشته رشد چشمگیری داشته است.

گزارش وزارت نیرو نشان می‌دهد که در سال گذشته در اوج مصرف برق، میزان مصرف ۵۲ هزار و ۶۴۰ مگاوات بود اما امسال این رقم در اوج مصرف تا کنون به ۵۵ هزار و ۴۳۴ مگاوات رسیده است.

گزارش وزارت نیرو نشان می‌دهد که مصرف برق در نیمه تیر ماه امسال نسبت به سال گذشته بیشتر از ۱۱ هزار مگاوات بیشتر بوده است.

این نگرانی وجود دارد که با گرم شدن بیشتر هوا در روزهای باقی مانده از تیر و مرداد، مصرف برق به حدی برسد که وزارت نیرو ناچار شود تا خاموشی‌های منطقه‌ای را اجرا کند.

تقریبا نزدیک به ۱۵ سال است که مشکل کمبود برق در ایران با افزایش تولید برطرف شده و خاموشی‌های گسترده برق در سال‌های اخیر اتفاق نیفتاده است.

اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در نشست شورای عالی انرژی گفت که "افزایش مصرف بی رویه برق چالشی نگران کننده برای کشور است و جلوگیری از این روند تنها با همراهی و همکاری مردم میسر است."

به گفته آقای جهانگیری، "اگر مردم همکاری لازم را در راستای اصلاح الگوی مصرف انرژی با دولت انجام ندهند، تلاش‌های وزارت نیرو به تنهایی نتایج چندانی در بر نخواهد داشت."

حق نشر عکسISNA

بدترین پیش‌بینی

وزارت نیرو می‌گوید با گرم شدن شدید هوا، بدترین سناریوی پیش‌بینی شده از سوی این وزارتخانه در مورد افزایش مصرف برق اتفاق افتاده است.

آرش کردی مدیر عامل شرکت توانیر ثبت رکورد ۵۵ هزار مگاوات مصرف برق را "هشدار دهنده" توصیف کرده و گفته این میزان مصرف "در طول تاریخ صنعت برق بی‌سابقه بوده و تداوم آن در روزهای آینده می‌تواند برای این صنعت مشکل زا باشد."

بنابر آمار شرکت توانیر ایران، در سال گذشته با راه اندازی نیروگاه‌های جدید، ۲۳۲۴ مگاوات برق به ظرفیت برق ایران اضافه شده است اما این میزان افزایش تولید با رشد سالانه مصرف فاصله زیادی دارد.

هوشنگ فلاحتیان معاون امور برق وزارت نیرو گفته در چهار ماه نخست امسال مصرف برق در کشور حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است و این بدان معناست که کشور باید سالانه ۷ هزار مگاوات برق جدید تولید کند که این موضوع نیاز به سرمایه گذاری ۲۸ هزار میلیارد تومانی دارد.

برآوردها نشان می‌دهد که وزارت نیرو برای ساخت یک نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی، نیاز به چهار هزار میلیارد تومان سرمایه دارد.
این در حالی است که در سال‌های اخیر به دلیل بدهی سنگین دولت به شرکت‌های پیمانکاری بخش برق، سرمایه گذاری در این بخش کاهش پیدا کرده است.
با این حال دولت امیدوار است بتواند سال آینده بیش از سه هزار مگاوات به ظرفیت برق کشور اضافه کند اما کارشناسان بخش برق می‌گویند این میزان افزایش ظرفیت با رشد مصرف فاصله دارد برای همین دولت تنها می‌تواند به صرفه جویی مصرف کنندگان در فصل گرما امیدوار باشد و گرنه خاموشی‌ها دور از انتظار نخواهد بود.
ظرفیت اسمی نیروگاهی ایران حدود ۷۷ هزار مگاوات است اما میزان تولید برق امسال در اوج مصرف به ۵۵ هزار مگاوات رسید. برنامه وزارت نیرو این است که در سال آینده با افزایش بیشتر از سه هزار مگاوات به ظرفیت اسمی نیروگاه‌ها، ظرفیت تولید برق را به ۸۰ هزار مگاوات برساند.

سي درصد مصرف برق كشور مربوط به استهلاك كابلهاي كهنه و خطوط انتقال برق داراي نشت برق است

ايران صادركننده برق به كشورهاى مجاور است

از افتخارات ايران برق اتمي در كنار برق كازي و نفتي و ذغال سنكي است

اسراف در ميان مردم شايع است، عادت به روشن كذاشتن جراغهاي غير ضروري و استفاده بيش از ضرورت جراغ روشنايي به اضافه وسايل برق بر مصرف در ساعت ترافيك مصرف و عدم برنامه ريزي اداره برق براى تشويق افراد كم مصرف در كنار محدوديتها براى مسرفين در برق، در شرايطي كه خطوط انتقال بخاطر فراتر از طرفيت مشكل بيدا مي كنند همان خط اسراف كننده بايد خاموش شود نه خاموشي براى محلاتي در هر بخاطر اينكه افراد مسرفي هستند تنظيم خودكار اين در توانايي متخصصين ايارني هست

برای اینکه مبادا کمبود برق باشد = واردات برق ۲ برابر شد

وزارت نیرو بر آن شد تا واردات برق را به منظور جبران پیشی گرفتن مصرف برق از تولید، افزایش دهد؛ از اینرو در هفته گذشته شاهد رشد ۲ برابری واردات برق از کشورهای همسایه بودیم.

خبرگزاری تسنیم: وزارت نیرو بر آن شد تا واردات برق را به منظور جبران پیشی گرفتن مصرف برق از تولید، افزایش دهد؛ از اینرو در هفته گذشته شاهد رشد ۲ برابری واردات برق از کشورهای همسایه بودیم.

رشد کم سابقه مصرف برق کشور و عبور مصرف از مرز ۵۳ هزار مگاوات، شبکه برق کشور را در وضعیت هشدار قرار داده است. در حالی که میزان مصرف از میزان تولید عملی برق در کشور عبور کرده و شاهد افزایش گرمای هوا و به تبع آن ادامه رشد مصرف برق در هفته گذشته بودیم، وزارت نیرو بر آن شد تا واردات برق را به منظور جبران پیشی گرفتن مصرف برق از تولید، افزایش دهد.

از اینرو در هفته گذشته شاهد رشد ۲ برابری واردات برق از کشورهای همسایه بودیم و واردات برق کشور به طور متوسط از حدود ۳۰۰ مگاوات به بیش از ۶۰۰ مگاوات رسید. همچنین برای نخستین بار در سال جاری میزان واردات برق در روز بیست و دوم تیرماه از مرز ۷۰۰ مگاوات عبور کرد.

وزارت نیرو از مردم خواسته تا مصرف برق خود را به خصوص در ساعات ۱۲ تا ۱۴ و ۲۰ تا ۲۳ مدیریت کرده و در جهت جلوگیری از بروز خاموشی، مسئولان دولتی را یاری کنند.

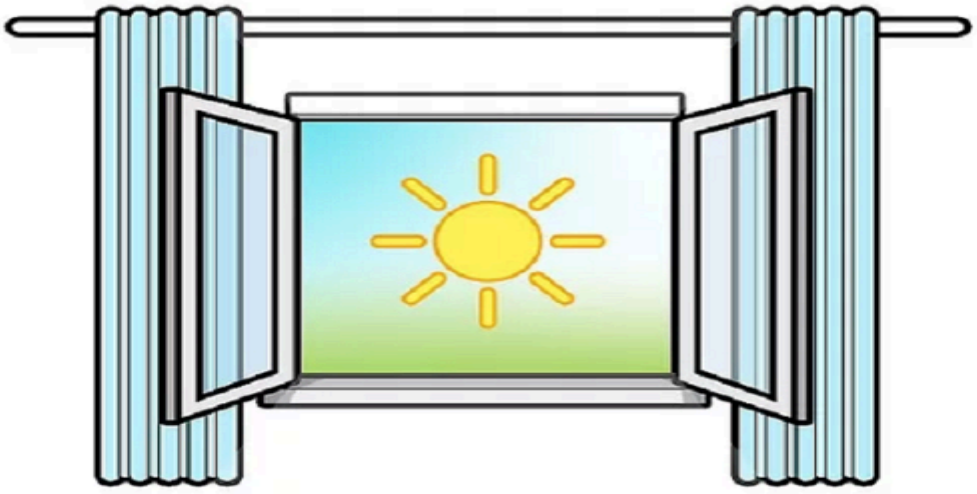
توصیه‌هایی برای صرفه جویی در مصرف برق

هشت راهکار ساده برای در امان ماندن از قبض برق نجومی

اگر قادر نیستید که برای وسایل منزل خود جایگزین مناسب پیدا کنید، به یاد داشته باشید راه‌های زیادی است که با پیروی از آن می‌توانید در مصرف برق صرفه جویی کنید مانند: قبل از روشن کردن ماشین لباس شویی از پر بودن آن مطمئن شوید. اگر شما لباسشویی را به مقدار کمتر از ظرفیتش پر کنید به همان اندازه که برایش تعریف شده است، انرژی

مصرف می‌کند. در هنگام استفاده از اجاق برقی درب آن را باز نکنید، این کار باعث می‌شود اجاق انرژی بیشتری برای گرم کردن غذا صرف کند. قبل از آنکه درب یخچال فریزر را باز کنید تصمیم‌تان را برای برداشتن مواد و یا غذای مورد نظر بگیرد تا زمان کمتری برای پیدا کردن وسایل صرف شود.

سرویس سبک زندگی فردا؛ بشیر قلی‌زاده سرچشمه: با صرفه جویی در مصرف برق می‌توان دو هدف را دنبال کرد یکی جلوگیری از پدیده گرم شدن زمین و دیگری کاهش هزینه پرداخت قبوض برق. با نگاهی ساده به اطراف محیط کار و منزل خود می‌توان مشاهده کرد، تمام وسایلی که با برق کار می‌کنند، قادرند کارایی بیشتری داشته باشند. عایق بندی خانه‌ها و تغییر عادت‌های روزانه شما نیز می‌تواند نقش موثری در کاهش میزان مصرف برق داشته باشد برای اطلاعات بیشتر و چگونگی صرفه جویی در مصرف برق ادامه این مطلب را بخوانید.



هنگامی که به نور طبیعی دسترسی دارید با کشیدن پرده‌های خانه محیط آن را روشن کنید. استفاده از نور طبیعی می‌تواند تکیه شما به نور مصنوعی را کاهش داده و باعث کاهش در مصرف برق و در نتیجه کاهش هزینه‌ها شود. به یاد داشته باشید چه در محیط کار و یا خانه استفاده از نور طبیعی می‌تواند شادابی خاصی را به شما هدیه کند. همین شادابی می‌تواند انگیزه کنار زدن پرده‌ها برای رسیدن به نور طبیعی را در شما افزایش دهد.



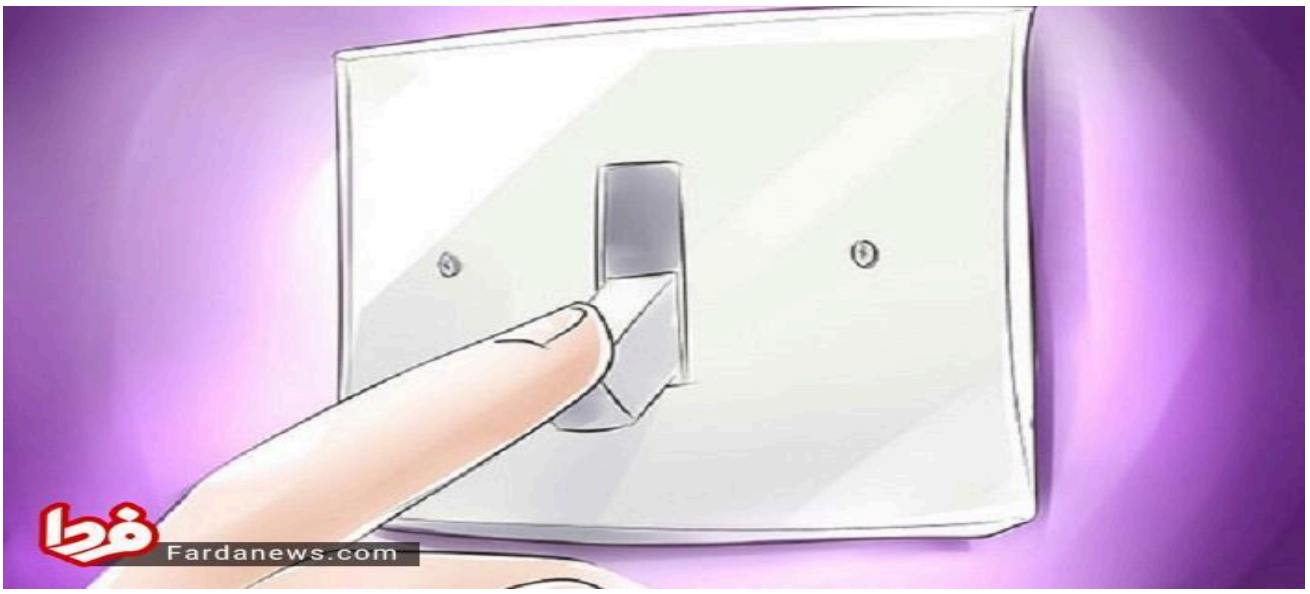
سعی کنید فضای محیط کاری خود را به نحوی تنظیم کنید که نور طبیعی روی میز کار شما بتابد در چنین شرایطی و در صورت امکان چراغ‌های بالای سرتان را خاموش کنید. در مواقعی که می‌خواهید حریم خصوصیتان حفظ شود، شما می‌توانید از پرده‌های توری نازک برای عبور نور در محل کار و یا منزل خود استفاده کنید با این کار هم حریم خصوصیتان حفظ می‌شود و هم می‌توانید از نور طبیعی به اندازه کافی استفاده کنید.



در محیطی که در آن از لامپ‌های رشته‌ای استفاده می‌شود، سعی کنید لامپ‌های LED را جایگزین لامپ‌های رشته‌ای پر مصرف کنید شما با این کار صرفه جویی قابل توجه‌ای را تجربه خواهید کرد.

نکته: لامپ‌های رشته‌ای ۹۸ درصد برق دریافتی را به گرما تبدیل می‌کنند و تنها ۲ درصد را به نور تبدیل می‌کنند این درحالی است که لامپ‌های LED, CFL چندین برابر کارایی و دوام بیشتر دارند. لامپ‌های CFL اولین جایگزین لامپ‌های رشته‌ای بودند که تنها با یک چهارم انرژی مصرفی لامپ‌های رشته‌ای کار می‌کردند. عیب این لامپ‌ها وجود جیوه درون آنهاست که در هنگام دفع، باید اصول بهداشتی را رعایت کرد. لامپ‌های LED که امروزه بیشترین کاربرد

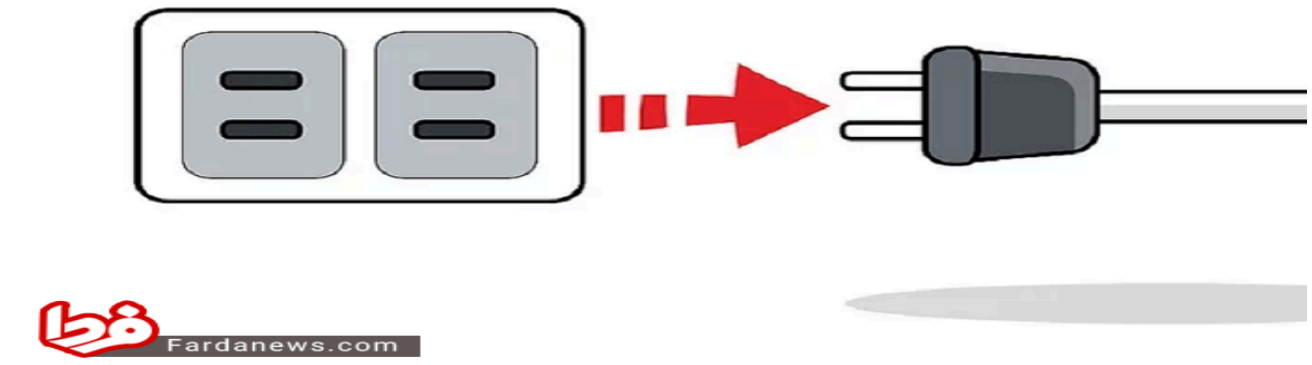
را دارند هم مدت زمان بیشتری عمر می‌کنند و هم جیوه ندارند.



۱. خاموش کردن لامپ اضافی

خاموش کردن لامپ‌های اضافی ساده‌ترین و رایج ترین را برای صرفه جویی در مصرف برق است، که به طور یقین بسیار کارایی دارد. توجه به اینکه چه تعداد لامپ در منزل و یا محیطی که در آن قرار دارید. زمان روشن بودن‌شان می‌تواند به شما کمک کند که چند عدد لامپ در یک مکان و زمان خاص روشن باشند. هنگامی که از یک اتاق خارج می‌شوید، سعی کنید چراغ را خاموش کنید. عادت کنید هر وقت از اتاقی خارج می‌شوید اگر کسی داخل اتاق نباشد، چراغ را خاموش کنید.

سعی کنید که لامپ‌هایی که باعث گرم شدن محیط می‌شوند در مناطقی استفاده کنید که نیاز به روشن بودن در مدت طولانی نیست. مثال مکان‌هایی چون: انباری‌ها و در کل محیطی خیلی در آنجا پرسه نمی‌زنید جز در مواقع لزوم و به مدت کوتاه. اگر خانه‌تان چندین اتاق داشت سعی کنید تمام اعضای خانواده را در زمان پیک مصرف برق در یک محیط جمع کنید تا مجبور نباشید که تمام چراغ‌های منزل را روشن کنید. با پخش شدن اعضای منزل در اتاق‌های متفاوت به خودی خود آمار تعداد لامپ‌های روشن افزایش می‌یابد. برای صرفه جویی در مصرف برق می‌توان از شمع نیز استفاده کرد! البته این سیتم نور برای کسانی که طبع عاشقانه دارند بسیار کارآمد است. اگر هم میلی برای این کار نداشته باشید، می‌توانید هفته‌ای یک یا دوبار این تجربه را داشته باشید. با این حال بسیار مراقب و مطمئن باشید که کودکتان از خطرات حاصل از افتادن شمع و آتش سوزی کاملا آگاهی داشته باشد.



۲. کشیدن فیش وسایل الکتریکی خاموش

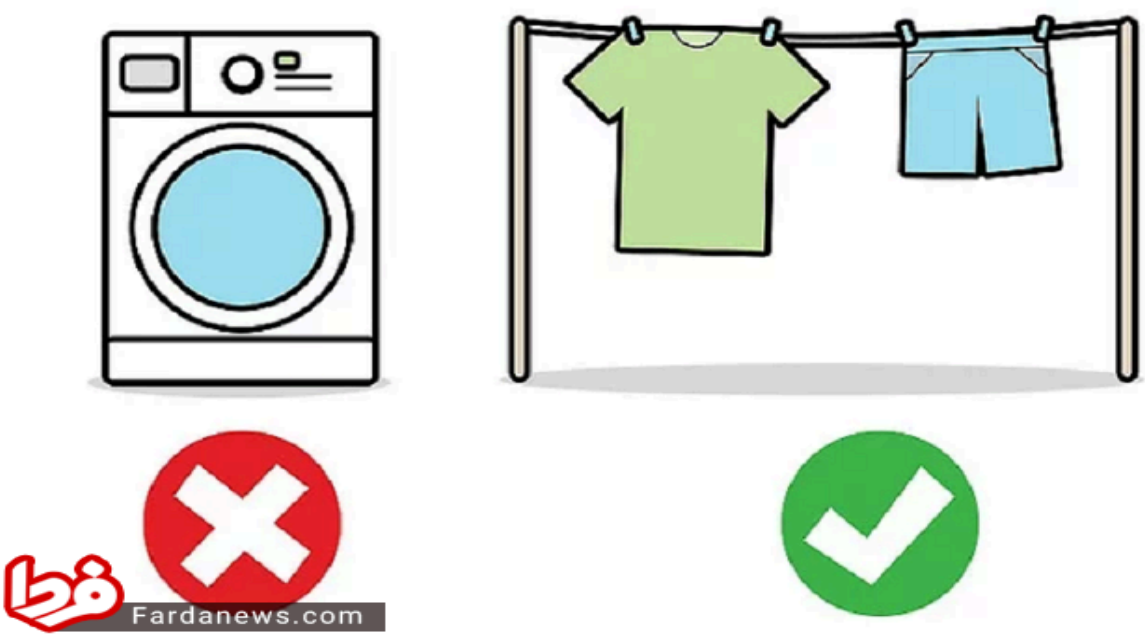
هر وسیله‌ای که در حال استفاده از آن نیستید، فیش آن را از برق جدا کنید. توجه داشته باشید هر وسیله الکتریکی‌ای که به برق وصل باشد، حتی اگر خاموش هم باشد از انرژی الکتریکی استفاده می‌کند. حتی یک دستگاه کوچک قهوه ساز تا هر زمانی که در حالت خاموش به برق وصل باشد، انرژی مصرف می‌کند. حتی در شرایطی که قهوه درونش سرد شده

باشد. بعد از استفاده از کامپیوترتان آن را خاموش کنید و در انتها از برق جدا کنید. کامپیوترها انرژی زیادی مصرف می‌کنند. اگر شما فیش برقشان را جدا نکنید به نحوی پول خود را هدر می‌دهید.
سعی نکنید در هر شرایطی تلویزیونتان روشن باشد، ممکن است این کار برای برخی ناخوشایند باشد، اما لزومی ندارد پس از تماشای برنامه مورد علاقه خود تلویزیون را در حال خود رها کنید و به دیگر کارهای خود برسید. شما با خاموش کردن به موقع تلویزیون می‌توانید در مصرف برق صرفه جویی قابل توجه‌ای داشته باشید. سیستم‌های صوتی و بلندگو ها را بعد از استفاده خاموش کنید. این گونه دستگاه‌ها به معنی تمام کلمه قاتلین برق هستند و می‌توانند هزینه زیادی برای شما به وجود بیاورند. لوازم کوچک منزل از جمله شارژر تلفن، لوازم آشپزخانه، خشک‌کن مو، و هر چیز دیگری که در اختیار دارید را پس از مصرف به حال خود رها نکنید. سعی کنید تمامی آنها را پس از مصرف از برق جدا کنید.



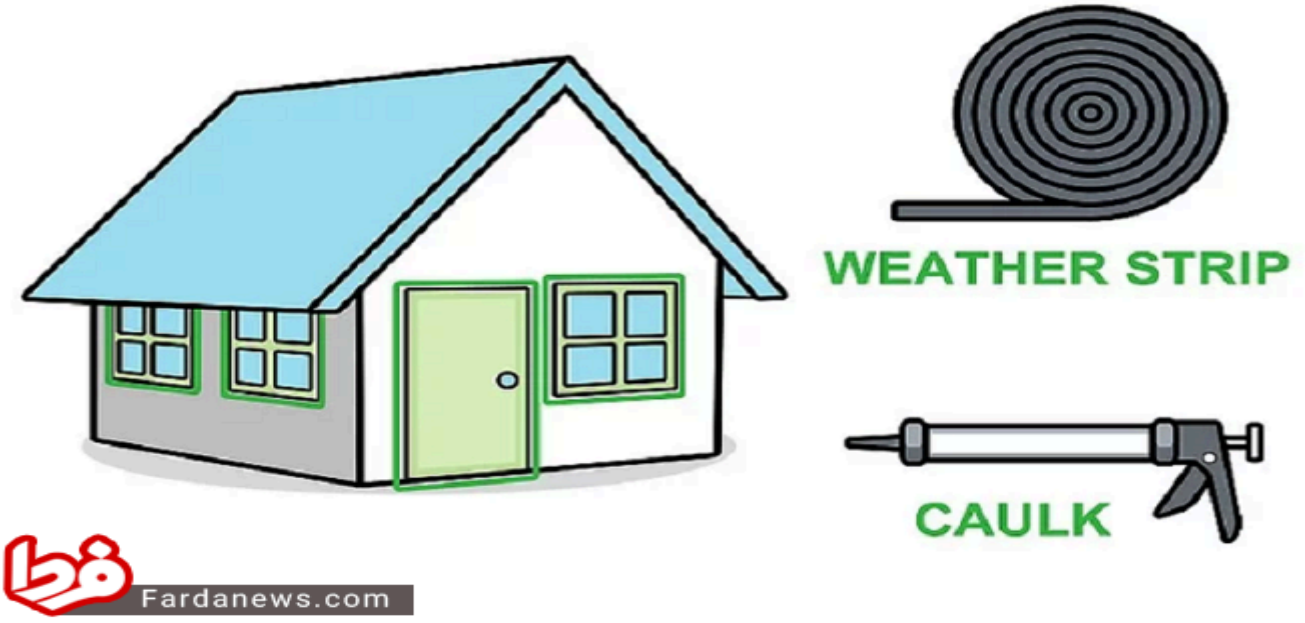
۳. جایگزین وسایل جدید با قدیم

اگر بودجه‌تان کفاف داد وسایل کم مصرف جدید را جایگزین وسایل پر مصرف قدیمی کنید. هنگامی که وسایل الکتریکی قدیمی ساخته می‌شد تولیدکنندگانشان نگران افزایش مصرف برق اینگونه وسایل نبودند. اما وسایل جدید برای حفظ انرژی، کاهش هزینه خانوارها و کاهش آلاینده‌های محیط زیست طراحی و ساخته می‌شوند. اگر شما دارای یک یخچال بزرگ، اجاق گاز، ماشین ظرفشویی و خشک کن قدیم داشته باشید جایگزین کردن این وسایل با وسایل جدید می‌تواند در بلند مدت خیلی مقرون به صرفه باشد. رتبه بندی مصرف انرژی(برچسب انرژی) در لوازم خانگی جدید به شما این امکان را می‌دهد که از مقدار مصرف انرژی دستگاه مطلع شوید و آن را ارزیابی کنید. به یاد داشته باشید که لوازم جدید الکتریکی هر چقدر مصرف انرژی‌شان کمتر باشد، ممکن است گران‌تر باشند اما شما در پرداخت قبض برق می‌توانید سود حاصل از خرید اینگونه وسایل را به عینه مشاهده کنید.
اگر قادر نیستید که برای وسایل منزل خود جایگزین مناسب پیدا کنید، بیاد داشته باشید راه‌های زیادی است که با پیروی از آن می‌توانید در مصرف برق صرفه جویی کنید مانند: قبل از روشن کردن ماشین لباس شویی از پر بودن آن مطمئن شوید. اگر شما لباسشویی را به مقدار کمتر از ظرفیتش پر کنید به همان اندازه که برایش تعریف شده است، انرژی مصرف می‌کند. پس سعی کنید، ماشین لباسشویی را حتما به اندازه ظرفیتش پر کنید. در هنگام استفاده از اجاق برقی درب آن را باز نکنید، این کار باعث می‌شود اجاق انرژی بیشتری برای گرم کردن غذا صرف کند. قبل از آنکه درب یخچال فریزر را باز کنید تصمیم‌تان را برای برداشتن مواد و یا غذای مورد نظر بگیرد تا زمان کمتر برای پیدا کردن وسایل صرف شود هر چقدر درب یخچال بیشتر باز شود مصرف انرژی آن نیز بالاتر می‌رود. همچنین پس از بستن درب یخچال مطمئن شوید که درب آن بصورت کیپ بسته شده باشد.



۴. وابستگی خود را نسبت به لوازم خانگی کم کنید

در زمان‌های گذشته مردم برای اداره خانه نیاز زیادی به لوازم بزرگ امروزی نداشتند. تجربه چیزهایی که آنچنان بکارتان نمی‌آید خالی از لطف نیست. با استفاده از لوازم کمتر شما می‌توانید کل خانواده را برای کارهای منزل بسیج کنید و برای هر کدام کاری را در نظر بگیرید. اکثر مردم بیش از میزان ضروری لباس‌های خود را می‌شویند. سعی کنید تعداد دفعات شستن لباس را به هفته‌ای یک بار کاهش دهید. البته برای اشخاصی که در محیط خوش آب و هوا زندگی می‌کنند و عرق زیادی نمی‌کنند. سعی کنید لباس‌های خود را روی بالکن و یا حیاط خلوت منزل خشک کنید تا اینکه بخواهید از خشک کن استفاده کنید. هر از چند گاهی بجای استفاده از ماشین ظرفشویی با دستتان این کار را بکنید هم در مصرف انرژی صرفه جویی کرده‌اید و هم بدنتان کمی تحرک پیدا می‌کند. سعی کنید لااقل هفته‌ای یک بار از پخت و پز دست بردارید و غذاهای گیاهی و خام مصرف کنید البته اگر برای شما مقدور باشد. از لوازم کوچک در صورت ممکن استفاده نکنید. می‌توانید به جای فن آشپزخانه پنجره‌ها را باز کنید تا هوا عوض شود.



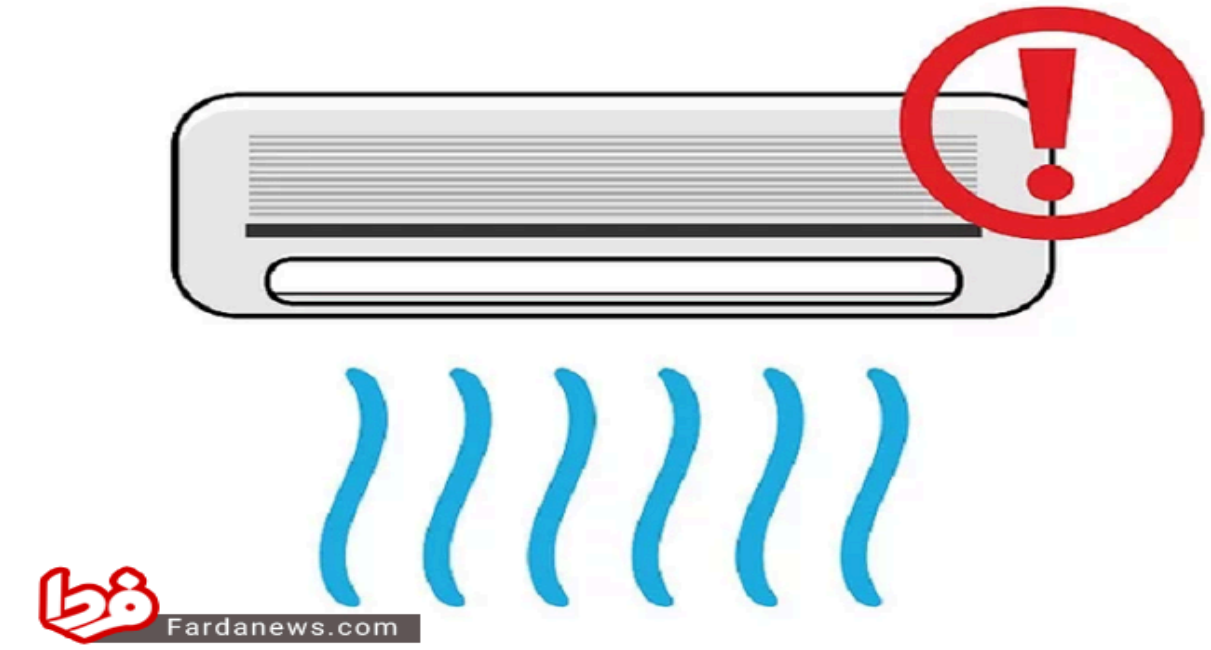
۵. لوازم گرمایشی و سرمایشی

از عایق بودن منزل خود اطمینان حاصل کنید و از درب و پنجره‌های مخصوص عایق‌بندی استفاده کنید. این کار در کاهش هزینه‌ها بسیار چشم‌گیر است. عایق خانه خود را از نشت هوای سرد به بیرون در فصل تابستان و از خروج هوای گرم در فصل زمستان چک کنید. از اشخاصی که در کار عایق بندی مهارت دارند کمک بگیرید تا اتاق زیر شیروانی، فضای خالی، زیرزمین، دیوارها و سقف‌ها را بازرسی کند. استفاده از زه‌های آبندی در جداره در و پنجره‌های منزل در مواقعی که از تهویه هوا استفاده نمی‌کنید، توصیه می‌شود. سعی کنید آن‌ها را خوب مهر و موم کنید. اگر از بخاری برقی استفاده می‌کنید، اطمینان حاصل کنید که بخاری خوب عایق بندی شده باشد تا حرارت زیادی را هدر ندهد.



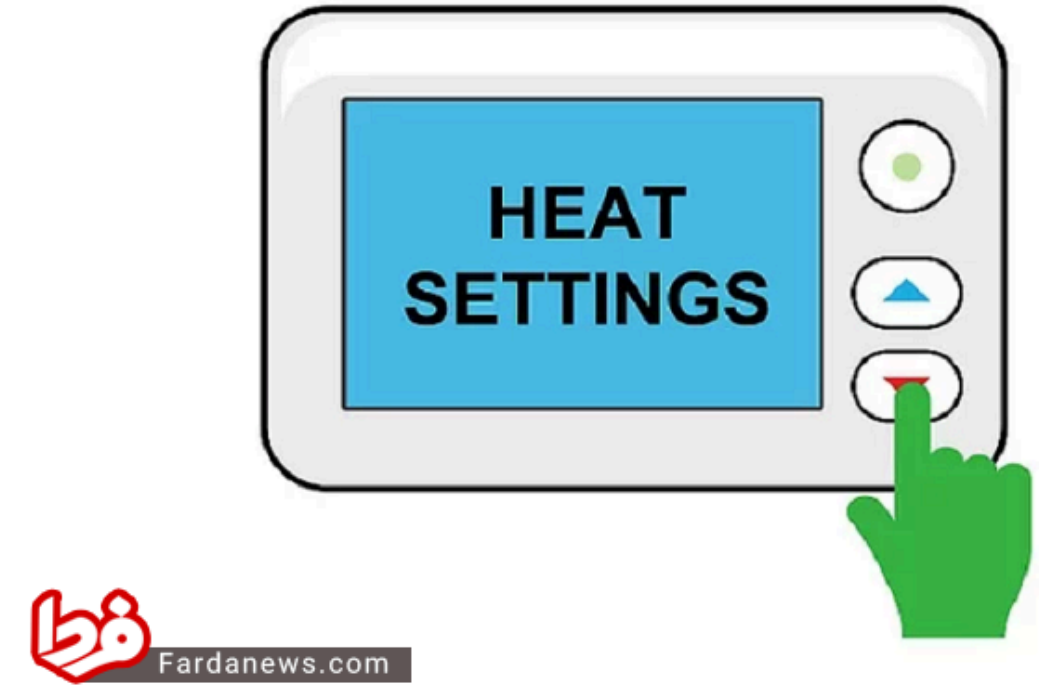
به جای حمام مفصل، دوش بگیرید. در موقعی که می‌خواهید دوش بگیرد مصرف برق و آب نیز کاهش می‌یابد. زیرا وقتی در حمام به سر می‌بریم ناچار باید چراغ را روشن کنید تا در محیط لیز حمام دچار حادثه نشوید. فاصله یک دوش

گرفتن ساده با یک حمام مفصل به ۲۰ دقیقه می‌رسد در این زمان نیز مصرف برق بالا می‌رود. استفاده از آب خنک‌تر در فصول گرم سال هم مصرف انرژی را پایین می‌آورد و هم زمان ماندن در حمام را کاهش داده و در نتیجه در مصرف انرژی صرفه جویی می‌شود.



۶. استفاده بهینه از سیستم سرمایشی

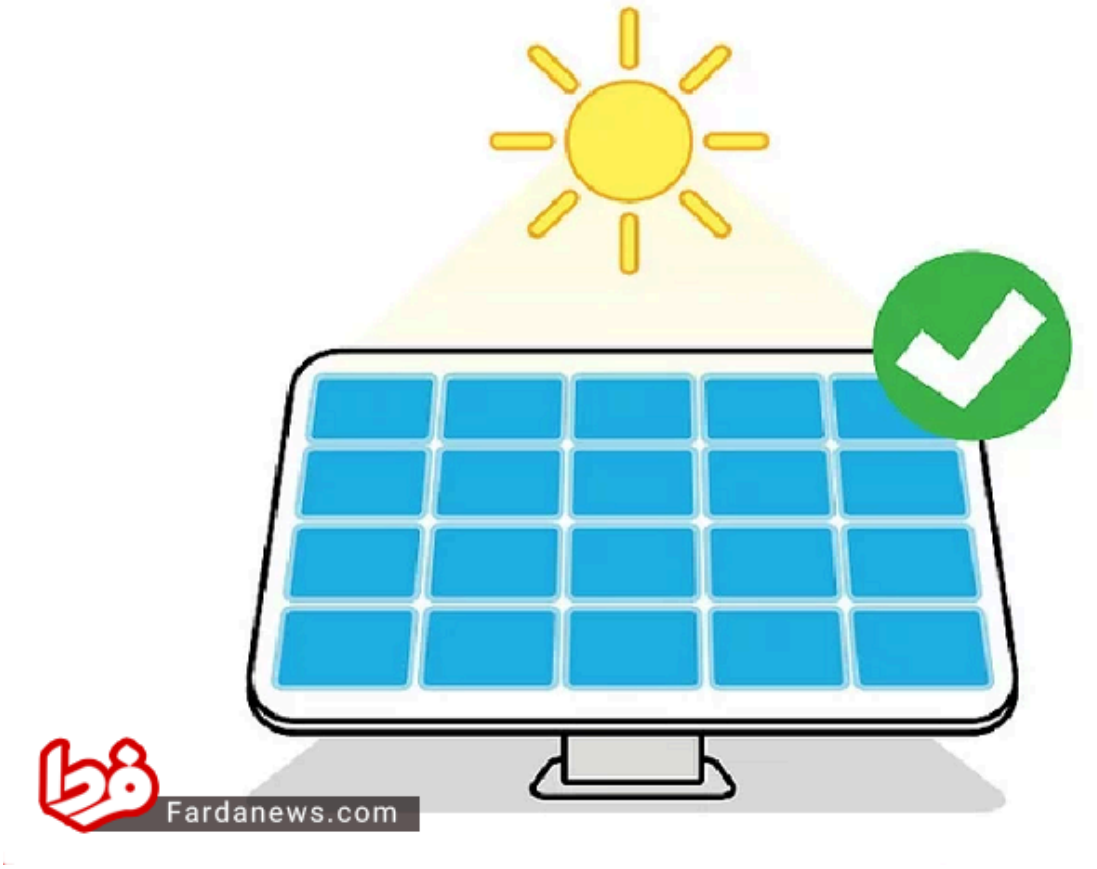
گاهی اوقات استفاده از تهویه مطبوع اجتناب ناپذیر است اما هیچ دلیلی وجود ندارد از ابتدای بهار تا پایان تابستان سیستم تهویه مطبوع را خاموش نکنید. راه‌هایی برای خنک شدن در روز هایی گرم وجود دارد.



۷. استفاده بهینه از وسایل گرمایشی

سعی کنید در طول زمستان محیط خانه خود را چند درجه پایین‌تر نگه دارید. شاید این چند درجه آن‌قدر هم به چشم

نمی‌آید اما روی هزینه‌ها بسیار تاثیرگذار است. البته در کشور ما بیشتر مردم به وسیله گاز خانه‌هایشان را گرم می‌کنند. این نکته برای کسانی است که از برق برای گرم کردن منزل استفاده می‌کنند کاربرد دارد. البته دلیلی نمی‌شود که از الگوی بالا استفاده نکنید. برای گاز مصرفی نیز قبض صادر می‌شود.



۸. استفاده از انرژی نو

از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده کنید. شما می‌توانید برای استفاده از انرژی تجدید پذیر مثل خورشید و باد از شرکت‌های مربوطه کمک بگیرید. معمولا بسیاری از شرکت‌هایی که این خدمات را ارائه می‌دهند، کوچک هستند. استفاده از انرژی تجدید پذیر ممکن است هزینه بالایی داشته باشد اما در دراز

نتیجه

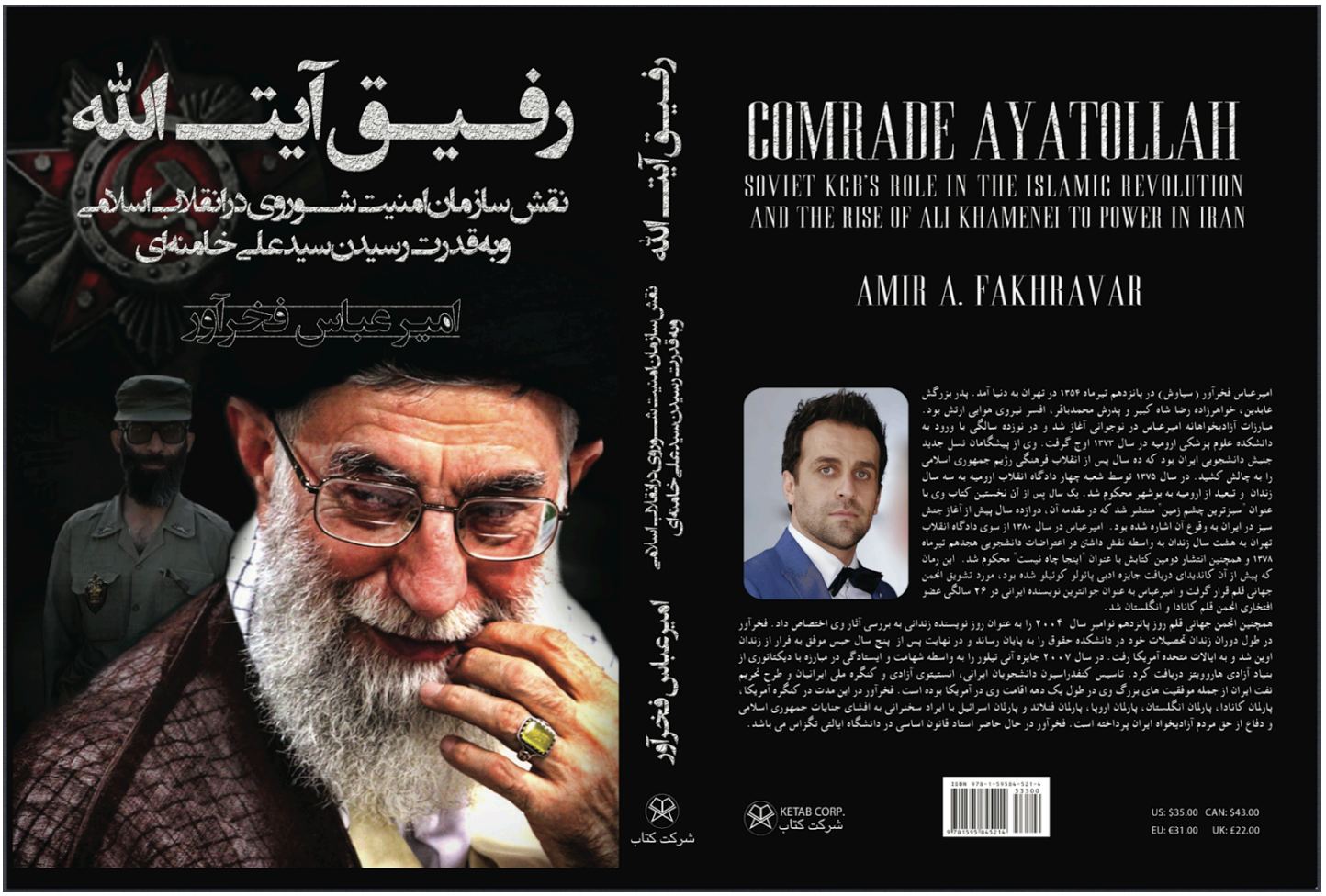
شما با پیروی از موارد بالا می‌توانید خود را در برابر قبض‌های برق نجومی آخر ماه در امان نگه دارید.

منبع: wikihow



http://www.siasi.porsemani.ir/content/%D9%83%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%B1%D9%81%D9%8A%D9%82-%D8%A2%D9%8A%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87%D8%9F

دانلود متن اصلي كتاب https://avayebuf.files.wordpress.com/2016/06/d8b1d981db8cd982d88c-d8a2db8cd8aa-d8a7d984d984d987-avayebuf-wordpress-com.pdf



دانلود فيلم گزارش خبرگزاري روسيه
http://www.youtube.com/watch?v=wMlPJ6So4rw&feature=player_embedded

کتاب: رفيق؛ آيت الله؟ {اين كتاب مى خواهد اثبات كند كه رهبرى بجز تحصيلات حوزوي؛ تحصيلات دانشكاهى در خارج از كشور ن(آكسفورد شرق) يز داشته است.

سؤال: چنديست كتابي با عنوان رفيق آيت الله منتشر شده(در فضاي مجازي)،درخواست نقد اين كتاب را دارم.و نيز تهمت پراني هاي محسن مخملباف؟

جواب سايت نهاد نمايندگى مقام معظم رهبرى در دانشگاه ها :

با سلام و احترام، قبل از پرداختن به سوال، لازم است نكته اي مورد اشاره قرار گيرد و آن اين است كه:

1- در طول نزديك به چهار دهه اي كه از عمر انقلاب اسلام و نظام مقدس جمهوري اسلامي ايران مي گذرد همواره «شايعه سازي و شايعه پراكني» يكي از شگردهايي بوده است كه دشمنان نظام اسلامي با اهداف مختلف از آن استفاده كرده اند . مبناي شايعه دروغ است و گاه به اندازه اي زيركانه طراحي مي شود كه حتي ممكن است دل هاي برخي نخبگان را نيز به خود جلب كند و يا حداقل در دلشان بذر ترديد بكارد. به ويژه زماني كه مواد شايعه تركيبي از واقعيت ها و دروغ ها باشد و يا با استفاده از شيوه هايي همچون مغالطه به گونه اي چيده شوند كه در نهايت نتيجه غلطي از آن استخراج شود . گاهي نيز طرح شايعه از زبان افرادي صورت مي گيرد كه نسبت به منبع و منشا شايعه نزديك هستند و به دليل انتساب منبع شايعه به موضوع شايعه ، آن شايعه باورپذيرتر مي نمايانند و حال آنكه در اكثر موارد ، بعدها مشخص مي شود كه آن فرد ، اگر چه به موضوع شايعه نزديك بوده است اما در واقع با نيت سوء خود را به او نزديك كرده بود تا در آينده بتواند ازاين قرابت ها در جهت درست جلوه دادن شايعات و دروغ پردازي هاي خود بهترين سوء استفاده را بنمايد . گاهي نيز اين شايعه به دروغ از زبان كساني كه به نوعي با شايعه در ارتباط هستند مطرح مي شود و حتي منبعي هم براي آن قيد مي شود كه متاسفانه به دليل آنكه كمتر اتفاق مي افتد افرادي كه شايعه را در سطح جامعه مي شنوند محققانه به دنبال منبع شايعه بگردند بازتاب زيادي در جامعه پيدا كرده و افراد در نقل هاي خود به ديگري ، آن شايعه را مستند معرفي مي كنند كه نظير چنين شايعاتي بارها و بارها توسط برخي افراد حقيقت جو همچون شما براي ما ارسال شده است كه در تحقيق مقدماتي متوجه شده ايم كه چنين مطلبي صحيح نمي باشد . به عنوان مثال سخني به حضرت امام خميني ره نسبت داده شده است و حتي منبع دقيق آن از صحيفه امام ذكر شده است و بر اساس آن ديدگاهي منفي نسبت به حضرت امام ره اتخاذ شده است كه با مراجعه اي به همان آدرس و حتي كل صحيفه امام ره متوجه شده ايم كه نه تنها چنين جمله اي در آن وجود ندارد بلكه حتي عبارت شبيه به آن نيز وجود ندارد . در هر صورت امواج شايعه هر روز بسان رگبار مسلسل از سوي دشمنان به سوي ملت روانه مي شود و تنها راه مصونيت در برابر آن نيز حفظ هوشياري و نيز ايجاد روحيه محققانه در خود ماست تا به محض شنيدن شايعه ، آن را باور نكنيم .

2- نكته ديگر پيرامون نقش شوروي در تحولات انقلابي ايران است كه در اين زمينه بايد گفت: انقلاب اسلامي در ايران با مشاركت حداكثري مردم بر اساس آرمانها و آموزه هاي ديني و با رهبري روحانيت و راس آن امام خميني به پيروزي رسيد. در همان ايام مبارزات در بين انقلابيون و رهبران انقلابي همواره شعارهاي نه شرقي و نه غربي طنين انداز مي شد. از ديدگاه امام خميني آمريكا از انگليس بدتر، انگليس از آمريكا بدتر، شوروي از هر دو بدتر است. بر اين اساس معنا ندارد كشور كمونيستي و ضدمذهبي شوروي از انقلاب ديني و مذهبي حمايت نمايد. از طرفي با نگاهي به روابط ايران و شوروي در سالهاي قبل از انقلاب و دهه 40 و 50 نشانگر اين است كه در اين سالها روابط ايران و شوروي گسترش مي يابد و شوروي در چندين پروژ صنعتي، كارخانه ذوب آهن اصفهان و ماشين سازي اراك را در ايران مشاركت دارد و ايران در اين سالها 110 ميليون دلار اسلحه از شوروي خريداري مي كند. با شروع تحولات انقلابي در ايران، شوروي همچنان از شاه حمايت مي نمود و در مهر 1357 برژنف در پيامي به شاه براي مردم ايران پيشرفت و موفقيت آرزو كرد و تنها در آذر 57 رسانه هاي شوروي به بررسي تحولات انقلابي در ايران پرداختند. در اين ايام مقامات شوروي ابراز داشتند كه آنچه در ايران مي گذرد، صرفا امري داخلي است و مخالف هرگونه مداخله در امور ايران بودند.(در اين زمينه به كتاب اتحاد جماهير شوروي و انقلاب اسلامي نوشته الهه كولايي مراجعه نماييد)

3- حال با در نظر گرفتن اين نكته بايد بگوييم كه جمهوري اسلاي ايران به عنوان يك كشور مستقل همواره در تلاش است تا با همه كشورهاي دنيا (به غير از كشوري مثل رژيم صهيونيستي كه اساسا نامشروع بوده و در خاك ملتي ديگر به وجود آمده است) ارتباط متقابل توام با احترام متقابل و رعايت عزت ، حكمت و مصلحت را داشته باشد و بر اساس همين مبنا ، كشور ما از ابتداي پيروزي انقلاب اسلامي غير از اسرائيل و آفريقاي جنوبي آن زمان ارتباط خود با تمامي كشورهاي جهان حتي آمريكا را حفظ نمود و به تلاش در گسترش ارتباط با كشورهاي ديگر دنيا نيز پرداخت . اما متاسفانه سياست هاي استكباري برخي كشورها از جمله آمريكا باعث شد تا اين روابط از هم گسسته شود و حتي در جريان قطع رابطه با آمريكا ، اين آمريكا بود كه نخستين بار رابطه خود با كشور ما را قطع نمود و البته اين قطع ارتباط هم ناشي از سياست استكباري اين كشور بود چرا كه تصور مي كرد با قطع رابطه با جمهوري اسلامي ايران ، كشور ما به دليل وابستگي هاي فراوان سالهاي قبل از انقلاب به اين كشور ، به سرعت از هم فروخواهد پاشيد و پس از اينكه متوجه شد ملت ايران با عزم و اراده خود اعتنايي به اين قطع رابطه نكرده وبه سرعت عوارض ناشي از قطع ارتباط را جبران كردند و قطع ارتباط را به جاي تهديد تلقي كردن به فرصتي براي پيشرفت تبديل كردند از در ادعاي دوستي در آمده و بارها و بارها خواهان ارتباط مجدد با ايران شدند كه اين پيشنهاد ها به دليل عدم صداقت در سخنانشان ، همواره از سوي مسئولان نظام جمهوري اسلامي رد شده است . همين مطلب در مورد ساير كشورهاي دنيا نيز صادق است و هر كشوري كه خواستار ارتباط با جمهوري اسلامي ايران باشد جمهوري اسلامي ايران از اين ارتباط استقبال مي كند و به همين دليل كشور ما با اكثر كشورهاي دنيا در ارتباط مي باشد و هيچ كسي هم اين ارتباط ها را به معناي وابستگي كشور ما به اين كشور ها و يا انحراف از شعار نه شرقي و نه غربي قلمداد نمي كند . در اين ميان اگر كشوري تلاش داشته باشد تا از ارتباط پلي براي ضربه زدن به منافع ملي كشور درست نمايد طبيعتا كشور ما نمي تواند اين رابطه خصمانه راتحمل نمايدو قطعا با آن برخورد صورت خواهد پذيرفت . با اين حال و با تمامي دشمني هايي كه از سوي بسياري از كشورهاي غربي بر عليه ملت ايران صورت ميگيرد باز هم نظام اسلامي از در مماشات وارد شده و بااين كشور ها ارتباط دارد.
بنابر اين با توجه به اين مطالب مي توان دريافت كه نظام جمهوري اسلامي ايران ، كشوري است مستقل كه بر اساس شعار نه شرقي و نه غربي هيچ گونه وابستگي نسبت به نظام هاي ديگر را بر نمي تابد و به ويژه در برابر هر گونه رابطه اي كه منجر به سلطه كشورهاي ديگر بر آن گردد واكنش نشان مي دهد و در اين ميان فرقي نمي كند كه اين كشور ، غربي باشد يا شرقي و در نتيجه همانگونه كه ما در طول سال هاي گذشته با هر كشوري كه در چارچوب سه اصل عزت، حكمت و مصلحت (كه عصاره اصول قانون اساسي در بحث سياست خارجي مي باشد) خواستار رابطه با كشور ما شده باشد، رابطه داشته ايم، در رابطه با كشورهايي همچون چين و روسيه نيز دقيقا ملاك ارتباط را همان اصول دانسته و با اين كشورها نيز بر اساس اين موازين رابطه داريم و نه بيشتر و تنها تفاوتي كه ارتباط ميان اين كشورها با كشورهاي غربي دارد اين است كه كشورهاي غربي مدام بر طبل سلطه طلبي كوبيده و به ويژه در مقطع فروپاشي بلوك شرق رسما از نظم نوين جهاني و ارباب شدن آمريكا بر تمام جهان سخن به ميان آورده و كشورهاي مخالف اين نظم را مدام تهديد مي كنند ولي كشورهايي همچون چين و روسيه حتي اگر چنين نيتي داشته باشند آن را اعلام نمي كنند و به منظور تقويت خويش در عرصه بازي هاي بين المللي با كشورهايي كه با غرب درگير هستند از در سازش و اتحاد بيشتري وارد شده و خود به خود باعث شده اند تا فرصتي براي استفاده جمهوري اسلامي ايران از آن به منظور بالا بردن توان مقاومت و ايستادگي به وجود آيد و اين ارتباطات درهمان سطح ارتباط قرار دارد و نه چيزي همچون وابستگي و يا سلطه يك كشور بر كشور ديگر كه مشكل ساز گردد و علامت اين مساله اين است كه هر گاه جمهوري اسلامي ايران احساس كند كه يكي از اين كشورها در زمينه اي حقوق جمهوري اسلامي ايران را رعايت نكرده است به استيفاي

حقوق خويش مي پردازد كه اين امر نشانه عدم وابستگي به اين كشورها مي باشد كما اينكه در جريان لغو قرار داد موشك هاي اس 300 روسي، جمهوري اسلامي ايران از اين كشور شكايت كرده و پيگير ماجرا شد.

4- اكنون به دنبال طرح اين مقدمه نسبتا طولاني، در مورد شايعات و ادعاهايي همچون نقش كليدي سازمان امنيت شوروي در طراحي و اجراي انقلاب اسلامي، همكاري آيت الله خامنه اي با سازمان امنيت شوروي، نقش شوروي در رهبري مقام معظم رهبري، ماموريت ايشان براي انحراف انقلاب به سمت روسيه و امثال اينها (كه در كتاب رفيق آيت الله مطرح گرديده)بايد بگوييم كه به اعتقاد ما چنين شايعات و ادعاهايي به اندازه اي سخيف و غير قابل باور است كه به نظر نمي رسد نيازي به پاسخ گويي به آن وجود داشته باشد چرا كه مقام معظم رهبري حضرت آيت الله خامنه اي شخصيتي است كه زندگي او از ابتداي كودكي تا دوران رهبري كاملا مشخص و مستند بوده و هيچ نقطه ابهامي در زندگي او وجود ندارد به گونه اي كه تمامي مراحل تحصيل ايشان، مبارزات ، شهرهايي كه به آنها تبعيد شده اند و ... همه و همه در دل تاريخ ثبت و ضبط است و هنوز ده ها نفر از افرادي كه از آغازين سال هاي جواني ايشان همراه و همگام ايشان بوده و در لحظه لحظه عمر ايشان در كنارشان بوده اند حاضر بوده و شهادت به وقايع زندگي ايشان مي دهند. از طرفي موضع مقام معظم رهبري در قبال سياست نه شرقي و نه غربي، همواره موضع مشخصي بوده و هيچ گونه انحرافي در اين شعار به وجود نيامده است و نزديك تر شدن ايران به روسيه و يا چين عليرغم دوري از غرب و به ويژه آمريكا هرگز به معناي انحراف از سياست نه شرقي و نه غربي نبايد دانست؛ چرا كه اساسا اين شعار هرگز به معناي اين نيست كه نبايد با شرق و يا غرب ارتباط دوستانه اي داشته باشيم به ويژه اينكه بر اساس اصول سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران ارتباط با همه كشورهاي مشروع ، به شرط در نظر گرفتن معيارهايي به رسميت شناخته شده است . در اين زمينه در قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران چنين آمده است : «سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران بر اساس نفي هر گونه سلطه جويي و سلطه پذيري، حفظ استقلال همه جانبه و تماميت ارضي كشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت هاي سلطه گر و روابط صلح آميز متقابل با دول غير محارب استوار است.»(اصل 152 قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران) از اين رو مقام معظم رهبری بر اساس اين اصول سه اصل عزت، حكمت و مصلحت را محور سياست خارجی كشور و مبناي ارتباط كشورمان با كشورهاي دنيا معرفي كرده اند.(روزنامه جمهوری اسلامی 13/ 2/ 69)

5- نكته پاياني اينكه انتخاب آيت الله خامنه اي به رهبري نظام جمهوري اسلامي ايران، بر اساس سوابق مبارزاتي ايشان قبل از انقلاب و سوابق مديريتي ايشان در سالهاي پس از انقلاب و با توجه با ابعاد مختلف شخصيتي ايشان از جمله تقوا، عدالت، مديريت، اجتهاد و ... بوده است كه توسط نمايندگان مجلس خبرگان رهبري در سال 1368 صورت گرفته است كه هيچ ارتباطي به كشورهاي خارجي شرقي و غربي ندارد.

6- در ادامه مقاله اي مرتبط با موضوع فوق ارائه مي گردد: ادعای پسر گستاخ سیا/سران ارشد ایران در دانشگاه‌های شوروی تربیت شده‌اند! انقلاب اسلامی دشمنانی دارد که همواره به دنبال تضعیف و زیرسوال بردن آن هستند. از همان سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی رسانه‌ها و اشخاص مرتبط با بیگانگان ادعا کردند که انقلاب ملت ایران در سال ۵۷ با حمایت آمریکا و انگلیس انجام شده است! از سوی دیگر دسته‌ای نیز که عمدتاً نزدیک به غرب بودند مدعی شدند که وقوع انقلاب اسلامی کار سرویس امنیتی اتحاد جماهیر شوروی بوده است، و همگی نقش، نیت و اهداف مردم ایران در وقوع انقلاب اسلامی را نادیده گرفتند. در یکی از جدیدترین تلاش‌ها برای زیرسوال بردن اصل انقلاب اسلامی، در ماه‌های اخیر رسانه‌های غربی و ضدانقلاب، تبلیغات گسترده‌ای برای کتابی تحت عنوان «رفیق آیت‌الله» انجام داده‌اند. کتاب مذکور که توسط «امیرعباس فخرآور» از عناصر اپوزیسیون ساکن آمریکا نوشته شده، خیلی صریح و البته بدون هیچ مدرک معتبری ادعا می‌کند که انقلاب اسلامی با حمایت سرویس امنیتی و جاسوسی شوروی به وجود آمده و برخی از سران ارشد جمهوری‌اسلامی دست‌پرورده بلوک شرق بوده و در دانشگاه‌های شوروی تربیت شده‌اند! «امیرعباس فخرآور» معروف به «پسر متوهم سیا» یکی از هزاران ضدانقلاب فراری و مزدور سرویس‌های جاسوسی غربی ازجمله آمریکا و رژیم صهیونیستی است که در ایام تحریم اقتصادی ملت ایران از سوی دولت‌های اروپایی و آمریکایی، از حامیان تحریم‌ها بود و حتی دولت‌مردان و نمایندگان کنگره آمریکا را به تشدید تحریم‌های ضدایرانی ترغیب می‌کرد. این عنصر اپوزیسیون که خود را رسماً فردی صهیونیست میداند، رابطه بسیار نزدیکی با رژیم صهیونیستی دارد و بارها با سفر به سرزمین‌های اشغالی سفر نموده و ماموریت‌هایی از موساد جهت تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران بر عهده گرفته است. تقدیر «اشتون کارتر» وزیر دفاع آمریکا از خدمات فخرآور در سالهای اخیر، فخرآور در آخرین ماموریتش از سوی دستگاه‌های امنیتی آمریکا و صهیونیستی، مامور به نوشتن کتابی سراسر دروغ درباره انقلاب‌اسلامی و سران جمهوری‌اسلامی شد و تهمت‌های عجیبی به سران نظام اسلامی وارد کرد. پس از این خدمات، سران رژیم آمریکا آنقدر از عملکرد فخرآور راضی هستند که در ماه‌های اخیر بارها با او دیدار کرده و عکس یادگاری گرفتند؛ از جمله افرادی مانند وزیر دفاع آمریکا، رئیس اسبق و کنونی سازمان سیا و بسیاری از نمایندگان کنگره.

7- تعداد روایات بدون منبع و سند و دروغ‌سازی در کتاب فخرآور آنقدر زیاد است که حتی صدای برخی مخالفان خارج‌نشین جمهوری‌اسلامی را هم درآورده است. برای نمونه «علیرضا نوری‌زاده» مدیر تلویزیون «ایران فردا» در لندن، که دشمنی‌اش با جمهوری‌اسلامی مشخص است، هم نتوانسته در برابر دروغ‌پراکنی فخرآور سکوت کند و مجبور به سخن شده است. نوری‌زاده در یکی از برنامه‌هایش با اشاره به سندسازی‌های فخرآور گفت: "با توجه به شناخت من و پدرم خانواده‌مان از رهبر جمهوری‌اسلامی، تاریخ‌های ادعا شده در کتاب آقای فخرآور به هم نمی‌خورد و من مطمئن هستم که رهبر ایران در دانشگاه پاتریس لومومبا درس نخوانده و در آن سالها به چشم می‌دم که ایشان مدتی در زندان و تبعید بود و سفری هم به عراق داشت و در آن سالها ۲ فرزند پسرش به دنیا آمد و کنار خانواده بود ..."

8- اما اكنون فخرآور پس از چند ماه يكی از منابعی كه بر اساس آن كتاب سراسر دروغ «رفيق آيتا...» توليد شده را نشان داد تا بيش از پيش بی‌پايه و اساس بودن اين دروغنامه مشخص شود. «اميرعباس فخرآور» در صفحه فيسبوكش با اشاره به بخش‌هايی از كتاب خاطرات مرحوم «صادق خلخالی» كه در آن به ادعاهای «اشرف پهلوی» فاسدترين عضو خاندان پهلوی اشاره و البته آن ادعاها رد شده بود، استناد كرده و در واقع ادعاهای اشرف درباره سران جمهوری‌اسلامی را به‌عنوان منبع كتاب خود قرار داده است! حقيقت آن است كه مرحوم خلخالی در صفحه ۲۹۲ كتاب خاطراتش با اشاره به داستان‌سرايی‌های «اشرف پهلوی» در دوران پس از فرار از ايران، نوشته بود: "... ديدم كه اشرف پهلوی، اين روسپی معروف، كتابی تحت عنوان «تسليم‌ناپذير» راجع به امام و ياران او نوشته و به اصطلاح مسائل ايران را تحليل كرده و انقلاب ايران را انقلابی آمريكايی و روسی خوانده است. او هر يک را به طريقی وابسته عنوان كرده است. به نظر او، حاج سيد علی خامنه‌ای، از شاگردان دانشگاه پاتريس لومومبو و آقای موسوی خوئينی، دست پرورده كمونيست‌ها در لايپزيک است. خلاصه آنكه او نمی‌خواهد اعتراف كند كه انقلاب ايران يک انقلاب اسلامی و مردم بوده است ..." تصويری از كتاب خاطرات مرحوم خلخالی

دانلود كتاب خاطرات خلخالي
http://s2.picofile.com/file/8265022584/%D8%AE%D8%A7%D8%B7%D8%B1%D8%A7%D8%AA_%D8%A2%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87_%D8%AE%D9%84%D8%AE%D8%A7%D9%84%DB%8C.pdf.html

9- همان‌طور که در متن و عکس فوق می‌بینید، مرحوم خلخالی به شدت ادعاهای «اشرف پهلوی» را رد و محکوم می‌کند؛ هرچند که عقل و منطق سیاسی هم خلاف ادعای اشرف نظر می‌دهد. اما فخرآور بدون تحقیق علمی و کارشناسی دقیق، تنها با استناد به سخنی که مرحوم خلخالی آن را رد کرد، به

دروغ‌پراکنی درباره سران نظام جمهوری‌اسلامی پرداخته و با این روش کتابِ سفارشی و سراسر دروغ خود را نوشته است. فخرآور در صفحه فیسبوکش در استدلالی ابلهانه که نشان‌دهنده سطح فهم و درک مخالفان جمهوری‌اسلامی است، نوشت: "... در صفحه ۲۹۲ از کتاب خاطرات خلخالی به این موضوع اشاره شده است. به این ترتیب اگر اشرف پهلوی خواهر دوقلوی پادشاه و بانوی قدرتمند ایران در دوران حکومت شاه این موضوع را می‌دانسته، پس ساواک هم از اینکه خامنه‌ای در پاتریس‌لومومبا بوده است، مطلع بود و حتما اسنادی در این زمینه وجود داشته است که گویا یک جریاتی قبل و بعد از انقلاب، اسناد ساواک در این مورد را از بین برده و یا مخفی کرده است. به هر صورت این نیز تاییدی دیگر بر صحت مطالب کتاب رفیق آیت‌الله می‌باشد" این ضدانقلابِ صهیونیست، با استدلال آبکی خود، بیش از پیش سطح فکری پایین خود و همپالگی‌هایش را نشان داد. اگر قرار بر اینگونه ادعاها و اسناد باشد، ما هم می‌توانیم برای مثال ادعا کنیم که فخرآور در سال ۱۳۷۱ به چندین دختر تجاوز و به آنها تعرض کرد و سابقه چندین مورد سرقت در پرونده دارد و ده‌ها نفر را به قتل رسانده است!! افکار نیوز، ۱۳۹۵/۰۸/۰۳



10- مصباح الهدی باقری کنی، برادر زادهٔ آیت الله مهدوی کنی، داماد سید علی خامنه‌ای، رئیس کرسی آزاداندیشی حاکمیت و ولایت فقیه در دانشگاه امام صادق در تهران خطاب به دانشجویان و طلبه‌های حاضر در این کرسی گفت: «نویسنده کتاب رفیق آیت‌الله از معتمدانکنگره آمریکا است و با هماهنگی کنگره این کتاب را نوشته است. ما نباید کتاب را نقد کنیم و یا حتی به دنبال پاسخگویی به محتوای این کتاب باشیم. تأکید دستگاه‌های امنیتی و رسانه‌ای ما باید بر این باشد تا یک مستند توسط صدا و سیما بر علیه نویسنده این کتاب تهیه و پخش شود و با بی‌اعتبار کردن نویسنده ماهیت فتنه کتاب رفیق آیت الله از اساس زیر سؤال برود. به همین منظورِ **شما دانشجویان و طلاب حامی ولایت باید دربارهٔ سوابق سیاسی و گذشته زندگی امیرعباس فخرآور که نویسنده این کتاب است، تحقیق و مطالعه کنید** و طرح‌ها و پیشنهاداتتان را نهایتاً تا پایان ماه رمضان در اختیار ما قرار دهید تا در این مستند به کار گرفته شود. تأکید می‌کنم که به هیچ عنوان به دنبال تهیه کتاب رفیق آیت‌الله و کنجکاوی در محتوای آن و تفسیر مطالب این کتاب فتنه برانگیز نباشید و تنها نویسنده آنرا هدف قرار دهید.»[۶]

11- دانشگاه دوستی مردم روسیه یا دانشگاه روسی دوستی ملل، سایت رسمي دانشگاه : http://eng.rudn.ru/ *Peoples› Friendship University of Russia*

12- شبکه تلویزیونی RT ، راشا تودی (روسیه امروز) بخش زبان انکلیسي گزارشی در خصوص پنجاهمین سالگرد تاسیس دانشگاه دوستی جوامع روسیه در این گزارش می کوید ، علی خامنه ای یکی فارغ التحصیلان این دانشگاه روسی است . گزارشگر شبکه تلویزیون روسی RT هیچ توضیحی در باره رشته تحصیلی ، زمان حضور و ... آیت الله خامنه ای در این دانشگاه ارائه نمی کند ،

https://www.rt.com
https://youtu.be/bN_oEJEp9Ro

13- در سالهای پیش منابع دیگری نیز در این باره سخن به میان آورده بودند ، اما به دلیل عدم فرا گیری ابزار اینترنت در آن روز ها ، این موضوع مانند امروز و تا این اندازه مطرح نشد . از جمله منابع معتبر طرح کننده این ادعا را روزنامه کامرسانت روسیه است . این روز نامه در مقاله ای به تاریخ 25.11.2003 نوشته است : ترجمه فارسی این مقاله :در پی تصمیم شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی در تاریخ پنجم فوریه 1960. دانشگاه دوستی جوامع (PFU) به عنوان یک موسسه آموزش عالی تاسیس شد .
درتاریخ بیست و دوم فوریه 1961 نام اولین وزیر جمهوری کنگو پاتریس لومومبا برای این دانشگاه انتخاب و در سال 1975 هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی نشان افتخاری دوستی جوامع را به آن اعطا کرد .این دانشگاه در سال 1964 به عضویت انجمن بین المللی دانشگاهها و انجمن اوراسیایی دانشگاهها پذیرفته شد . پنجم فوریه 1992 به دنبال تصمیم دولت فدراسیون روسیه این دانشگاه ، به دانشگاه دوستی جوامع روسیه (PFUR) تغییرنام داد . در رده بندی وزارت آموزش فدراسیون روسیه این دانشگاه در رتبه سوم و پایین تر از دانشگاه دولتی مسکو و دانشگاه دولتی سن پتربورگ قرار دارد.
ریاست این دانشگاه را پرفسور دمیتری بیلیبین ، دکتر علوم پزشکی برعهده دارد . از 1650 استاد مشغول فعال در این دانشگاه ، 300 نفر داری مدرک دکترا تقریباً 1000 نفر نیز مدرک کارشناسی ارشد دارند . این دانشگاه در 9 رشته علوم انسانی و اجتماعی، ادبیات، حقوق، اقتصاد، پزشکی، مهندسی، فیزیک و ریاضی، اکولوژی، کشاورزی دانشجو تربیت میکند . بیش از 30 هزار فارغ التحصیل دانشگاه دوستی جوامع روسیه در بیش از 160 کشور جهان فعال هستند که از جمله میتوان به نامهای باهات جاگدو رییس جمهوری گویان ، **علی خامنه ای رهبر معنوی ایران** ، ایرینا خاکامادا معاون دومای دولتی (پارلمان) روسیه ، ولادیمیر پلاتونف رییس دومای دولتی مسکو ، ولادیمیر فیلیپف وزیر آموزش فدراسیون روسیه اشاره کرد . دانشگاه PFUR هم اکنون بیش از 17500 دانشجو دارد که در حدود 3300 نفر از آنها 450 قوم و ملت از 116 کشور دنیا را نمایندگی میکنند . دانشگاه در شهرکی اختصاصی با 20 ساختمان قرار دارد . و دارای امکاناتی همچون کتابخانه، چاپخانه، پلی کلینیک، مرکز تجاری، موسسه حمل و نقل، کلوب و مجموعه ی ورزشی .
https://www.kommersant.ru/doc/430705

14- کتاب ایران و چین دو شریک قدیمی در جهان پس از امپریالیسم چاپ 1384
http://books.google.com/books?id=u2X1DNUATjkC&pg=PA100&lpg=PA100&dq=Patrice+Lumumba+khamenei&source=bl&ots=uGq2nUviOn&sig=xHPHP62oRl636yKuBzt2tej0ras&hl=en&sa=X&ei=XGRFT9iIJMrr0gGv0ezpAw&redir_esc=y#v=onepage&q=Patrice%20Lumumba%20khamenei&f=false

15- «وقتی رئیس مجلس[پوتین، رییس جمهور روسیه] به ایران آمد ، خدمت رهبر انقلاب هم رسید . آقا توضیحات و تشریحاتی از شرایط روسیه داشتند . بعد از دیدار او گفت : « انگار رهبر شما در خیابان های مسکو راه رفته و با همه چیز از نزدیک آشناست ! »
(برگرفته از وبلاگ «لبیک یا خامنه ای!»)http://www.khamenei14.blogfa.com/author-bolt.aspx نویسندهٔ بسیجی-حزب اللهی یادداشت «لبیک یا خامنه ای»! ، پوتین را رییس مجلس روسیه خواند. این درحالی است که «پوتین» به عنوان رییس جمهور روسیه به دیدار خامنه ای رفته بود و اینکه پوتین هیچگاه رییس مجلس روسیه نبود.

16- *حجت‌الاسلام والمسلمين احمد مروي در همايش علمي كاربردي تبليغ ويژه اعزام مبلغين دهه فجر و دهه آخر صفر كه در مركز همايش‌هاي دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم برگزار شد با بيان برخي از خاطرات ناگفته‌اي از زندگي رهبر معظم انقلاب گفت: چند سال پيش پوتين رئيس جمهور وقت روسيه براي نخستين بار در طول 30 سال انقلاب به ايران سفر كرد و كساني كه وي را مي‌شناسند مي‌دانند كه بسيار چارچوب‌مند و منضبط بر اصول ديپلماسي است اما با اين حال چند بار پرسيده بود كه ديدار با رهبر جمهوري اسلامي آيا انجام مي‌شود يا نه. وي ادامه داد: در اين ديدار رهبري به نكاتي از تاريخ شوروي و قبل از آن اشاره مي‌كنند كه براي رئيس جمهور وقت روسيه جديد بوده است، پس از ديدار مسئولين دستگاه ديپلماسي مي‌گفتند رفتار وي تغيير كرده بود و شخصا و نه از طريق وزير خارجه خود به وزير خارجه وقت كشورمان گفته بود كه شما حتما سفري به روسيه داشته باشيد تا با هم گفتگو كنيم. معاون ارتباطات حوزوي دفتر مقام معظم رهبري اضافه كرد: در برگشت به كشور روسيه خبرنگاري از وي درباره نظرش راجع به رهبري ايران مي‌پرسد و وي در پاسخ مي‌گويد «من مسيح را نديده‌ام اما تعاريف او را در انجيل شنيده و خوانده‌ام، من مسيح را در رهبري ايران ديدم».*
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811121430

17- در نوشتهٔ «نیکلای تروئیتسکی» بمناسبت هشتاد و پنجمین زادروز پاتریس لومومبا زیر نام» پاتریس لومومبا. انسان – دانشگاه» که در وبسایت خبرگزاری «ریانووستی » در دوم ژوییهٔ سال 2010 ، به چاپ رسیده، از جمله آمده است:»
Английская Sunday Times причисляет к числу выпускников Университета Дружбы народов избранного президента Гондураса Порфирио Лобо,» выходца из семьи богатых землевладельцев, и даже духовного лидера Ирана Али Хаменеи, но эти экстравагантные «сенсации» не

подтверждаются другими источниками информации ((http://ria.ru/analytics/20100702/251507177.html

«هفتهٔ نامهٔ ساندی تایمز» نام «پروفیلو لیبا»، رییس جمهور هندوراس، که در یک خانوادهٔ زمیداران بزرگ بدنیا آمده است و حتی علی خامنه ای رهبر مذهبی ایران، را در لیست فارغ التحصیلان دانشگاه دوستی ملل آورده است. البته باید اشاره کرد این این پزارش های جنجالی از سوی منابع دیگر تایید نشده است.»(ریا نووستی-دوم ژوییه سال 2010 میلادی

18- این مساله تازه کشف شده ای نیست. به یاد دارم که در اولین سالگرد انقلاب اسلامی در طی سفری که خامنه ای به همراه چند تن به شوروری آن زمان داشتند، رادیو مسکو که به زبان فارسی برای ایران برنامه پخش می‌کرد به ارائه گزارش مفصلی از این دیدار پرداخت و دقیقا به موضوع تحصیل خامنه ای در دانشگاه پاتریس لومومبا مسکو اشاره کرد. سالها بعد زمانی که با یکی از آشنایان که روزگاری در روزنامه انقلاب اسلامی متعلق به رئیس جمهور اسبق اداره می‌شد کار می‌کرد این مسئله را بازگو کردم با پوزخند ایشان مواجه شدم و آنرا کذب می‌انگاشت و حتی به تحصیلات حوزوی ایشان هم شک داشت چه رسد به تحصیل ایشان در مسکو . به هر حال این موضوعی است که من بیشتر از 31 سال است از ان خبر داشتم و ان هم بواسطه اعلان از رادیو مسکو.

19- مطلب مورد بحث (تحصیل در دانشگاه مسکو) قبل از این کتاب هم مطرح شده است:

- خاطرات اشرف بهلوي = دانلود http://s4.picofile.com/file/8167960434/ashraf_madyan_ir_.pdf.html
- کتاب تروریسم از نگاه آمریکا صفحه ۲۹۹، منتشر شده در سال 1357 = سال ۱۹۷۹ http://books.google.com/books?id=Xe7cAAAAIAAJ&q=Patrice+Lumumba+khamenei&dq=Patrice+Lumumba+khamenei&hl=en&sa=X&ei=yGZFT5HnLo200QG-3bXqAw&redir_esc=y
- کتاب روحانیون حاکم بر ایران: نقش کنونی و احتمالات آینده، ناشر: موسسه حکومت مشروطه در ایران، سال ۱۹۸۵
- کتاب خرس و شیر: امپریالیسم شوروی و ایران، نوشته مارتین سیکر، سال ۱۹۸۸
- روزنامه آمریکایی "آبزرور ریپورتر" چاپ واشنگتن، آمریکا، شماره ۱۱ ژوئن ۱۹۸۹،, مقاله ای به قلم اسمیت همپستون با عنوان " انقلاب خمینی با مرگش زنده می ماند" 1368 http://news.google.com/newspapers?nid=2519&dat=19890611&id=9s5dAAAAIBAJ&sjid=UV0NAAAAIBAJ&pg=3980,3745344
- کتاب ایران قدرتمند مشکل آمریکا چاپ 1383 http://books.google.com/books?id=ihhZ8K0dawwC&pg=PA12&lpg=PA12&dq=Patrice+Lumumba+khamenei&source=bl&ots=qLyoKX8g_P&sig=tifA0F6gGWFusnGINh6vgT79bfc&hl=en&sa=X&ei=XGRFT9iIJMrr0gGv0ezpAw&redir_esc=y#v=onepage&q=Patrice%20Lumumba%20khamenei&f=false
- کتاب آمادگی برای ایران هسته ای چاپ 1383 http://books.google.com/books?id=hos_ATOxNbgC&pg=PA128&dq=Patrice+Lumumba+khamenei&hl=en&sa=X&ei=yGZFT5HnLo200QG-3bXqAw&redir_esc=y#v=onepage&q=Patrice%20Lumumba%20khamenei&f=false
- مجموعه کتابهای خاورمیانه، چکیده‌ها و اندکس، جلد ۲۳، قسمت ۴، سال ۱۹۹۹ http://books.google.com/books?id=IrBtAAAAMAAJ&q=Patrice+Lumumba+khamenei&dq=Patrice+Lumumba+khamenei&hl=en&sa=X&ei=NCNHT8O2JsagiQebs_mXDg&redir_esc=y
- مجله نگاهی به ترکیه، جلد اول، منتشره از سوی مرکز مطالعات سیاستهای ترکیه، صفحه ۶۲، سال ۱۹۹۹ http://books.google.com/books?id=858sAQAAIAAJ&q=Patrice+Lumumba+khamenei&dq=Patrice+Lumumba+khamenei&hl=en&sa=X&ei=yGZFT5HnLo200QG-3bXqAw&redir_esc=y
- مقاله منتشره از سوی موسسه مطالعات سیاسی و پیشرفته استراتژیک، آوریل ۱۹۹۹، شماره ۸، به قلم پاول مایکل ویهبی http://www.iasps.org/strategic8/eurasia.htm
- مجله روابط بین الملل، جلد نهم، منتشره از سوی دانشگاه براون در آمریکا، صفحه ۲۰۵، سال ۲۰۰۲ http://www.watsoninstitute.org/bjwa/archive/9.2/Iran/Timmerman.pdf
- مجله آسیای میانه و قفقاز، شماره های ۲۲ تا ۲۴، سال ۲۰۰۳، مرکز مطالعات آسیای میانه و قفقاز، سوئد http://books.google.com/books?id=Ey0MAQAAMAAJ&q=Patrice+Lumumba+khamenei&dq=Patrice+Lumumba+khamenei&hl=en&sa=X&ei=NCNHT8O2JsagiQebs_mXDg&redir_esc=y
- کتاب قدرتگیری ایران: چالش ایران برای آمریکا، صفحه ۱۲، سال ۲۰۰۵ http://books.google.com/books?id=ihhZ8K0dawwC&pg=PA12&lpg=PA12&dq=Patrice+Lumumba+khamenei&source=bl&ots=qLyoKX8g_P&sig=tifA0F6gGWFusnGINh6vgT79bfc&hl=en&sa=X&ei=XGRFT9iIJMrr0gGv0ezpAw&redir_esc=y#v=onepage&q=Patrice%20Lumumba%20khamenei&f=false
- کتاب آماده شدن برای ایران مجهز به بمب هسته‌ای ، صفحه ۱۲۸، سال ۲۰۰۵ http://books.google.com/books?id=hos_ATOxNbgC&pg=PA128&dq=Patrice+Lumumba+khamenei&hl=en&sa=X&ei=yGZFT5HnLo200QG-3bXqAw&redir_esc=y#v=onepage&q=Patrice%20Lumumba%20khamenei&f=false
- کتاب چین و ایران: شرکای باستانی در جهان پس از امپریالیسم، صفحه ۱۰۰، سال ۲۰۰۶ http://books.google.com/books?id=u2X1DNUATjkC&pg=PA100&lpg=PA100&dq=Patrice+Lumumba+khamenei&source=bl&ots=uGq2nUviOn&sig=xHPHP62oRl636yKuBzt2tej0ras&hl=en&sa=X&ei=XGRFT9iIJMrr0gGv0ezpAw&redir_esc=y#v=onepage&q=Patrice%20Lumumba%20khamenei&f=false
- مقاله به قلم پروفسور دانیل ام زاکر با عنوان «وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی»، سال ۲۰۰۶ http://www.ocnus.net/cgi-bin/exec/view.cgi?archive=106&num=27144
- فوروم دانشكاه دوستي ملل http://rudn.club/graduate/izvestnyeludiizrudn/132

ملاحظات در نتيجه بررسي كتاب

1- نويسنده اينطور كه خود می نمايانده؛ از ماهيت يك ايرانی بيرون رفته، و آنقدر مسخ شده كه خود را يك جاسوس امريكايی می نمايانده، در حاليكه جو عمومی كتاب بيزاري از جاسوس اجنبي است، ولی برخلاف حساسيتش روی جاسوس شوروری و روسيه بودن؛ جاسوس امريكايي بودن عيب نبوده و كويا افتخار است.

2- معيارهای دوكانه نويسنده اولين عاملی است كه خواننده را به موضع معكوس خواسته مؤلف وا می دارد.

3- ضعف استدلال و آسمان ريسمان بافتن و ضد و نقيض حرفهای خود نويسنده در همين كتاب؛ عامل بعدی رويكردانی هر خواننده منصف از سير استنتاجات كتاب است هرجند در برخي مطالب متعجب شود يا به شك يا سؤال بيافتد يا حتی موافق شود.

4- كسي كمترين اطلاعات از وقايع و حوادث تاريخ ايران ولو در حد روزنامه های و تواريخ داشته باشد بدون هيچ آكاهي و موضع طرفدارانه از انقلاب و نظام و اشخاص؛ خيلی زود متوجه دروغگويي و تحريف وقايع توسط مؤلف مي شود و می بيند كه جقدر راحت وقايع را جابجا و مخلوط و تحريف می كند؛ و كويا انقدر نااميد از نتيجه كرفتن برای كتاب است كه حتی همراهي ذهني خواننده برای ساعاتي در حين مطالعه او را راضي می كند.

5- البته مطالب مبهمات و متشبهات و شبهه انكيز و كاهي هم مطالب صحيح و بنهان شده در اين كتاب هست كه در سايه آنها، و با جو رسانه ای حاكميتي غلط (كه يكسره به تقديس و تعظيم مشغولند و هرجه غير اين رويكرد را برنتافته و فورا دشمني و فتنه اعلام مي كنند، و رويه تكذيب و حاشا كردن و بنهان كاري ناشيانه و حتی اخفاء مطالب سوخته و جندين ساله افشا شده) سبب ميدان بيدا كردن اين كتابها و حرفها مي شوند، ای كاش مغز مديران مهندسي رسانه اينقدر كوجك نبود.

6- از نحوه تاليف و تدوين و استنتاج اين كار امريكايي؛ سطح فكر ضعيف و مغز كوجك مديران مهندسي رسانه ای امريكايي و ساده انديشي و سطحی نكري سران شان نيز معلوم مي شود.

7- از دم خروسهای مؤلف كه سرتاسر كتاب نشان می دهد روي مرتبطين و متمايلين با ماركسيستها و كمونيستها و شوروي و روسيه و جين و هر كشور اينجنيني و K.G.B ووو حساس است، اما در سرتاسر حوادث سيل كروهها و جريانهای رسما كمونيستي و ماركسيستي يا التقاطي مثل توده ای ها و فدائيان و منافقين؛ و شخصيتها و وابستكيها و فعاليتهايشان؛ ناديده انكاشته و كويا اصلا وجود ندارند، و اينها جريانهايي ملی و بيراسته از جب كرايي هستند. او نمی تواند اين تناقض فاحش و اشكار سرتاسر كتاب را حل كند كه اكر تمام حوادث نهضت توسط روسها و شوروي و K.G.B مديريت شده بس جرا اين همه عوامل وابسته به جب و شوروي در صف معارض و مخالف و منتقد بودند و عليه اين نهضت و حكومت موضع بلكه مبارزه داشتند و جرا شوروي همراه امريكا به دشمني و تجهيز دشمنان انقلاب و نظام مي برداخت.

8- از معيارهای دوكانه مؤلف: اين است كه هركه در كشور شرقی مثل روسيه به دانشكاه برود حتما جاسوس است و برای اهداف K.G.B برورش يافته و همواره به عنوان جاسوس شوروي و روسها عمل مي كند، اما هركه در كشور غربي انكليس و امريكا ووو به دانشكاه برود نه جاسوس است نه غربزده بلكه علامت هوشمندي و سطح درايت و مراجعه به اصل و عالم تربيت شدن اوست، اين نكرش و تفكر تنها از يك فكر بيمار غربی و غربزده و جاسوس بروده سازمان سيا بر می آيد، و الا اكر تحصيل كننده های كشورهای اروبايي و امريكايی بسياري

شان افراد مؤمن و متعهد و حتی بیزار از فرهنك الحادي غرب مي توانند باشند كه هستند، عين همين احتمال و امكان در تحصيل كنندكان در كشورها بلوك شرق قديم (روسيه و شوروي و جين ووووو) هم وجود دارد كه هست و همينطور است، رفتن براي تحصيل به روسيه و بلوك شرق قديم فقط مخصوص توده ايها و كمونيستها و ماركسيستها و افكار جب زده نبوده و نيست، بلكه بسياري از افراد بخاطر نتايج مفيد تحصيلات در شرق كه در توان تشخيص يك غربزده نيست به كشورهای بلوك شرق مي رفتند در حاليكه مؤمن و متعهد بوده و هستند.

9- و اين غير از افراد عالم دين و محققي است كه ممكن است برای اطلاع عميق و ملموس با فرهنك و محيط و شيوه ها و روشهای غربي و شرقي به .غرب يا شرق بروند، تا اينكه بتوانند بادزهر و واكسن در برابر غربكرايي شرقكرايي ماركسيستي را تهيه كنند.

10- جز اينكه جستجوي علم و حكمت در اقصی نقاط زمين و ميان ملل مختلف؛ بعد از اعتصام فرهنكي و ديني؛ و برای خدمت به مسير حق و ملت خود و بشريت امری بسنديده و جزو تعاليم مكتب وحی است، و نمي توان از قبل بيشفرض نموده يا نيت خواني كرد و تنها رويكرد فكري و فرهنكي و رفتاري شخص در طول زمان است كه نشان مي دهد كه جقدر ملتزم و متعهد است.

11- بررسي اين كتاب نياز به كار بزوهشي وسيع دارد؛ و هيچ كزاره ای ازين كتاب نبايد بي تحقيق و بازنكري مقبول و صحيح بنداشته شود، حتی اكر واقعه ای را كفته شنبه يا يكشنبه بوده؛ نياز هست بررسي شود و قابل اعتماد نيست و شواهد تحريف و دروغكويي او در سرتاسر كتاب حتی در امور جزيي اينطوري هم وجود دارد كه برای مقدمه جيني و استنتاج بزرك بكار كرفته است،

12- افزون بر مطالب همكاني و مورد اطلاع عموم كه می تواند شواهد نقض بسياري از درغكوييهاي مؤلف باشد، برخي شواهد دروغكويي مؤلف؛ از نتايج اطلاع نزديك و مستمر ساليان دراز و شناخت ملموس برخي وقايع و اشخاص از نزديك می باشد، مانند مطالبي كه برای سيد جواد فضل الله (معروف در حوزه نجف به آسيدجواد لبناني) می كويد؛ از شخصيت و عقيده و اخلاقيات و منش و اهداف او؛ صرفنظر از ماجرای سفر تحصيلي به روسيه و واقعيت يا عدم واقعيتش.

13- يكی از اصول كه در كل كتاب بر آن مطالبش بنا شده است اين است كه هر كونه مخالفت و مبارزه با امريكا و استكبار جهانی؛ ناشي از مزدوری برای K.G.B است، و آن همه جريانهای معارض اسلامی كه با امريكا بخاطر ماهيت الحادي و استكباريش مخالف بوده و مبارزه مي كنند؛ طوري ناديده انكاشته كويا كه اصلا وجود ندارند، و آن همه ملل جهان (آسيا و افريقا)كه ستمديده از امريكائيها و انكليسيها و بطور كل ساكسونها هستند و در طول قرنهای متمادي مورد هجوم و تجاوز و غارت و استثمار و بردكي بوده اند كويا اصلا وجود ندارند، مردم بومی سرزمينهای قاره های امريكای جنوبي و ميانی و شمالي، مردم قاره استراليا، و نيز فلسطين؛ كه با نسل كشی مردم بومی و جايكزين كردن كروههای مهاجر ساكسون از اروبا ملت و كشور قلابی امريكا و كانادا و استراليا و اسرائيل را آوجود نورده اند، كويا هيچ يك از اينها اتفاق نيافتاده، و برای دشمنی ملل جهان از ساكسونها و غربيها و امريكائيها آن همه قتل عامها و جنايتها و غارتها و بمبارانهای اتمي و شيميايی و جنكي مردم جين و كره و زابن و آسياي جنوب شرقی و هند و باكستان و افغانستان و عراق و سوريا و لبنان و يمن و....، برای دشمنی با عاملان آنها كافی نيست، كه هرجا كرايش و نشانه ای از مخالفت و مبارزه با امريكا باشد بايد حتما وابسته به شوروي و روسيه و K.G.B و ماركسيستها و كمونيستها باشند.

14- در جهان دو قطبي قرن بيستم؛ بسياري از ملل محروم امريكای لاتين و افريقا و آسيا؛ خصوصا آنها كه از تعاليم الهی و رهايی بخش دين اسلام بي بهره بودند؛ وقتی از ظلم غربيها و ساكسونها و امريكائيها و انكليسيها به ستوه می آمدند؛ جون بلوك شرق به اين ملل كمك می

کرد ولو از جهت سیاسي و به قصد اهداف خودش؛ نتیجتا کرایش و نشانهایی از سوسالیسم در میانشان مطرح می شد و یا حتی به آن نشانها موسوم می شدند، اما این کرایش و نشان انکیزه نهضت و موتور حرکت و جوشش آنها نبود، و تنها محرومیتها و ستمدیدکي از غربیها و ساکسونها منشاش بود، اما به هر صورت ارتباط بیدا کردن با بلوك شرق لازمه اش وابستکي امنیتي و ماموریت از K.G.B نبود، هرجند آنها استفاده می کردند در همه جهان و همه ملل و حتی میان خود غربیها، اما این تحریف وقایع و واقعیتهاست که بخواهیم حرکتها و نهضتهای ملل ستمدیده را به K.G.B و مارکسیسم و کمونیسم نسبت دهیم و تمام جنایات و تعدیات غرب و ساکسونها را جنان باك کنیم که کویي اصلا رخ نداده است.

15- دشمنیهای شوروی با ملت مسلمان افغانستان و اشغال نظامی این کشور و حمایت تمام عیار از صدام دشمن متجاوز به ایران، و شعار و موضع نه شرقی انقلاب و جمهوري اسلامی اموری است آشکار و علنی که همه ناقض مدعای تکراری مؤلف در سرتاسر کتاب است، تدبیر و مهندسی روابط بین الملل خود هنری است که با ضعف آن می شود مشکلات را افزود و دشمنان شرق و غرب را مجتمع نمود؛ و اکر علل تدابیر ساده و مکشوف باشد نتیجه ای حاصل نمی شود، اکر شخصیتهایي مثل شهید بهشتي در نزدیکي انقلاب اسلامی با اقداماتی هوشمندانه امریکا را از موضع حامی رزیم بهلوی به موضع عدم مداخله می کشاندند این امریکایی بودن شهید بهشتي نیست (همجنانکه منافقین و جبیها شعار می دادند)، یا در دوران سومین رئیس جمهوری ایران؛ شورویها را از موضع دشمنی به موضوع بی طرفی و بلکه مساعد می رسانند؛ این جاسوس و دست بروردکي شورویها بودن نیست (همجنانکه در این کتاب القا می کند)، و یا در دوران جهارمین و بنجمین و هفتمین رئیس جمهور امریکا را از موضع حمله نظامی به تعامل رسانده یا همراهی سایر دول بزرك با امریکا را خنثی می کنند، اینها همه تدبیر سیاسي و کم کردن هزینه سنکین بیجا برای ملت ایران است، و نشانه درایت و هوشمندي است، و الا موضع صریح و یا به موضع کشاندن روسها در دوران دومین رئیس جمهور، و امریکائیها در دوران ششمین رئیس جمهور؛ اکر جه صادقانه موضع کرفتن است، ولی تحمیل هزینه اضافي بر ملت و کشور است، صحنه دیبلماسي خارجی نوعی میدان جنك غیر نظامی است، و موفقیت در آن با مهندسي هوشمندانه است، فلذا مواضع و رویکرد مسؤولان سیاسي با مسؤولان دیکر جه بسا متفاوت است؛ و نباید مردم توقع داشته باشند که شعاري و بوست کنده باشد، و اکر مسؤولان مورد اعتماد هستند نباید با زیر سؤال بردن آنها مجبورشان کرد که موضع کیري صریح کرده و امکانات مانور خود را در صحنه سیاسي بین الملل از دست بدهند، مسؤولان سیاسي و دیکر مسؤولان قرارهایشان را باید در خلوت بکذارند و هرکسي کار و شیوه خودش بکار ببرد نه اینکه عملکردشان خنثی بشود. (نمونه ای از این رویکردها از مصاحبه سفیر ایران در مسکو و نیز شیوه دومین رئیس جمهور ذیلا نقل می شود. تا افراد هوشمندانه به امور نکاه کنند، و تخطئه نکرده یا یکی را جاسوس شوروي و دیکري را مزدور امریکا نخوانند).

16- البته حوادث و وقایع مهم تاریخي انقلاب که هنوز توضیح و تبیین کامل نشده بسیار است، و نقاط ابهام و حل نشده آنها فراوان، مثل اکثر ترورهای مهم، که مسکوت کذاردن و اهمال آنها سبب رونق بازار شایعات و کمانه زنیها می کردد، خصوصا اکر موارد مهمي مثل کلاهي و کشمیري تعقیب کافی نشده در حالیکه برای تعقیب مثلا بختیارها عملیاتها و شکستها و هزینه های سنکین شده است، آنهایی که اسناد و مدارك و شرح بیکیریهای مربوطه را دسترسي دارند؛ باید آکاهی صحیح و ماموناین وقایع را به اطلاع افکار عمومی برسانند قبل از اینکه کتابهایي همجون کتاب مذکور بخش و نشر بشود و بخواهند بطور انفعالي جیزي را بکویند.

17- مؤلف کتاب مزبور سرانجام در صفحات آخر کتاب اعتراف می کند، که حقه های سیاسي امام خمینی به امریکائیها و مهندسی امنیتی سیاسي در مدیریت رویکرد امریکائیها و ارتش ایران؛ و بکار بردن افراد متنوع فعال در کار انقلاب؛ توان تشخیص صحیح و نیز اقدام سنکین از امریکائیها و مزدورانشان در دولت و ارتش شاهنشاهی ایران؛ کرفته شد، و توانست انقلاب

اسلامی ایران بر علیه امریکا بیروز شود، با وجود هزاران نظامی و مستشار آمریکایی و وابستکی حکومت طاغوت به آنها. و این مطلب شاه بیت این کتاب است که اکرچه مؤلف و اربابان و مدیرانش برای توجیه شکست امریکا آنرا مطرح کرده اند، اما ناخودآکاه و صراحتا به "خدعه سیاسي" بودن این شیوه های بیکیري غیر رسمي؛ در کنار مواضع و رویکردهای رسمی؛ اعتراف می کند، که خودبخود شاهد بر این می شود که نظیر این رویکردها در برابر شوروي و روسها نیز از قبیل همین خدعه سیاسي بوده، و نتیجتا ابطال کننده مدعای مؤلف برای وابستکي به شرق یا غرب است، آری همانطور که مولا علي علیه السلام فرمود: الحرب خدعه، عمده جنك با دشمن از طریق خدعه است، جه در بوشاندن اهداف و مسیر حرکت و جه در خنثی کردن تلاش دشمن و یا تضعیف و متردد کردن و براکنده کردن او، و این امر یکي از اموری است که جون بخوبی در نهضت اسلامی ایران رعایت شد؛ سبب کردید تا ملت و کشور ایران از جنکال قدرتهای جهانی شرق و غرب رهایی یابند، و الا جند اطلاعیه ساده یا شعار خیابانی و یا حتی حرکت مسلحانه؛ به تنهایی نمی تواند کارساز باشد، همانطور که در سایر انقلابها دیدیم که یا شکست خورده و سرکوب شدند، و یا مدیریت شده و وابسته شدند. و این نکات اکر باشرح صدر ذهنی و فکری لحاظ شود، و حکومت ایران بتواند ظرفیت تحلیلیی و طرح و بیان آنرا بیدا کند؛ با بازنویسي مجدد کتاب و بیرایش و ویرایش؛ می توان آنرا در جهت معرفی بُعد ناشناخته انقلاب اسلامی و مدیران آن بکار برد، همجنین در جهت شناخت ضعفهای موجود در سیستم و بیروان جشم بسته؛ و حرکاتی که در جهت تضعیف یکدیکر و بدنه نهضت اعمال می کنند، تا بجای تضعیف و خنثی کردن؛ همجون بنیان مرصوص در برابر دشمنان و خدعه هایشان استقامت ورزیده؛ و به نام انقلابی کري در جهت ضدانقلاب مهندسی و مدیریت نشوند.

18- از آنجا که برداختن به تك تك مطالب این کتاب فرصتي عظیم و کارکروهي وسیع را می طلبد، و نتیجه نقد و بررسي دقیق کتاب جند هزار صفحه خواهد شد، و فعلا وسع و فرصت انجام آن نمی باشد فلذا به بیان خطوط و اصول کلي فوق بسنده کردید.

19- آنجه در بالا بیان شد؛ در راستای نکاه کلان به موضوع است، اما اکر طرفدارانی بخواهند موضوع را شخصي نکاه کنند، بهتر است بجای برداختن مستقیم به موضوع که سبب ترویج می شود، ستون اصلی این کتاب را هدف قرار دهند و آن اقامت در مدت و تاریخ مشخص در مکان مشخص (مسکو) است، فلذا هرجه بتوانند شواهد و مستندات و کزارشهاي مستقل از حضور شخص در ایران را عینی و محسوس کنند، با انجام این امر خودبخود مدعا ابطال می شود بدون برداختن به عنوان و تفصیل آن، و آنرا به عنوان شرح تفصیلي زندکاني در این مقطع زمانی جزو بقیه شرح احوالها منتشر کنند. و اکر بخواهند بطور تفصیلی آنرا خنثی کنند، بهتر است از نظر فکری و نکرشي و موضعی آنرا ابطال کنند، و کلیه مستندات مربوط به مواضع مخالف جبکرایانه و رد افکار کمونیستي و مارکسیستي و التقاطي با آنها؛ و نیز جریانات فعال وابسته یا متاثر از آنها را جمع آوری و به عنوان دیدکاه ها و مواضع در برابر انحرافات مزبور جزو سري دیدکاهها منتشر کنند.

شیوه در دوران سومین رئیس جمهور

ناصر نوبری از دیپلمات‌های قدیمی وزارت خارجه و سفیر ایران در کشور شوروی در نیمه دوم دفاع مقدس است. او نیز روایت جالبی از برخورد شوروی با افشای ماجرای مک فارلین دارد. گرچه نوبری نیز به مانند بقیه شخصیت‌های درگیر در این قضیه تمایلی به پاسخگویی درباره عمق ماجرای ایران گیت ندارد.

سفر پرحاشیه مک فارلین به ایران چه تأثیری بر روس‌ها گذاشت و نقش شما در تفهیم این ماجرا چه بود؟

من قبل از اعزام به مسکو به محضر رئیس‌جمهور وقت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رسیدم تا آخرین رهنمودها را از ایشان کسب کنم و از ایشان پرسیدم به نظر شما مهم‌ترین مأموریت من در شوروی چیست؟ معظم‌له عدم اعتماد را مهم‌ترین آسیب روابط دو کشور دانسته و مرا جهت ایجاد اعتماد دوجانبه ترغیب کردند. به هر حال ۴ سال بعد در روز خداحافظی با وزیر خارجه روسیه وی به من گفت مهم‌ترین کار شما تحمیل اعتماد بود. من آن لحظه خدا را شکر کردم که وظیفه‌ام را به درستی انجام دادم. هنگامی که من در شوروی سفیر شدم حتی اجازه واردات سیم خاردار به ایران را هم به ما نمی‌دادند و در هنگام بازگشت بیش از ۱۰ میلیارد دلار قرارداد نظامی با شوروی داشتیم. در آن قراردادها سلاح‌هایی همچون زیردریایی، انواع هواپیماهای جنگی و... باعث تکمیل کسری نظامی ما بعد از جنگ شد. این پیچیدگی مسائل دیپلماتیک است. مقام معظم رهبری نیز اخیراً بدرستی به سیاست احمقانه غرب در تهدید و فشار به ایران و البته نتیجه معکوس آن اشاره کردند.

تضاد ایدئولوژیک و جنگ با واسطه با سربازان روسی در حین مذاکرات نیز جاری بود. شعار مرگ بر شوروی از مرگ بر امریکا پررنگ‌تر بود؛ با شروع مذاکرات عادی‌سازی روابط اولین هیأت دو نفره شامل من و آقای صدر به عنوان مدیرکل اروپا و امریکا به دیدار گرومیکو وزیر وقت خارجه شوروی رفتیم. ما در آن سفر از قائم‌مقام وزیر خارجه شوروی دعوت کردیم تا روابط آغاز شود. بعد از مدتی سفیر شوروی در تهران اعتراض کرد که چگونه ایشان به تهران بیایند در حالی که دیواری در تهران نیست که از توهین به مقامات شوروی بهره نبرده باشد آیا شما میهمان دعوت می‌کنید تا به او ناسزا بگویید؟! شما اول ناسزا گفتن به شوروی را تعطیل کنید تا وی به تهران بیاید. من در پاسخ به سفیر شوروی گفتم اگر می‌خواهید تضادهای ما با شما به پایان برسد و بعد او بیاید دیگر نیاز به سفر نیست؛ اتفاقاً ایشان باید با قصد حل اختلافات سفر خود به تهران را ترتیب بدهند. سفیر گفت بنابراین حداقل فحش‌ها را از دیوارها پاک کنید، اما من زیر بار نرفتم و تأکید کردم با این شرایط اختلافات ما حالا حالاها مرتفع نخواهد شد باید ما مشترکات مثبت خود را تقویت تا به صورت طبیعی نکات منفی و افتراق تحت تأثیر نکات مثبت از بین بروند. بنابراین ما لیست درخواست‌های خود را به شما می‌دهیم و اگر خواستید آن‌ها را به ما بدهید و سفیر شوروی تنها خندید. بالاخره روس‌ها به مدل پیشنهادی ایران تن داده و در حالی که از فرودگاه تا سفارت شوروی در تهران سرشار از دیوارنویسی علیه مقامات این کشور بود و در هر مراسمی یکی از شعارهای قابل توجه مردم مرگ بر شوروی بود، قائم مقام وزیر خارجه شوروی به تهران سفر کرد.

جالب آن است که وقتی سفیر این کشور از من درخواست کرد که حداقل شعارهای روی دیوارهای فرودگاه را پاک کنید من در پاسخ گفتم این کار مردم است. این سفیر کشور ابرقدرت آنقدر رفت‌وآمد تا اینکه در آستانه سفر گفت: من تنها یک خواهش کوچک دارم حداقل شعارهای روی دیوار سفارت را پاک کنید این توهین به ایشان به حساب می‌آید، ما نیز اعلام کردیم که روی این موضوع فکر می‌کنیم. در نهایت تنها با همین خواسته آن‌ها در طی سفر موافقت کردیم البته به محض خروج وی از تهران دوباره دیوار سفارت مملو از شعارهای ضدشوروی شد.

بنابراین راه اعتمادسازی با ابرقدرت‌ها در نکته‌ای مستتر است، نخست آنکه امکانات خارج از عرف آن قدرت در داخل کشور باید از بین برود؛ به عبارت دیگر دست داخلی آن قدرت خارجی باید قطع شود. در ضمن باید مذاکرات از مشترکات آغاز شود تا با تقویت نقاط مثبت نقاط منفی کمرنگ شوند. هنگامی که دیدار سران با سفر آقای هاشمی رفسنجانی به مسکو آغاز شد (آقای هاشمی آن موقع رئیس پارلمان بودند ولی با تلاشی که به عمل آمد میزبانشان رهبر و رئیس‌جمهور شوروی شد) و قراردادهای عظیم نظامی، اقتصادی، هسته‌ای به امضا رسید، آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه گفت «تا دیروز روس‌ها علیه ما بودند و شعار شما قابل دفاع بود اما من به مسکو رفته و قرار شد ما همسایه‌های خوبی برای هم باشیم و احترام هم را حفظ کنیم لذا خواهشمندم دیگر شعار مرگ بر شوروی نگویید» با بیان همین خطبه دیگر کسی مرگ بر شوروی نگفت.

قرار بود ماجرای مک فارلین و البته واکنش روس‌ها را توضیح دهید؟

هنگامی که این ماجرا پیش آمد طبیعتاً ضربه‌ای به اعتماد روس‌ها وارد شد. من را به عنوان سفیر به وزارت خارجه احضار کرده و مفصلاً در این رابطه با من صحبت کردند. روس‌ها می‌گفتند «چه شد؟! شما که ادعای مبارزه با امپریالیسم را داشتید مگر شما نمی‌گفتید دوست کشورهای ضدامپریالیسم هستید حالا چه شده که روابط مخفیانه با نماد امپریالیسم برقرار کرده و کلی بده بستان دارید.» باور کنید روزانه ده‌ها تلکس خبری خبرگزاری تاس "خبرگزاری رسمی شوروی" مربوط به ماجرای مک فارلین بود و جو سنگینی را علیه ما ایجاد کرده بودند. من در پاسخ گفتم: «به چه موردی ایراد می‌گیرید؟! مگر من بارها از نیازهایمان به شما خبر نداده بودم، اگر شما پیشتازی نکنید باید منتظر همین رویدادها هم باشید؟ ما در حال جنگ هستیم وقتی به ما می‌گویند سلاح می‌خواهید؟ ما بگویم نه نمی‌خواهیم مگر شما به ما سلاح دادید که از امریکا نگیریم شما سیم خاردار هم نمی‌دهید، بعد انتظار دارید در موقعیت جنگی بر نیازهایمان چشم ببندیم. مگر من بارها به شما تذکر نداده بودم، به خانه ما حمله شده و از هر جای ممکن سلاح تهیه می‌کنیم مگر برای ما چه کردید که انتظار هم دارید. ضمن اینکه ما سر حرف خود هستیم ما هنگامی که از وجود نجاست در آن تیم آگاه شدیم سریعاً آن‌ها را بیرون کردیم و بر روی اصول خود ایستاده‌ایم ما خودمان ماجرا را افشا کردیم.»

با این تفسیر چگونه شوروی با حمایت تمام‌عیار ما از مجاهدین افغانی که با سربازان روسی در حال جنگ بودند کنار آمد و سلاح در اختیار ما قرار داد؟

این سؤال به یک موضع بسیار پیچیده برمی‌گردد و آن اینکه ایران همواره در میان ابرقدرت‌ها می‌تواند با ۲ مدل نقش ایفا کند، نخست آنکه ایران بین ابرقدرت‌ها رقابتی به نفع خود ایجاد کند و آن‌ها برای نزدیکی به ایران رقابت کنند و مدل دیگر آنکه ایران با اشتباهات استراتژیک خود موجب رقابت ابرقدرت‌ها برای فشار به ایران شوند. اگر حرفه‌ای عمل شود آن‌ها برای نزدیکی و فروش امکانات رقابت خواهند کرد اما آن‌ها در مدل دیگر برای تحریم و فشار آوردن مسابقه می‌گذارند. در آن مقطع ما مدل حرفه‌ای را به خوبی اجرا کرده بودیم به صورتی که یکی به دنبال فروش محرمانه سلاح بود و دیگری از طریق متحد خود به ما موشک می‌داد با افشای این طرح این مدل مدتی دچار نقض شد و در این بین بیشترین نقش تخریبی را هم مرتجعین عرب داشتند یعنی با گردش دیپلماتیک در جهان و مظلوم‌نمایی و... به تمامی کشورها فشار وارد کردند. زبان حال کشورهای عربی آن زمان و هیأت‌های دیپلماتیکشان با قدرت‌های بین‌المللی این بود که «شما دروغگو و نامرد هستید چرا که روی میز با ما دوست هستید و پشت پرده با ایران».

بنا به اعتقاد بعضی از منتقدین گویا ایران در شوروی خلأ اطلاعاتی داشته است؟

خلأ اطلاعاتی یعنی چه؟ اصولاً سیستم ایران در کار با بلوک کمونیستی این گونه بود، یعنی به طور سنتی ما روابط اطلاعاتی با بلوک شرق نداشتیم و این امر در بعد از انقلاب هم بود. که ما سعی در مرتفع کردن آن داشتیم. در ماجرای مک فارلین درست است که آسیب لحظه‌ای به ما وارد شد و قدرت‌های جهانی به نوعی مرعوب کشورهای مرتجع عرب شدند اما ما باز هم در بلندمدت از فضا استفاده کردیم. هر بار که با روس‌ها ملاقات داشتم می‌گفتم یاد ماجرای مک فارلین بیفتید اگر عجله نکنید و ضعف سیستم کند خود در تصمیم‌گیری در رابطه با ایران را مرتفع نسازید، امریکایی‌ها سریع از شما جلو خواهند افتاد بنابراین کاری نکنید که مجدداً ماجرای مک‌فارلین پیش آید. روس‌ها در نهایت به مرحله‌ای رسیدند که کاری بزرگ و استراتژیک را انجام دادند و آن قراردادهای عظیم را با ایران امضا کردند.

در آن ایام اگر شوروی و رقابت آن با امریکا نبود قطعاً وضعیت ما وخیم‌تر بود؟

این رقابت همیشه وجود دارد اما مهندسی آن می‌تواند به دست شما باشد.

با توجه به سلطه نظام تک قطبی هم اکنون نیز می‌توان از این پولتیک استفاده کرد؟

من معتقد به نظام کامل تک قطبی نیستم و هم اکنون نیز نظام قابل رقابت هم وجود دارد. در گذشته‌های دور هم حتی شما بین انگلیس، روس، فرانسه و آلمان رقابت سختی را می‌دیدید. اصولاً در کل تاریخ با توجه به موقعیت استراتژیک، ایران محل رقابت ابرقدرت‌ها بوده است. یک نمونه اخیر آن استفاده روس‌ها از موقعیت ایران بود، امریکا قصد استقرار سپر موشکی در مرزهای روسیه را داشت و لذا روسیه با طرح مسئله ایران و رأی مثبت به قطعنامه امریکایی‌ها موجب عدم استقرار این سپر دفاعی شد. برای اینکه ایران هم از دست نرود یک امتیاز سوخته هم به ایران داده و بوشهر را افتتاح کردند چرا که مسئولان ایرانی بشدت از رفتار روسیه ناراحت بودند و کار به مجادله لفظی هم رسیده بود.

منبع: رجانیوز

شیوه در دوران دومین رئیس جمهور

برخورد شهید رجایی با سفیر شوروی می‌تواند بیانگر مبانی و کیفیت موضع‌گیری وی در سیاست خارجی باشد. سفیر اتحاد جماهیر شوروی ضمن ابلاغ سلام از سوی آلکسی کاسیگین رئیس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی با اشاره به مبارزه مردم ایران گفت: «کشور شما مبارزه شدیدی را علیه امپریالیسم امریکا آغاز کرده است و با توجه به اینکه شوروی هم مبارزه می‌کند ما در سیاست خارجی با هم اشتراک نظر داریم.» وی افزود: «ما برای انقلاب شما و اراده مردم احترام خاصی قایل هستیم و می‌توانیم با هم در زمینه‌های مختلف همکاری کنیم و حاضریم از نظر تسلیحاتی نظامی به شما کمک کنیم.»

سپس آقای رجایی در پاسخ به اظهارات سفیر شوروی گفت:

«بهتر است به حقایق بپردازیم و واقعیت تاریخی گذشته را از نظر دور نداریم تا ببینیم در آینده چه می‌توانیم بکنیم. مردم ما موضع‌گیری‌های شما را در دوران دکتر مصدق و رژیم سابق هنوز فراموش نکرده‌اند که ناگهان با هجوم شما به افغانستان مواجه شدند. مردم ایران از شما که نسل دوم انقلاب کشورتان هستید، انتظار دارند تا با همسایه جنوبیتان، ایران رفتار انقلابی داشته باشید. منظور از رفتار انقلابی این است که در موقع قدرت یا ضعف یک کشور باید برخورد با آن انقلابی و متکی به معیارهای انقلاب باشد، نه اینکه تا دیدیم کشوری درگیر شده است ما هم از فرصت استفاده کنیم و برای او ایجاد نارضایتی کنیم. از تحویل 100 تانک تی ـ 72 به کشور عراق که از طرف شما انجام شده است و همچنین از پذیرفتن طارق عزیز در آستانه جنگ، پروازهای شناسایی شما در خاک ایران و فرستادن کارشناس‌های شوروی به اردن شدیداً ابراز نگرانی می‌کنم. در صورتی که نمی‌توانید انکار کنید مردم انقلابی ما بزرگ‌ترین رقیب شما را از کشور خود بیرون راندند، در حالی که کوچک‌ترین کمکی در این زمینه از شما توقع نداشتیم، ولی تداوم انقلاب ما به سلامت روابط دو کشور نیاز دارد.
اگر روابط سیاسی و جغرافیایی سلامت کامل نداشته باشد، استقلال، آزادی و انقلاب اسلامی را با هیچ‌یک از چیزهایی که شما می‌توانید در اختیار ما قرار بدهید عوض نخواهیم کرد. این برای ما گران‌ترین بهایی است که هرگز نمی‌توانیم بپردازیم.»
در ادامه سخنان شهید رجایی، سفیر شوروی ضمن اشاره به بحران افغانستان می‌گوید: «اتحاد شوروی تجاوزی به افغانستان نکرد و فقط از انقلاب این کشور دفاع می‌کند.» رجایی در این باره خطاب به سفیر شوروی می‌پرسد: «مگر شما نگفتید مردم باید مسیر خود را خودشان انتخاب کنند؟» سفیر شوروی در پاسخ چنین گفت: «وقتی مردم از ما تقاضای کمک می‌کنند به آنها کمک می‌کنیم.»

نخست‌وزیر وقت کشورمان پرسید: «شما چطور ببرک کارمل را نماینده مردم می‌دانید؟»

سفیر اتحاد شوروی پاسخ داد: «وقتی انقلاب شروع می‌شود کسی، کسی را رهبر نمی‌کند، بلکه وظیفه انقلاب است که رهبر را انتخاب کند.»

آقای رجایی سئوال می‌کند که «آیا روی کار آمدن ببرک کارمل را یک انقلاب می‌دانید؟»

سفیر جواب می‌دهد: «شما باید اهداف انقلاب افغانستان را در نظر بگیرید که آیا مردمی است و برای مردم کار می‌کند یا نه؟»

نخست‌وزیر وقت می‌پرسد: «شما که عضو حزب کمونیست هستید، باید انقلاب را بر حسب ماتریالیسم تاریخی تعریف کنید. این تعریف شما هرگز با اصول علمیتان مطابقت ندارد. اگر انقلاب به معنی استقرار یک حکومت از طریق زور باشد هر کودتای نظامی هم می‌تواند انقلاب محسوب شود.»

سفیر گفت: «کودتا به نفع مردمی است که کودتا را انجام می‌دهند.»

شهید رجایی اظهار می‌کند: «دقیقاً برای همین است که می‌گوییم در افغانستان کودتا شده است، نه انقلاب.» سفیر شوروی در باره روابط ایران و کشورش گفت: «ما می‌خواهیم با ایران دوست باشیم. یک مرز مشترک 2500 کیلومتری داریم و این به نفع کیست اگر مسائل ناراحت‌کننده‌ای وجود داشته باشد؟» در باره دیدار طارق عزیز با مقامات شوروی توضیح داد این عمل از طرف شوروی انجام نشد و طارق عزیز به ابتکار خود به کشور ما آمده و با معاون وزارت خارجه ما ملاقات کرده است. سپس آقای رجایی در پاسخ به این گفته سفیر شوروی که شوروی مناقشات ایران و عراق را محکوم می‌کند، بیان کرد: «چرا شما این کار را در مجامع بین‌المللی محکوم نکردید؟ سفیر شوروی گفت: «ما علیه این جنگ هستیم. البته هر کس را که این جنگ را شروع کرده است، محکوم می‌کنیم.»(1)
به عنوان نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران سخنی که می‌گویم از هرگونه تعارفات دیپلماتیک تهی است
«ما یک کشور انقلابی هستیم و مذاکرات دیپلماتیک را مطابق عرف بین‌المللی قبول نداریم، زیرا این وقت‌گذرانی است.

دکترصادق طباطبائي: یادم هست زمانی که آقای رجایی نخست‌وزیر شد، نخست‌وزیر افغانستان به ایشان در تلگرافی تبریک گفتند. آقای رجایی هم با لحن تندی پاسخی به این مضمون داد که سعی کنید طرف مردمتان باشید و این قدر با شوروی ارتباط نداشته باشید و.... ایشان در پاسخ، آموزش انقلابی به طرف افغانی داده بود. امام ایشان را احضار کردند و گفتند این حرف‌ها چیست که زده‌اید؟ شما الان مقام رسمی کشور هستید و باید در چارچوب عرف بین‌الملل حرکت کنید. حساب من طلبه با شما فرق می‌کند! امام این مسائل را رعایت می‌کردند.

1- دو شيوه فوق يكي در دوان رئيس جمهور دوم و يكي رئيس جمهور سوم با هم متفاوت است 2- ممكن است رويكرد اول مستقلانه به نظر برسد و دومي (بر حسب اين كتاب) ناشي از وابستكي 3- در حاليكه اينطور نيست و اين هوشمندانه رفتار كردن و موفقيت دستكاه ديپلماسي در دوره رئيس جمهور سوم است. 4- البته طبيعي است شخصي كه يكشبه از معلمي به رياستجمهوري رسيده و مدت كوتاهي بيشتر رئيس جمهور نبوده، برخي مواضع مثل فقرات فوق و زير را داشته باش، و اكر تا به امروز مي ماند قطعا نحوه رويكرد و مهندسي مواضع او متفاوت بود. همچنانكه امام خميني در سالهاى متاخر اين مهندسي سياسي در صحنه بين الملل را تاييد كردند 5- ما بايد بين نحوه سخن خطباى جمعه و نيز مدير مراسم راهپيمايي؛ و بين مواضع مسؤولان سياست خارجي تفاوت شيوه قائل باشيم و شيوه هاى هر كدام در جهت همپوشاني و خدمت يكديكر باشد نه خنثى كردن و زير سؤال بردن ديكري

موافقت امام با: حذف مرگ بر آمریکا و شوروی؟

گروه سیاسی: موسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی(ره)، درباره اظهارات آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی درباره حذف شعار «مرگ بر آمریکا» از نگاه امام‌خمینی، اعلام موضع کرد. چند روز پیش آیت‌الله هاشمی بخشی از خاطرات خود مربوط به مذاکراتش با امام(ره) و موافقت ایشان با حذف شعار مرگ بر آمریکا را روی سایت شخصی خود منتشر کرد که همین امر واکنش مدیرمسوول روزنامه کیهان را به‌دنبال داشت. حسین شریعتمداری، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام را متهم به تحریف بیانات و دیدگاه‌های بنیانگذار انقلاب کرد. ولی متاسفانه «موسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی(ره)» که وظیفه قانونی حفظ آثار امام(ره) و پیشگیری از تحریف آن را برعهده دارد، در مقابل تحریف‌های یادشده سکوت محض کرده است.» پس از حمله کیهان به آیت‌الله هاشمی و موسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره) پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران گفت‌وگویی با قائم‌مقام موسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی(ره) انجام داد.

حمید انصاری با بیان اینکه بسیار خرسندم که همچنان اندیشه و مواضع رهبر انقلاب اسلامی با حساسیت فراوانی مورد توجه جامعه و فعالان سیاسی و اجتماعی قرار دارد، گفت: «اخیرا دو اظهارنظر از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که به‌نوعی مربوط به حضرت‌امام می‌شود منتشر شد و نقدها و مخالفت‌هایی را نیز برانگیخت، یکی - نقل مضمون - فرازی کوتاه از نامه‌ای است که ایشان گفته‌اند آن را در سال‌های آخر برای امام نوشته‌اند و دیگری مطلبی است که از قول ایشان تحت عنوان موافقت امام با حذف شعار «مرگ بر آمریکا» مطرح شده است. «آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی مطالبی را مبنی بر نپسندیدن شعار مرگ گفتن نسبت به دولت‌ها و اشخاص بیان کرده است اما نه‌تنها تصریحی به اینکه این نظر امام است ندارد، بلکه تاکید کرده‌اند که این نظر خودشان است. همه آنچه که آقای هاشمی در خاطرات خود در این‌باره گفته‌اند به چهارفراز مربوط می‌شود که عینا از کتاب خاطرات ایشان نقل می‌کنم: ۱ – در ذیل خاطرات روز ۱۶ فروردین ۱۳۶۲ «... احمدآقا تلفن کرد و اطلاع داد، امام با پیشنهاد قطع شعار «مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی» از رسانه‌های دولتی موافقت کرده‌اند و پذیرفته‌اند که بگویند به امر امام قطع شده است.»۲ - ۲۰ فروردین ۶۲ «... ظهر احمدآقا آمد. اعترافات توده‌ای‌ها را به ایشان دادم که بخوانند و به اطلاع امام برسانند. قرار شد از طرف امام رسما به صداوسیما ابلاغ کنند که [شعار] مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی را که در شعارهای مردم می‌آید، حذف کنند و دوستان دیگر هم موافق‌اند.»۳ - اول اردیبهشت ۶۲ «...جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. درباره دستور امام برای حذف شعارهای مرگ بر آمریکا و «مرگ بر شوروی» بحث داشتیم که شیوه حذف آن ـ به صورتی‌که عکس‌العمل بدی نداشته باشد ـ انتخاب شود.» ٤ - ١٤ تیر ٦٣ «... [آقای امام موسوی] نماینده شوشتر هم آمد و پیشنهاد قطع شعار مرگ بر آمریکا و شوروی را می‌داد. گفتم به‌طور اصولی تصمیم گرفته‌ایم، امام هم موافقت کرده‌اند ولی منتظر فرصت هستیم.» موضوع هر چهار خاطره، قطع و حذف شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر شوروی» (که به‌صورت توأمان در شعارهای سراسری مردم گفته می‌شد) است نه فقط شعار مرگ بر آمریکا، آن‌هم قطع این شعار مرکب از رسانه‌های دولتی و رادیو تلویزیون نه حذف آن از ادبیات سیاسی مردم در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و مناسبت‌ها.»قائم‌مقام موسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره) گفت: «خاطره‌ای که آقای هاشمی‌رفسنجانی در موضوع حذف شعار نسبت به امام ذکر کرده است مربوط به موافقت و دستور امام بر قطع این شعار از رسانه‌های دولتی است. مطلبی که در سال ٦٢ روی میز بررسی و تصمیم‌گیری مسوولان نظام و رهبری انقلاب قرار داشت همین بود و بحث بر سر دستور یا توصیه به مردم برای حذف این شعار نبود. در عبارات خاطرات آقای هاشمی هم که بر اساس یادداشت‌های ثبت‌شده روزانه می‌باشد به صورت دقیق تصریح شده است که موضوع موافقت و دستور امام حذف شعار «مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی» از رسانه‌های دولتی بوده است و نفی و نهی از این شعار نبوده است. بر اساس مدارک و اطلاعات موجود در اینکه این مساله یعنی پیشنهاد حذف شعار مرگ بر شوروی به‌طور اخص و کل شعار (مرگ بر آمریکا و شوروی) از صداوسیما در آن زمان با توجیهات منطقی فراوان و از کانال‌های مختلف به دفتر امام و به حضرت امام منعکس شده است تردیدی نیست. مطمئنم که بر طبق دستور حضرت امام از مقطعی شعار مرگ بر شوروی در پخش برنامه‌های رسمی از صداوسیما حذف شد.»

***محمد هاشمی** در گفتگویی با ویژه نامه حضور به رابطه صداوسیمای دوران تحت مدیریتش با بیت رهبری و شخص امام(ره) اشاره و خاطرات بسیار جالبی از ان روزها عنوان کرد.*

وی که در گفتگو با بهروز افخمی ـ مدیر شبکه دوم سیما در دوران محمد هاشمی ـ سخن می گفت در خصوص رابطه خود با امام(ره) با اشاره به دیدارهایی منظم و گاه هفتگی و 10 روز یکبار گفت: در اخبار شعارهای مرگ بر امریکا، مرگ بر شوروی و مرگ بر منافقین و صدام پخش می شد. یک شب شعار مرگ بر شوروی حذف شده بود پرس و جو کردم گفتند از بیت امام گفتند این شعار حذف شود. احمد آقا از بیت تماس گرفت و گفت امام(ره) شما را کار دارد. امام پرسید چه کسی گفته این شعار را حذف کنید و من گفتم. امام عصبانی شدند و اعضای بیت را صدا کردند. همه در رفتند و هیچ کس خدمت نرسید. بعد به من فرمودند که از این به بعد اگر چیزی از قول من گفتند بیا از خود من بپرس.

سه شنبه شب، ۲۱ فوریه ۲۰۱۲ همراه یکی از دوستان روی مقاله ای در خصوص ترورهای اخیر کار می کردیم. در حین تحقیقات، همکارم اتفاقی به نکته ای عجیب برخورد کرد و از من پرسید: آیا فلانی هیچوقت در روسیه بوده است؟ با تعجب گفتم که من هیچگاه چنین چیزی نشنیده ام و بانگاهی به زندگینامه وی روی وبسایت رسمی اش متوجه شدم که اصلا به این نکته اشاره نشده است. لینک این ویدیو را برایم فرستاد و با چشمان حیرت زده ویدیو را دیدم و در حالی که عرق سردی بر تمام بدنم نشسته بود، به راز بزرگ و ترسناک زندگی او پی بردم.

گزارشگر تلویزیون روسیه اشاره میکند که در جشن ۵۰ سالگی دانشگاه پاتریس لومومبا، معروف به دانشگاه دوستی مردم روسیه، هزاران فارغ التحصیل این دانشگاه در شهر مسکو گرد هم جمع شدند. هدف این دانشگاه که بیش از پنجاه سال پیش تاسیس شده است، تربیت "گروهی از نخبگان در سراسر جهان" است. ولادیمیر فلیپف، رئیس این دانشگاه می گوید: سی درصد از دانشجویان این دانشگاه را دانشجویان خارجی تشکیل میدهند و دانشگاه ما نه تنها در زمینه علوم سیاسی بلکه علوم انسانی "گروهی از نخبگان جهانی" را تربیت کرده و به کشورهای متبوعشان بازمیگرداند. وی افزوده است که عمده دانشجویان خارجی این دانشگاه از کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین هستند که این نخبگان می توانند با فارغ التحصیلان دانشگاه های آمریکایی و اروپایی رقابت کنند. حدود یکصد هزار فارغ التحصیل این دانشگاه در ۱۶۵ کشور جهان در حال کار و فعالیت هستند. گزارشگر تلویزیون دولتی روسیه، فلانی در جمهوری اسلامی، محمود عباس رئیس تشکیلات خود گردان فلسطین و رئیس جمهور هندوراس را بعنوان تعدادی از دانشجویان برجسته این دانشگاه معرفی می کند. در ادامه این گزارش عنوان می شود که "دانشگاه دوستی مردم روسیه" در سال ۱۹۶۰ یعنی دقیقا در سالی که بسیاری از کشورهای آفریقایی استقلال یافتند، تاسیس شده است. این دانشگاه برای یادگیری سایر کشورها از تجربیات اتحاد جماهیر شوروی و ارتباط هرچه نزدیکتر با این کشور ایجاد شده است. عبدالرحمن سیلا در وصف این دانشگاه می گوید: ما باید بدانیم که این یک نهاد آموزشی منحصر بفرد است. این دانشگاه از بدو تاسیس فرصتی را برای جوانان مستعد از کشورهای در حال توسعه فراهم کرد تا بتوانند از امکانات آموزشی با کیفیتی استفاده کنند. امروز هم این رویه ادامه دارد و جوانان پس از تحصیل در این دانشگاه به کشورهای خود بازمی گردند و تبدیل به "رهبران در زمینه های خاص" می گردند! وی معتقد است که جهان به این دانشگاه نیاز دارد

http://www.youtube.com/watch?v=wMlPJ6So4rw&feature=player_embedded

این تعریف دولت روسیه از دانشگاه پاتریس لومومبا است. اما ببینیم واقعیت این دانشگاه و راز افسانه ای این شخص در این دانشگاه چیست!؟ بر پایه اسناد و گزارشهای موثق دانشگاه پاتریس لومومبا یا همان دانشگاه دوستی مردم روسیه،

در سال ۱۹۶۰ تاسیس شد و از همان آغاز تحت عنوان "آکسفورد شرق " شناخته می شد. دکتر ایلان برمن در جزوه ای تحقیقاتی تحت عنوان "روسیه و خلا قدرت در خاور میانه" که ژوئن سال ۲۰۰۱ منتشر کرد، دانشگاه پاتریس لومومبا را آکادمی تربیت نیروهای ضد آمریکایی برای کشورهای جهان سوم، خطاب میکند که البته بسیاری از مدیران فعلی جمهوری اسلامی از آنجا فارغ التحصیل شده اند و از جمله ایشان و اوشان

از دیگر چهره های سرشناسی که فارغ التحصیل این دانشگاه هستند، چریک ونزوئلایی ایلیچ رامیرز سانچز معروف به کارلوس شغال را میتوان نام برد که در حال حاضر دوران محکومیت حبس ابد را در زندانی در فرانسه می گذراند. وی یکی از بزرگترین جریکهای تاریخ است که عملیات چریکی را در دانشگاه پاتریس لومومبا فرا گرفت و به ماموریتهای بین المللی اعزام شد. پدر وی یک مارکسیست معتقد بود که نام پسرش را به جهت علاقه فراوان به لنین ایلیچ گذاشت که نام پدری لنین میباشد. برادران وی را هم لنین و ولادیمیر نامید
همچنین فیدل کاسترو، یاسر عرفات و هوگو چاوز از دیگر پرورش یافتگان این مرکز بزرگ هستند. در واقع این دانشگاه جوانان مستعد را از کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی و خاور میانه و آسیا انتخاب کرده و به آنها بورسهای بسیار خوب دولتی می داده تا با اصول انقلابیگری ضد آمریکایی آشنا شوند و سپس به کشورها یشان بازگشته و مقدمات انقلاب را فراهم کنند ، که البته عمدتا با مبارزات چریکی و مسلحانه توأم بوده است. آموزشهای جنگ روانی، کار با انواع اسلحه، نبرد های چریکی، سازماندهی باند های سیاسی مخالف و مسلح و تسویه حسابهای خونین پس از انقلاب از مجموعه دروس این دانشگاه به خصوص در فاصله سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۴ بوده است. بسیاری از انقلابهای چپگرایانه در این سالها ریشه در دانشگاه پاتریس لومومبا داشته اند. هدف نهایی ایجاد شبکه ای بزرگ از رهبران انقلابی در سراسر جهان بود که همه آنها روابط نزدیک و ویژه ای با اتحاد جماهیر شوروی داشته باشند و به این شکل بتوانند حلقه محاصره را بر کشورهای بلوک سرمایه داری یا دموکراسی های غربی تنگ و تنگ تر کرده و به رؤیای "جهان یک دست شده " جامه عمل بپوشانند. همانگونه که می بینیم در سال ۱۹۶۴ میلادی برابر با ۱۳۴۳ خورشیدی به شوروی سفر می کند و در دانشگاه پاتریس لومومبا تحصیل مشغول می شود

تمام جریانهای اصلي سياسي در ايران فارغ التحصيل آكسفورد شرق هستند: محافظه‌كاران، اصلاح‌طلبان و نئو محافظه‌كاران: در فوريه سال ۲۰۱۲ ميلادی، يک ويديوی سه دقيقه‌ای خبری از شبکه دولتی تلويزيون روسيه انگيزه آغاز پژوهشی بود که به نگارش کتاب رفيق آيت الله منجر شد. همان سال تيمی از استادان دانشگاه امنيت ملی و سياست خارجی واشينگتن و دانشگاه ايالتی تگزاس جهت تهيه مدارکی در مورد فارغ‌التحصيلان ايرانی دانشگاه پاتريس لومومبا راهی مسکو شدند. اين تيم تحقيقاتی با دست پر بازگشتند. آنها موفق شدند مقدار زيادی اسناد و مدارک دست اول از آرشيو اين دانشگاه به دست آورند که برای نخستين بار در اين کتاب منتشر می‌شود. يکی از با ارزش‌ترين سندهای به دست آمده از اين دانشگاه فهرستی از فارغ‌التحصيلان ايرانی دانشگاه پاتريس لومومبا از آغاز به کار آن در فوريه ۱۹۶۰ ميلادی تا به امروز می‌باشد. وجود اسامی برخی چهره‌های ايرانی شناخته شده در اين فهرست شگفت آور بود، از جمله سيدعلی خامنه‌ای رهبر و ولی فقيه جمهوری اسلامی، محمد موسوی خوئينی‌ها دبيرکل مجمع روحانيون مبارز و رهبر اصلاح‌طلبان حکومتی، محمد درون‌پرور يا همان محمد ری‌شهری نخستين وزير اطلاعات، محمدعلی نظران رياست دفتر عمومی حفاظت اطلاعات فرماندهی کل قوا، زرتشت اعتمادزاده فرزند به آذين، کامران دانشجو رئيس ستاد انتخابات وزارت کشور در خرداد ۱۳۸۸ خورشيدی و وزير علوم کابينه دوم احمدی‌نژاد و بر نامه ريز اين جريان، محمود ملاباشی معاون امور آموزشی وزارت علوم و ارسلان قربانی معاون امور بين‌الملل وزارت علوم در کابينه دوم احمدی نژاد و بسياری افراد سرشناس ديگر. اين‌که گروهی از مسوولين عالی‌رتبه حکومتی در جمهوری اسلامی، همگی فارغ التحصيل دانشگاه پاتريس لومومبا باشند. تحليل داده‌های به دست آمده از دانشگاه پاتريس لومومبا تصويری نمايان می‌کند که برای درک بهتر موضوع بايد ابتدا نگاهی به بافت و لايه‌های قدرت در جمهوری اسلامی ايران بياندازيم. در فضای سياسی امروز ايران، سه جريان قدرتمند وابسته به حاکميت جمهوری اسلامی در رقابتی تنگاتنگ برای تصاحب قدرت هستند و پاندول وار اين قدرت در دست آنها جا به جا می‌شود. جريان نخست، وفاداران به سيد علی خامنه‌ای يا همان محافظه‌کاران حکومتی هستند. دومين جريان، اصلاح‌طلبان حکومتی هستند که محمد موسوی خوئينی‌ها آنها را هدايت می‌کند. جريان سوم نيز که در يک دهه گذشته رشد چشمگيری داشته است، محافظه‌کاران جديد هستند که طرفداران محمود احمدی‌نژاد و سياست‌های وی می‌باشند. فهرست فارغ التحصيلان ايرانی دانشگاه پاتريس لومومبا نشان می‌دهد که رهبران و گردانندگان هر سه جريان قدرتمند در درون حکومت جمهوری اسلامی که به ظاهر با يکديگر درگير به نظير می رسند، صفحه شطرنج سياسی در ايران به گونه‌ای چيده شده است که هر تغيير هماهنگ خواهد بود و تحت کنترل می‌باشد.

محافظه‌کاران، اصلاح‌طلبان و نئو محافظه‌کاران در ايران: ساختار سياسی حکومت جمهوری اسلامی که در نگاه اول بسيار پيچيده به نظر می رسد، اتفاقا بسيار ساده، و ابتدايی تعريف شده است. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی سه قوه مجريه، مقننه و قضاييه ديده می‌شود که قرار است در روندی دموکراتيک توسط مردم انتخاب شوند. اما اين دموکراسی ويژه که مهندسی شده سران جمهوری اسلامی می‌باشد، همچنانکه در غالب کشورهاي دنيا به عنوان دموکراسی تعريف شده است، بهترين تعريف را از اين دموکراسی ويژه، مهدی هاشمی رفسنجانی، فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی، رييس مجمع تشخيص مصلحت نظام در گفتگوی خصوصی با بيژن فرهودی در لندن عنوان کرد. وقتی خبرنگار از وی در مورد درگيری‌های بين سران جمهوری اسلامی پرسيد که آيا واقعی هستند يا فقط يک جنگ زرگری و ساختگی برای بازار گرمی؟، مهدی هاشمی پاسخ داد: «همين دعواها سران را در حکومت جمهوری اسلامی را نگهداشته. اين دعواها منجر به ثبات اين حکومت شده چون مردم اين دعواها را دموکراسی می‌بينند. جنگ زرگری نيست واقعا دعواست. البته اين دعواها در ميان خودشونه، داخل حکومت خودمون دموکراسيه! اينا در ميان خودشون دموکراسی دارن ولی خارج از نخبگان، سيستم ديکتاتوری است. حاکميت اين‌گونه دعواها رو تشويق هم ميکنه. همه نخبگان ميدونن که تا کجا بايد پيش بروند. يعنی اصولی را پذيرفتن. دوره قبل ۴۰ ميليون نفر اومدن رای دادن، قبل اون ۳۰ ميليون اومدن به آقای خاتمی رای دادن. اين انتخابات‌ها سران را در حکومت جمهوری اسلامی را سر پا نگه داشته. اما در انتخابات قبلی آقای موسوی اصول را رد کرد. حتی بابام هم اصول را رد کرد و دعوايی که شد مشروعيت را زير سوال برد. اينا با ما خيلی بدن چون ميگن شما از بازی خارج شديد. ما می‌گيم شما از بازی خارج شديد چون انتخابات بايد سالم باشه در ميان خودمون!»

با نگاهی گذرا به تاريخچه جريانات سياسی پس از انقلاب ۱۳۵۷خورشيدی، در می‌يابيم که مهدی هاشمی دقيقا درست می‌گويد. گروهی کوچک که در تمام سه دهه گذشته قدرت را در ايران تصاحب کرده‌اند، در بين خودشان به توافق رسيده‌اند که تنها در حلقه کوچک خودی‌های‌شان دموکراسی را رعايت کنند. يعنی تنها افراد متعلق به همين حلقه می‌توانند کانديدای انتخابات مختلف باشند و افراد بيرون اين حلقه به هيچ عنوان حق کانديدا شدن ندارند و فقط می‌توانند رای بدهند. حتی کانديداهای تاييد صلاحيت شده نظام هم هميشه نمي توانند کانديد شوند و هميشه تاييد نمي شوند، در روزهای نخست پس از انقلاب ۵۷ در ايران، گروه‌ها و دسته‌جات بسياری فعال بودند. در جريان تسويه حساب‌های خونين در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ خورشيدی، برخي از افراد و گروه‌هايی که بيرون اين حلقه بودند و سهمي را در برپايی انقلاب داشتند، با ترور، تبعيد، زندان و اعدام از صحنه سياسی حذف شدند. در نهايت گروه کوچکی که کمترين سهم را در انقلاب داشتند، ميراث خوار آن شدند. حلقه نخبگان خودی که مهدی هاشمی به آنها اشاره می‌کند، شامل همان سه جريان سياسی که امروز در ايران قدرت بين آنها دست به دست می‌شود، يعنی محافظه‌کاران، اصلاح‌طلبان و تندروها يا همان محافظه‌کاران جديد، همگی در سال‌های نخست انقلاب به همان دسته کوچک تعلق داشتند و در حذف رقبا با يکديگر همکاری می‌کردند. پس از حذف شدن (طبيعي يا با ترور فرقان) شخصيتهای بنيانگذار نهضت مثل طالقاني منتظري مطهري بهشتي باهنر مفتح و..... نيز جريانهای فعال جبهه ملي و نهضت آزادي و حزب توده (عليرغم همراهي در مواضع رسمي با حکومت) و خصوصا تابستان خونين ۱۳۶۰ و کشته شدن بهشتی و 72 تن و بعد رطيس جمهور و رجايی، با ملاحظه افراد باقيمانده خودبخود ، ديگر هيچ جريان سياسی خارج از اين حلقه کوچک امکان فعاليت سياسی برای دستيابی به قدرت نداشت.

اين همکاری تا زمانی که خمينی در قيد حيات بود، ادامه داشت حتی در وقت رحلت آيت الله خميني (در بيت امام ميرحسين موسوي و موسوي خوئيني و رفسنجاني و خامنه أي همه با هم بودند) اما پس از وی با انتخاب خامنه‌ای به عنوان جانشين خمينی و سپس نشستن هاشمی رفسنجانی بر مسند رياست جمهوری، در مرداد ۱۳۶۸ خورشيدی، قهر سياسی گروهی از انقلابيون آغاز شد. خامنه‌ای در تقسيم قدرت پس از خمينی نتوانست اين افراد را راضی کند و زمينه‌ای برای يک انشعاب بزرگ در گروه خودی‌های انقلابی به‌وجود آمد. هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات خود از سال ۱۳۶۸ به قهر سياسی موسوی خوئينی‌ها از خامنه‌ای در سی ام مرداد آن سال و همچنين قهر سياسی مير حسين موسوی از خامنه‌ای در ۱۲ شهريور همان سال اشاره می‌کند. بی ترديد اين حوادث را می‌توان نقطه عطف در ايجاد شکاف و انشعاب در اين گروه کوچک خودی‌ها ياد کرد، که طی آن طرفداران موسوی خوئينی‌ها که بعدها اصلاح‌طلبان نام گرفتند، راه خودشان را از وفاداران بی چون و چرای خامنه‌ای يا همان محافظه‌کاران جدا کردند. ناگفته نماند که زمزمه اين انشعاب در فروردين ۱۳۶۷ خورشيدی در آستانه برگزاری انتخابات مجلس سوم زده شد. آن زمان اختلافات بين خامنه‌ای به عنوان رئيس جمهور و مير حسين موسوی در مقام نخست وزير، بالا گرفته بود و همين امر سبب جدايی افرادی چون موسوی خوئينی‌ها، مهدی کروبی و محمد خاتمی از جامعه روحانيت مبارز و تشکيل انشعاب مجمع

روحانیون مبارز شد. در آغاز دور دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در تابستان ۱۳۷۲، این شکاف با مجموعه حوادث دنباله‌داری بیش از پیش نمایان شد و در دوم خرداد ۱۳۷۶ خورشیدی، شکستی بزرگ برای خامنه‌ای و یارانش رقم زد و سیدمحمد خاتمی که همیشه دنباله‌رو موسوی خوئینی‌ها بود، به ریاست جمهوری رسید. در پایان هشت سال ریاست جمهوری خاتمی، احمدی‌نژاد با حمایت همه جانبه خامنه‌ای و محافظه‌کاران، بر صندلی ریاست جمهوری که به هیچ عنوان اندازه آن نبود، تکیه زد. این رقابت بین اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران ادامه داشت تا خرداد ۱۳۸۸ خورشیدی که احمدی‌نژاد برای دور دوم ریاست جمهوری‌اش خیز برداشته بود. این‌بار اما، کارنامه بسیار بد و جنجالی چهار ساله اول وی، سبب شده بود تا محافظه‌کاران در حمایت از وی تردید کنند و به این شکل دومین انشعاب در همان گروه کوچک نخبگان خودی که مهدی هاشمی به آن اشاره کرده بود، پیش آمد. تندروهای طرفدار ولایت که می‌توانیم آنها را محافظه‌کاران جدید بخوانیم، راه‌شان را از محافظه‌کاران سنتی جدا کردند، اما همچنان در ظاهر خامنه‌ای را به عنوان فصل‌الخطاب اقدامات‌شان قبول داشتند. پس از پایان هشت سال ریاست جمهوری احمدی‌نژاد که مشروعیت داخلی و بین المللی جمهوری اسلامی به پایین‌ترین سطح ممکن رسیده بود، دوباره اصلاح‌طلبان سوار بر موج قدرتمند اعتراضی جنبش سبز مردم ایران که پس از انتخابات ۱۳۸۸ به وجود آمده بود، با مهره‌ای که هم رنگ اصلاح طلبی داشت و هم رنگ محافظه‌کاری، یعنی حسن روحانی، به صحنه آمدند. در ادامه به تفکیک، سابقه این سه جریان تاثیر گذار حکومتی در ارتباط با روس ها را مورد بررسی قرار می دهیم.

دسته نخست: محافظه‌کاران حکومتی به رهبری سیدعلی خامنه‌ای

در مرداد ماه ۱۳۳۲ خورشیدی، تلاش حزب توده که ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی در ایران به حساب می‌آمد، برای سرنگونی شاه شکست خورد. پس از آن سازمان امنیت اتحاد جماهیر شوروی در برنامه‌ای گسترده ده‌ها طلبه علوم اسلامی را برای گذراندن دوره‌های نظامی-عقیدتی به مراکز آموزشی زیر نظر این سازمان، دعوت کرد. یکی از این مراکز، دانشگاه پاتریس لومومبا در مسکو بود. سیدعلی خامنه‌ای و سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها از نخستین گروه از طلبه‌هایی بودند که از ایران به این مرکز دعوت شدند تا روش‌های موثر مبارزه را بیاموزند و برای ایجاد یک انقلاب ایدئولوژیک و سرنگونی حکومت شاه که متحد آمریکا در منطقه بود، آماده شوند. اسناد به دست آمده از دانشگاه پاتریس لومومبا حضور خامنه‌ای در این مرکز را تایید می‌کند، اما با توجه به مبهم و نامفهوم بودن بخش‌های مربوط به زندگینامه خامنه‌ای در تاریخ نگاری‌های رسمی جمهوری اسلامی در دهه چهل خورشیدی، تردیدهایی در خصوص حضور وی در این دانشگاه ایجاد شده بود. با کنار هم گذاشتن اسناد طبقه‌بندی شده این دانشگاه و همچنین رمزگشایی از بخش‌های مبهم خاطرات رسمی خامنه‌ای، با ضریب خطای بسیار پایین، زمان دقیق خروج خامنه‌ای از ایران و نحوه انتخاب وی برای گذراندن دوره‌های آموزشی ویژه در این مرکز، به دست می‌آید. در فهرست فارغ التحصیلان ایرانی دانشگاه پاتریس لومومبا، نام سیدعلی خامنه‌ای دیده نمی‌شود، اما شخصی به نام سیدضیاءالدین حسینی که در فاصله سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸ میلادی برابر با ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ خورشیدی، در این مرکز تحصیل می‌کرده است، دیده می‌شود. کشف نام مستعار دوران نوجوانی و جوانی خامنه‌ای کار چندان سختی نبود. وی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی، در سن هفده سالگی به یکی از دوستانش به نام هادی خسروشاهی عکسی از خودش را هدیه کرد که در حاشیه آن دست نوشته‌ای با امضای وی دیده می‌شود: «هوالعزیز، این عکس ناقابل را به رفیق مکرم و برادر معظم جناب آقای سیدهادی خسرو شاهی تقدیم می‌نمایم تا از خاطر عاطر محو نشوم. احقر ضیاءالدین حسینی خامنه‌ای.»

جالب این‌جاست که در تمام شرح حال نویسی‌های حکومتی از سیدعلی خامنه‌ای بخش مربوط به دست‌نوشته و امضای خامنه‌ای از این تصویر بریده شده بود. گویا وی نمی‌خواست نام مستعار دوران رمز آلود زندگی‌اش برملا شود. اما پنجاه و چهار سال بعد، در آذرماه ۱۳۸۹ خورشیدی، سیدهادی خسرو شاهی که حالا حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی نامیده می‌شود، در جریان مصاحبه‌ای با مجله پاسدار اسلام در مورد خاطرات دوران نوجوانی‌اش با سیدعلی خامنه‌ای، تصویر کامل را در اختیار این نشریه گذاشت که برای نخستین بار در شماره ۳۴۸ این نشریه به چاپ رسید. انتشار این تصویر به همراه دست خط و امضای خامنه‌ای که از نام ضیاءالدین حسینی استفاده کرده بود، کمک بزرگی برای رمزگشایی از حضور وی در دانشگاه پاتریس لومومبا بود.

سیدعلی خامنه‌ای کیست؟ سیدعلی حسینی خامنه‌ای فرزند سیدجواد در ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ خورشیدی به دنیا آمد. پدر و مادر سیدعلی هر دو غیر ایرانی هستند و در نجف از شهرهای جنوبی عراق که پایتخت دنیای تشیع می‌باشد، متولد شدند. پدرش سیدجواد خامنه‌ای در ۱۲۷۴ خورشیدی در نجف به دنیا آمد. پس از انقلاب مشروطه در ایران، خانواده سیدجواد از عراق به شمال غرب ایران مهاجرت کردند و در خامنه که کوچک‌ترین شهر از توابع شبستر در استان آذربایجان غربی است، ساکن شدند. شهر کوچک خامنه در ۷۲ کیلومتری شمال غرب تبریز قرار دارد و جمعیت آن هیچ‌گاه تا به امروز بیشتر از پنج هزار نفر نبوده است. در واقع شهر خامنه با افت شدید جمعیت نیز مواجه بوده است. در ۱۳۳۵ خورشیدی جمعیت این شهر ۴۸۰۰ نفر اعلام شده بود در حالی که در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن که پنجاه سال پس از آن انجام شد، جمعیت خامنه به ۲۷۵۰ نفر کاهش یافته بود. سیدجواد خامنه‌ای مدتی بعد به نجف بازگشت تا تحصیلاتش را در حوزه علمیه آن شهر به پایان برساند و پس از آن دوباره به خامنه بازگشت. حاصل ازدواج نخست وی سه دختر بود. پس از مرگ همسر نخست، به مشهد رفت و در آنجا با دختر آیت‌الله هاشم میردامادی نجف آبادی، به نام خدیجه میردامادی ازدواج کرد. خدیجه میردامادی مادر سیدعلی خامنه‌ای، نیز همانند پدر وی در عراق به دنیا آمد و سپس به همراه خانواده راهی ایران شد. سیدجواد خامنه‌ای و خدیجه میردامادی صاحب پنج فرزند به نام‌های سیدمحمد، سیدعلی، بدرالسادات، سیدهادی و سیدمحمد حسن شدند. سیدجواد، پدر سیدعلی خامنه‌ای در مشهد امام جماعت مسجد آذربایجانی‌ها شد و آموزش ابتدایی فرزندانش را خودش به صورت مکتب خانه‌ای در منزل به عهده گرفت. آنچه بیش از هر چیز در مطالعه زندگی‌نامه خامنه‌ای به چشم می‌خورد، نگرانی پدرش نسبت به رفتار، تصمیم‌گیری‌ها و آینده فرزند دومش سیدعلی است.

بر خلاف پسر ارشد خانواده سیدمحمد خامنه‌ای که در ماجراهای ملی شدن صنعت نفت فعال بود و در مدرسه علمیه حجتیه و حوزه علمیه قم تحصیلات مقدماتی دینی را پشت سر گذاشته بود، سیدعلی خامنه‌ای چندان موفق به نظر نمی‌رسید و نتوانسته بود اعتماد پدر را جلب کند. در موارد متعدد در زندگی‌نامه وی مخالفت پدرش با انجام کارهای مختلف دیده می‌شود. وقتی در هجده سالگی در ۱۳۳۶ خورشیدی، به همراه خانواده به نجف سفر کردند، تا در گردهم آیی بزرگ علمای شیعه جهت تشکیل نخستین حزب سیاسی شیعیان شرکت کنند، سیدعلی از پدرش خواست تا اجازه دهد وی در حوزه علمیه نجف بماند، اما با پاسخ منفی پدر مواجه شد و به مشهد بازگشت.

علاقه خامنه‌ای به اتحاد جماهیر شوروی و به خصوص شباهت‌های رفتاری با جوزف استالین، دیکتاتور سابق اتحاد جماهیر شوروی بسیار ریشه‌دار تر از علاقه به کشیدن پیپ در هر دوی آنها می‌باشد. خامنه‌ای به دفعات در دیدار با طرفدارانش نتوانست این عشق و علاقه خود به سرزمین شوراها و تاریخ این سرزمین را پنهان کند. فروردین ۱۳۸۹ در دیدار با اعضای دفتر ادبیات و هنر انقلاب حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، خامنه ای کتاب رمان دن آرام را به عنوان یکی از بهترین رمان‌های دنیا معرفی می‌کند. همچنین بارها رمان گذر از رنج‌ها نوشته الکسی تولستوی را به‌عنوان یکی از بهترین رمان‌های دنیا نام برده است و از همه طرفدارانش خواسته است که این رمان‌ها را بخوانند. وی در دیدار با مسوولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۷۶ می‌گوید:
«من بارها مثال قصه‌های انقلاب اکتبر را گفته‌ام. یکی کتاب گذر از رنج‌های الکسی تولستوی است که فوق‌العاده است، اینها داستان‌های انقلابی است.» خامنه‌ای هم‌چنین می‌گوید: «گمان می‌کنم که هیچ تاریخی از انقلاب اکتبر شوروی نمی‌تواند گویایی آن رمان‌هایی را که در باب این تاریخ نوشته شده، داشته باشد. اگر شما این رمان‌ها را خوانده باشید، می‌فهمید چه می‌گویم. مثلاً رمان دُن آرام را در نظر بگیرید. این رمان، یکی از رمان‌های تبلیغاتی مارکسیست‌ها در دوران اختناق رژیم شاه بود. این کتاب با این‌که رمان بود، اما به عنوان تبلیغ آن را به همدیگر می‌دادند و مطالعه می‌کردند! این‌ها به قدری خوب نوشتند و انقلاب را خوب تصویر کردند که شما در این کتاب‌ها می‌توانید ابعاد این انقلاب به آن عظمت را پیدا کنید.»

خامنه‌ای در تعریف و تمجید از این کتاب ناخودآگاه ماهیت دیدگاه قلبی اش را در مورد انقلاب اکتبر روسیه در ۱۹۱۷ میلادی که به روی کار آمدن لنین و استالین و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی انجامید بیان کرده است و آن انقلاب مارکسیستی را انقلابی عظیم و پر شکوه معرفی می‌کند. در ادامه تصریح می‌کند: «کتاب دن آرام یکی از بهترین رمان‌های دنیاست. البته جلد اولش بهتر است. این را من قبل از انقلاب خواندم. چرا من آخوند در یک کشور اسلامی کتاب دن آرام را می‌خوانم؟ اگر جاذبه نداشته باشد، اگر این کتاب لایق خواندن نباشد، یک نفر مثل من نمی‌رود آن را بخواند. اهمیت دُن آرام نوشته شولوخف، به خاطر این است که چفت و بند داستانی اینها خیلی محکم است، یعنی همه جای این داستان صحیح پیش آمده است.»

کتاب رمان «دن آرام» که خط اصلی قصه‌اش عاشقانه است، نمونه‌ای بارز از ادبیات رئالیسم سوسیالیستی، در اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. این داستان که با روایتی بسیار گیرا از برپایی سرزمین شوراها آغاز می‌شود، سال‌های پس از جنگ جهانی اول، انقلاب اکتبر و جنگ داخلی پنج ساله‌ای که میان روس‌های سرخ یا همان انقلابیون بلشویک و ضدانقلابیون سفید یا طرفداران بازگشت به امپراتوری روسیه در گرفت و در نهایت به پیروزی بلشویک‌ها انجامید را در ذهن خواننده تصویر می‌کند. نگارش دن آرام بیش از چهارده سال برای نویسنده‌اش زمان برد اما در نهایت سود سرشاری برای وی به همراه آورد. جوزف استالین، رهبر وقت شوروی از آن بسیار تمجید کرد و میخاییل شولوخوف، نویسنده این رمان تا عضویت در شورای مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیش رفت.

شاید برای طرفداران ولایت‌مدار خامنه‌ای باور پذیر نباشد، اما واقعیت این است که این هر دو رمان مورد علاقه خامنه‌ای یعنی «دن آرام نوشته میخائیل شولوخوف» و «گذر از رنج‌ها نوشته الکسی نیکولایویچ تولستوی» برای نویسندگان‌شان عالی‌ترین نشان افتخار در اتحاد جماهیر شوروی، یعنی جایزه دولتی استالین را به ارمغان آوردند. شولوخوف در سال ۱۹۴۱ میلادی و تولستوی در سال ۱۹۴۳ میلادی این جایزه را با افتخار از دستان جوزف استالین دریافت کردند. هر دو رمان بخشی از تبلیغات گسترده حکومت استالین برای مشروعیت دادن به انقلاب اکتبر و حوادث پس از آن است تا جنایت‌ها و خونریزی‌های بولشویک‌های انقلابی را در پس روابط عاشقانه قهرمانان داستان پنهان کند. هلن راپاپورت در کتاب زندگینامه جوزف استالین که در ژانویه ۱۹۹۹ میلادی منتشر شد، عنوان می‌کند که در دورانی که حکومت ترور و سانسور گسترده وی همه جا را فرا گرفته بود، چگونه ستایش و تایید شخصی استالین از رمان دن آرام نوشته میشائیل شولوخوف همه را غافلگیر کرد. حالا اگر به دورانی که خامنه‌ای رییس‌جمهور و پس از آن رهبر جمهوری اسلامی ایران است نگاهی بیاندازیم می‌بینیم. در همین دورانی که همه مقالات، اشعار و کتاب‌ها در راهروهای سانسور رژیم خامنه‌ای برای سال‌ها در صف انتظار می‌مانند، خامنه‌ای بارها و بارها رمان‌های عاشقانه‌ای را که در خدمت تبلیغ و تکریم انقلاب اکتبر در روسیه و تولد اتحاد جماهیر شوروی است، می‌ستاید و از طرفدارانش که بسیجیان معتقد به تعالیم اسلامی و خداباور هستند و هیچ انعطافی در برخورد با خدا ناباوران یا به تعبیر آنان کافران ندارند، می‌خواهد تا این کتاب‌ها را بخوانند که در مدح حکومت خدا ناباوران مشهور است! این تشویق، حیرت انگیز است.

اما ماجرای علاقه سیدعلی خامنه‌ای به انقلاب اکتبر روسیه چه بوده است، از کجا سرچشمه می‌گیرد و چه تاثیری در آینده زندگی سیاسی وی گذاشته است؟ سیدعلی خامنه‌ای در سال ۱۳۳۶خورشیدی در سن هجده سالگی از مشهد برای زیارت «عتبات عالیات» به همراه خانواده راهی شهر نجف در عراق می‌شود. پدر و مادر وی هر دو از اهالی این شهر بوده‌اند. پدرش متولد نجف بود و با این شهر آشنایی کامل داشت. تلاش خامنه‌ای برای تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه شهر نجف با مخالفت پدرش مواجه می‌شود. شبکه روحانیون شیعه از سراسر منطقه خاورمیانه برای ایجاد بزرگ‌ترین حزب شیعه به نجف و کربلا فرا خوانده شدند. بیستم مهر ۱۳۳۶ خورشیدی، برابر با دوازدهم اکتبر ۱۹۵۷ میلادی، متشکل از روحانیون سرشناس شیعه در نجف و کربلا تاسیس شد.سید مهدی حکیم، سید محمد حسین فضل الله و سید محمد باقر صدر از موسسین این حزب بودند. سید جواد خامنه‌ای پدر سیدعلی نیز از مشهد به همراه خانواده و پسرانش راهی نجف شد تا در این گردهمایی بزرگ سیاسی شیعیان حاضر شود. از جمله فعالیت‌های حزب الدعوه اسلامی عراق، تشکیل هسته‌های چریکی در ایران و دیگر کشورهای منطقه بود. برای نمونه، سید محمد کاظم بجنوردی که در شانزده سالگی عضو حزب الدعوه اسلامی شد، در ۱۳۳۹ خورشیدی برابر با ۱۹۶۰میلادی، برای نخستین بار جهت انجام ماموریت حزبی به ایران رفت و در قم مستقر شد. در ۱۳۴۱ خورشیدی، در

حالی که تنها بیست سال داشت، گروهی از جوانان شیعه شهر را دور هم جمع کرد و نام این مجموعه را حزب ملل اسلامی گذاشت. این گروه چریکی خیلی زود لو رفت و با دستگیری اعضای آن در ۱۳۴۴ از هم پاشید. سیزده سال بعد اعضای همین گروه منحله چریکی ، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی، هسته اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را شکل دادند و همگی عضو شورای فرماندهی آن شدند. به این شکل می توان ریشه تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران را در حزب الدعوه اسلامی عراق دانست. از دیگر اقدامات حزب الدعوه اسلامی عراق انتخاب طلبه‌های جوان علوم اسلامی برای معرفی آنها به دانشگاه پاتریس لومومبا در مسکو بود.

سیدعلی خامنه‌ای پس از بازگشت از نجف، تحت نظر برادرش به حوزه علمیه قم می رود و در سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲خورشیدی در آنجا به تحصیل علوم دینی می پردازد. در همین دوره حوادث و تحولات اعتراضی روحانیون در حوزه علمیه قم علیه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را که در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ خورشیدی، تجربه می کند. اعتراض اصلی روحانیون به این لایحه، و نخستین حضور رسمی روح‌الله موسوی خمینی که ۲۵ سال پس از آن انقلاب اسلامی ایران را رهبری کرد، در پانزده خرداد ۱۳۴۲ خورشیدی در ماجرای اعتراض به همین لایحه بود که به دستگیری و تبعید وی به ترکیه در ۱۳۴۳ انجامید. پس از تبعید خمینی فضای سنگینی از وحشت و سکوت بر حوزه علمیه قم حاکم شده بود. سیدعلی خامنه‌ای از طرف حزب الدعوه اسلامی عراق به عنوان یکی از طلبه‌های جوان مستعد برای اعزام به مسکو انتخاب می شود. آشنایی وی با سیدمحمدجواد فضل الله که برادر یکی موسسین حزب الدعوه بود، در انتخاب وی بی تاثیر نبود. سیدعلی با وی در دوران کوتاه اقامت در نجف آشنا شده بود. خانواده فضل الله که از شیعیان پر نفوذ در عراق و جنوب لبنان بودند که نقش محوری در تاسیس حزب الدعوه اسلامی عراق داشتند. سیدعلی به همراه سیدمحمدجواد فضل الله به شوروی می رود تا دوره مخصوص دانشگاه پاتریس لومومبا را بگذراند. اگر چه این مورد در سه دهه گذشته توسط بسیاری از کارشناسان سیاسی و پژوهشگران بارها مطرح شد، اما هیچ‌گاه سندی برای آن به دست نیامد و این بخش از زندگی خامنه‌ای به صورت یک راز و معمای حل نشده باقی مانده بود. دستکاری و تحریف تاریخی از سوی خامنه‌ای و بیت رهبری هم در سر به مهر ماندن این راز بزرگ از زندگی خامنه‌ای بی اثر نبود.

تناقض‌های فاحش در تاریخ‌نگاری رسمی از زندگینامه خامنه‌ای: با نگاهی دقیق و موشکافانه به زندگینامه خامنه‌ای که در وب‌سایت رسمی وی درج شده است، تناقض‌های آشکاری در تاریخ نگاری‌ها دیده می شود که گویای دستکاری عمدی در زندگینامه وی برای مخفی نگاه داشتن حضور خامنه‌ای در دانشگاه پاتریس لومومبا می باشد. با توجه به اسناد به دست آمده از دانشگاه پاتریس لومومبا، خامنه‌ای در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ خورشیدی، برابر با ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸ میلادی، در این مرکز به تحصیل مشغول بوده است. در زندگینامه رسمی سیدعلی خامنه‌ای از یک سو ادعا می شود که وی تمام این دوران چهار ساله را نزد پدر بیمارش در مشهد به نگهداری از سیدجواد خامنه‌ای مشغول بوده و در کنار آن به تحصیل و تدریس در حوزه علمیه مشهد می‌پرداخته است. از سوی دیگر همزمان در همان نوشته‌ها می‌بینیم که خامنه‌ای در فاصله همین چهار سال در تهران زندگی مخفی داشته است و حتی توسط ساواک دستگیر و زندانی هم شده است و در جای دیگر می‌بینیم که خامنه‌ای در این سال‌ها فراری بوده است و سازمان امنیت شاه، ساواک به دنبال وی بود. همه این روایات به زبان خود خامنه‌ای بیان می‌شود! این تناقض‌های فاحش تاریخی، توانسته بود برای سه دهه پژوهشگرانی را که سعی داشتند با مراجعه به زندگینامه رسمی سیدعلی خامنه‌ای از راز حضور وی در شوروی در دهه شصت سر در بیاورند، دچار سر درگمی کند. واقعیت اینست که هیچ‌کدام از این روایات درست نیست در بخشی با عنوان «تحصیل در حوزه علمیه قم» از زندگینامه رسمی سیدعلی خامنه‌ای در وب‌سایت وی که توسط بیت رهبری اداره می شود آمده است:

«آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۳ در حوزه علمیه قم به تحصیلات عالی در فقه و اصول و فلسفه، مشغول شدند و از محضر بزرگان چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی، شیخ مرتضی حائری یزدی و علامه طباطبایی استفاده کردند. در سال ۱۳۴۳، از مکاتباتی که رهبر انقلاب با پدرشان داشتند، متوجه شدند که یک چشم پدر به علت آب مروارید نابینا شده است، بسیار غمگین شدند و بین ماندن در قم و ادامه تحصیل در حوزه عظیم آن و رفتن به مشهد و مواظبت از پدر در تردید ماندند. آیت الله خامنه‌ای به این نتیجه رسیدند که به خاطر خدا از قـم به مشهد هجرت کنند و از پدرشان مواظبت نمایند. آیت الله خامنه‌ای بر سر این دو راهی، راه درست را انتخاب کردند. بعضی از اساتید و آشنایان افسوس می خوردند که چرا ایشان به این زودی حوزه علمیه قم را ترک کردند، اگر می‌ماندند در آینده چنین و چنان می‌شدند! اما آینده نشان داد که انتخاب ایشان درست بوده و دست تقدیر الهی برای ایشان سر نوشتی دیگر و بهتر و والاتر از محاسبات آنان، رقم زده بود. آیا کسی تصور می‌کرد که در آن روز جوان عالم پر استعداد ۲۵ ساله، که برای رضای خداوند و خدمت به پدر و مادرش از قم به مشهد می رفت، ۲۵ سال بعد، به مقام والای ولایت امر مسلمین خواهد رسید؟! ایشان در مشهد از ادامه درس دست برنداشتند و جز ایام تعطیل یا مبارزه و زندان و مسافرت، به طور رسمی تحصیلات فقهی و اصول خود را تا ۱۳۴۷ در محضر اساتید بزرگ حوزه مشهد بویژه آیت الله میلانی ادامه دادند. همچنین از ۱۳۴۳ که در مشهد ماندگار شدند، در کنار تحصیل و مراقبت از پدر پیر و بیمار، به تدریس کتب فقه و اصول و معارف دینی به طلاب جوان و دانشجویان نیز می‌پرداختند.»

همانطور که می‌بینید در این بخش از زندگینامه رسمی سیدعلی خامنه‌ای عنوان شده است که وی در فاصله سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ خورشیدی، تحصیل در حوزه علمیه قم را نیمه‌کاره رها کرد تا به مراقبت از پدر پیر و بیمارش بپردازد. چند پاراگراف پایین تر در همین بخش زندگینامه وی با عنوان «بازداشت سوم و چهارم» آمده است: «کلاس‌های تفسیر و حدیث و اندیشه اسلامی ایشان در مشهد و تهران با استقبال کم نظیر جوانان پرشور و انقلابی مواجه شد. همین فعالیت‌ها سبب عصبانیت ساواک شد و ایشان را مورد تعقیب قرار دادند. بدین خاطر در سال ۱۳۴۵ شمسی در تهران مخفیانه زندگی می‌کردند و یک سال بعد در ۱۳۴۶ شمسی دستگیر و محبوس شدند.»

چطور امکان دارد که در فاصله سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ خورشیدی، که به ادعای همین وب‌سایت، خامنه‌ای در مشهد به نگهداری از پدر در خانه مشغول بوده است، همزمان در تهران زندگی مخفی داشته باشد و دستگیر و زندانی هم شده باشد؟ آنچه مسلم است خامنه‌ای در تاریخی که ادعا می‌کند به مشهد رفته است تا از پدر بیمارش نگهداری کند و در محضر آیت الله میلانی به تحصیل فقه و اصول پرداخته و حتی تدریس هم می‌کرده است، واقعیت ندارد. آیت الله سیدحسین شمس خراسانی، آیت الله سیدمحمدباقر حجت و آیت الله سید ابراهیم علم‌الهدی که از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۴ شاگرد آیت‌الله میلانی بوده‌اند و در تمام دوره‌ها در کلاس‌های وی در حوزه علمیه مشهد حضور داشته‌اند، تاکید کرده‌اند که سیدعلی خامنه‌ای در فاصله سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ به هیچ عنوان نه تنها در کلاسهای درس آیت الله میلانی حضور نداشته است، بلکه حتی در حوزه علمیه مشهد و حتی در شهر مشهد هم دیده نشده است. سید احمد شمس، فرزند سید حسین شمس خراسانی، از قول پدر نقل می‌کند که این دروغی بزرگ است و خامنه‌ای در آن سالها نه در خانه پدرش در مشهد و نه در کلاس درس آیت الله میلانی نبوده است.

اسناد رسمی به دست آمده از دانشگاه پاتریس لومومبا نشان می‌دهند که تعداد زیادی از جوانان از سراسر دنیا در از آغاز دهه شصت میلادی تا امروز به مسکو رفته‌اند تا در این دانشگاه تحصیل کنند که البته بسیاری از آنها هم پس از بازگشت به کشورشان توانستند رده‌های بالای قدرت را کسب کنند. خامنه‌ای تنها یکی از صدها جوان بلند پروازی بود که برای شرکت در این پروژه بزرگ انتخاب شد. در آن سال‌ها از جمله مواردی که به دانشجویان دانشگاه پاتریس لومومبا و دیگر مراکز آموزشی کا گ ب تاکید می شد، این بود که پس از بازگشت به کشورشان باید همه رد پاهای مربوط به حضور در این دانشگاه را پاک کنند به جرات می‌توان گفت که تمام فارغ التحصیلان این دانشگاه در زندگی‌نامه‌های‌شان ترجیح می دهند هیچ اشاره‌ای به دوران تحصیل در آن نداشته باشند. سیدعلی خامنه‌ای در سن ۲۵ سالگی تصمیم می‌گیرد تا تصمیمی دشوار بگیرد و تحصیل در حوزه علمیه قم را که دیگر گویا برایش جذابیتی نداشت نیمه کاره رها کند و راهی سفری پر ماجرا شود. برای این سفر امکان خروج از مرز ایران بدون بر جا گذاشتن رد پا وجود نداشت و خامنه‌ای نگران بود که توسط سازمان امنیت شاه، شناسایی و دستگیر شود. خامنه‌ای به دنبال مسیری مطمئن و امن برای خروج از کشور بود که راه زمینی به دلایل مطرح شده در بالا مورد توجه نبود. مسیر پرواز هم بسیار گران و در عین حال تحت کنترل کامل نیروهای امنیتی شاه بود. به این ترتیب، بهترین گزینه موجود سفر با قایق از مرز شمال کشور برای رسیدن به ساحل اتحاد جماهیر شوروی بود. خامنه‌ای در تیرماه ۱۳۴۳ خورشیدی، حجره‌اش را در حوزه علمیه قم رها می‌کند و حتی اثاثیه‌اش را هم بر نمی‌دارد و راهی شرق استان مازندران می شود تا چند روزی را مهمان دو تن از دوستان قدیمی پدرش یعنی حاج محمد رجبی و حاج ابوطالب واثقی باشد. این دو متولیان مسجد گلشن در استر آباد یا همان گرگان بودند.

در سال ۱۳۴۳، بندر آستارا شهری مرزی میان ایران و شوروی بود که با چند دقیقه قایق‌رانی در دریای خزر (کاسپین) امکان تردد بین دو کشور وجود داشت.

خامنه‌ای همچنان برای سفر بزرگ زندگی‌اش به شوروی تردید داشت. در شب شانزدهم تیرماه ۱۳۴۳ حادثه‌ای رخ داد که وی را مصمم کرد تا این سفر را انجام دهد. موضوع این حادثه را خامنه‌ای دو روز بعد در هجدهم تیرماه ۱۳۴۳ در نامه ای رمز آلود برای پدرش شرح داد که این نامه کلید حل معمای تاریخ دقیق سفر وی به اتحاد جماهیر شوروی می باشد و البته با تمام اسناد به دست آمده از دانشگاه پاتریس لومومبا هم مطابقت دارد.

رمز گشایی از نامه خامنه ای به پدرش در آستانه سفر به اتحاد جماهیر شوروی ، ۱۸ تیرماه ۱۳۴۳

خامنه‌ای که هنوز برای سفر به شوروی تردید داشت، تصمیم می‌گیرد استخاره به قرآن بزند. در کتاب شرح اسم نوشته هدایت الله بهبودی که ناشر آن موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی وابسته به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است و به زندگینامه خامنه‌ای از ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۷ می پردازد، به این استخاره سرنوشت‌ساز اشاره شده است. در این استخاره آیه ۹۹ سوره یوسف از جز چهارم قرآن توجه خامنه ای را جلب کرد. ۲۳ خامنه‌ای در نامه ای به پدرش موضوع این استخاره را هم مطرح کرده و از سفری بزرگ که در پیش رو دارد با رمز و اشاره خبر می‌دهد و اینکه استخاره‌ای که برای این سفر زده، خوب آمده است. وی سفرش را به مهاجرت و خروج حسین ابن علی از مدینه و ورود پدر و مادر یوسف از کنعان به مصر تشبیه می‌کند. در ادامه ضمن بررسی متن کامل نامه سیدعلی خامنه‌ای به پدرش که آخرین نوشته وی پیش از سفر به شوروی بود، به رمزگشایی از بندهای مهم آن می‌پردازیم:

«بسم الله الرحمن الرحیم. جعلت فداک. امید است وجودات مقدسات در کنف حمایت حق در عین عافیت بوده باشد. حقیر هم له الحمد در کمال سلامت و مشغول به دعاگویی هستم . روز ۲۶ ماه صفر، پریروز، خبر آوردند که مأمورین شهربانی گرگان به دنبال واعظ محترم آقای خامنه‌ای در حرکتند و به هر جا که احتمال وجود آن نفس نفیس می رود، سری می زنند و خبری می‌گیرند. گویا علت آن بود که معظم له در چند منبر که در یکی دو مجلس حساس و با اهمیت استرآباد برای مردم تشنه آن سامان می رفته مطالبی گفته که در کام تلخ و بیمارگونه مأمورین دولتی خوش آیند نبوده و آنان را علیه او برانگیخته و به گرفتن او واداشته است. دوستان و ارادتمندان معزی الیه به تکاپو افتادند تا ردپای شیر را محو کنند و نگذارند در زنجیر افتد. هر جا مأمورین برخورد کردند راه را عوضی نشان دادند. گاه گفتند در شهر نیست و گاه وانمود کردند که فرار نموده است و خلاصه آخرین نفر خبر آورد که دو مأمور یکی شخصی و یکی اونیفورم پوش به مجلسی که ساعت یازده شب تشکیل می شده رفته و با ناراحتی فراوان اظهار داشته اند که کاش فلانی فرار کرده و رفته باشد که جان ما از صبح در پی یافتن او از تن کثیف خارج شده و دیگر قصد عودت ندارد! ناگفته نماند که مخلص از ظهر ۲۶ ماه که موضوع را فهمید از منزل مهماندار خود خارج شد و عصر و شب به مجلسی برای افادت نرفت. در مجالس حقیر تذکر داده شد که آقا مریض اند و تشریف نمی آورند. البته مأمورین دو مرتبه به در منزل هم آمده و جواب شنیده بودند که آقا نیستند. خلاصه، شب جمعی از دوستان در منزل جمع شده و صلاح دانستند که خرج الحسین من المدینه خائفاً کخروج موسی خائفاً یترقب را خوانده و تأسی به آن دو بزرگوار کنیم. بنده از این‌کار سخت ناراحت بودم ولی استخاره کردیم و آیه شریفه قال ادخلو مصر انشاءالله آمنین تردید را برطرف کرد. همان ساعت یکی از محترمین ماشین اش را آورد و سه ساعت از نیمه شب می گذشت که از شهر خارج شدیم تا یکی از شهرهای مازندران با وضعی آنچنان آمدیم و پس از آن با اتوبوس به طهران وارد گشتیم. حال دو سه روزی در تهران و قم خواهم ماند و سپس به دست بوس حضرات به مشهد می آیم انشاءالله تعالی. می‌خواستم اثاثیه‌ام را از قم بیاورم ولی فعلاً هم

وضعم آنچنان نیست که با استراحت خیال و فراغ بال این کار را انجام دهم و هم کلید اطاق قم را گم کرده‌ام. لذا باشد برای فرصتی در آینده. به آدمهای حسابی سلام برسانید و صورت ناحسابی‌ها را از طرف من ببوسید. ۲۸ صفر ۱۳۸۴ قمری – الاحقر علی الحسینی الخامنه.»

برای رمز گشایی از این نامه باید به کلیدهای گنجانده شده در آن توجه کرد. از آنجا که خامنه‌ای ماموران امنیتی شاه وی را دنبال می‌کنند نامه را به رمز برای پدرش نوشت و در آن توضیح داد که قصد سفر به خارج از کشور را دارد. در بخشی از نامه خامنه‌ای می‌گوید که در شب ۲۶ صفر ۱۳۸۴ قمری، برابر با ۱۶ تیرماه ۱۳۴۳، جمعی از دوستان در خانه ای در استر آباد، گرگان، گرد آمدند و شعری دعا گونه خواندند با مضمون «خرج الحسین من المدینه خائفا کخروج موسی خائفا یترقب!» این بخشی از یک قصیده معروف عربی است که البته خامنه‌ای کلمه پایانی آن‌را غلط نوشته است و به جای «یترقب» باید می‌نوشت «یتکتم». این قصیده را جعفر حلی در مدح و ثنای امام حسین، امام دوم شیعیان نوشته است. ۲۵ این بیت مخصوص به ماجرای خروج امام حسین از مدینه برای رفتن به سمت کوفه اشاره دارد که در نهایت به شهادت وی و خانواده‌اش در صحرای کربلا می‌انجامد. در مصراع دوم هم اشاره می‌شود به خروج موسی از شهر برای حفظ جانش که یکی از داستانهای معروف قرآن است و در آیات ۲۰، ۲۱ و ۲۲ سوره قصص و آیه ۴۰ سوره طه بیان شده است. ۲۶ ترجمه فارسی این بیت که خامنه‌ای به آن اشاره می‌کند می‌شود اینکه امام حسین از مدینه با ترس و نگرانی خارج شد همانطور که موسی پیامبر از شهر با ترس و نگرانی خارج شد. خامنه‌ای در نامه به پدرش با این کلمات و اشعار رمز می‌گوید که همه دوستان موافق بوده‌اند که وی باید کشور را ترک کند و حتی اگر ترس و نگرانی هم دارد، باید به پیشوایان امور دینی تاسی جسته و از آنان در این هجرت پیروی کند. اما آنطور که به صراحت در نامه می‌نویسد، خامنه‌ای هنوز نگران است، برای همین تصمیم می گیرد تا برای این سفر بزرگ استخاره‌ای به قرآن بزند. نکته اینجاست که سیدعلی خامنه‌ای در زمان نوشتن این نامه نه در مشهد که خانه پدری اش آنجا بوده است و نه در قم که به تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه آن شهر مشغول بوده است، حضور دارد. وی در زمان نوشتن این نامه و انجام استخاره مذکور، در سفر بوده است. خامنه‌ای در شهر گرگان، استرآباد، مهمان بود. پرسش اینجاست که وقتی خامنه‌ای در سفر بود و در شهری ما بین مشهد و قم به سر می‌برد، برای کدام سفر بزرگ و نگران کننده‌ای به قرآن استخاره می‌زند؟

پاسخ را به روشنی در مطالب رمز آلود ادامه نامه می‌توان دریافت. خامنه‌ای برای پدرش می نویسد که در استخاره به قرآن، با آیه ۹۹ سوره یوسف مواجه شد و تردیدها و نگرانی اش بر طرف شد و تصمیم گرفت که پا به راه این هجرت بزرگ بگذارد. آیه‌ای که خامنه‌ای به آن اشاره می‌کند، مربوط به هجرت پدر و مادر یوسف پیامبر از شهر کنعان به مصر می باشد و اینکه یوسف پدر و مادرش را گرم در آغوش گرفته و به آنها می‌گوید که به خواست خداوند می‌توانند در آرامش و امنیت به مصر وارد شوند. مصر در دوران یوسف پیامبر امپراتوری بزرگی بود و خامنه‌ای از اینکه در استخاره‌اش برای سفر به امپراتوری شوروی آیه‌ای می آید که از ورود پدر و مادر یوسف به امپراتوری مصر استقبال می کند، هیجان زده شده و بلافاصله عزم را جزم کرده و همان نیمه شب راهی گیلان می شود تا از آنجا از مسیر دریایی به سبک امام حسین و موسی پیامبر، مخفیانه به خارج از کشور هجرت کند! اما نکات دیگری هم در این نامه به چشم می‌خورد که ارتباطی با موضوع سفر وی به شوروی ندارد اما بررسی آنها خالی از لطف نیست. خامنه‌ای در این نامه با به کار بردن الفاظی چون واعظ محترم، نفس نفیس، معظم له، شیر، معزی الیه و آقا در مدح و ثنای خویش، خودپرستی و نارسیسیزم مزمن را در شخصیت خود به نمایش می گذارد. همان روحیاتی که ۲۵ سال بعد وقتی بر تخت رهبری و ولایت فقیه تکیه می زند، آثار مخربش نمایان می گردد.

توئیت صفحه رهبرانقلاب درباره مقایسه دو کتاب: مقام معظم رهبری تأکید کردند که کتاب «گذر از رنج‌ها» نوشته آلکسی تولستوی در به تصویر کشیدن انقلاب بهتر از کتاب «دن آرام» میخائیل شولوخوف است.
به گزارش مهر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری در صفحه منتسب به ایشان در شبکه اجتماعی توئیتر، در مقایسه دو شاهکار معروف ادبیات روسیه درباره انقلاب اکتبر این کشور در سال ۱۹۱۷، نوشتند: کتاب «دن آرام» شولوخوف را خوانده‌ام که کتاب خوبی است اما کتاب «گذر از رنج‌ها» از آلکسی تولستوی در به تصویر کشیدن انقلاب، بهتر است.
رمان سه جلدی «گذر از رنج‌ها» نوشته آلکسی کانستانتینوویچ تولستوی بر تجربه‌های گرانبها و تاریخی مردم روسیه از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹ بنا شده و تصویرگر نشیب و فرازهای جنگ جهانگیر اول، انقلاب اکتبر و جنگ‌های داخلی است. همچنین کتاب «دن آرام» نوشته میخائیل شولوخوف از آثار جاودانه ادبیات جهان به شمار می‌رود که به شیوه رئالیزم اجتماعی به نگارش درآمده و رویدادهای یک دوره بسیار با اهمیت از تاریخ مردم روسیه را بازتاب می‌دهد.

طبق اين استدلال؛ ذكر امتيازات رمان يا فيلم و سريال غربي و بخش آنها در تلويزيون حكومتي ايران علامت وابستكي به امريكاست؟!!!

خلاصه عناوین فصول کتاب رفیق! آیت الله

پیشگفتار کتاب یکصد سال سرنوشت سرزمین کهن آریایی و همسایه شمالی ایران، و انقلاب بولشویکی و انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی.

در «فصل نخست» به تاریخچه جنگ سرد پرداخته شده است که ریشه آن در رقابت‌های بین دو قدرت بزرگ پیروز در جنگ جهانی اول یعنی روس‌ها و بریتانیایی‌ها برای تصرف هر چه بیشتر قلمرو امپراطوری عثمانی بود. عثمانی‌ها بازنده بزرگ جنگ بودند و ارزشمندترین غنایم به جا مانده از ارتش شکست خورده آن‌ها، سرزمین‌های تاریخی خاورمیانه و شمال آفریقا بود. وقوع انقلاب بولشویکی در روسیه که با پایان جنگ جهانی اول همزمان شده بود، این فرصت را در آغاز از روس‌ها گرفت که بتوانند بخشی از این قلمرو ارزشمند را تصاحب کنند و بدین ترتیب انگلستان و فرانسه دو قدرتی بودند که بیشترین سهم را از خاورمیانه بودند. روس‌ها پس از انقلاب ۱۹۱۷ میلادی با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، دوباره نگاهشان به بیرون مرزهای این امپراطوری نوپا افتاد. نفوذ خزنده آن‌ها در قلمروهای امپراطوری عثمانی، از بین‌النهرین تا فلسطین و از مراکش تا مصر شتاب گرفت. با شروع جنگ جهانی دوم، به بهانه اینکه ایران حامی آلمان نازی در جنگ بود، ارتش‌های شوروی و بریتانیا از شمال و جنوب به ایران وارد شدند و تمام کشور را اشغال کردند.
در «فصل دوم کتاب» با استناد به اسناد محرمانه‌ای که برای نخستین بار در این مجموعه منتشر می‌شود، اسامی برخی از شخصیت‌های قدرتمند سیاسی ایران ارائه شده است. همچنین خواهیم دید که عملا هر سه جریان تاثیرگذار در حلقه بسته قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته، در خدمت سازمان امنیت شوروی بوده‌اند. سیدعلی خامنه‌ای که رهبری جناح محافظه‌کار حکومتی را در اختیار دارد، سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها که پدر معنوی اصلاح‌طلبان حکومتی در ایران است و همچنین مجموعه‌ای از مشاوران نزدیک محمود احمدی‌نژاد از جمله کامران دانشجو، محمود ملاباشی و ارسلان قربانی که جناح محافظه‌کاران جدید را در ایران شکل داده‌اند، همگی فارغ‌التحصیلان دانشگاه پاتریس لومومبا در مسکو می‌باشند.
«فصل سوم کتاب» به معرفی دانشگاه پاتریس لومومبا یا همان دانشگاه دوستی ملل در مسکو می‌پردازد و تاریخچه‌ای از اقدامات این دانشگاه برای تربیت رهبران در خاورمیانه، آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی را بررسی می‌کند. در پایان فصل نگاهی گذرا به تاریخ یکصد ساله روسیه پس از انقلاب ۱۹۱۷ انداخته شده است همچنین به رویاهای ولادیمیر پوتین برای بازگرداندن امپراطوری شرق به قدرت اشاره شده است.
در «فصل چهارم کتاب»، به انقلاب در ایران در تابستان سال ۱۳۵۷ خورشیدی، پرداخته شده است. و همچنین اسنادی از تاریخ انقلاب اسلامی که گویای اقدامات یک تیم عملیاتی فرقان و نیز تیمي به سرپرستی مسعود کشمیری در این فصل دیده می‌شود.
«فصل پنجم» به تاریخچه تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از زاویه‌ای که تاکنون به آن پرداخته نشده است، اختصاص دارد. نحوه تشکیل هسته اولیه سپاه پاسداران

موضوع «فصل ششم»، نقش کلیدی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ماجرای حمله به سفارت ایالات متحده آمریکا در آبان‌ماه ۱۳۵۸ خورشیدی، در این کتاب می باشد. بر پایه اسناد معتبری که بیش از سه دهه پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران در دسترس قرار گرفته، نشان داده شده است که بسیاری از آن‌ها که دانشجویان پیرو خط امام خوانده می‌شدند، از اساس دانشجو نبودند و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران بودند که با هدایت یکی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه پاتریس لومومبا، یعنی سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها این عملیات را به انجام رساندند. به اسناد محرمانه سفارت ایالات متحده دست یافت، رویای شکست ناپذیری آمریکا را درهم شکست و ابرقدرت غرب را تحقیر کرد. مهمتر اینکه دست ایالات متحده از ایران کوتاه شد.
«فصل هفتم» کتاب پرده از یکی دیگر از رازهای بزرگ در پی انجام کودتایی برای سرنگونی رژیم نوپای جمهوری اسلامی
«فصل هشتم» کتاب به بازخوانی پرونده عملیات‌های تروریستی تابستان سال ۱۳۶۰ خورشیدی و ستاد ضد کودتای نوژه در انجام این ترورها می‌پردازد. ترور دکتر مصطفی چمران با همکاری مستقیم دو تن از فارغ‌التحصیلان دانشگاه پاتریس لومومبا سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها به اجرا درآمد. هفتم تیرماه آیت‌الله بهشتی به همراه بیش از هفتاد عضو ارشد حزب جمهوری اسلامی ترور شدند و هشتم شهریورماه محمدعلی رجایی رییس‌جمهور و محمدجواد باهنر نخست‌وزیر وقت، در انفجاری مشابه کشته شدند. حسن آیت، آیت الله قدوسی و بسیاری دیگر از آن‌ها حذف شدند. اما علیرغم همه اینها امریکا و شوروي سودي نبردند و به نتیجه نرسیدند
«فصل نهم» به حوادث پس از تابستان شصت تا زمان مرگ خمینی و انتخاب خامنه‌ای به عنوان ولی مطلقه فقیه اختصاص دارد. تاسیس وزارت اطلاعات، انحلال حزب توده با آغاز درگیری‌های درونی در تیم یاران خامنه‌ای و به ویژه اختلافات وی با نخست‌وزیر وقت میرحسین موسوی، ر فسنجاني و ماجرای ایران کنترا و عصبانیت خامنه‌ای که با وجود دارا بودن بالاترین سمت اجرایی در کشور از آن بی‌خبر مانده بود و انتقام تلخ از مذاکره‌کنندگان با فرستادگان رییس‌جمهور وقت آمریکا، برکناری آیت‌الله منتظری، مرگ مشکوک خمینی در آخرین هفته‌های ریاست جمهوری و طراحی برای دستکاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی، مباحثی هستند که در این بخش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.
«فصل پایانی» کتاب هم نگاهی گذرا و تطبیقی به اقدامات هر دو ابرقدرت شرق و غرب در آستانه انقلاب اسلامی و پس از انقلاب می‌اندازد. در سوی دیگر اقیانوس آتلانتیک، ابرقدرت غرب یعنی ایالات متحده آمریکا با مشکلات درونی فراوانی مواجه بود. جیمی کارتر جوان با تفکرات ایده‌آل گرایانه‌اش، به تازگی بر مسند ریاست‌جمهوری آمریکا تکیه زده بود و اقدامات وی در تمام جوانب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی چیزی از یک انقلاب کم نداشت. جنگ فرسایشی در ویتنام و رسوایی واترگیت که به استعفای رییس‌جمهور نیکسون منتهی شده بود، اعتماد به نفس دولت ایالات متحده را تا پایین‌ترین سطح ممکن رسانده بود و حالا عزل و نصب‌های کارتر تمام آنچه را که پس از جنگ جهانی دوم از ایالات متحده در جهان تصویر شده بود، به چالش می‌کشید. اقدامات کارتر سبب شده بود تا سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا در محاسباتشان از تحولات ایران دچار اشتباهات فاحش شده و عملا قدرت پیش‌بینی اتفاقات را از دست بدهند. در این میان شوروی موفق شده بود تا با یک کمپین گسترده دروغ، چنین وانمود کند که سقوط شاه و روی کار آمدن خمینی و روحانیون انقلابی در ایران نتیجه حمایت‌های رییس‌جمهور آمریکا و دیگر کشورهای غربی از خمینی بوده است.

در انتخاب منابع برای این کتاب تلاش شده است تا منابعی مورد استفاده قرار گیرد که به دور از حب و بغض‌های شخصی و گروهی، امکان بیرون کشیدن واقعیات تاریخی از زیر آوار جنگ روانی طرف‌های درگیر وجود داشته باشد. این فضای مسموم که ویژگی بارز دوران جنگ سرد بوده است، تحقیق و پژوهش دقیق و قابل اطمینان در خصوص هر موضوع سیاسی، اجتماعی و تاریخی مرتبط با این دوران را بسیار دشوار ساخته بود. به جای مراجعه به منابع وابسته به مخالفان حکومت و آپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی، به منابع درون حکومتی رجوع شده است و بر پایه مصاحبه‌ها و کتاب‌های خاطرات مقامات جمهوری اسلامی و همچنین تاریخ نگاری‌های رسمی، به بررسی تطبیقی آن‌ها با اسناد معتبر و خاطرات منتشر شده توسط افسران شوروی که مرتبط با همان دوره تاریخی خاص بوده‌اند، پرداخته شده است. به جرات می‌توان گفت تمام منابع مورد استفاده، برگرفته از اسناد رسمی منتشر شده توسط جمهوری اسلامی، دولت روسیه و منابعی از این دست می‌باشد همچنین اسناد محرمانه و طبقه‌بندی شده سازمان امنیت شوروی سابق، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و سازمان اطلاعات و امنیت مرکزی آمریکا که پس از سه دهه امکان انتشار یافته‌اند، در نگارش این کتاب و زدودن گردوغبار از حافظه تاریخ معاصر پس از انقلاب اسلامی در ایران، تاثیر فراوانی داشته است. از همه این موارد مهمتر اسناد محرمانه‌ای است که از دانشگاه پاتریس لومومبا یا همان دانشگاه دوستی ملل در مسکو به دست آمد و به طور اختصاصی و برای نخستین بار در کتاب رفیق آیت الله منتشر می شود

امیرعباس فخرآور - پانزدهم تیرماه ۱۳۹۴ خورشیدی واشینگتن دی سی!!!!

هرجقدر از تفاصيل حوادث و علل آنها مطلع باشيم، باز هم زواياي ناشناخته بسياري وجود دارد كه جاي شناختن و دانستن دارد، وقتي وقايع شناخته شده اين جنين باشد، ديكر چه برسد به وقايع ناشناخته يا داراى زواي بنهان و يا ابهامات، از جمله مصادفات و نزديكي حوادث و در كار آمدن برخي عومل شناخته وناشناخته كه اكر مبهم مطرح شود يا مبهماتي داشته باشد مي تواند سؤال برانكيز باشد: شهادت حاجاقامصطفى – اخراج امام از عراق – راه ندادن به كويت و حتى سوريه – اقمت امام در فرانسه – بند كو و كانال خبري انقلاب شدن بي بي سي و مونتيكارلو فرانسه - تماس امريكائيها و فرانسويها و ساير قدرتها به اطرافيان امام در فرانسه و ايران - وقوع حوادث بطور سريع – زوال حكومت شاهنشاهي و امريكايي - ترور شخصيتهاى مهم – شكست كودتا و توطئه هاى تجزيه ايران – نجات معدودي از شخصيتها از ترورها – جنك هشت ساله – زوال شوروي – و حمله صدام به كويت و حمله امريكائيها به صدام و زوال حكومت طالبان و القاعده و حكومت صدام دشمنان ايران و تشيع وووو ايران و انقلاب اسلامي و ملت مؤمن ايران استوار و سرافزار ماندن، و استفاده شدن از امكانات شرق و غرب در جهت حفظ كشور و ملت و نظام و حالا بعد جهل سال غرب و امريكائيها مي بينند كه رودست خورده اند و تلاشهاي هفتاد ساله شان در ايران بر باد رفته است، اكر اين انقلاب و نظام برامده شرق بوده جرا تا زوال شوروي از دشمني شرق و جنك مزدورشان صدام در فشار بود و اكر غربيها نفوذ دارند جرا بعد اين همه سال ناله شان از اين مرز و بوم و مردم و اين دين و مذهب به اسمان مي رسد، هركه رفته و هرجه بدست اورده اكر عليه شما بكار برده و شما را مايوس

كرده دستش مريزاد، و اكر نرفته و شما را بازي داده كه به اين مشغوليد باز بهتر، البته اشكالات موجود كه ملت و عقلاي جامعه و انقلابيون كهن را آزرده نموده؛ و از ساده انديشي و سطحي نكري برخي متصديان ناراحتند، و از اينكه بجاى فشار به دشمن؛ بر خوديها فشار مي اورند، جون با انها همسو در جهت تحليلها و راهكارهاي ضعيف و تنك نظريهايشان نيستند، اينها جيزيهايي است كه بايد اصلاح شود، و نبايد براى اخضاع متفاوتين؛ از سلطه شان سوء استفاده كنند، و دايره ايمان را به مؤيدينشان محدود كنند.

موسوی خوئینی‌ها:

هاشمی رفسنجانی در نقل خاطرات راه خطا رفته است/ در بیان خاطرات ایشان را تخطئه می‌کنم/ در استفاده از خاطرات هاشمی باید جانب احتیاط را پیش گرفت

دبیرکل مجمع روحانیون مبارز با اشاره به خاطره مرحوم هاشمی درباره خود گفت: اگر دیگر خاطرات ایشان تا این اندازه بی‌دقت باشد، در استفاده از آن‌ها همواره باید جانب احتیاط را در پیش گرفت.

سرویس سیاست مشرق - موسوی خوئینی‌ها دبیر کل مجمع روحانیون مبارز در کانال تلگرامی خود به سئوال یکی از مخاطبان که برگرفته از خاطره‌ای از هاشمی رفسنجانی است، پاسخ داده و بیان داشت که بایستی با احتیاط به این خاطرات نگاه کرد.

در کانال وی آمده است: خوانندهٔ محترمی پرسیده‌اند: «آیا پس از رحلت امام خمینی (ره) شما خواهان ریاست بر قوهٔ قضائیه بوده‌اید؟»

خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را؛ با همهٔ زحمت‌هایی که برای پیروزی انقلاب و پس از آن برای کشور و نظام کشید، و با همهٔ رنج‌هایی که در این راه متحمل شد، یک چیزهایی هم داشت که البته منحصر به او هم نبود، همه کم‌وبیش دارند که گفته‌اند گل بی‌خار خداست.

ایشان در خاطراتش نوشته است: «... به جلسهٔ رسمی برای تحلیف رفتیم. آقای موسوی اردبیلی و موسوی خوئینی‌ها هم بودند. به نظر می‌رسد از جایگزینیِ آقای یزدی ناراحت‌اند...» (هاشمی رفسنجانی: کارنامه و خاطرات 1368: بازسازی و سازندگی، به اهتمام علی لاهوتی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، 1391. ص 271)

و در جای دیگر نوشته‌اند: «آقای موسوی خوئینی‌ها آمد؛ خودم ایشان را خواستم ... از رهبری رنجیده، به خاطر اینکه ایشان را رئیس قوهٔ قضائیه نکرده است» (همان، ص 280)

در هر دو مورد، ایشان را تخطئه می‌کنم. اگرچه توصیه شده است که «أُذکروا موتاکم بالخیر» (از مرده‌هایتان به نیکی یاد کنید)، همین اندازه می‌گویم که اگر دیگر خاطرات ایشان تا این اندازه بی‌دقت باشد، در استفاده از آن‌ها همواره باید جانب احتیاط را در پیش گرفت.

من شواهد دیگری هم دارم که نشان دهم مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نقل این خاطره‌ها راه خطا رفته است، اما به همان اندازه هم که اشاره کردم مایل نبودم حرمت آن بزرگ شکسته شود.

بنده خواهان ریاست بر قوهٔ قضائیه نبودم. همچنین خواهان مَنصب دادستانی کل کشور هم نبودم. در سال 1358 هم که نامزدی نمایندگی مجلس به بنده پیشنهاد شد -و بیش از هر کسی مرحوم آقای هاشمی اصرار به نامزدی بنده داشت- باز هم خواهان نمایندگی مجلس نبودم، چون در تمام این موارد فکر می‌کردم از عهدهٔ این کارها برنمی‌آیم.

اظهارات اخیر خوئینی‌ها در حالی مطرح می‌شود که بعد از "مستند من روحانی هستم" که بر اساس روز نوشته‌های هاشمی تدوین شده بود، شنیده‌ها حاکی از آن بود که حسن روحانی نیز صحت خاطرات هاشمی رفسنجانی را زیر سؤال برده بود.

1- خدا رحمت كند مرحوم آيت الله منتظري را مي كفتند وقتي مي خواستند امام به آقاي خوئيني را منصب دادستان كل بدهند مانع شرط اجتهاد بود كه ظاهرا مستندي بر آن نبود، نهايتا به امام كفتند ايشان درس آقاي منتظري رفته است، امام از آقاي منتظري استفسار كرده بودند، ايشان كفته بودند بله مدتي درس آمده، امام برسيدند درس شما مي آمد آيا مي فهميد درس را؟ كفتم بله، كفتند اكر مي فهميده، براى شرط مزبور كافي است. = اين كل مستند علمي معظم له است، دروس تفسير شبيه فرقان مآبانه ايشان هم كه نوارهايش هست، و نياز به اثبات ندارد.
2- البته خاطرات مرحوم رفسنجاني بخش مهمي از ان جون محرمانه است منتشر نشده و با اطلاع از آنها بقيه متن مي تواند تعبير و تفسير شود، و آنجه منتشر شده هم بسيار روتوش شده با روحيه مصلحت انديشي و حفظ الغيب سياسي براى بسياري.، بجز اشكالات تكيه بر حافظه در شرح و تفصيل جزئيات كه بعدا انجام كرفته و مخلوط كردن برداشت با خاطرات و كزارش وقايع.
3- خاطره رفسنجاني از خوئيني، بخشي از مستندات كتاب رفيقنامه است، ...شروع تكذيبها.....

حادثه مهم سسیاسي ولي بي سروصداي خبري

جرخش 180 درجه هند در رابطه با فلسطین

مناسبات هند و اسرائیل به کدام سو می‌رود؟

قرارداد با صهیونیست‌ها برای مهار ایران و چین/ استقبال آمریکایی نتانیاهو برای نخست وزیر هند

نتانیاهو در جریان بازدیدهای نخست وزیر هند در کنار وی حضور داشت و مانند دو دوست به گشت و گذار در سرزمین‌های اشغالی پرداختند. در اسرائیل این اتفاق تنها درمورد سفرهای رئیس جمهور آمریکا انجام می‌شود.

سرویس جهان مشرق - نارندا مودی نخست وزیر هند چند روز پیش پس از ۷۰ سال، به تل آویو سفر کرد و در جریان این سفر که رسانه‌های اسرائیل آن را سفری تاریخی و آغازکننده مرحله جدیدی از مناسبات هند و اسرائیل توصیف کردند، با مقامات رژیم صهیونیستی دیدار کرد. بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی که از این سفر و دستاوردهای آن ذوق زده شده بود، در جریان بازدیدهای مختلف مودی در کنار وی حضور داشت و آنها برای نشان دادن عمق مناسبات فیمابین مانند دو دوست به گشت و گذار در سرزمین های اشغالی پرداختند. در اسرائیل معمولا این اتفاق تنها درمورد سفرهای رئیس جمهور آمریکا انجام می شود. **آنچه در این زمینه عجیب به نظر می رسد و نیاز به واکاوی آن احساس می شود، عمق مناسبات میان رژیم صهیونیستی و هند نیست، بلکه با توجه به سابقه هند به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین حامیان آرمان فلسطین این سوال مطرح است که چرا این میزان تغییر را در مواضع بین المللی هند مشاهده می کنیم؟ آیا این تغییرات تنها در نتیجه گرایش‌های شخصی مودی است، یا اینکه مجموعه‌ای از تحولات بین‌المللی و ناتوانی عربی در حمایت از آرمان خود در آن نقش آفرینی می کند؟ چرا کشورهای عربی نتوانستند از اهرم های قدرتمند خود در بازار انرژی ، هند را در اردوگاه کشورهای اسلامی نگه دارند؟**









سابقه روابط هند و رژیم صهیونیستی

با وجود اینکه آغاز به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی توسط هند به روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۵۰ می رسد و در آن زمان مقامات هندی دفتر تجاری رژیم صهیونیستی را در شهر بمبئی تأسیس کردند تا بر روند مهاجرت یهودیان هند و عراق و افغانستان به سرزمین‌های اشغالی نظارت داشته باشد، اما روند واقعی فعالیت‌های هند برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و فعال شدن کانال های دیپلماتیک کامل میان دو طرف و تبادل سفیر بین آنها به دوره پس از کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ باز می‌گردد که مصادف با فعالیت های تعدادی از کشورهای عربی برای امضای معاهده سازش با رژیم صهیونیستی بود.

در جریان سفر شیمون پرز به هند که در آوریل ۱۹۹۳ صورت گرفت، مناسبات دوجانبه در ابعاد مختلف بررسی شد و رژیم صهیونیستی سعی کرد به بهانه مبارزه با تروریسم مواضع هند را بر ضد ایران و پاکستان با خود همراه کند. پس از این سفر میزان تبادل تجاری بین دو طرف از ۲۰۲ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ به ۱۰۸۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ رسید. همکاری در زمینه گردشگری و حمل‌ونقل هوایی و علوم و کشاورزی و تکنولوژی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی و همکاری‌های اقتصادی از جمله ابعاد این مناسبات را تشکیل می‌داد.

علاوه بر ابعادی که در زمینه همکاری‌های دوجانبه با هند با رژیم صهیونیستی به آن اشاره شد، می‌توان به همکاری‌های دوجانبه در ابعاد نظامی و امنیتی اشاره کرد. این همکاری‌ها شامل قراردادهای فروش تجهیزات نظامی و سلاح و خدمات آموزشی و توسعه بود که از سال ۱۹۶۲ آغاز شده است. در جریان سفر پرز به هند در سال ۱۹۹۳ این مبادلات افزایش پیدا کرد.





در می ۲۰۰۰ نیز هند تلاش کرد سامانه دفاع ضد موشکی را از رژیم صهیونیستی خریداری کند. همچنین سامانه‌های ضدموشکی باراک از دیگر تجهیزات خریداری شده توسط هند بود که به قیمت ۲۵ میلیون دلار به این کشور واگذار شد. در جولای ۲۰۰۱ نیز دو طرف قراردادی به ارزش یک میلیارد دلار امضا کردند که در نتیجه آن هند سامانه‌های پیشرفته و هواپیماهای بدون سرنشین از رژیم صهیونیستی دریافت کرد. یک سال بعد نیز در سفر مجدد شیمون پرز وزیر خارجه وقت رژیم صهیونیستی به دهلی معامله دیگری به ارزش ۲۵۰ میلیون دلار بین دو طرف به امضا رسید.
هند در گذشته از حامیان مسائل کشورهای عربی از جمله آرمان فلسطین به شمار می‌رفت، اما با تقویت مناسبات تجاری و اقتصادی این کشور با رژیم صهیونیستی، حمایت از اوضاع فلسطین به حاشیه رانده شد و کار به جایی رسید که نیروهای مقاومت فلسطین از دیدگاه مقامات هند گروه های تروریستی قلمداد شدند. هند البته در اوایل هزاره سوم با وجود مواضع تندی که بر ضد نیروهای مقاومت اتخاذ کرده، همچنان در محافل بین‌المللی به نفع مصوبات مربوط به فلسطینی ها رأی می داد، اما این تغییر تا جایی بود که در جنگ اخیر رژیم صهیونیستی بر ضد غزه ، هند به عنوان یکی از تامین کنندگان تسلیحات صهیونیست ها مطرح بود و از رأی دادن به بیانیه شورای حقوق بشر سازمان ملل در محکومیت جنایت‌های اسرائیل در تجاوز به غزه در تابستان ۲۰۱۴ امتناع کرد.
تجربه تاریخی نشان داده است که کشور هند روند توسعه مناسبات خود با رژیم صهیونیستی را با نگرانی از واکنش افکار عمومی داخلی خود دنبال می‌کنند و هر زمان که سایر کشورهای عربی بویژه کشورهای مطرح از جنبه فکری گامی در راستای عادی سازی روابط خود با اسرائیل بر داشته اند، دهلی نیز به فعالیت‌های خود در این راستا ابعاد تازه‌ای داده است. از این رو ناگفته پیداست که در سالهای اخیر که رقابت بالایی در میان برخی رژیم‌های عربی برای ایجاد و توسعه همکاری‌های سیاسی و امنیتی با رژیم صهیونیستی به وجود آمده، هندی ها نیز ابعاد بی سابقه ای به این

مناسبات داده اند. البته روی کار آمدن نرندا مودی در ریاست جمهوری هند و گرایش های فکری و سیاسی وی در این زمینه بی تاثیر نبوده است.





اهمیت مناسبات هند و رژیم صهیونیستی

شکی نیست که مناسبات هند و رژیم صهیونیستی نیز مانند بسیاری از طرف‌های بین‌المللی دارای ابعاد مختلفی از منافع دوجانبه و چند جانبه است. در این میان اما، رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین برنده تقویت مناسبات با هند است. این رژیم، هند را شریک بزرگی برای خود می داند. هند شریک بزرگی است که منابع بی‌پایان و اقتصادی قوی دارد که جزو برترین‌های اقتصاد دنیا به شمار می رود. علاوه بر این که این کشور موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای برای اسرائیل دارد. هند گذرگاه ورود اسرائیل به دولت‌های جنوب شرق آسیا به شمار می‌رود که تا پیش از این به علت وجود دولت‌ها و گروه‌های بزرگ اسلامی هیچ راهی برای موجودیت و نفوذ اسرائیل در آنها وجود نداشت. علاوه بر اینکه به این ترتیب اسرائیل می‌تواند از رأی هند در محافل بین المللی نیز استفاده کند.

رژیم صهیونیستی با سوءاستفاده از حوادث و درگیری‌های فرقه‌ای به وجود آمده در هند سعی دارد مقامات دهلی را نسبت به موج اسلامی منطقه بترساند و این‌گونه وانمود کنند که دهلی از خطر تروریسم دور نیست. تل آویو این کلید واژه را سرفصل مناسبات خود با هند قرار داده و همواره بر این موضوع تاکید دارد. به همین علت است که هند به عنوان یکی از بزرگ‌ترین وارد کنندگان تسلیحات دفاعی، رژیم صهیونیستی را یکی از منابع اصلی تأمین این تسهیلات می‌داند. بنا بر اعلام رسانه‌های صهیونیستی ، دو طرف به صورت متوسط سالیانه بالغ بر یک میلیارد دلار قرارداد تسلیحاتی امضا می‌کنند. هند ده ها میلیارد دلار برای نوسازی تجهیزات نظامی خود جهت مقابله با چالش‌های موجود در برابر چین و پاکستان هزینه می‌کند و در این میان اسرائیل بعد از روسیه دومین شریک بزرگ نظامی هند به شمار می‌رود. **از دیدگاه اسرائیلی ها نیز هند بزرگترین بازار فروش تسلیحات به رژیم صهیونیستی ودومین شریک بزرگ اقتصادی این رژیم به شمار می رود.**





علاوه بر آنچه که ذکر شد، مناسبات هند با رژیم صهیونیستی برای تل‌آویو از ابعاد مهمی برخوردار است و این رژیم اهداف متعددی را از این همکاری‌ها دنبال می‌کند:

- تلاش برای مهار جمهوری اسلامی ایران از طریق مناطق جنوب شرقی و تحت‌الشعاع قرار دادن مناسبات تجاری و اقتصادی و نفتی این کشور با هند یکی از مهم‌ترین اهداف اسرائیل از توسعه مناسبات خود با دهلی است.
- رژیم اسرائیل سعی دارد از طریق تقویت مناسبات خود با هند، چین را به عنوان یکی از رقبای آمریکا و یکی از منتقدان سیاست‌های خود مهار کند.
- صهیونیست‌ها همچنین با این مناسبات به دنبال کنترل تحرکات اصول‌گرایی مخالف با خود در منطقه آسیای شرقی هستند.
- همکاری‌های نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی با هند مانند سایر کشورهای دیگر منطقه و جهان با هدف تقویت رویکرد نظامی اسرائیل و ایجاد اختلال در مقام صنایع نظامی و استراتژیک به نفع این رژیم دنبال می‌شود.
- رژیم صهیونیستی از طریق نقش آفرینی در بحران کشمیر و حضور در کنار هند در مناقشه با پاکستان سعی دارد، پاکستان را از درگیری های عربی- صهیونیستی خارج کند.

مناسبات امنیتی و نظامی هند و رژیم صهیونیستی

مهم ترین بعد روابط هند و رژیم صهیونیستی را می توان در مناسبات امنیتی و نظامی دانست. همکاری‌های نظامی دوجانبه تنها منحصر به تسلیحات و تجهیزات نظامی سنتی نمی‌شود، بلکه شامل همکاری‌های هسته‌ای نیز شده است. تاریخ مناسبات نظامی دو طرف به سال ۱۹۶۲ باز می‌گردد که توافق‌نامه همکاری‌های هسته‌ای در چارچوب مبادله تجربه و دانش هسته‌ای و سامان‌دهی دیدارهای دوجانبه بین دانشمندان دو طرف صورت گرفت. رژیم صهیونیستی همچنین از این مناسبات برای تأمین توریوم و اورانیوم مورد نیاز خود در صنایع هسته ای و تهیه کلاهک‌های اتمی استفاده کرد.



مناسبات اطلاعاتی و جاسوسی از دیگر ابعاد همکاری‌های هند و رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود که از طریق دیدارهای متقابل بین رؤسای اطلاعاتی اسرائیل با همتایان هندی خود تقویت شده است. شیمون پرز از این مناسبات تحت عنوان شبکه منافع امنیتی بین دو طرف و تداخل معادلات امنیتی در خاورمیانه و جنوب آسیا نام برده است. عوزی دیان مشاور امنیت داخلی رژیم صهیونیستی یک روز پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به هند سفر کرد تا در رابطه با تأثیرات بین‌المللی این اقدام تروریستی با وی صحبت کرده و زمینه را برای توسعه مناسبات امنیتی و جاسوسی بین دو طرف مهیا سازد.

یکی از ابعاد و همکاری‌های امنیتی بین دو طرف موضوع کشمیر است که اسرائیل در این رابطه و در زمینه فعالیت های جنبش های مسلمان پاکستانی در آن اطلاعاتی که از طریق ماهواره های آمریکایی به دست آمده را به دهلی می دهد و درمقابل از چتر پوششی جاسوسان خود در اراضی هند برخوردار شده است.





اهمال عربی و تغییر مواضع هند در قبال فلسطین

بی توجهی مودی در جریان سفر به سرزمین های اشغالی تنها منحصر به گرمی روابط وی با مقامات فلسطینی نبود، وی حتی خارج از عرف رایج بین المللی از پذیرش دعوت محمود عباس و سفر به فلسطین اشغالی نیز خودداری کرد تا عمق بی توجهی خود به موضوع فلسطین را اثبات کند.

عکیفا الدار تحلیلگر صهیونیست مسائل سیاسی سفر مودی به تل‌آویو را آغاز مرحله جدید در مناسبات بین دو طرف بر ضد موضوع فلسطین خواند و تأکید کرد که مودی در این سفر حتی در سخنرانی‌ها و دیدارهای خود با مقامات اسرائیلی به موضوع فلسطین اشاره نکرد. **الدار تاکید کرد که در این سفر قراردادهای به ارزش ۷ میلیارد دلار به امضا رسید که می‌تواند زمینه‌ساز پایان دادن به ۵۰ سال مواضع هند در حمایت از فلسطین و دشمنی با اشغالگری رژیم صهیونیستی در قدس و کرانه باختری باشد.**

وی عدم سفر وی به رام الله و عدم دیدار با محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان را اتفاقی دیگر در راستای تضعیف موضوع فلسطین و تغییر در موازنه قدرت در درگیری های عربی – صهیونیستی دانست، این در حالی بود که هند از گذشته یکی از حامیان آرمان فلسطین به شمار می رفت.





این تحلیلگر صهیونیست به رابطه این اقدام هند با مواضع رژیم آل سعود در عربستان مبنی بر همگرایی و عادی سازی روابط با اسرائیل پرداخت و تأکید کرد که اگر همگرایی سعودی‌ها با اسرائیل نبود ، هند به این صورت رفتار نمی کرد. **در شرایطی که بیشتر دولت‌های به ظاهر مسلمانِ کشورهای عربی رقابت تنگاتنگی برای احیای مناسبات سیاسی و اقتصادی و امنیتی و جاسوسی با رژیم صهیونیستی را به صورت پنهان و آشکار در دستور کار قرار دادند، نمی‌توان دولت هند را به واسطه این اقدامات ملامت کرد.** چرا که هند گرچه سیاستی در راستای اهداف فلسطین داشته است، اما کشوری است که به دنبال منافع خود است و در شرایطی که حتی رژیم های اسلامی آرمان فلسطین را از اولویت خود به کلی خارج کرده اند، نمی خواهد خود را قربانی این مبانی ارزشی کند.

جند نکته مهم:

1- روابط هند و دنياي اسلام روزه به روز ضعيفتر مي شود

2- جه از باكستان كه به عنوان دشمن و رقيب همواره در تنش هستند و بعد هفتاد سال هنوز از موضع تقابل اوليه بيرون نيامده اند

3- و جه كشورهاي عربي كه حامي تروريسم داخل كشمير هستند

4- كروهي كه در كشمير دركير با هند است جيزي شبيه طالبان وداعش است،

5- متاسفانه رسانه هاي داخلي جشم بسته انها را تاييد مي كنند در حاليكه شيعيان و مسلمانان غير تكفير در رنج هستند،

6- همين حمايتها موضع هند در برابر كل مسمانها را تشديد مي كند و فضاي قدرت هندوهای افراطي از جمله همين مودي نخست وزير فعلي را بيشتر مي كند

7- بر خي ساده لوحانه فكر مي كنند جون مودي نخست وزير هند ريش و بالتوي بدون كت و يقه انكليسي دارد حتما مكتبي است!!! در حاليكه اين تيب رسمي كشور هند است،

8- ميدان بيدا كردن حملات به مسلمانان توسط هندوهای افراطي در دوران همين مودي بيشتر شده به اسم خوردن كوشت كاو ووو در حاليكه دولت هندوي هند خودش صادركنند كوشت كاو است و 80 درصد انرا خود هندوها كشتار و توليد مي كنند ،

9- ضعف روابط اقتصادي كشورهاي مسلمان با هند، كه امروزه زير بناي اكثر مواضع و روابط سياسي است از عوامل ديكر مؤثر در فراهم شدن اين جرخش هند است

آیت‌الله واحدی مطرح کرد

چهارشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۶ ساعت ۱۴:۳۱

به گزارش جهان نیوز، "مرقوم شریف واصل، توفیق و تأیید جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. امید است ان‌شاءاللّه تعالی وجود شریف در آن محل شریف، موجب برکات و ترویج مذهب مقدس باشد"(صحیفه امام، 1349/04/16)

متن بالا نامه به شخصی است که نامش چندبار در صحیفه امام تکرار شده و ساکن سوریه بوده است. پس از مدتی پیگیری برای مصاحبه با نماینده امام راحل در سوریه و تولیت حرم حضرت سکینه بنت علی(ع)، برای دیدار ایشان در خانه‌ای در خیابان پیروزی تهران رفتیم. هرچند حال وی چندان مناسب نبود اما با متانت و روی خوش از ما استقبال کرد.

آیت‌الله سیّد احمد واحدی جهرمی متولد 1311 در جهرم است. وی از سال 1332، جهت ادامه‌ی تحصیلات از جهرم به قم رفت و ساکن آنجا شد و از محضر آیات میرزا هاشم آملی، شیخ عباسعلی شاهرودی، علامه طباطبایی و آیات عظام بروجردی و امام خمینی بهره برد.

وکیل شرعی امام در سوریه پیش از انقلاب بنا به دعوت عده‌ای از طلاب افغانستانی و پاکستانی ساکن در زینبیه به سوریه رفته، هرچند خودش درباره علت حضورش در سوریه روایت دیگری دارد. وی مدتی در این کشور تولیت حرم‌های مطهر حضرت زینب و حضرت رقیه(س) را عهده‌دار و امام جماعت صحن مطهر حضرت زینب بود.

سخن به حرم حضرت سکینه(س) که می‌رسد آه از نهادش بلند می‌شود و به گریه می‌افتد: چرا مزاری که سالها برای بازسازی آن زحمت کشیده بود توسط گروهک داعش تخریب شد. فعالیت مهم آیت‌الله واحدی در سوریه، احیاء و بازسازی قبر حضرت سکینه بنت علی در شهر داریا دمشق و عهده‌دار بودن تولیت آن مکان مقدس بوده است.

وی در سالهای پیش و پس از انقلاب اسلامی وکیل شرعی امام خمینی(ره) در سوریه بود و مورد احترام علما و بزرگان، رئیس جمهور و نخست وزیر، وزرا و قاطبه مسئولین حکومتی و مردم دمشق است.

از جمله آثار وی می‌توان به **"تعالیم الاسلام"، "الزواج الاسلامی"، "سلسله آباء النبی"، "عقل و دین"** و... اشاره کرد.

متن پیش‌رو مصاحبه با آیت‌الله واحدی است که از منظرتان می‌گذرد:

به نام خدا، باتشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، مبدأ ورود شما به حوزه علمیه قم از چه تاریخی بود و چه زمانی با حضرت امام خمینی(ره) آشنا شدید؟

بنده در سال 1332 به قم آمدم. البته همان ابتدا با امام(ره) آشنا نشده بودم. مدتی درسهای سطح داشتیم تا وقتی به درس خارج که درس امام باشد برسیم دو سه سال طول کشید. ما از سال 1336 با امام آشنا شدیم و گاهی خدمت ایشان می‌رسیدیم و ایشان هم به ما محبت داشتند. در درس خارج ایشان شرکت داشتیم، گاهی از نوشته‌های ایشان استفاده می‌کردیم یا از ایشان امانت می‌گرفتیم و برمی‌گرداندیم تا اینکه یک مقدار مبارزات شدت پیدا کرد و آقا با لحن بسیار تندی با شاه و دستگاه شاه در جلسه درسشان صحبت کردند. خیلی ایشان سخت جلو آمدند و شبانه آقا را گرفتند و بردند و ما همگی ناراحت و عصبانی شده بودیم و چاره‌ای نبود. قدرت دست شاه بود. ایشان را گرفتند و یکسره هم به ترکیه نبردند و یک شب در تهران ماندند.

امام را به بورسای ترکیه که شیعه دارد تبعید کردند. زمانی که من سوریه بودم بعضی از اهالی شهر بورسای ترکیه آمده بودند منزل من. یک پسر جوانی بود که 5 زبان بلد بود و می‌خواست در سوریه زن بگیرد. من را واسطه قرار داده بود ولی فرهنگشان یکی نبود و نشد و رفت ولی

الان گاهی به من سر می‌زند.
وقتی آقا آمدند عراق ما با ایشان مکاتبه داشتیم. گاهی اگر پولی می‌رسید به عنوان وجوهات می‌فرستادم و جواب نامه‌های ما را هم مرتب می‌دادند. یک شعر بلندبالایی هم من برای ایشان در آن زمان گفتم و از طریق فرزندم فرستادم. او هم پاریس ماند تا زمانی که آقا از پاریس آمدند ایران. پسرم هم آمد به سوریه و اخبار و گزارشات آنجا را برای ما آورد. پسر بنده با امام در فرانسه بودند و آقا هم به ایشان اظهار محبت کرده بودند و گفته بود پدر شما با من نامه‌نگاری دارد.
بعدها هم فتواهایی که می‌خواستیم استفتا می‌کردیم و ایشان هم جواب استفتاء ما را می‌دادند. چند بار هم در قم و جماران خدمت ایشان رسیدیم و اوایلی که هنوز در قم بودند بنده آنجا رفتم خدمت ایشان و عکسی هم با ایشان گرفتیم و باز هم ایشان دعا کردند که موفق شویم برای خدمت کردن.

شما در محضر مرحوم آیت‌الله بروجردی هم تلمذ کرده بودید؟
بله. یکسال در درس ایشان بودم. باب قضا و شهادات را تقریر کردم و زمان امتحان هم تقریراتم را نشان دادم. در هر صورت ایشان بعد از یکسالی که قضا و شهادات گفتند مرحوم شدند.

چه کسی عامل اختلاف امام و آیت‌الله بروجردی بود؟
رابطه مرحوم امام با مرحوم بروجردی چگونه بود؟
امام خمینی نسبت به آقای برجرودی ارادت و علاقه داشت منتها آقای بروجردی یک خادمی داشت که بعضی اوقات بدرفتاری داشت حتی من شنیدم امام خمینی گفته بود اگر آقای بروجردی این حاجی احمد(خادم مرحوم بروجردی) را بیرون کند ما حتی برای آقا ظرف آب پر می‌کنیم. تااین حد! آقای خمینی دارای قلب صافی بودند اما در وقت انتقام از دشمنان خدا هم حسابی شدید انتقام می‌گرفت.

شعری که بر دیوار فیضیه نقش بسته بود
در سال 42 در سالروز شهادت امام صادق(ع) به مدرسه فیضیه قم حمله می‌شود و در آن جریان یک طلبه هم به شهادت می‌رسد. شما آن زمان در فیضیه حضور داشتید؟
من آن زمان شیراز بودم. از جهرم آمده بودم شیراز که بیایم قم. همان شبی که به فیضیه حمله شد، ما در مسجد جامع شیراز که آیت‌الله دستغیب نماز می‌خواند بودیم و شنیدیم به مدرسه فیضیه حمله کردند و مورد هجوم شاه قرار گرفته است.
زمانی که برگشتیم دیدیم آثار خرابی، نکبت و شکستگی بر روی درها و حجره‌ها هست و در و دیوار دالان مدرسه پر از اشعار ضدشاه بود. یکی از شعرهایی که یادم هست روی دیوار فیضیه نقش بسته بود این بود "آشیانه منِ بیچاره اگر سوخت چه باک/ فکر ویران شدن خانه صیاد کنید" و مدرسه هم تا مدت زیادی تعطیل بود.

بعد از تبعید حضرت امام سال 43 شکل مبارزات حضرتعالی با رژیم شاه به چه نحوی بود و بیشتر با چه افرادی در ارتباط بودید؟
من مبارزه علنی نداشتم و مخفیانه بود ولی همزمان با مبارزات امام به انقلاب پیوستیم. من در جهرم منبری بودم. آنقدر انتقادات از دستگاه دولت و شاه می‌کردم که بعضی افراد من را نصیحت می‌کردند و می‌گفتند "کسی که این راه را به تو نشان داده است به تو نانی نداده است"! اما بنده می‌گفتم و ترسی هم نداشتم و طوری هم نشد.
"بر تو ای روح و روان باد سلام"
من شعرها گفتم، مقالات نوشتم و با افرادی مانند مرحوم آقای مشکینی و آقای خزعلی رفیق بودم و رفت و آمد داشتیم. من یک ضبط صوت در خانه داشتم -هنوز آن زمان ضبط صوت شایع نبود- این ضبط صوت را از قطر آورده بودند و سخنرانی‌های شهید آیت‌الله دستغیب را منعکس

می‌کردیم. یک شعری هم برای امام نوشتم با این مطلع که:
"بر تو ای روح و روان، بر تو و خلق جهان باد سلام/ برو ای روح و روان سوی وطن، بزدا غم، بزدا اهریمن، ریشه ظلم و ستم را برکن"
این شعر را فرستادم پاریس و آقا هم جواب دادند **"مرقوم شریف ضمیمه اشعاری که از طبع روان جنابعالی بود واصل گردید و سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستارم"** برای فوتشان هم به همان وزن یک چکامه‌ای فرستادم که خدا رحمت کند احمدآقا را گفت شما هر اثری دارید و هر شعری برای امام دارید بدهید که ما استفاده کنیم و من هم برای آنها فرستادم.

شما از حدود سال 53 به سوریه سفر کردید و نماینده حضرت امام بودید. در برخی سایت‌ها نوشته شده شما به دعوت طلاب شیعه به این کشور سفر کردید. علت عزیمت جنابعالی به سوریه چه بود؟
نخیر؛ داستانش مفصل است. بنده 15 سال به جهرم شهر خودم نرفته بودم و بعد از 15 سال رفتم آنجا و مردم خیلی احترام گذاشتند به من و خیلی استقبال کردند، خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله حق‌شناس عالم بزرگ و محترم جهرم به من گفت فلانی خدا می‌داند من یاد ندارم یک اهلِ علمی به جهرم آمده باشد که اینقدر مورد احترام و عنایت اهالی قرار گرفته باشد. ما یک دعواهای کهنه‌ای در جهرم داریم که خسته شدیم از بس کوشش کردیم این دعواها را بین مردم برطرف کنیم و اصلاح کنیم ولی نشده است.
تو می‌توانی این کار را کنی و با این محبتی که مردم به تو دارند و این حرف‌شنوی که نسبت به تو دارند موفق می‌شوی. اتفاقاً همینطور شد من دخالت کردم و بعضی از دعواهای 14 ساله بین مردم در یک محله را آشتی دادم. ماندن من در جهرم به جای 10 روز، یک ماه طول کشید و بعد 3 ماه طول کشید و بعد منتهی شد به تعطیلی مدارس. 4 فرزند داشتم 2تا کوچک و 2 تا هم محصل که مدرسه می‌رفتند، خلاصه مردم اصرار کردند که باید بمانی و حالا که مدارس تعطیل شده است، خانواده شما بیایند اینجا و چند ماه تابستان هم اینجا بمانید. بالاخره اصرار اینها سبب شد که من موافقت کنم خانواده من از قم بیایند.
خدا رحمت کند آیت‌الله شرعی(عضو ارشد جامعه مدرسین) شوهر خواهر من بود. من به آقای شرعی تلگراف کردم این همشهریان نمی‌گذارند من بیایم، آقای حق‌شناس هم به آقای شرعی تلگراف کرده بود که همشهریان مانع آمدن آقای واحدی هستند شما خانواده ایشان را مدتی بفرستید اینجا، ایشان برای خانواده من ماشین گرفتند و فرستادند و ما از جهرم آمدیم شیراز برای استقبال آنها، هرچه جستجو کردیم خبری از آنها نشد و بعداً به ما با احتیاط رساندند که یک ماشینی در راه چپ کرده است. وقتی من دیدم بچه‌های من نیامدند گفتم حتماً همان ماشینی است که چپ کرده است.
من را بردند در سردخانه و دیدم همسرم، مادرم، دخترم و سه فرزند دیگر آنجا هستند و از روی لباسشان شناختم. 6 نفر از خانواده من کشته شدند و من به داغ آنها مبتلا شدم.
وضع بسیار عجیب و غمزده‌ای ما داشتیم، شبها خوابم نمی‌برد و در حیاط راه می‌رفتم، کتاب می‌خواندم و گریه می‌کردم و رضا پسرم هم همیشه پیش من بود و از کنار من تکان نمی‌خورد. دیدم این بچه دارد از بین می‌رود. شنیده بودم در بیروت آسید حسن شیرازی یک مدرسه‌ای تاسیس کرده است. هم درسهای عربی می‌دهد و هم درسهای روز تدریس می‌کند. من این بچه را بردم بیروت تا روحیه‌اش خوب شود. بحمدلله روحیه‌اش خوب شد، 2، 3 سال آنجا بود و بعد آمد ایران.

طلبه‌ها دوره‌ام کردند و گفتند زندگی و جا نداریم!
من برای سرکشی به این بچه به لبنان و وسوریه می‌رفتم و گاهی هم حرم حضرت زینب(س) برای زیارت می‌رفتم. یک روز در صحن حضرت زینب یک عده طلبه افغانی و پاکستانی ریختند دور من و جمع شدند. سالی بود که ایرانی‌ها را از عراق بیرون می‌کردند. آنها گفتند ما را بیرون کردند، ما زندگی نداریم، جا نداریم، خرجی نداریم، شما می‌روید قم با آقایان درباره ما صحبت کنید تا به ما عنایت کنند. من هم چون خودم دلشکسته بودم زود دلم برای آنها شکست و تحت

تاثیر قرار گرفتم، آمدم با آقایان صحبت کردم. با آیات گلپایگانی و شریعتمداری و با افراد دیگر صحبت کردم. آیت‌الله شریعتمداری یک پول نقدی داد و گفت این را بین آنها تقسیم کن و بعد یک مقدار مختصری هم فرستادند. آقای گلپایگانی هم ماهی 8 هزار تومان برای 25، 26 نفر می‌داد. امام هم یک شهریه‌ای برای طلبه‌هایی که اطراف ما بودند فرستادند.
فعالیت من هم این بود کاروان‌هایی که از سوریه می‌آمدند آنجا، آنها را مهمان می‌کردم و روضهٔ برای آنها می‌خواندم و یک پولی به دست می‌آوردم. به مرور کمکم آنجا گسترش پیدا کرد. من با 24 نفر کارم را شروع کردم و بعد افزایش پیدا کرد تا حدود 200، 300 نفر شدند و آخرالامر حوزه علمیه من در آنجا حوزهٔ رسمی شد. نه کسی من را آنجا فرستاد و نه کسی من را طلب کرد، خودم به اختیار خودم و به ارادهٔ خودم چنین تصمیمی گرفتم. رفتم ماندم و موفق هم بودم.

بعد از آنکه حضرت امام فهمیدند شما در سوریه هستید از طرف ایشان در آن کشور نماینده شدید؟

بله؛ نامه‌نگاری بین من و امام بود. البته مقصود از نماینده، داشتن دفتر و حقوق و اینها نبود، دستخطی آقا برای من نوشته بود که من در امور شرعی دخالت کنم اما اینکه مکتب و کارمند داشته باشم خیر؛ خودم تک و تنها بودم.

نام حوزه علمیه‌ای که شما تاسیس کردید چه بود و آیا حوزه شیعه دیگری در سوریه وجود داشت؟

نام حوزه علمیه ما "الحوزه العلمیه الزینبیه" بود. آسیدحسن شیرازی هم خیلی موثر بودند ایشان برای طلبه‌ها اقامت گرفتند. من آنجا ادارهٔ درسی و حوزوی داشتم و وی فعالیتهای سیاسی بیشتر داشت.

رفت و آمد غرضی، چمران و منتظری به خانه‌ام در سوریه
در دورانی که شما در سوریه بودید، برخی مبارزین انقلابی از ایران به سوریه رفت‌وآمد داشتند از جمله گروهی که با شهید محمد منتظری همکاری می‌کردند. شما در آن زمان با این گروه‌ها ارتباطی داشتید؟

بله؛ جای آنها خانه من بود. آنها از دست رژیم شاه فراری بودند و آقای غرضی و دوستانش شبها در منزل من اجتماع می‌کردند. کیفهایشان دستشان بود و از دیوار شب‌ها وارد خانه من می‌شدند. خانواده من ایران بود و اینها خودشان می‌رفتند مطبخ اگر چیزی بود و پیدا می‌کردند، می‌خوردند. نامشان هم چیز دیگری بود یعنی مستعار بود. آقا محمد منتظری نام مستعار داشت، آقای غرضی هم همینطور تا اینکه انقلاب اوج گرفت.
یک بار هم کاردار سفارت شاهنشاهی در سوریه، دکتر مجد تلفن کرد و گفت من می‌خواهم بیایم نزد شما. گفتم بفرمایید و آمد در اتاق ما نشست. اتفاقاً صبح همان روز خدا رحمت کند مرحوم شهید چمران یک کیسه اعلامیه ضدنظام و ضد شاه آورده بود منزل ما. منزل ما هم محل پخش اعلامیه‌ها بود. کیسه را گذاشت و این آقا هم آمد در همین اتاق کنار کیسه اعلامیه‌ها نشست. بعد گفت من به شما احترام می‌گذارم شما مردی بزرگ هستید و باید به ایران بروید. به شاه گفتند شما در اینجا چریک برای خرابکاری می‌پروانید و به ایران می‌فرستید و از من توضیح خواسته است.
کاردار سفارت گفت: گویا باکی از پرورش چریک نداری!
لبخندی زدم و پرسیدم من اینجا چریک می‌پرورانم؟! گفت بله دیگر. گفتم من اینقدر جرات دارم و زرنگ هستم که چریک تربیت کنم؟! آن وقت مگر اینجا(سوریه) جای چریک پرورش دادن است؟ در جنوب لبنان بله ولی اینجا نه! گفت گویا باکی از چریک پرورش دادن ندارید؟(می‌خندد) گفتم من تعجب می‌کنم اینقدر بزرگ شدم که نام من به شاه رسیده است! گفت به مرگ دو بچه‌ام رسیده است.

با مرحوم حافظ اسد رئیس‌جمهور فقید سوریه هم مراوده داشتید؟

مراوده به آن معنا که نه چون من یک فرد عادی و غریبه بودم چطور با رئیس یک کشور مراوده داشته باشم اما چند تا دیدار با وی داشتیم. دیداری در قصرش داشتیم که خیلی به ما احترام گذاشت. آقای خلخالی آمده بود سوریه و با او رفتیم قصر ریاست‌جمهوری. من در کنار کرسی رئیس قرار گرفتم که بعضی حرف‌ها با من ردوبدل می‌شد..

حافظ اسد گفت "با برادران من رفت‌وآمد داشته باشید"

به هر کدام از ما یک قرآن تقدیم کرد و وقتی خواستیم خداحافظی کنیم، اشاره‌ای به من کرد که صبر کن. آقای خلخالی و محمد منتظری جلوتر رفتند. من عقب ایستادم و وی آهسته سرش را گذاشت کنار گوش من و گفت "آقا؛ شما با برادران من رفت و آمد داشته باشید". منظورش از برادرها علوی‌ها بودند. در جلسات دیگر هم که غیررسمی بود من ایشان را می‌دیدم و احوالپرسی می‌کردم.

دیدگاه آن مرحوم نسبت به جمهوری اسلامی و حضرت امام چه بود؟

در اجلاس غیرمتعهدها در دهلی، ایشان هم شرکت داشت و آنجا از امام و ایران رسماً صحبت و دفاع کرد. خیلی خوب درباره انقلاب ایران صحبت کرد. حافظ اسد به کل طرفدار ایران بود و خدمات مهمی در زمان انقلاب و جنگ در نقل و انتقال اسلحه داشت.

شما در سوریه تولیت حرم حضرت سکینه بنت علی(ع) را هم برعهده داشتید. از چه زمانی مسئولیت اداره حرم را برعهده گرفتید؟

در سال 1367 در سوریه یک قبری مربوط به اهل‌بیت پیدا شد. مردم آنجا می‌دانستند قبر اهل‌بیت است اما نمی‌دانستند برای کیست. استاندار آنجا مرد باقدرتی بود. ایشان آمد و از ما خواست رسیدگی به آن را قبول کنیم و قبر را بالا بیاوریم و درست کنیم و مزار شود. من آن قدرت را نداشتم چون پول می‌خواست و کار کوچکی نبود. خانه‌های اطراف در طرح بود که خریداری و جزو مزار شود و این از عهده من برنمی‌آمد.

رئیس مکتب(دفتر) حافظ اسد، "عدنان مخلوق" دنبال کار بود. آخرالامر با اعتراض به من گفت "هذه سِتُکم أو ستنا؟!" این بانو مربوط به ماست یا مربوط به تو است؟ تو باید شور و شوق داشته باشی و احساس داشته باشی. در هر صورت ما را وادار به این کار کردند. در برخی منابع حدیثی نامی از این بانو به چشم می‌خورد و با استناد به این روایات مشخص شد این بانو از فرزندان حضرت علی(ع) است.

ریشه‌های فتنه سوریه در آمریکاست

خدمت آقا هم آمدم و جریان را گفتم. ایشان فرمودند هر جا بقعه‌ای برای اهلبیت باشد برای ما ارزش و احترام دارد. خدا به حق حضرت سکینه از داعش نانجیب انتقام بگیرد. یک مزار بسیار قشنگ و خوبی درست کرده بودم که از نظر آینه‌کاری زیر گنبد شاهکار بود. محیط گنبد 14 معصوم نقش بسته بود. ریختند همه را خراب کردند. 20 سال زحمت کشیدم برای این کار و سفرهایی به مسقط و امارات و کویت برای کسب هزینه رفتم و تا حدی هم موفق شدم ولی متاسفانه الان خراب شد. خدا لعنت کند داعش را و کسی که داعش را تقویت می‌کند. ریشه‌های فتنه سوریه آمریکا است و از آمریکا سرچشمه گرفته است.

با امام موسی صدر هم در سوریه ارتباط داشتید؟

بله. ایشان هر از چند گاهی می‌آمدند سوریه و در یکی از غرفه‌های حوزه ما منزل می‌گرفتند و آنجا می‌ماندند. ما می‌رفتیم نزد ایشان و با ایشان مانوس بودیم. یادم است روزی که ایشان حرکت کرد برای لیبی که پس از آن مفقود شد من پیشش رفتم. محاسن بلند و قشنگی که داشت خیلی کوتاه کرده بود. گفتم چرا ریشت را کوتاه کردی؟ مناسب صورت شما نیست. گفت حالا می‌گذاریم دوباره بلند شود. بعد رفت و پیدایش نشد.

در زمینه وحدت شیعه و سنی هم اقداماتی داشتید؟

ما با شیعه و سنی رفیق بودیم و رفت و آمد داشتیم. سنی‌ها منزل ما می‌آمدند و گاهی از من مسئله می‌پرسیدند و من را به منزل‌شان دعوت می‌کردند.

با بشار اسد دیداری داشتید؟

بله؛ بشار اسد من را خیلی خوب می‌شناسد و در برخوردها هم خیلی اظهار محبت نسبت به ما می‌کرد. راجع به حضرت سکینه(س) هم ایشان خیلی ارادت داشت و کار ما را تایید می‌کرد.

نقش مدافعان حرم را در دفاع از حریم اهل‌بیت(ع) چقدر موثر می‌دانید؟

قطعاً خیلی موثر هستند و نگذاشتند حرم حضرت زینب لطمه‌ای بخورد. اما متاسفانه الان دیگر چیزی از حرم حضرت سکینه باقی نمانده است. گنبدی به آن بزرگی که مهندسین می‌گفتند هیچ گنبدی به آن نمی رسد، همه را نابود کردند. من 20سال زحمت کشیدم. الان گویا کمیته بازسازی عتبات حرم حضرت سکینه را هم در اولویت گذاشته است.

نظر رهبر انقلاب درباره زیارتگاه‌های اهل‌البیت(ع)

مقام معظم رهبری سفری به سوریه در زمان جنگ ایران و عراق داشتند. از آن سفر چیزی یادتان هست؟ نظرتان درباره مدیریت رهبر معظم انقلاب در جهان اسلام چیست؟

بله؛ در زمان حیات امام به سوریه آمدند و من خدمت ایشان رسیدم. بعد از رهبری هم با آقای خامنه‌ای به همراه آقای مهدوی‌کنی، مرحوم آیت‌الله شرعی خدمت ایشان رسیدیم و گعده دوستانه‌ای داشتیم. ایشان از شعرهای من تعریف کردند و گفتن چند شعر خوب سرودی و من دیدم.

منبع: تسنیم

«کنایه راهب بودایی به حکومت ایران» درباره مسلمانان میانمار

نقل از سایت مشرق: علیرضا قزوه، شاعر و از چهره‌های ادبی کشورمان به تازگی در یک پست اینستاگرامی با اشاره به دیدارش با یک همکلاسی بودایی خود در دانشگاه نوشت:

با دوست دوره دانشجوییام جینگ چونگ وان... این جینگ خان اصالتا مال طرفهای میانماره، البته اسمش یک چیز دیگه ای بود که ما به خاطر راحتی صداش می کردیم جینگ چونگ وان چون که علی رغم ظاهر آرامش با همه سر جنگ داشت و خیلی هم آدم رکی بود!

پدرش هم مثل خودش راهب بودایی بوده و اینها عادت دارن هر پنج سال خوراکشان را عوض کنند و گیاهخوارند. پدرش الان خوراکش خیار با پوست و از سال آینده لوبیای سبز نپخته است! جینگ اما عاشق هویج و گوجه فرنگی و کدو تنبله و عادت داره به رنگ لباسش غذا بخوره، در درس ها هم اصلا موفق نبود و تنبل ترین شاگرد کلاس مان او بود. همیشه وقت امتحان از روی دست من تقلب می کرد و در مذهب اینان تقلب اتفاقا خیلی هم پسندیده است و حتی ثواب هم دارد . بعد مدتها در میدانی در شهر سئول دیدمش. می گفت الان غذایش آب هویج و پوست کدوی سرخ است و کماکان خام خوار است و در معبدهای میانمار عبادت می کند!

قزوه در ادامه می‌نویسد:

گفتم مرد حسابی! از رفاقت با ما خجالت بکش! این همه سال در هند من و تو در باب مهربانی و خدمت به خلق و عدم آزار و اذیت ادیان دیگر حرف زدیم بعد تو درست در این روزهایی که در کشورت دارند مسلمانان را زنده زنده می سوزانند خفقان گرفته ای و رفته ای مشغول عبادت شده ای در معبد؟ توی کمرت بزنند! و با مشت کوبیدم توی کمرش!! خلاصه این جینگ به واسطه همان مشت کمی متحول شد و قرار شد برود از طریق رییس معابد بودایی کشورش یک اقداماتی انجام بدهد! خیلی هم ناراحت شد و از آنجایی که مشغول عبادت و خوردن هویج و پوست کدو بود خیلی خبرها به او نرسیده بود!

در ادامه پست اینستاگرامی قزوه می‌خوانیم:

«خلاصه دیروز ایمیلش رسید، در کمال تعجب نوشته بود که من به بودایی ها و رهبرشان یک اعتراضی نوشتم اما خبرهای این حادثه را پیگیری کردم از طرف خود مسلمانان و مخصوصا انقلابیون دولت خود شما هم هیچ اعتراضی نشده، و انگار تمام نگرانی های کشور شما دعواهای سیاسی چپ و راست است! آخرش هم عکس یک هویج را فرستاده و گفته ما هویج می خوریم اما بعضی از مدعیان مسلمان امروز به اندازه هویج هم نیستند»!

این شاعر کشورمان در خاتمه می‌نویسد: البته از این حرفش خیلی ناراحت شدم و الان می خواهم جوابش را بدهم، یحتمل خواسته با این حرفش آن مشتی را که به کمرش زدم جبران کند! الان مانده ام به این جینگ خان چی بگم که هم روش کم شه هم خدا را خوش بیاد!

سایت مشرق وابسته به سپاه: *متأسفانه دولت یازدهم و آقایان روحانی و ظریف در تریبون‌های رسمی، تقریباً اشاره‌های مؤثری به مظلومیت و کشتار مسلمانان روهینگیا در کشور میانمار ندارند. این مسئله را البته بایستی در کنار برخی سؤالات از دولت آقای روحانی راجع به «محور مقاومت» و نیز «کشتار شیعیان در نیجریه» هم قرار داد. کما اینکه مشاهده می‌کنیم از جانب دولت اعتدال، کنش دندانگیری در قبال زندانی شدن شیخ زکزاکی، رهبر شیعیان نیجریه دیده نمی‌شود و حتی در دیدار رسمی محمدجواد ظریف با مقامات نیجریایی نیز بر اساس آنچه در رسانه‌ها گزارش شد؛ این مسئله مورد اشاره قرار نمی‌گیرد.

1- موضوع كوتاهي ايران در مواضع ضد كشورهاي وابسته به بلوك شرق سابقا (از يوگسلاوي تاآلباني تا ارمنستان تا ميانمار و ايالت ختن وسيانكيانك جين) جيزي است كه فرارت از دولتهاست و همواره بوده است،

2- دولتها كه مي ايند و مي روند و در كوچكترين امور مورد نهيب بالادستيها هستند اكر خلاف شرعي بوده جرا سكوت كرده اند؟ و موضع حكومتي نكرفته اند، بقدري كه در برابر كشورهای امريكايي وابسته كرفته مي شود،

3- اكر عذري داريد كه همزمان از مبارزه در دوجبهه ناتوانيد، ديكر انرا در تصفيه حسابهای داخلي بكار نبريد همه سروته يك كرباسيد.

4- جرا سباه موشك به ميانمار و هرجا كه دولت ضعيف برخورد كرده شليك نمي كند أي انقلابي ها؟ و جرا خطبه های جمعه و نهيبهاي بالادستي در وقت فشار مسلمانان در كشورهای وابسته به بلوك شرق بطور سرتاسري اتفاق نمي افتد، بقدر حمايت از اعتصاب بابي ساندز ايرلندي؟ 4- دولت اجازه نداشته و الا با جهره امريكايي و غرب زده كه برايش درست مي كنيد حتما بايد موضع مي كرفت. خيلي در اين مسائل وارد نشويد كه خاطرات و اسناد طرف مقابل منتشركند آنوقت سنك روي سنك بند نشود

5- اكر رئيس جمهور نيجريه اينجا مي ايد و به ديدار رهبري مي رود و بعج از بركشتش ان كشتار اتفاق مي افتد در نيجريه، در اين واقعه دولت متهم است يا حكومت؟ كدام ناتوان هستند؟ يك حرفهای تفرقه افكنانه را نزنيد كه از آنطرف صداي مظلومين هم به كوش مردم برسد، كه نحوه صحبتهاي بالادستي بارئيس جمهور تانزانيا سبب وحشت آنها و خال كردن كينه شان بر مردم مظلوم شيعه نجريه و رهبرشان شيخ زكزاكي شد.

6- جالب است كه دوستي يا راهب بودايي همسو با جنايتكاران بودايي ميانمار نه تنها عيب نيست بلكه افتخار است و مستند مي شود برای كوبيدن همديكر، يعني تا اين حد بايد همديكر را بكوبيد حتی با مطرح كردن راهبان بودايي جنايتكار آن هم در قالب ترحم برانكيز هويجخور حتی از حيوان كشتن دريغ دارند، توئي كه اينها را نوشتي آنها را توجيه مي كني!!!